

فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در

حسابداری

(نشریه پژوهشی)

دوره ۴، شماره ۱، (پیاپی ۱۳)

بهار ۱۴۰۴

شاپا: ۱۷۰۷ - ۲۸۲۱



صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
مدیر مسئول: دکتر فرزانه حیدرپور
سرمدبیر: دکتر زهرا پورزمانی
مدیر داخلی: دکتر امیررضا کیقبادی
ویراستار علمی: دکتر زهره حاجیهها
ویراستار ادبی: دکتر امیررضا کیقبادی
نسخه خوان: هلن محمدزاده
ناظر فنی: آقای رضا قاسمی

اعضای شورای تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر زهرا پورزمانی	استاد حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر آریتا جهانشاد	دانشیار حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر فرزانه حیدرپور	استاد مدیریت مالی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر مهدی صالحی	استاد حسابداری	دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر یحیی کامیابی	استاد حسابداری	دانشگاه مازندران
دکتر ساسان مهرانی	استاد حسابداری	دانشگاه تهران
دکتر غلامحسین مهدوی	استاد حسابداری	دانشگاه شیراز

آدرس: تهران، انتهای بلوار ارتش، خیابان شهید سوهانی، بالاتر از میدان سوهانک، مجتمع دانشگاهی ولایت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

تهران مرکزی. کدپستی: ۱۹۵۵۸۴۷۸۸۱ تلفن و دورنگار: ۷۳۶۸۱۴۵۲ (۰۲۱)

وب سایت: jdaa.iauctb.ac.ir

- لیتوگرافی و چاپ: سازمان چاپ و توزیع دانشگاه آزاد اسلامی
- مطالب عنوان شده در مقالات بیانگر نظرات نویسندگان است و لزوماً نظرات نشریه نیست.

این فصلنامه به استناد رای پنجاهمین جلسه کمیسیون تعیین اعتبار نشریات حوزه علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۹۹/۷/۱۴ مجوز انتشار گرفته است.

فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

داوران این شماره عبارتند از :

- دکتر محمد امیری اسرمی
- دکتر فاطمه احمدی
- دکتر رحمت اله آزاد
- دکتر کاوه آذین فر
- دکتر ساسان بابایی
- دکتر محمد علی بیداری
- دکتر کاوه پرندین
- دکتر زهرا پورزمانی
- دکتر آریتا جهانشاد
- دکتر فرزانه حیدر پور
- دکتر ایمان داداشی
- دکتر علی نعمتی

راهنمای تدوین مقاله در فصلنامه "قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری"

هدف از انتشار فصلنامه "قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری حسابرسي" دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، توان‌افزایی از طریق پیوند میان خدمات آموزشی و پژوهشی بوده است. از این‌رو آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی در زمینه حسابداری مالی، حسابرسي، بورس اوراق بهادار و هرگونه نظریه نوین در مباحث ذکر شده، مورد استقبال این فصلنامه قرار خواهد گرفت تا پس از مراحل ارزیابی و تأیید نهایی، برای چاپ استفاده گردد.

بایستی نکات زیر، برای ارسال مقاله‌ها، مورد توجه پژوهشگران محترم قرار گیرد:

- (۱) محتوای مقاله با اهداف نشریه متناسب بوده (تشخیص این مورد بر عهده هیئت تحریریه است) و حاصل مطالعات، تجربه‌ها و پژوهش‌های نویسنده باشد.
- (۲) فصلنامه عمدتاً مقاله‌های پژوهشی را می‌پذیرد.
- (۳) مقاله ارسال شده در هیچ همایشی ارائه نگردیده باشد و قبلاً در هیچ نشریه‌ای چاپ و یا هم‌زمان، به نشریه‌های دیگر فرستاده نشده باشد.
- (۴) فصلنامه در انتخاب، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های دریافتی آزاد است.
- (۵) مسئولیت آراء و نظریات ارائه شده در مقاله‌ها برعهده نویسندگان است و چاپ مقاله به معنی تأیید مطالب آن نیست.
- (۶) مقاله روی کاغذ A4 و فقط در یک روی کاغذ چاپ شود.
- (۷) در متن مقاله تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به‌اندازه کافی رسا نباشد، عین کلمه لاتین در پانویس آورده شود.
- (۸) ارسال سه نسخه چاپی از مقاله تایپ شده، حداکثر در ۱۶ صفحه، با نرم‌افزار MS Word ویرایش ۲۰۰۷ یا ۲۰۱۰، فونت B Nazanin سایز ۱۱ به همراه CD مقاله و چکیده انگلیسی، الزامی است. همچنین ارسال از طریق پست الکترونیکی faar.iau@gmail.com امکان‌پذیر می‌باشد.
- (۹) صفحه اول مقاله باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:
عنوان مقاله، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی، عنوان شغلی یا مرتبه دانشگاهی و تخصص، ذکر نام دانشگاه (در صورتیکه عضو هیئت علمی می‌باشید)، آدرس کامل منزل همراه با کدپستی، تلفن تماس (منزل و همراه)، پست الکترونیکی نویسنده (نویسندگان). لازم به ذکر است مشخصات نویسندگان صرفاً در این صفحه درج شود (ذکر کلیه موارد فوق به‌صورت فارسی و انگلیسی الزامی است).
- (۱۰) صفحه دوم مقاله شامل عنوان مقاله، چکیده مقاله (حدود ۱۵۰ و حداکثر در ۲۰۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر ۵ واژه مرتبط) می‌باشد.

(۱۱) بخش‌های بعدی شامل مقدمه، چارچوب نظری، پیشینه و تحقیقات مرتبط، بیان مسأله و فرضیه‌ها، روش اجرای تحقیق، ارائه و تجزیه تحلیل یافته‌ها، تشریح و ارزشیابی نتایج و نتیجه‌گیری می‌باشد. پی‌نوشت‌ها و یادداشت‌های توضیحی در پایین هر صفحه مربوط به آن پی‌نوشت آورده شود.

(۱۲) جدول به تعداد محدود با شماره و عنوان مشخص در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن در اندازه ۱۵*۱۱ و مناسب برای چاپ باشد.

(۱۳) شکل‌ها، نمودارها و تصاویر به تعداد محدود با شماره و عنوان، توضیح و منبع مشخص در زیر آن در اندازه ۱۵*۱۱ و مناسب برای چاپ باشد.

(۱۴) برای ارجاع منابع در متن مقاله به شرح زیر عمل شود:

(۱۵) از " نام خانوادگی نویسنده - تاریخ - شماره صفحه" در متن برای ذکر کارهای دیگران استفاده شود. اگر به دو یا چند اثر یک نویسنده در یک سال اشاره شود، می‌توان بعد از سال از عبارت "الف" و "ب" یا "a" و "b" استفاده کرد.

(۱۶) فهرست منابع استفاده شده (ابتدا منابع فارسی و سپس منابع خارجی) به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی و بدون شماره با توجه به الگوی زیر درج شود:

- کتاب تألیف شده: نام خانوادگی نویسنده، نام، سال انتشار کتاب، عنوان کتاب (نوبت ویرایش یا چاپ)، محل نشر، نام انتشارات.
- کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ ترجمه، عنوان کتاب به فارسی، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر، ناشر، (تاریخ انتشارات به زبان اصلی).
- مراکز آماری: نام مرکز آماری، نام نشریه آماری، سال‌های استفاده شده، نام اداره یا دفتر منتشر کننده آمار.
- مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره، شماره، ماه، سال.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان مقاله به‌طور کامل، [تاریخ کامل انتشار مقاله]، [ذکر اصطلاح online]، <آدرس کامل منبع>، [تاریخ کامل دسترسی به مقاله].
- عنوان کتاب و عنوان نشریه به‌صورت Bold تایپ شود.

(۱۷) صفحه آخر مقاله شامل عنوان مقاله، چکیده مقاله (حدود ۱۵۰ و حداکثر در ۲۰۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر ۵ واژه مرتبط) به زبان انگلیسی با قلم 11 Times New Roman می‌باشد

فهرست مطالب

۱-۲۶	• بررسی تأثیر هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی محمدحسین ستایش، مینا صادقی، یونس مسعودی و الیاس دهداری
۲۷-۶۲	• مدیریت در لحن افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام: پیامدهای تداوم انتخاب ... مهدی بشیری جویباری و یحیی کامیابی
۶۳-۹۰	• بررسی رابطه بین نوآوری و ریسک ورشکستگی با تأکید بر نقش بیش اطمینانی و توانایی مدیران مجید گرگی زاده، سید علی واعظ، بابک عابدی صدقیانی و سید عزیز آرمن
۹۱-۱۱۸	• ارائه الگوی مؤلفه‌های مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ سازمانی و سیستم گزارشگری مالی ... میثم مقصودی آشتیانی، وحید آرائی و محمدرضا ربیعی مندجین
۱۱۹-۱۳۴	• آینده پژوهی کاربرد هوش مصنوعی در حسابرسی: از منظر علم و فناوری اطلاعات فرهاد عزیزی
۱۳۵-۱۶۲	• واکاوی نقش گزارشگری پایداری در کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران یاسمن خلیلی، محمد تقی کبیری، کرامت الله حیدری رستمی و ابوالفضل مؤمنی یانسری
۱۶۳-۱۸۸	• تأثیر کمایش ایگو بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان زهره نظیفی، علی‌رضا مهرآذین، احمد زنده دل و ابوالقاسم مسیح‌آبادی



بررسی تاثیر هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی

محمد حسین ستایش^۱

مینا صادقی^۲

یونس مسعودی^۳

الیاس دهداری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

چکیده

مطالعات گسترده‌ای به بررسی و شناسایی عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی، هم در سطح حرفه‌ای و سازمانی و هم در سطح ویژگی‌های فردی، پرداخته‌اند. با این حال، هوش راهبردی به عنوان یک مولفه اساسی در تصمیم‌گیری‌های افراد تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی نقش هوش راهبردی و ابعاد آن (شامل آینده‌نگری، تدوین چشم‌انداز، تفکر سیستمی، مشارکت و انگیزه) در ارتقا و بهبود کیفیت حسابرسی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از توزیع پرسشنامه بین شرکا، سرپرستان، مدیران و حسابداران در استخدام موسسه‌های حسابرسی استفاده شد. نتایج به دست آمده با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که هوش استراتژیک و ابعاد تدوین چشم‌انداز، تفکر سیستمی، مشارکت و انگیزه آن تاثیر مستقیم و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارند. با این حال، تاثیر بعد آینده‌نگری بر کیفیت حسابرسی مورد تایید قرار نگرفته است. بنابراین، هر چه هوش راهبردی و ابعاد چشم‌انداز، تفکر سیستمی، مشارکت و انگیزش آن در بین حسابرسان بیشتر باشد، کیفیت حسابرسی نیز بهبود خواهد یافت. به عبارتی دیگر، هر چه سطح کاربرد مفاهیم ابعاد هوش راهبردی بهتر باشد، منجر به ارتقای کیفیت حسابرسی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: هوش راهبردی، کیفیت، حسابرسی، گزارشگری.

۱ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول). Setayesh@shirazu.ac.ir

۲ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. Mina_sadeghi96@yahoo.com

۳ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. younes.masoudi@mail.um.ac.ir

۴ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. El.dehdari@gmail.com



۱- مقدمه

کیفیت خدمات حسابرسی یکی از عواملی است که در رابطه با بحران‌های مالی اخیر و ورشکستگی شرکت‌های بزرگ شناسایی شده است. به عبارتی، کیفیت حسابرسی از طریق بهبود کیفیت گزارش‌های مالی، نقش اساسی در تحلیل بازار و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها دارد (رمضانی و همکاران، ۱۴۰۱). از سویی دیگر، یک سیستم نظارتی مناسب، مدیریت موفق را نیز به همراه خواهد داشت که به نوبه خود مستلزم دریافت اطلاعات می‌باشد تا بینش فرد را نسبت وضعیت موجود فراهم کند. از سویی، حسابرسی به‌عنوان یک ساز و کار اجتماعی جهت کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به‌عنوان ابزار نظارتی دولت‌ها محسوب می‌شود. حسابرسان به‌عنوان یک سازمان یا فرد مستقل و بی‌طرف در روابط اقتصادی، طرف‌های قراردادهای جهت کاهش مخاطرات بالقوه اطلاعات عمل می‌نمایند و اطمینان خاطر و آرامش تصمیم‌گیران و عموم جامعه را فراهم می‌آورند. در حقیقت، حسابرسان از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی، تضمین قابلیت اتکا و تأیید کیفیت اطلاعات مالی، موجب حمایت از حقوق تمام ذینفعان شرکت می‌شوند (ستایش و همکاران، ۱۳۹۵). البته جایگاه حرفه حسابرسی خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است و وظیفه اصلی حسابرسان ارائه گزارش حسابرسی با کیفیت به جامعه است (نوشادی و همکاران، ۱۳۹۸).

در یک شرکت حسابداری دولتی، نقش یک حسابرس مستقل از اهمیت بسیاری برخوردار است. حسابرسان اشخاص ثالث مستقلی هستند که برای ارزیابی صورت‌های مالی لازم است. تحقق پاسخگویی و شفافیت در گزارش‌های مالی، نقش حسابرس است. حصول اطمینان از دقت بودن گزارش‌های مالی و پیروی از استانداردهای قابل اجرا نیز نقش حسابرس است. همچنین، ارائه ضمانت‌ها و قابلیت اتکای صورت‌های مالی شرکت و ارائه شواهدی مبنی بر عاری بودن صورت‌های مالی از تحریف بااهمیت، وظیفه حسابرس مستقل است. این موضوع می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد، زیرا صورت‌های مالی توسط یک حسابرس مستقل حسابرسی شده است (ساراگیو و راپینا^۱، ۲۰۲۲).

بر اساس رسوایی‌هایی که در حسابداران عمومی رخ داده است، مردم نسبت به عملکرد، صداقت و عینیت حسابرس مستقل تردید دارند. در واقع، حرفه حسابرس مستقل، حرفه‌ای است که باید عاری از نقض اصول اخلاقی و تحریف بااهمیت باشد (ساراگیو و راپینا، ۲۰۲۲). بر اساس نظر تریچلر^۲ (۲۰۱۳)، شکست‌های حسابرسی رخ داده بر کاهش کیفیت حسابرسی یک حسابرس مستقل تأثیر می‌گذارد. ارائه اطلاعات کامل و دقیق، کشف تحریف‌های بااهمیت و مستقل بودن در گزارش تخلفات صورت‌های مالی، نوعی کیفیت حسابرسی است.

¹ Saragih & Rapina

² Tritschler

دی‌آنجلو^۱ (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را به‌عنوان احتمال ارزیابی بازار از تحریف‌های موجود در صورت‌های مالی تعریف نموده که توسط حسابرس کشف و گزارش شده است و تا به امروز اکثر تعریف‌های کیفیت حسابرسی به رغم تفاوت‌ها، برخی از ویژگی‌های دی‌آنجلو (۱۹۸۱) را منعکس می‌کنند.

هر حسابرس مستقل ملزم به داشتن توانایی و مهارت در ارزیابی صورت‌های مالی برای ارائه نتایج حسابرسی با کیفیت است. توانایی و مهارت‌های حسابرس با درک شرکت صاحبکار، شناسایی تحریفات با اهمیت و پیروی از استانداردهای قابل اجرا در حرفه حسابرس مستقل مورد سنجش قرار می‌گیرد. کیفیتی که حسابرس مستقل دارد می‌تواند گزارش‌های مالی را با دقت و نظارت تنظیم کند (ساراگیو و راپینا، ۲۰۲۲).

بهبود هر چه بیشتر کیفیت گزارش حسابرسی می‌تواند پاسخی مناسب به انتقادهایی باشد که امروزه حسابرسان به علت فروپاشی شرکت‌های مطرح و رسوایی‌های مالی و لغزش‌های اخلاقی با آن مواجه‌اند (حساس یگانه و عموزاد، ۱۳۹۹). به منظور ارتقاء سطح کیفی گزارش حسابرسی، توجه به قضاوت حرفه‌ای حسابرسان و چگونگی برخورد آنها با جامعه و شرکت‌های مورد رسیدگی بسیار حیاتی است (حساس یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹). در این بین، شناخت مؤلفه‌های حسابرسی در راستای افزایش کیفیت حسابرسی از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهشگران بسیاری به موضوع کیفیت حسابرسی و عوامل موثر بر آن پرداخته‌اند و در این رابطه عوامل مختلفی را نیز شناسایی نموده‌اند. افزون بر این، پژوهشگران توجه ویژه‌ای به هوش راهبردی داشته‌اند. با این حال، مطالعات در خصوص استفاده از هوش راهبردی جهت گزارشگری مالی و ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر، بسیار محدود می‌باشد. به عبارتی، درک اینکه چگونه هوش راهبردی به‌عنوان یک ویژگی فردی حسابرس بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد، موضوع مهمی است که تاکنون مورد تحقیق و مطالعه قرار نگرفته است. از همین رو، این مطالعه با هدف بررسی تاثیر هوش راهبردی و ابعاد مختلف آن بر کیفیت حسابرسی صورت گرفته است.

۲. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

شفافیت در عصر کنونی جهانی شدن مستلزم صلاحیت یک شرکت در ارائه صورت‌های مالی است. اصول حسابداری باید در ارائه صورت‌های مالی به کار گرفته شود تا بتواند مورد استقبال طرف‌های مرتبط با تصمیم‌گیری قرار گیرد. شفافیت در صورت‌های مالی از طریق بهبود کیفیت حسابرسی حاصل می‌شود. کیفیت حسابرسی یکی از مهمترین موضوعات در حرفه حسابرسی است. اگر حسابرس بتواند تعریف‌های بااهمیت موجود را شناسایی و گزارش کند، فرآیند حسابرسی با کیفیت بالاتری در نظر گرفته می‌شود (محمد و حبیب^۲، ۲۰۱۳). علی‌رغم این که نمی‌توان تعریف جامعی از کیفیت حسابرسی به دلیل چند بعدی بودن آن ارائه نمود، با این حال چند ویژگی مشترک وجود دارد که در اغلب تعریف‌های بیان شده است. به عبارتی، تعریف مشترک کیفیت حسابرسی که دی‌آنجلو (۱۹۸۱)

¹ DeAngelo

² Mohamed & Habib

نیز به آن اشاره کرده به این صورت است که، کیفیت حسابرسی به معنی احتمال شناسایی و کشف تحریف‌های موجود در گزارش‌های مالی می‌باشد که این وظیفه بر عهده حسابرس می‌باشد (رمضانی و همکاران، ۱۴۰۱). در واقع، کیفیت حسابرسی همان مبنای کیفیت گزارشگری مالی و این عمل حسابرسان در شرایطی که با کیفیت بالا انجام گیرد، یقیناً صورت‌های مالی فاقد تقلب و تحریف‌های با اهمیت خواهد بود. از سویی دیگر، کیفیت پایین حسابرسی نیز می‌تواند هزینه‌هایی را برای تمام ی‌نفعان به همراه داشته باشد (علی‌اکبری و وقفی، ۱۴۰۰).

اطلاعات مربوط به ارائه صورت‌های مالی باید دارای دو ویژگی اساسی مرتبط و قابل اعتماد بودن باشد. برای دستیابی به این معیارها، صورت‌های مالی تولید شده توسط حسابداران داخلی شرکت نیازمند بررسی بیشتر است. این کار توسط یک حسابدار عمومی یا حسابرس خارجی انجام خواهد شد (پیناتیک^۱، ۲۰۲۱).

وظیفه حسابرسی بررسی و ارائه نظر در مورد عادلانه بودن صورت‌های مالی یک واحد تجاری بر اساس استانداردهای تعیین شده است. بر اساس موارد فوق، حسابرسان موظف به حفظ کیفیت حسابرسی هستند. کیفیت حسابرسی را می‌توان به روش‌های مختلفی از جمله توانایی حسابرسی در کشف و گزارش تحریف‌ها، برآورده کردن الزامات قانونی و حرفه‌ای و برآورده کردن نیازهای سرمایه‌گذاران، تعریف کرد. اگرچه تعریف و اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی ممکن است دشوار باشد، نیاز به حسابرسی با کیفیت بالا به طور جهانی حائز اهمیت و شناخته شده است. حسابرسی با کیفیت بالا باعث افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود و در نتیجه به بازارهای مالی کارآمد کمک می‌کند (دیکینز و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

کیفیت حسابرسی اغلب یک عامل تعیین کننده مهم در ارتباط ارزش اطلاعات حسابداری در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. دی فوند و ژانگ^۳ (۲۰۱۴) کیفیت حسابرسی بالاتر را به عنوان اطمینان بیشتر از کیفیت گزارشگری مالی بالا تعریف کردند. کیفیت حسابرسی با افزایش اعتبار گزارش‌های مالی، کیفیت گزارش‌های مالی را بهبود می‌بخشد. بنابراین کیفیت حسابرسی جزء مهمی از کیفیت گزارشگری مالی است.

مطالعات گذشته عوامل مختلفی را در خصوص کیفیت حسابرسی شناسایی کرده‌اند. یکی از عواملی که می‌تواند بر کیفیت حسابرسی تأثیر بگذارد، هوش در ابعاد مختلف، به ویژه هوش راهبردی، است (شیخ‌ادریس^۴، ۲۰۲۳). در رابطه با مفهوم هوش تعریف جامع و واحدی وجود ندارد. با این حال در یک تعریف جامع‌تر، هوش شامل مجموعه‌ای از توانمندی‌ها توانایی‌ها است که قابلیت استفاده از پدیده‌های رمزی یا قدرت و رفتار موثر و یا سازگاری با موقعیت‌ها و شرایط جدید و یا تشخیص حالات و کیفیت‌های محیطی را به فرد می‌دهد. به بیانی دیگر، هوش به معنای تفکر عاقلانه، عمل منطقی و رفتار موثر در محیط می‌باشد (احمدی و پورزمانی، ۱۴۰۳).

¹ Pinatik

² Dickins et al

³ DeFond and Zhang

⁴ Sheikhidries

هوش راهبردی نیز در تعریف، شامل جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل داده‌های محیطی و توزیع این اطلاعات در مورد استراتژی سازمان‌ها است (کوسا^۱، ۲۰۱۱). اطلاعات استراتژیک شامل قوانین، امور مالی و مالیاتی، گستره سیاسی و اقتصادی و منابع انسانی سازمان‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، هوش استراتژیک یا راهبردی، رفتار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سازمان‌ها را مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهد. هوش راهبردی با عواملی مانند چشم انداز استراتژیک، منابع انسانی و اجتماعی و مسائل اقتصادی و سیاسی سازمان‌ها ارزیابی می‌شود (گاببر^۲، ۲۰۰۷).

به طور خاص، هوش راهبردی به سیستم برنامه‌ریزی استراتژیک و تصمیم‌گیری استراتژیک سازمان‌ها وابسته است. با تعریفی دیگر، هوش راهبردی به‌عنوان مفهومی تعریف می‌شود که به طور گسترده با هوش سازمان، استراتژی‌های سازمان، منابع استراتژیک سازمان و مدیریت استراتژیک مرتبط است (راسل^۳، ۲۰۰۷). در واقع از نظر برخی پژوهشگران، هوش راهبردی مفهومی فراگیر و چند جانبه است که تعریف ثابت و مشخصی برای آن وجود ندارد (مک‌کوبی و اسکادر^۴، ۲۰۱۱).

پیرتیماک^۵ (۲۰۰۷) مشاهده کرد که هوش راهبردی می‌تواند مدیریت استراتژیک را به ویژه با مشارکت در جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و توزیع اطلاعات پشتیبانی کند. به اعتقاد وی هر چه سطح تصمیم‌گیری بالاتر باشد، اطلاعات باید یکپارچه‌تر باشد و نتیجه‌گیری و پیشنهادات بیشتری به آن اضافه شود. همچنین وی استدلال کرد که هوش راهبردی در مورد داشتن درک موقعیتی واقع بینانه و استفاده از آن برای توسعه استراتژی مناسب، متناسب با شرایط و کارآمد است.

از دیدگاه زرافیلی و زرافیلی^۶ (۲۰۲۳) برخی ابعاد هوش راهبردی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

(۱) آینده‌نگری

آینده‌نگری را می‌توان به‌عنوان توانایی درک و فهمیدن روندهای تجاری که فرصت‌ها و یا تهدیدهایی را برای سازمان‌ها ارائه می‌کنند، تعریف کرد. مک‌کوبی^۷ (۲۰۱۵) بیان کرد که آینده‌نگری توانایی شناسایی نیروها و تغییرات آتی است که آینده را شکل می‌دهند و درک فرصت‌ها و تهدیدهایی که این نیروها و تغییرات ممکن است به همراه داشته باشند.

¹ Kuosa

² Gabber

³ Russell

⁴ Maccoby & Scudder

⁵ Pirttimäki

⁶ Zarafili & Zarafili

⁷ Maccoby

آینده‌نگیری به تلاشی نظام‌مندی برای ترسیم کم و کیف تغییرات فعلی و تاثیرات آن بر حقایق و واقعیت‌های آینده است و می‌کوشد تا منبع، الگوها و عوامل تغییرات و ثبات جهت تقویت پیش‌بینی و ترسیم آینده مورد ارزیابی قرار دهد. آینده‌نگرها می‌توانند امکان وقوع رویدادهای آینده و گزینه‌های احتمالی پیش روی را پیش‌بینی کنند. نقش متمایز آینده‌پژوهی، تفکر احتمالی است، به ویژه برای کشف و نوآوری، بررسی، تحلیل و طرح آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب. آینده‌پژوهشان تلاش می‌کنند تصاویر جدیدی از آینده را خلق کنند. در واقع، منظور از آینده‌شناسی، شناخت آینده و مطالعه آینده‌های محتمل و مطلوب یک جامعه یا سازمان است. اطلاعات اولیه چنین مطالعاتی تاریخ و همچنین وضعیت فعلی است و در سیستم‌های پویای متعارف، چنین اطلاعات و شناخته اولیه‌ای جهت پیش‌بینی آینده می‌تواند کافی باشد. به عبارتی دیگر، با احتمال زیادی می‌توان بیان کرد که با شناخت اولیه گذشته جامعه یا سازمان چه مجموعه اتفاقاتی در آینده در انتظار آنها خواهد بود. همچنین، در مورد این که کدام یک از آینده‌ها به وقوع بپیوندد به گام‌هایی که اکنون و یا در آینده برداشته می‌شود بستگی دارد (تقوایی‌یزدی و صادقی، ۱۳۹۴).

۲) چشم‌انداز

چشم‌انداز را می‌توان به‌عنوان توانایی رهبران برای تصور وضعیت آینده ایده آل برای سازمان خود بر اساس پیش‌بینی آینده در همکاری با سایر کارکنان و ایجاد فرآیندهای مورد نیاز برای درگیر کردن سایرین برای اجرای این چشم‌اندازهای راهبردی تعریف کرد. در واقع، چشم‌انداز به این اشاره دارد که سازمان‌ها به کجا می‌روند و این سازمان‌ها باید در آینده چه شکلی داشته باشند و موقعیت‌ها و شرایط فعلی را منعکس می‌کند تا تصور یا تصویری از آینده مطلوب ایجاد کند و به منظور دستیابی به هماهنگی، وابستگی متقابل و تعامل بین تمامی کارکنان و فعالیت‌های انجام شده توسط آنها یکپارچه شده و این سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا وضعیت فعلی را کنترل کنند و در عین حال آینده را نیز تضمین کنند (زرافیلی و زرافیلی، ۲۰۲۳).

۳) تفکر سیستمی

تفکر سیستمی را می‌توان به‌عنوان توانایی درک، ترکیب و ادغام جنبه‌ها و عناصر مختلف که به طور کلی برای انجام یک هدف مشترک عمل می‌کنند، تعریف کرد. تفکر سیستمی شامل توانایی ترکیب و ادغام گروهی از متغیرهای مرتبط با یکدیگر به منظور تجزیه و تحلیل واضح این متغیرها به روشی مشخص و واضح‌تر است. تفکر سیستمی همچنین به‌عنوان توانایی ترکیب و ادغام چندین عنصر و درک نحوه تعامل آنها با یکدیگر و سپس تجزیه و تحلیل و ارزیابی این عناصر و متغیرها به گونه‌ای که در خدمت و سود عملیاتی سازمان باشند و به توسعه استراتژی‌های مناسب برای آینده کمک کند، تعریف می‌شود (الفوائر و الخطیب^۱، ۲۰۲۰).

¹ Al-Fawaeer & Alkhatib

۴) مشارکت

مشارکت را می‌توان به‌عنوان توانایی ایجاد روابط بلندمدت و اتحاد استراتژیک با افراد، گروه‌ها و نهادها در داخل و خارج از سازمان برای دستیابی به اهداف مشترک تعریف کرد. به گفته مک‌کوبی (۲۰۱۵)، مشارکت به ایجاد یک تیم رهبری از افرادی اشاره دارد که استعدادهای ترکیبی آنها همه عناصر هوش راهبردی را در بر می‌گیرد و ارتباطات مشارکتی متنوعی را در داخل و خارج سازمان خود با مشتریان، تامین‌کنندگان، سازمان‌ها، افراد، بخش‌ها و حوزه‌های مربوطه ایجاد می‌کند، به طوری که مشارکت‌های استراتژیک به‌عنوان تعاملات مبتنی بر اعتماد در نظر گرفته می‌شود که در آن شرکا اطلاعات زیادی را مبادله می‌کنند و به دنبال راه‌های مشترک می‌گردند.

۵) انگیزه

انگیزه را می‌توان به‌عنوان توانایی الهام بخشیدن به انواع مختلف کارمندان و همکاران، درک آنچه که هر یک از آنها را تحریک می‌کند و انتقال احساسی که هر یک از آنها در اجرای چشم‌انداز راهبردی درگیر هستند، تعریف کرد. انگیزش شامل توانایی رهبران برای مدیریت برنامه‌ها و اهداف مختلف چشم‌انداز جدید، تشویق افراد مختلف برای مشارکت فعال در اجرای این برنامه‌ها و الهام بخشیدن و ایجاد انگیزه در آنها برای دستیابی به عملکرد بالا است (ابوزید^۱، ۲۰۱۷). شناخت انواع شخصیت و ایجاد فرهنگ‌های انگیزشی در حالی که به عوامل مختلف درونی و بیرونی بستگی دارد، همگی بخشی از انگیزش هوشمند هستند که شامل دلیل، مسئولیت، شناخت، پاداش و روابط است (مک‌کوبی و اسکادر، ۲۰۱۱).

سایر عوامل تشکیل‌دهنده هوش راهبردی شناخته شده در مطالعات مختلف نیز عبارتند از: هوش منابع انسانی^۲، هوش فرآیند سازمانی^۳، هوش اطلاعاتی^۴، هوش منابع مالی^۵، هوش فناوری^۶، هوش رقبا^۷ و هوش مشتریان^۸ (اسماعیلی^۹، ۲۰۱۴).

هوش منابع انسانی

نقش عامل انسانی در پیشبرد امور جامعه بسیار مهم است و به‌عنوان مؤثرترین عامل در تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به شمار می‌رود. تحولات اجتماعی و اقتصادی نیازمند توجه ویژه به نیروی انسانی و هوش آن است. در محیط مدیریتی، از نظر مفهومی، منابع انسانی هوشمند به نهادهایی گفته می‌شود که قادر به درک وضعیت خاصی

¹ Abuzaid

² Human Resource Intelligence

³ Organization Processes Intelligence

⁴ Information Intelligence

⁵ Financial Resource Intelligence

⁶ Technological Intelligence

⁷ Competitor Intelligence

⁸ Customer Intelligence

⁹ Esmaeili

هستند و بر اساس برخی دستورالعمل‌ها و رویکردها عمل می‌کنند. هوش منابع انسانی به قدرت تحلیل اطلاعات مربوط به حوزه‌های تصمیم‌گیری منابع انسانی در محیط رقابتی دلالت دارد (کوین و بل^۱، ۲۰۱۱).

اطلاعات فرآیندهای سازمان

کوسا (۲۰۱۱) معتقد است که اگر سازمانی مصمم باشد که موقعیت استراتژیک در برابر رقبای خود داشته باشد، باید بتواند فرآیندهای سازمانی هوشمند را به کار گیرد و همچنین بتواند از فرآیندها و تجهیزات هوشمند بهتر از رقبا استفاده کند. هوشمندی فرآیند سازمان شامل حوزه‌های گسترده‌ای از کاربردها در زمینه نظارت و تجزیه و تحلیل فرآیندها به منظور بهینه‌سازی و مطالعه و پیش‌بینی و کشف فرآیندهای سازمان است.

هوش اطلاعاتی

هوش اطلاعاتی فرآیند گردآوری، سازماندهی، تجزیه و تحلیل و توزیع اطلاعات در بین تمام بخش‌های سازمان و همچنین مدیریت با احترام و کدهای اخلاقی است. هوش اطلاعاتی بخشی از مدیریت دانش است تا اثربخش باشد. هوش اطلاعاتی یک مدل مدیریتی همراه با فناوری ارتباطی و قدرت دانش در سازمان است که امروزه به‌عنوان دارایی سازمان تلقی می‌شود (سابرینا و همکاران^۲، ۲۰۱۲).

اطلاعات منابع مالی

هوش منابع مالی شامل یکپارچه‌سازی، تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، پیش‌بینی، بودجه‌بندی، شبیه‌سازی و مدیریت ریسک است که نقش کلیدی در برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان ایفا می‌کند. حوزه رقابت باعث می‌شود که سازمان‌ها با نیاز به منابع مالی موثر مواجه شوند. همچنین آنها را تشویق می‌کند تا از هوش منابع مالی برای ارتقای کارایی منابع انسانی استفاده کنند. هوش منابع مالی باعث می‌شود که سازمان بتواند از ابزارها و تجهیزات مالی خود بیشتر استفاده کند (اسماعیلی، ۲۰۱۴).

هوش فناوری

در واقع هوش فناوری به ارزیابی فناوری‌های حال و جدید و همچنین پیش‌بینی فناوری‌های آینده و پرداختن به تحقیقات پایه، ثبت اختراعات و غیره می‌پردازد. هوش فناوری با عواملی مانند سطح تحقیقات بنیادی و کاربردی ارزیابی می‌شود. همچنین هوش فناوریانه ابزار جدیدی برای هوش راهبردی است که از طریق آن مکانیسمی برای ایجاد سیستم‌های پایدار مدیریت دانش نسبت به فناوری‌های موجود ارائه می‌دهد. هوش فناوریانه مزایا و هزینه‌های فناوری جدید و فعلی و فناوری ناپیوستگی آینده را ارزیابی می‌کند. به طور کلی، این هوش شامل جمع‌آوری اطلاعات از تحقیقات بنیادی و کاربردی، روش‌ها، هنجارها و فرآیندهای صنعتی است (آپرل و بسا^۳، ۲۰۰۶).

¹ Coyne and Bell

² Sabrina et al

³ April and Bessa

هوش مشتری

این هوش نیازهای حال و آینده مشتریان و همچنین فرصت‌های خلاقانه جدید در توزیع بازار را به تصویر می‌کشد و تغییرات عمده‌ای که در فرآیندهای بازاریابی و توزیع رخ می‌دهد را نشان می‌دهد. در این هوشمندی عمدتاً اطلاعات مشتریان، تامین کنندگان، خریداران و توزیع کنندگان تجزیه و تحلیل و گردآوری می‌شود. هوش مشتری تابعی از ارزش‌های مشتریان و سهامداران است که در بین قدرت‌های مالی نقش مهمی در محیط‌های استراتژیک ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، هوش مشتری بر مبادلات مشتریان فعلی و بالقوه، ویژگی‌ها و اطلاعات خصوصی آنها همراه با دانش و تبادل اطلاعات و تمایلات رو به رشد جامعه هدف دلالت دارد (کاولکانتی^۱، ۲۰۰۵).

۲-۱ هوش راهبردی و کیفیت حسابرسی

تقاضا برای خدمات حسابرسی از نیاز به تسهیل معاملات بین طرف‌های درگیر در روابط تجاری از جمله سهامداران، طلبکاران، مقامات دولتی، کارکنان و مشتریان و غیره ناشی می‌شود. مبادلات بین طرفین معمولاً پرهزینه است، زیرا عدم تقارن اطلاعاتی باعث عدم اطمینان در مورد اجرای تعهدات قراردادی می‌شود. تنظیم حساب‌ها و گزارش‌ها معمولاً توسط یکی از طرفین (اعم از مدیران شرکت یا یک فرد تاجر در شرکت‌های کوچکتر) کنترل می‌شود. این ظرفیت دوگانه مدیران و بازرگانان به‌عنوان عواملی که باید نظارت شوند و به‌عنوان کسانی که مسئول تهیه واقعی حساب‌ها و صورت‌های مالی هستند، ارزش حساب‌ها را برای اشخاص ثالث کاهش می‌دهد. بررسی حساب‌ها توسط یک کارشناس مستقل یا حسابرس خارجی، برای افزایش قابلیت اطمینان آن‌ها مفید است (آرونادا^۲، ۲۰۰۰). از سویی، هوش راهبردی یک نقشه راه است که می‌تواند حسابرسان را با برآوردن فوری نیازهای اطلاعاتی خود و ارائه دقیق آن در زمان، کمیت و کیفیت مورد نیاز برای تصمیم‌گیری منطقی و آگاهانه‌تر هدایت کند. (کولمان و همکاران^۳، ۱۹۹۹). هوش راهبردی با محیط بازار، تقاضا، هویت سازمانی، منبع‌یابی، تغییرات محیطی و پیش‌بینی فناوری و اجتماعی به منظور دستیابی به دسترسی و اثربخشی گسترده و کسب تجربه و خرد ذهنی سر و کار دارد. همچنین هوش راهبردی به‌عنوان ویژگی متمایز کننده رهبران سازمان‌ها به گونه‌ای تعریف می‌شود که آن‌ها را قادر می‌سازد با وجود تمایلات مختلف افراد را جذب کنند، شور و شوق و رقابت سازنده را گسترش دهند و رفتار کارآفرینانه را در آنها القا کنند. این یک سیستم اطلاعاتی یکپارچه و جامع است که ارائه اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن از همه جنبه‌ها، به منظور استفاده از آن در جهت تقویت جایگاه سازمان در محیط کاری خود (شیخ‌ادریس، ۲۰۲۳).

¹ Cavalcanti

² Arruñada

³ Kuhlmann et al

در واقع، حسابرسان و موسسات حسابرسی که به دنبال بقا و دستیابی به موقعیت‌های رقابتی پیشرفته از طریق بهبود کیفیت خدمات حسابرسی در پرتو تحولات سریع در محیط خارجی هستند، می‌بایست به شیوه‌ای هوشمندانه‌تر و خلاقانه‌تر با تحولات همگام شوند. از این رو، موسسات حسابرسی در تلاش هستند تا از طریق تقویت مفاهیم هوش راهبردی و کاربرد آن در سطح عملکرد و خدمات، به هوش راهبردی در عملیات خود توجه کنند و از فعالیت‌های تحقیق و توسعه برای بقای رقابت حمایت کنند. در واقع، هوش راهبردی ذهن یک سازمان یا موسسه است، از این رو هدف آن درک و پیش‌بینی آینده سازمان و یافتن راه‌هایی برای حفظ رقابت‌پذیری آن است. بنابراین، هوش راهبردی پیش نیاز موفقیت تجاری است و فرآیندهای اطلاعاتی مختلف را بهبود می‌بخشد و ارزش فرآیندهای عملیاتی را افزایش می‌دهد.

۲-۳ پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

درخشان و همکاران (۱۴۰۳) در ارزیابی موانع ارتقای کیفیت حسابرسی با تأکید بر شناسایی رویه‌های معیوب نشان دادند که علاوه بر ضرورت توجه به اصول اخلاقی، موانع ارتقای کیفیت حسابرسی در شش گروه اصلی شامل رویه‌های قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی و نتایج حاصل از بکارگیری آن‌ها، حق‌الزحمه حسابرسی و نحوه پرداخت آن، چگونگی رقابت بین مؤسسات حسابرسی و سهم آن‌ها از بازار حسابرسی و عوامل مؤثر بر آن، نحوه و شرایط ارائه انواع خدمات و صدور گزارش حسابرسی توسط مؤسسات حسابرسی، اندازه مؤسسات حسابرسی و چگونگی و آثار ادغام آن‌ها بایکدیگر، طول دوران تصدی مؤسسات حسابرسی و عوامل مؤثر بر انتخاب و تغییر حسابرسان طبقه‌بندی شده‌اند که رفع ایرادات موجود در آن‌ها می‌تواند در نهایت منجر به ارتقای کیفیت حسابرسی گردد.

افسای (۱۴۰۳) رابطه بین تخصص مالی و تجربه رئیس کمیته حسابرسی با انتخاب حسابرسان، حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی را بررسی نمود و دریافت شرکت‌هایی که رؤسای کمیته حسابرسی آنها دارای تخصص مالی هستند، احتمال اینکه سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی دارای امتیاز کنترل کیفیت الف را به عنوان حسابرسان مستقل خود انتخاب نمایند، بیشتر است. همچنین، تخصص مالی رؤسای کمیته حسابرسی منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی می‌شود. با این حال رابطه بین تجربه رئیس کمیته حسابرسی با انتخاب حسابرسان و حق‌الزحمه حسابرسی تایید نشده است، اما رابطه بین تجربه رئیس کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مورد تایید قرار گرفته است.

روستائی و تقوی (۱۴۰۲) با بررسی تأثیر مؤلفه‌های هوش راهبردی بر کسب مزیت رقابتی نشان دادند که هوش راهبردی با در نظر داشتن نقش میانجی کارآفرینی بر کسب مزیت رقابتی تأثیر مثبت دارد. از میان مؤلفه‌های هوش راهبردی تنها هوش تجاری رابطه مثبت و معنی‌داری با کارآفرینی سازمانی و کسب مزیت رقابتی با در نظر داشتن نقش میانجی کارآفرینی ندارد.

بایزیدی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی تأثیر متغیر بهره هوشی به عنوان یکی از ویژگی‌های شناختی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی دریافتند که بهره هوشی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. خوشبخت علین حقیقی‌فرد (۱۳۹۸) با بررسی تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت تصمیم‌گیری حسابرسان که هوش هیجانی بر کیفیت تصمیم‌گیری حسابرسان تأثیر معنی‌دار دارد. همچنین هوش هیجانی بر کیفیت تصمیم‌گیری عقلانی حسابرسان، کیفیت تصمیم‌گیری شهودی حسابرسان و کیفیت تصمیم‌گیری وابستگی حسابرسان تأثیر معنی‌دار دارد.

پیشینه خارجی

سافیتری و همکاران^۱ (۲۰۲۴) چگونگی تأثیر حرفه‌ای بودن، منبع کنترل، هوش هیجانی و اخلاق حرفه‌ای بر کیفیت حسابرسی را مورد بررسی قرار داده و دریافتند که حرفه‌ای بودن و هوش هیجانی تأثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی داشته است. با این حال، تأثیر منبع کنترل و اخلاق حرفه‌ای بر کیفیت حسابرسی تأیید نشده است. یولیانتی و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه خود شواهد تجربی را نشان دادند که هوش هیجانی و تعهد به اخلاق بر کاهش رفتارهای کیفیت حسابرسی اثر منفی دارد. همچنین، این مطالعه همچنین هوش هیجانی و تعهد به اخلاق به طور غیر مستقیم بر توانایی کشف تقلب از طریق کاهش رفتارهای کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد. شیخ‌ادریس^۳ (۲۰۲۳) با بررسی این که چگونه ابعاد هوش راهبردی، از جمله آینده‌نگری، چشم‌انداز آینده و انگیزه، به افزایش کیفیت خدمات کمک می‌کند، بر نقش مهم ابعاد مختلف هوش راهبردی در ارتقای کیفیت خدمات تأکید کرد.

ساراگیو و راپینا (۲۰۲۲) در بررسی این که آیا هوش هیجانی بر کیفیت حسابرسی تأثیر دارد یا خیر دریافتند که هوش هیجانی بر کیفیت حسابرسی تأثیر دارد. یعنی وقتی هوش هیجانی افزایش می‌یابد، کیفیت حسابرسی نیز افزایش می‌یابد.

ژائو و همکاران^۴ (۲۰۲۲) در بررسی رابطه بین هوش هیجانی و رفتار کیفیت حسابرسان به این نتیجه رسیدند که ۱- تیم حسابرسی به طور مستقیم با کاهش رفتار کیفیت حسابرسی مرتبط است. ۲- اعتماد تیم به طور منفی با کاهش رفتار کیفیت حسابرسی مرتبط است. ۳- اشتراک دانش مکانیزم مهمی است که اثرات انواع مختلف هوش هیجانی را بر رفتار کاهش کیفیت حسابرسی تعدیل می‌کند. به طوری که در تیم حسابرسی با اشتراک دانش بالا، هوش هیجانی تیم حسابرسی می‌تواند از رفتار کاهش کیفیت حسابرسی خودداری کند.

¹ Safitri et al

² Yulianti et al

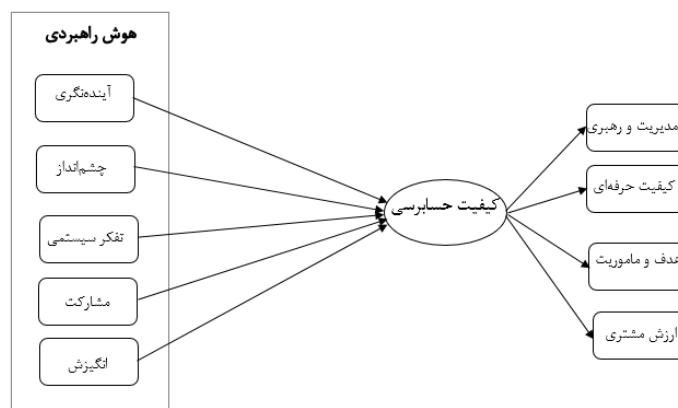
³ Sheikhidries

⁴ Zhao et al

امیلین و همکاران^۱ (۲۰۲۱) به این نتیجه رسیدند که ۱- حرفه‌ای بودن حسابرسان تأثیر مثبتی بر کیفیت حسابرسی دارد. ۲- استقلال حسابرسان تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی دارد. ۳- هوش معنوی قادر به تعدیل اثر حرفه‌ای بودن حسابرسان بر کیفیت حسابرسی نیست و ۴- هوش معنوی قادر است اثر کیفیت حسابرسی استقلال حسابرسان را در جهت منفی تعدیل کند.

۴. مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی پژوهش در شکل زیر آورده شده است:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵. فرضیه‌ها

به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه‌ها به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

فرضیه دوم: آینده‌نگری حسابرسان بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

فرضیه سوم: چشم‌انداز حسابرسان بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

فرضیه چهارم: تفکر سیستمی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

¹ Amilin et al

فرضیه پنجم: مشارکت حسابرسان بر کیفیت حسابرسی تاثیر مثبت دارد.

فرضیه ششم: انگیزش حسابرسان بر کیفیت حسابرسی تاثیر مثبت دارد.

۶. روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی با رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام می‌شود، روش پژوهش از نظر هدف و به لحاظ شیوه استدلال استقرایی می‌باشد. همچنین، به لحاظ شیوه استدلال و استقرایی می‌باشد. روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش را می‌توان به دو دسته کتابخانه‌ای و پیمایشی تقسیم نمود. روش کتابخانه‌ای در پژوهش حاضر، در ارتباط با گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش استفاده شده است. روش پیمایشی نیز با توجه به ماهیت متغیرها که از طریق پرسشنامه گردآوری می‌گردد در این پژوهش استفاده شده است.

جهت بررسی فرضیه‌ها نیز از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده خواهد شد. جامعه آماری پژوهش شرکا، مدیران و حسابداران رسمی استخدام در موسسه‌های حسابرسی خواهد بود و نمونه با توجه به جدول مورگان ۳۶۵ نفر تعیین شد که با روش تصادفی ساده که زیرمجموعه‌ای از نمونه‌گیری احتمالی است، انتخاب می‌گردند. داده‌ها نیز از طریق توزیع پرسشنامه کیفیت حسابرسی و هوش راهبردی در بین جامعه آماری جمع‌آوری خواهد شد. تعداد ۱۷۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد که نشان دهنده نرخ بازگشت ۴۷ درصدی پرسشنامه‌ها می‌باشد. نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش نیز به شرح زیر است.

متغیر مستقل

هوش راهبردی: پرسشنامه هوش راهبردی توسط مکوبی (۲۰۰۷) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۵ سوال و پنج بعد شامل توانایی آینده‌نگری، تفکر سیستمی، تدوین چشم‌انداز، انگیزش و مشارکت می‌باشد. سوالات پرسشنامه نیز براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱) نمره گذاری می‌شود.

متغیر وابسته

کیفیت حسابرسی: جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از پرسشنامه استاندارد کنچل و همکاران^۱ (۲۰۱۳) استفاده می‌شود. این پرسشنامه دارای ۱۶ گویه و ۴ مولفه شامل مدیریت و رهبری، کیفیت حرفه‌ای، هدف و مأموریت و ارزش مشتری است که با یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) ارزش‌گذاری می‌شود.

¹ Knechel et al

متغیرهای کنترلی

افزون بر این، برخی شاخص‌ها و متغیرها نیز به عنوان متغیرهای کنترلی به مدل اضافه می‌شوند که شامل رده سازمانی، تحصیلات، سن و جنسیت است و از طریق پرسشنامه (جمعیت‌شناختی) اندازه‌گیری می‌شود.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱ آمار توصیفی

در ابتدا مشخصات فردی پاسخ‌دهندگان ارائه شده است. نتایج مربوط به آمار پاسخ‌دهندگان به شرح جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- مشخصات فردی پاسخ‌دهندگان

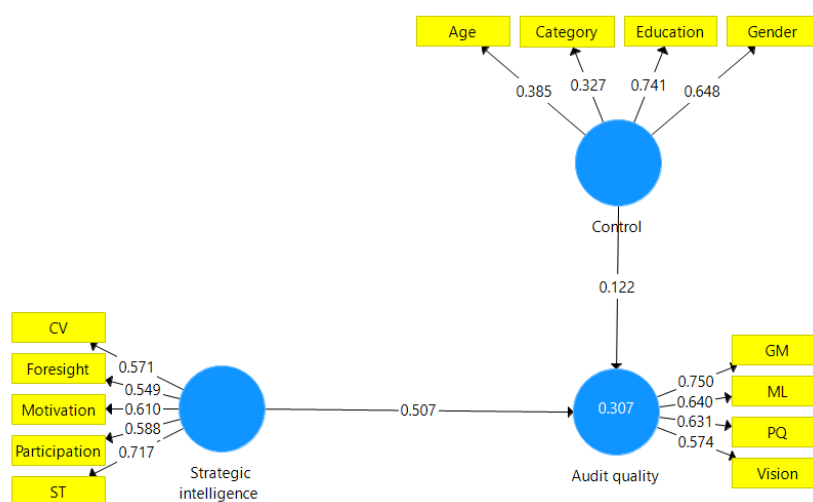
درصد	تعداد	شاخص	
۹۲ درصد	۱۵۶	مرد	جنسیت
۸ درصد	۱۴	زن	
۳۲ درصد	۵۵	کمتر از ۳۰ سال	سن
۶۲ درصد	۱۰۶	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
۵ درصد	۸	بین ۴۱ تا ۵۰ سال	
۱ درصد	۱	بیش از ۵۰ سال	
۵۴ درصد	۹۱	کارشناسی	میزان تحصیلات
۳۹ درصد	۶۷	کارشناسی ارشد	
۷ درصد	۱۲	دکتر	
۶۸ درصد	۱۱۶	سرپرست	رده حرفه‌ای
۲۶ درصد	۴۴	مدیر	
۶ درصد	۱۰	شریک	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که اغلب پاسخ‌دهندگان مرد، بین ۳۰ تا ۴۰ سال، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و همچنین دارای رده حرفه‌ای سرپرستی هستند.

۷-۲ آمار استنباطی

جهت آزمون فرضیات تحقیق از مدلیابی معادلات ساختاری با نرم افزار Smart PLS استفاده شده است. در ابتدا بررسی روایی مدل در دو مرحله انجام شده و سپس برازش الگوی اندازه گیری و سنجش بار عاملی مورد بررسی قرار گرفته است. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۳ می باشد (پوربهرامی، ۱۴۰۲). از این رو، پس از برآورد مدل اولیه، مولفه ها و متغیرهای بیرونی که بار عاملی آنها کمتر از ۰/۳ بود از مدل حذف و مدل مجدداً برآورد گردید. در این پژوهش جهت بررسی فرضیه ها از دو مدل استفاده گردید. مدل اول به منظور بررسی فرضیه اول و بررسی تاثیر هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی و مدل دوم نیز به منظور بررسی فرضیه های دوم تا ششم و تاثیر ابعاد هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی برآورد شد. در مدل اول پس از حذف مولفه های با بار عاملی کمتر از ۰/۳، مدل به صورت زیر تخمین زده شد:



شکل ۲- مدل آزمون فرضیه اول پژوهش

منبع: یافته های پژوهشگر

همان گونه که در شکل ۲ مشاهده می شود، تمام ابعاد متغیرهای کیفیت حسابرسی، هوش راهبردی و متغیر کنترلی دارای بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ هستند. بنابراین، در این مدل هیچ مولفه و شاخصی حذف نمی شود. جهت بررسی برازش الگوی اندازه گیری از شاخص های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی به منظور بررسی پایایی و روایی همگرا و روایی واگرا به ترتیب از طریق میانگین واریانس استخراجی و روش فورنل و لارکر استفاده گردید.

جدول ۱- معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا متغیرهای پنهان مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
کیفیت حسابرسی	Audit quality	۰/۸۰	۰/۷۵	۰/۵۲
هوش راهبردی	Strategic intelligence	۰/۸۸	۰/۷۵	۰/۵۷
کنترلی	Control	-	۰/۷۱	۰/۵۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مطابق با جدول ۱، با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ است، می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی پژوهش را تایید نمود. همچنین، روایی همگرا از طریق میانگین واریانس استخراج شده (AVE) سنجیده شده و با توجه به اینکه مقدار مناسب برای AVE برابر با ۰/۵ است، در نتیجه مناسب بودن روایی همگرای پژوهش تایید شد. نتایج مربوط به بررسی روایی واگرایی مدل نیز در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- بررسی روایی واگرایی از طریق ماتریس مقایسه جذر AVE و ضرایب همبستگی شاخص‌های مدل اول

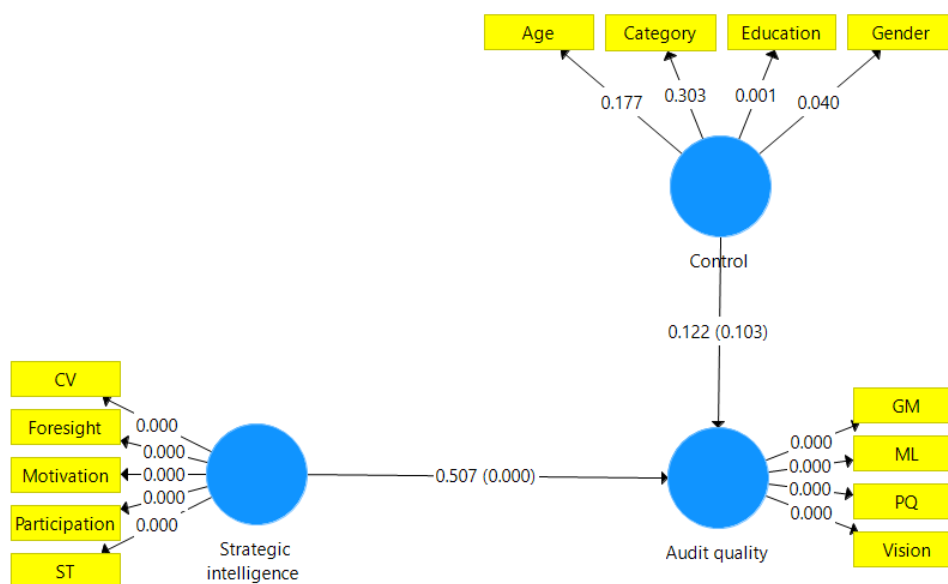
متغیر	کیفیت حسابرسی	هوش راهبردی	کنترلی
کیفیت حسابرسی	۰/۷۲		
هوش راهبردی	۰/۵۴	۰/۷۶	
کنترلی	۰/۲۶	۰/۲۸	۰/۷۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که در جدول ۲ برگرفته از روش فورنل و لارکر مشخص می‌باشد، مقدار جذر میانگین واریانس استخراج شده متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. از این رو می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، متغیرهای مکنون در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند. به بیان دیگر، روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

برای بررسی برازش مدل ساختاری سه معیار به کار می‌روند که عبارتند از: ضرایب معنی‌داری Z و سطح احتمال آن، مقادیر R^2 و معیار اندازه تأثیر (F^2). با توجه به شکل زیر برازش مدل ساختاری با استفاده از ضرایب Z و سطح احتمال آن به این صورت است که سطح احتمال ضرایب باید از ۰/۰۵ کمتر باشند تا بتوان در سطح اطمینان ۹۵ معنی‌دار بودن آن‌ها را تایید نمود که برای متغیر هوش راهبردی کمتر از ۰/۰۵ بوده و برای متغیر

کنترلی بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین، تاثیر هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی تایید و تاثیر متغیر کنترلی رد می‌شود.



شکل ۳- مدل برآورد شده اول پژوهش (ضریب مسیر و آماره p)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل ۳ مدل برآورده شده اول پژوهش به همراه ضریب مسیر متغیرها و همچنین سطح معنی‌داری آن را نشان می‌دهد.

جدول ۳- معیار R^2 و Q^2 برای سازه‌های درون‌زای مدل اول پژوهش

متغیر	R^2	SSO	SSE	Q^2
کیفیت حسابرسی	۰/۳۱	۶۸۰	۶۱۱/۶۹	۰/۱۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۳ دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش، یعنی ضرایب R مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زا (وابسته) نشان داده شده است و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان مقدار مالک برای مقادیر ضعیف،

متوسط و قوی R در نظر گرفته می‌شود. در مورد معیار Q که در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را که به ترتیب مقادیر ضعیف، متوسط و قوی قدرت پیش‌بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا را نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به جدول ۳، ضریب R تقریباً در محدوده متوسط و معیار Q نیز در محدوده ضعیف تا متوسط قرار دارد.

جدول ۴- معیار F^2 مدل اول پژوهش

متغیر وابسته	متغیر مستقل	F^2
کیفیت حسابرسی	هوش راهبردی	۰/۳۴
	کنترلی	۰/۰۲

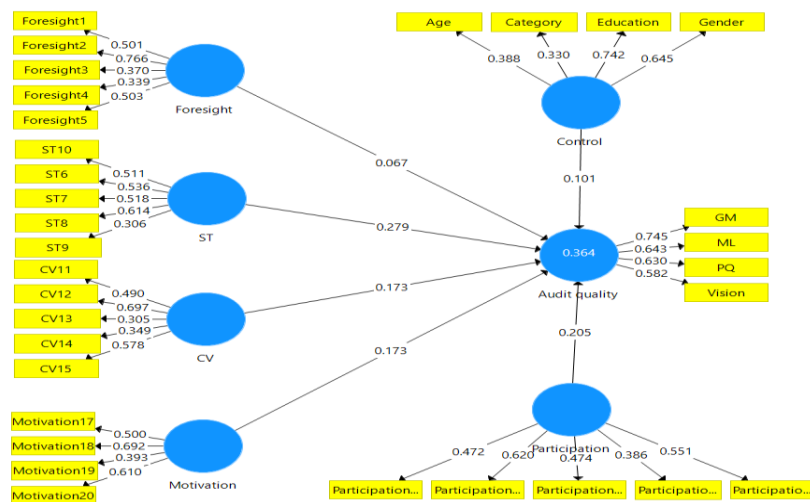
منبع: یافته‌های پژوهشگر

در نهایت، مطابق با جدول ۴ با محاسبه ضریب تعیین با حضور متغیر و با حذف متغیر، می‌توان اندازه اثر حضور متغیر در مدل را برآورد نمود. در رابطه با این شاخص مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی می‌باشد. در این پژوهش، متغیر هوش راهبردی تقریباً قدرت پیش‌بینی بالا و متغیر کنترلی نیز قدرت پیش‌بینی ضعیفی دارد.

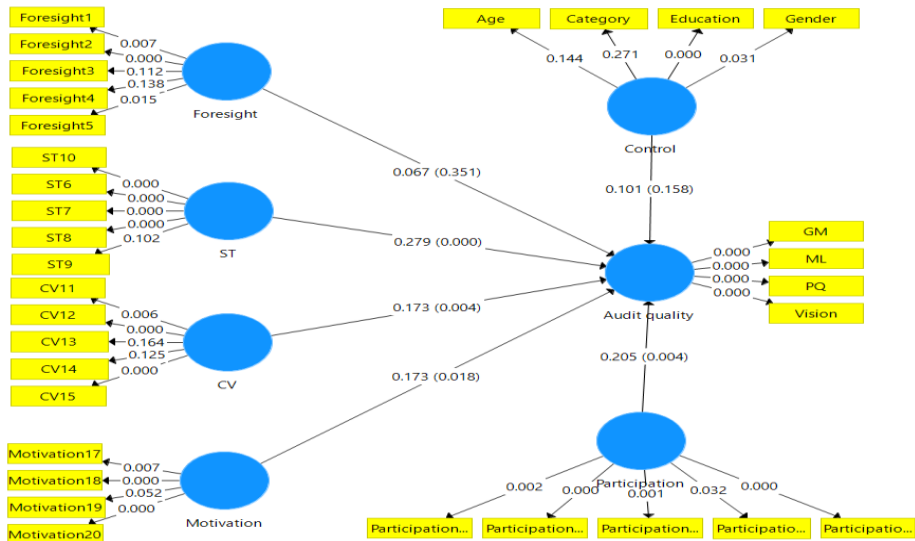
علاوه بر این، به منظور بررسی فرضیه‌های فرعی و تاثیر ابعاد هوش راهبردی بر کیفیت حسابرسی مدل دوم که بر اساس ابعاد متغیر هوش راهبردی به عنوان متغیرهای پنهان است، بر آورد گردید. نتایج مربوط به مدل دوم نیز به صورت زیر ارائه شده است.

در مدل دوم نیز پس از حذف مولفه‌ها و سوالات با بار عاملی کمتر از ۰/۳، مدل به صورت زیر تخمین زده شد: همان‌گونه که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، تمام ابعاد کیفیت حسابرسی دارای بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ بوده، و در بین ابعاد هوش راهبردی تنها در بعد انگیزش (Motivation) سوال ۱۶ حذف شده و سایر ابعاد شامل آینده‌نگری (Foresight)، سیستمی (ST)، تدوین چشم‌انداز (CV) و مشارکت (Participation) تمامی سوالات دارای بارعاملی بیشتر از ۰/۳ هستند. همچنین، در رابطه با متغیرهای کنترلی نیز تمامی مولفه‌های سن و رده حرفه‌ای، سطح تحصیلات و جنسیت دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۳ بوده‌اند.

همچنین، با توجه به شکل ۴ تاثیر تفکر سیستمی، تدوین چشم‌انداز، انگیزش و مشارکت بر کیفیت حسابرسی توجه به سطح احتمال کمتر از ۰/۰۵، تایید و تاثیر آینده‌نگری و متغیر کنترلی با توجه به سطح احتمالی بیشتر از ۰/۰۵، رد می‌شود.



شکل ۴- مدل آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش
منبع: یافته‌های پژوهشگر



شکل ۵- مدل برآورد شده دوم پژوهش (ضریب مسیر و آماره p)
منبع: یافته‌های پژوهشگر

در شکل ۵ نیز مدل برآورده شده دوم پژوهش به همراه ضرایب مسیر متغیرها و همچنین سطح معنی داری آن ارائه شده است.

جدول ۵- معیار R^2 و Q^2 برای سازه‌های درون‌زای مدل دوم پژوهش

متغیر	R^2	SSO	SSE	Q^2
کیفیت حسابداری	۰/۳۶۴	۶۸۰	۶۰۷/۶۳	۰/۱۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول ۵، ضریب R مدل دوم پژوهش در محدوده متوسط و معیار Q نیز در تقریباً در محدوده متوسط قرار دارد.

جدول ۶- معیار F^2 مدل دوم پژوهش

متغیر وابسته	متغیر مستقل	F^2
کیفیت حسابداری	آینده‌نگری	۰/۰۱
	تفکر سیستمی	۰/۱۰
	تدوین چشم‌انداز	۰/۰۴
	انگیزش	۰/۰۴
	مشارکت	۰/۰۶
	کنترلی	۰/۰۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج جدول ۶ نیز نشان می‌دهد که تمام متغیرها قدرت پیش‌بینی ضعیفی دارند، با این حال، قدرت پیش‌بینی تفکر سیستمی در مقایسه با سایر ابعاد و متغیرها بیشتر بوده و پس از آن نیز به ترتیب ابعاد مشارکت، تدوین چشم‌انداز و انگیزش بیشترین قدرت پیش‌بینی را داشته‌اند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از آماره t و سطح معنی داری آن استفاده می‌شود به این صورت که اگر مقدار آماره t بیشتر از $۱/۹۶$ و یا سطح معنی داری آن کمتر از مقدار $۰/۰۵$ باشد، رابطه تایید می‌شود و در غیر این صورت رد خواهد شد. نتایج مربوط به بررسی فرضیه‌های پژوهش در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷- بررسی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	متغیر مستقل	مسیر	ضریب مسیر	آماره t	P-value	نتیجه
فرضیه اصلی	هوش راهبردی	Strategic intelligence → Audit quality	۰/۵۰۷	۶/۵۴	۰/۰۰	پذیرش
فرضیه فرعی اول	آینده‌نگری	Foresight → Audit quality	۰/۰۶۷	۰/۹۳۴	۰/۳۵۱	رد
فرضیه فرعی دوم	چشم‌انداز	CV → Audit quality	۰/۱۷۳	۲/۸۶۱	۰/۰۰۴	پذیرش
فرضیه فرعی سوم	تفکر سیستمی	ST → Audit quality	۰/۲۷۹	۳/۵۶۱	۰/۰۰	پذیرش
فرضیه فرعی چهارم	مشارکت	Participation → Audit quality	۰/۲۰۵	۲/۹۱۲	۰/۰۰۴	پذیرش
فرضیه فرعی پنجم	انگیزش	Motivation → Audit quality	۰/۱۷۳	۲/۳۶۶	۰/۰۱۸	پذیرش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، با توجه به آماره t و سطح احتمال آن که برای متغیرهای هوش راهبردی و ابعاد چشم‌انداز، تفکر سیستمی، مشارکت و انگیزش هوش راهبردی کمتر از مقدار بحرانی ۰/۰۵ است، بنابراین، فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی دوم تا پنجم پذیرفته می‌شوند.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

موضوع کیفیت حسابرسی بخش مهم و اساسی سیستم‌های حسابداری و حسابرسی است که وابسته به تصمیم‌هایی است که حساب‌رسان اتخاذ می‌کنند و نیازمند شناخت مهارت‌های جدیدی است که از طریق آموزش آنها، تصمیم‌گیری و به دنبال آن، کیفیت حسابرسی را بهبود بخشیده و اعتماد جامعه را نسبت به حرفه حسابداری و حسابرسی تقویت نمود. بنابراین، بهبود تصمیم‌گیری و در نتیجه کیفیت حسابرسی در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. محیط کاری حساسی علاوه بر ویژگی‌های خاص کارهای حسابرسی مانند جدید بودن، غیرمستمر بودن یا پیچیدگی، شامل عنصر پاسخگویی، وجود و شفافیت استانداردهای حرفه‌ای، نیا‌های صاحبکاران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و نقش کمیته‌های حسابرسی نیز می‌باشد. ویژگی‌های حساب‌رس به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و عامل اصلی کیفیت حسابرسی شامل موضوعاتی از قبیل بی‌طرفی و درستکاری، تردید حرفه‌ای، معلومات، تجربه و دانش تخصصی، حفظ صلاحیت حرفه‌ای، اولویت‌بندی خطر و جانبداری‌های بی‌مورد است که انتظار می‌رود تصمیمات حساب‌رس و کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهند (خوشبخت و علین حقیقی‌فرد، ۱۳۹۸).

به بیانی دیگر، در بررسی چگونگی توسعه و به کارگیری دانش حساب‌رسان و به دنبال آن بهبود کیفیت حسابرسی، نه تنها باید به مسایل فنی و تخصصی توجه داشت، بلکه ویژگی‌های شخصیتی حساب‌رسان نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. هوش راهبردی یکی از مولفه‌ها و ویژگی‌های فردی است که می‌تواند در تعیین و تبیین عملکرد

حسابرسان و حتی مدیران از اهمیت بالایی برخوردار باشد، چرا که تصمیمات حتی تصمیمات ساده و ابتدایی نیز به شدت تحت تاثیر انواع هوش (هوش راهبردی، هوش هیجانی و ...) هستند.

براساس نتایج آزمون آماری فرضیه‌های پژوهش مشخص گردید که هوش راهبردی حسابرسان تاثیر مثبت و مستقیمی بر کیفیت حسابرسی دارد که این تاثیر به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. همچنین، نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مشخص نمود که در بین ابعاد مختلف هوش راهبردی ابعاد چشم‌انداز، تفکر سیستمی، مشارکت و انگیزش هوش راهبردی تاثیر مستقیم و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارند. با این حال، تاثیر بعد آینده‌نگری هوش استراتژیک بر کیفیت حسابرسی تایید نشده است. بنابراین، می‌توان بیان نمود که هر چه هوش راهبردی و ابعاد چشم‌انداز، تفکر سیستمی، مشارکت و انگیزش آن در بین حساب‌رسان بیشتر باشد، کیفیت حسابرسی نیز بهبود خواهد یافت. به عبارتی دیگر، هر چه سطح کاربرد مفاهیم ابعاد هوش راهبردی بهتر باشد، منجر به ارتقای کیفیت حسابرسی ارائه شده می‌شود. نتایج این مطالعه می‌تواند ادبیات مربوط به عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی را گسترش دهد و با بهره‌گیری از نتایج این مطالعه، اعتماد عمومی جامعه بر سیستم حسابرسی و حسابداری را ارتقا داد. بر همین اساس، می‌توان با ترغیب سازمان‌های حسابداری و حسابرسی جهت بکارگیری ابعاد هوش راهبردی و تبدیل آنها به فرهنگ شرکتی به ارتقای کیفیت حسابرسی کمک نمود. همچنین، به منظور بهبود کیفیت حسابرسی، می‌بایست برای توسعه و تثبیت ابعاد هوش راهبردی در بین مدیران حسابرسی جهت تصمیم‌گیری بهتر و اتخاذ تصمیمات استراتژیک و دستیابی به اهداف استراتژیک کمک نمود. افزون بر این، توجه به ابعاد تفکر سیستمی نیز ضروری است، زیرا تفکر سیستمی یکی از جنبه‌های اساسی شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها جهت بهره‌برداری بهینه از آنها و در نهایت بهبود کیفیت خدمات است. علاوه بر این، توجه به انگیزه کارکنان و تمامی عواملی که می‌تواند آنها را برای بهبود خدمات حسابرسی برانگیزد از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین، می‌توان از طریق تشویق کارکنان به اجرای چشم‌انداز استراتژیک و تبدیل چشم‌انداز به یکی از موتورهای ایجاد شور و نشاط در بین کارکنان به بهبود کیفیت خدمات حسابرسی کمک کرد. در نهایت، سایر ویژگی‌های شناختی و شخصیتی فرد نیز ممکن است عملکرد فردی حساب‌رسان و به دنبال آن کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهد، از این رو انتظار می‌رود پژوهش‌های آتی این موضوع را مورد ارزیابی قرار دهند.

فهرست منابع

- احمدی، زانیار و زهرا پورزمانی، ۱۴۰۳. نقش هوش عاطفی، سازمانی و معنوی در قضاوت و تصمیم‌گیری حساب‌رسان در موسسات حسابرسی. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۳ (۱)، صص ۳۱-۵۰.
- افسای، اکرم، ۱۴۰۳. تاثیر تخصص مالی و تجربه رئیس کمیته حسابرسی بر انتخاب حساب‌رسان، حق الزحمه حسابرسان و کیفیت حسابرسی. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۲۱ (۸۱)، صص ۲۷۳-۳۰۶.

- بایزیدی، پیمان، محمد مرفوع و روح الله صدیقی، ۱۴۰۱. تأثیر بهره هوشی (IQ) حسابرس بر کیفیت حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹(۳)، صص ۴۲۵-۴۴۶.
- تقوایی یزدی، مریم و قاسم صادقی، ۱۳۹۴. بررسی رابطه بین آینده‌نگری با هوش سازمانی. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع*.
- پوربهرامی، بابک، ۱۴۰۲. تأثیر هوش میان فردی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی با نقش میانجی رفتار کارآفرینانه. *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۴(۱۳)، صص ۱۴۰-۱۵۵.
- حساس یگانه، یحیی و شهرام عموزاد، ۱۳۹۹. عوامل موثر بر قضاوت حرفه‌ای (اخلاقی) حسابرسان و فشارهای وارده بر آن‌ها. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۷)، صص ۱-۲۶.
- حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین‌فر، ۱۳۸۹. رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷(۳)، صص ۸۵-۹۸.
- خوشبخت، اسماعیل و فاطمه علین حقیقی فرد، ۱۳۹۸. بررسی تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت تصمیم‌گیری حسابرس. *فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران*، ۱۸، صص ۱۰۳-۱۱۳.
- رخشان، مجاهد، علی ذبیحی زرین کلایی و عباسعلی پورآقاچان، ۱۴۰۳. موانع ارتقای کیفیت حسابرسی با تأکید بر شناسایی رویه‌های معیوب. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۳(۵۲)، صص ۳۸۷-۴۰۳.
- رمضانی، حسین‌رضا، کاوه آذین‌فر، حمیدرضا غلام‌نیا روشن و رضا فلاح، ۱۴۰۱. نقش فرهنگ اسلامی و تجربه حسابرس در رابطه بین انصاف متقابل و کیفیت حسابرسی در شرایط محیطی ایران. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۱(۲)، صص ۱۴۳-۱۶۴.
- روستائی، ندا و نعیمه تقوی، ۱۴۰۲. تأثیر هوش استراتژیک بر مزیت رقابتی با کارآفرینی. *فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱۴(۵۳)، صص ۲۱۳-۲۳۰.
- ستایش، محمد حسین، مصطفی کاظم نژاد، غلامرضا رضایی و علی‌اصغر دهقانی سعدی، ۱۳۹۵. بررسی سودمندی انتخاب متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی نوع اظهارنظر حسابرسان. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۳(۳)، صص ۳۷۳-۳۹۲.
- علی‌اکبری، علی و سیدحسام وقفی، ۱۴۰۱. تحلیل سطح فناوری اطلاعات بر میزان احتمال خطر اقامه دعوا علیه حسابرس با تأکید بر نقش کیفیت حسابرسی و تخصص حسابرس. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۱(۱)، صص ۹۱-۱۱۲.
- نوشادی، امین، عطااله محمدی ملقرنی، ایرج نوروش و پیمان امینی، ۱۳۹۸. بررسی رابطه بین هوش مالی مدیران و کیفیت حسابرسی با نقش تعدیلگری رفتار اخلاقی حسابرسان. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۸(۳۰)، صص ۲۳۷-۲۶۳.

- Abuzaid, A. N. (2017). Exploring the impact of strategic intelligence on entrepreneurial orientation: A practical study on the Jordanian diversified financial services companies. *International Management Review*, 13(1), PP 72-84.
- Al-Fawaeer, M., & Alkhatib, A. W., 2020. Investigating The Moderating Role of Teamwork Culture on Strategic Intelligence and Operational Performance. *Economics and Management*, 17(2), PP 124-145.
- Amilin, A., Fitri, Y., Yusuf, S. N. S., Putri, Z. E., & Farah, W., 2021. The Role of Spiritual Intelligence in Encouraging Professionalism and Independence of Auditor to Improve Audit Quality.
- April, K., & Bessa, J., 2006. A critique of the strategic competitive intelligence process within a global energy multinational. *Problems and Perspectives in Management*, 4(2), PP 86-99.
- Arruñada, B., 2000. Audit quality: attributes, private safeguards and the role of regulation. *European Accounting Review*, 9(2), PP 205-224.
- Cavalcanti, E. P., 2005. The relationship between business intelligence and business success. *Journal of competitive intelligence and management*, 3(1), PP 6-15.
- Coyne, J. W., & Bell, P., 2011. The role of strategic intelligence in anticipating transnational organised crime: A literary review. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 39(1), PP 60-78.
- DeAngelo, L. E., (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3(3), PP 183-199.
- DeFond, M., & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of accounting and economics*, 58(2-3), PP 275-326.
- Dickins, D., Johnson-Snyder, A. J., & Reisch, J. T., 2018. Selecting an auditor for Bradco using indicators of audit quality. *Journal of Accounting Education*, 45, PP 32-44.
- Esmaili, M. R., 2014. A Study on the effect of the strategic intelligence on decision making and strategic planning. *International Journal of Asian Social Science*, 4(10), PP 1045-1061.
- Gabber, H., 2007. Competitive intelligence topology analyze for improved plan operation. *Industrial Management and Data Systems*, 107(2), PP 198-236.
- Knechel, W. R., Krishnan, G. V., Pevzner, M., Shefchik, L. B., & Velury, U. K., 2013. Audit quality: Insights from the academic literature. *Auditing: A journal of practice & theory*, 32(Supplement 1), PP 385-421.
- Kuhlmann, S., Boekholt, P., Georghiou, L., Guy, K., Héraud, J. A., Laredo, P., ... & Smits, R., 1999. Improving distributed intelligence in complex innovation systems.
- Kuosa, T., 2011. Different approaches of pattern management and strategic intelligence. *Technological Forecasting and Social Change*, 78(3), PP 458-467.
- Maccoby, M., 2015. Strategic intelligence: Conceptual tools for leading change. Oxford University Press, USA.
- Maccoby, M., & Scudder, T., 2011. Strategic intelligence: A conceptual system of leadership for change. *Performance Improvement*, 50(3), PP 32-40.
- Mohamed, D. M., & Habib, M. H., 2013. Auditor independence, audit quality and the mandatory auditor rotation in Egypt. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 6(2), PP 116-144.
- Pinatik, S., 2021. The effect of auditor's emotional intelligence, competence, and independence on audit quality. *International Journal of Applied Business and International Management (IJABIM)*, 6(2), PP 55-67.
- Pirttimäki, V., 2007. Business intelligence as a managerial tool in large Finnish companies.
- Russell, R. L. (2007). Sharpening Strategic Intelligence: Why the CIA gets it Wrong and What needs to be done to get it Right. *Cambridge University Press*.

- Sabrina, B., Laid, B., & Jean-Luc, M., 2012. Towards an Information Intelligence and knowledge Management Process in the Context of Information Technologies. *Journal of Organizational Knowledge Management*, 2012, 1.
- Safitri, D., Rohmah, S., & Salta, S. (2024). The Influence of Professionalism, Locus of Control, Emotional Intelligence and Professional Ethics on BPR Audit Quality with Ambiguity as a Moderator. *Indonesian Journal of Business Analytics*, 4(2), PP 381-400.
- Saragih, A. K., & Rapina, R., 2022. The Effect of Emotional Intelligence on Audit Quality. *International Journal of Entrepreneurship, Business and Creative Economy*, 2(2), PP 57-69.
- Sheikhidries, E. A. M., 2023. The Role of the Dimensions of Strategic Intelligence in Improving the Quality of Publishing and Distribution Services: A field Study on the Leaders of the Arab Literature Center for Publishing and Distribution. *Journal of Business and Management Studies*, 5(6), PP 39-54.
- Tritschler, J., 2013. Audit quality: Association between published reporting errors and audit firm characteristics. *Springer Science & Business Media*.
- Yulianti, Y., Zarkasyi, M. W., Suharman, H., & Soemantri, R., 2023. Effects of professional commitment, commitment to ethics, internal locus of control and emotional intelligence on the ability to detect fraud through reduced audit quality behaviors. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*.
- Zarafili, S. S., & Zarafili, L. S., 2023. Exploring the Impact of Strategic Intelligence on Strategic Orientation: A Field Study on Jordanian Commercial Banks. *Jordan Journal of Business Administration*, 19(4).
- Zhao, M., Li, Y., & Lu, J., 2022. The effect of audit team's emotional intelligence on reduced audit quality behavior in audit firms: Considering the mediating effect of team trust and the moderating effect of knowledge sharing. *Frontiers in Psychology*, 13, 1082889.

Investigating the impact of strategic intelligence on audit quality

Mohammad Hosein Setayesh¹

Mina Sadeghi²

Younes Masoudi³

Elyas Dehdari⁴

Received: 30/ December /2024 Accepted: 19/ February /2025

Abstract

Extensive studies have investigated the identification of factors affecting audit quality, both at the professional and organizational level and at the level of individual characteristics. However, strategic intelligence as an essential component in people's decisions has not, yet been considered. Therefore, this research was conducted with the aim of identifying the role of strategic intelligence and its dimensions (including foresight, vision formulation, systemic thinking, participation and motivation) in promoting and improving audit quality. To gather data, a questionnaire was distributed among partners, managers and employed certified public accountants in audit institutions. The results of using structural equation modeling show that strategic intelligence and the dimensions of vision formulation, systemic thinking, participation and motivation have a direct and significant effect on audit quality. Therefore, the more strategic intelligence and perspective dimensions, systemic thinking, participation and motivation among auditors, the better audit quality. In other words, The better the level of strategic intelligence dimensions, it will lead to the improvement of audit quality.

Keywords: Audit Quality, Strategic Intelligence, Financial Reporting

¹ Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding author). Setayesh@shirazu.ac.ir

² Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. Mina_sadeghi96@yahoo.com

³ Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran younes.masoudi@mail.um.ac.ir

⁴ Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran El.dehdari@gmail.com



مدیریت در لحن افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام: پیامدهای تداوم انتخاب حسابرس و حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی

مهدی بشیری جویباری^۱
یحیی کامیابی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

چکیده

نوع لحن افشا می تواند علامت های متفاوتی برای تفسیر اطلاعات با در نظر گرفتن ناهمگونی بین سرمایه گذاران ایجاد نماید. تأثیر افشای داوطلبانه در بازار سرمایه، همچنین انگیزه‌هایی برای مدیریت لحن افشا توسط شرکت‌های با محیط اطلاعاتی ضعیف تر ایجاد می‌کند. از این رو، این پژوهش درصدد است اثر تعدیلی پیامدهای تداوم در انتخاب حسابرس و حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی بر رابطه ی بین لحن غیرعادی افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام بررسی نماید. برای دستیابی به این هدف، تعداد ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۱ به عنوان نمونه انتخاب گردید. برای آزمون فرضیه ها مدل پژوهش از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد که سطح لحن غیرعادی افشا تأثیر مثبت و معناداری بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام دارد. علاوه بر این، پیامدهای تداوم در انتخاب حسابرس رابطه بین لحن غیرعادی و معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه اثر تعدیل کننده ندارد اما میزان حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر رابطه ی بین لحن غیرعادی و معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه اثر تعدیل کننده دارد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که لحن غیرعادی افشا از طریق ایجاد اختلاف نظر بین سرمایه‌گذاران و گمراهی بیشتر سرمایه گذاران خرد، موقعیت های استفاده از اطلاعات محرمانه را افزایش می دهد و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی رابطه بین مدیریت لحن افشا و استفاده از اطلاعات محرمانه را تشدید می کند.

واژه‌های کلیدی: لحن غیرعادی افشا، اطلاعات محرمانه در معاملات سهام، تداوم در انتخاب حساس، حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی.

۱ گروه حسابداری، دانشکده اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران bashiri.66086660@chmail.ir
۲ گروه حسابداری، دانشکده اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول) y.kamyabi@umz.ac.ir

۱- مقدمه

بطور معمول در ادبیات مالی مطابق با نظریه جنسن و مکلینگ^۱ (۱۹۷۶)، اغلب تمرکز بر کنش های موجود بین مدیران و یک گروه پراکنده از ذینفعان بوده است. اما شواهد برخی از مطالعات نشان می دهد که سهامداران بزرگ، کنترل اکثر شرکت های بازار سرمایه را در دست دارند و مشکل اصلی در این محیط، خطر سلب منافع و انتقال مالکیت از سرمایه گذاران خرد به سهامداران بزرگ است. سهامداران بزرگ با توجه به موقعیت های خاص خود، انگیزه های قوی برای استخراج مزایای اطلاعات محرمانه از طریق یک سری از معاملات همچون فعالیت های تونل زنی^۲ به هزینه های سهامداران اقلیت دارند (جانسون^۳ و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۴؛ ژانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۲۵). با این حال سازوکارهای خاصی که از طریق آن، این سرمایه گذاران مزیت اطلاعاتی خود را به دست می آورند، به خوبی درک نشده است.

گروه های مختلف از سرمایه گذاران بر مبنای اخبار مربوط به شرکت ها و تعدیل در باورهای خود، بین علامت های متفاوت از بازار ارتباط برقرار می کنند و بر مبنای آن معاملات خود را شکل می دهند (آلدرج و سیسرو^۵، ۲۰۱۵: ۸۶). مطابق با تئوری ریز ساختار بازار سرمایه، برخی از سرمایه گذاران بر اساس موقعیت های غالب خود و بصورت آگاهانه به مبادلات سهام می پردازند. این گونه از سرمایه گذاران تحت عنوان معامله گران آگاه به طور استراتژیک عمل می کنند و هویت خود را پنهان می کنند تا از مزیت اطلاعاتی خود بهره مند شوند. این سرمایه گذاران با مزیت اطلاعاتی نسبت به سایر سرمایه گذاران، فعالیت های تجاری خود را بر اساس اطلاعات محرمانه انجام داده که این امر امکان درگیری های بالقوه را نه تنها بین سهامداران بزرگ و خرد، بلکه بین سرمایه گذاران خرد آگاه و بی اطلاع را نیز بالا می برد (کمپل و کرئکائو^۶، ۱۹۸۰: ۸۶۷؛ کیم و یی^۷، ۲۰۱۵: ۱۵).

در پژوهش های انجام شده درخصوص معاملات مبتنی بر اطلاعات محرمانه، عمدتاً تمرکز بر این موضوع که آیا و تا چه حدی و همچنین چه نوع از نهادهایی احتمالاً معاملات سودآوری را بر اساس اطلاعات محرمانه انجام می دهند. به طور نمونه، بروکمن و چانگ^۸ (۲۰۰۰) بر اساس رفتار معاملاتی معامله گران، دریافتند که شرکت های بزرگ معامله گران آگاه و ناآگاه بیشتری را در مقایسه با شرکت های کوچک دارند. علی و همکاران (۲۰۰۴) ارتباط مثبتی بین تغییرات در حجم مالکیت نهادی و بازده غیرعادی در زمان اعلام سود بر اساس معاملات مبتنی بر اطلاعات محرمانه یافتند. نتایج پژوهش بوشه و گادمن^۹ (۲۰۰۷) نشان می دهد که میزان استفاده از اطلاعات

^۱. Jensen and Meckling

^۲. Tunneling: تونل زنی به استخراج ارزش یک شرکت توسط سهامداران کنترل کننده و یا نفوذ مالکان نهادی با توجه به موقعیت های غالب در فعالیت های تجاری اطلاق می شود.

^۳. Johnson

^۴. Zhang

^۵. Alldredge and Cicero

^۶. Campbell and Kracaw

^۷. Kim and Yi

^۸. Brookman and Chang

^۹. Bushee and Goodman

محرمانه توسط معامله گران در شرکت های دارای مالکیت متمرکز، بیشتر هستند. پژوهش انجام شده توسط اسلان^۱ و همکاران (۲۰۱۱) بیانگر آن است که در شرکت های کوچک و جوان، دارای مالکان نهادی بیشتر و شرکت هایی با تعداد پایین از تحلیل گران، احتمال بالایی در معاملات بر اساس اطلاعات محرمانه وجود دارد. ژانگ و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که در کشورهای با ساختار ضعیف حمایت از سهامداران اقلیت، فعالیت های تونل زنی با استفاده از اطلاعات محرمانه بیشتر است و یک گروه مهم از سرمایه گذاران آگاه تاثیری غیرمستقیم بر حاکمیت شرکتی دارند.

در خصوص لحن افشا در گزارشگری مالی، دیویس^۲ و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که بازار به طور قابل توجهی به لحن افشا درآمد واکنش نشان می دهد. مدیران انگیزه های مختلفی برای بکارگیری لحن های مثبت و منفی در گزارشگری مالی دارند و نوع لحن می تواند بعنوان حالتی از ابراز احساسات و آینده نگری توسط مدیران دستکاری گردد. عبارتی، لحن افشا اطلاعات توسط مدیران می تواند اخبار خوب و بد را به بازار علامت دهی کند و تفسیرهای متفاوتی از آن شود (دمرس و وگا^۳، ۲۰۱۴: ۸). اگر چه در برخی از پژوهش ها اشاره شده که لحن زبانی استفاده شده توسط مدیریت به طور متوسط با درآمدهای آتی مرتبط است و به طور فزاینده ای توسط بازار قیمت گذاری می شود. با این حال، همه لحن ها به یک اندازه مرتبط به قیمت نیستند و بخشی از لحن ها می تواند به طور منفی با ارزش بنیادی شرکت مرتبط باشد و لحن غیرعادی گزارش های مالی می تواند از طریق تفاوت در رفتار معاملاتی معامله گران کوچک منجر به حجم معاملات غیرعادی سهام گردد (باگینسکی^۴ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۶).

برون و هایلگیست^۵ (۲۰۰۷) نشان می دهد که کیفیت افشا اطلاعات با مقادیر پایین احتمال معامله مبتنی بر اطلاعات محرمانه مرتبط است. مفات^۶ (۲۰۱۲) بیان می کند که ارتباط بین عدم شفافیت و معاملات بر اساس اطلاعات محرمانه در سطح شرکت وجود دارد و این ارتباط در کشورهایی با زیرساخت های ضعیف در شفافیت، بدلیل انگیزه ها و فرصت های کسب اطلاعات محرمانه، آشکارتر است. ادبیات قبلی که اثرات اقتصادی گزارشگری مالی در بازارهای سهام را بررسی می کنند، بیشتر بر روش هایی تمرکز دارد که سرمایه گذاران بطور متوسط از یک محیط اطلاعاتی با شفافیت بالاتر، بهره مند می شوند. اگر چه افشا می تواند به عنوان یک روش فزاینده مهمی برای انتقال بینش های عمیق تر در مورد وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری تلقی گردد؛ با این حال از سویی دیگر، زبان افشا و میزان لحن خوشبینانه و یا بدبینانه می تواند تاثیر متفاوتی بر سرمایه گذاران داشته باشد (هوانگ^۷ و

¹. Aslan

². Davis

³ Demers and Vega

⁴ Baginski

⁵. Brown and Hillegeist

⁶ Maffett

⁷. Huang

همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰۸۷). نوع لحن افشا می تواند علامت هایی برای تفسیر اطلاعات و رفتار سرمایه گذاران در بازار سرمایه ایجاد و این تحقیق به دنبال درک چگونگی واکنش سرمایه گذاران به لحن های غیرعادی افشا است. با این وجود، چگونگی استفاده سرمایه گذاران از اطلاعات لحن افشا برای تصمیم گیری با توجه به ناهمگونی بین آن ها مشخص نمی باشد. با توجه اهمیت موضوع، بررسی انگیزه های مدیریت لحن افشا و نوع تاثیر آن بر رفتار سرمایه گذار می تواند پیامدهای بسیار مهمی برای قانون گذاران و سرمایه گذاران خرد داشته باشد. از سوی دیگر، وجود سازوکارهایی برای حمایت از سرمایه گذاران و افشا قوی تر اطلاعات می تواند معاملات کمتری بر مینا اطلاعات محرمانه شکل دهد. برخی از معیارهای مبتنی بر ادراک بازار همچون هزینه سرمایه و ضریب واکنش سود، می توانند به طور غیرمستقیم با افشاها مرتبط باشند (ژانگ و دفوند، ۲۰۱۴: ۱۸). کیفیت بالا حساسیتی می تواند از طریق افزایش در شفافیت و همگنی بیشتر در باور معامله گران، میزان استفاده از اطلاعات محرمانه را کاهش دهد. از این رو، هدف این پژوهش این است بررسی نماید آیا پیامدهای تداوم در انتخاب حساسیت و حق الزحمه های غیرعادی حساسیتی بر رابطه ی بین لحن غیرعادی افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام اثر تعدیل کننده دارد؟

۲- چارچوب نظری

مفهوم اطلاعات نامتقارن نقش مهمی در تئوری ریزساختار بازار ایفا می کند و شامل این واقعیت است که شرکت کنندگان در بازار سرمایه ممکن است اطلاعات متفاوتی در شرایط عدم قطعیت برای قضاوت و تصمیم گیری داشته باشند. بر اساس مدل های اطلاعات نامتقارن، دو نوع معامله گر آگاه و ناآگاه وجود دارد. اگر سرمایه گذاران دسترسی به مجموعه اطلاعات نامتقارن خودی را بهبود بخشیده باشند، آن اطلاعات باید سریع تر در قیمت ها گنجانده شود و هرگونه مزیت تجاری ناروا را محدود کند. به دلیل محدودیت های توجه سرمایه گذار، قیمت سهام به سرعت اطلاعات عمومی و خصوصی را منعکس نمی کند (کارا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۹۱؛ بوشی^۲ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۸) و سرمایه گذاران آگاه از سرمایه گذاران ناآگاه با توجه شرایط متفاوت سواستفاده می کنند و به طور قابل توجهی از اطلاعات محرمانه مرتبط، سود می برند (آلدرج و سیسرو، ۲۰۱۵: ۸۸).

افشای اطلاعات عمومی توسط شرکت ها بر باورهای سرمایه گذاران و نحوه تفسیر اطلاعات آنها تأثیر متفاوتی می گذارد و این مهم تا حدودی حجم معاملات غیرعادی را در زمان اعلام اطلاعات عمومی توضیح می دهد. لحن افشا حاوی علامت هایی از ارزش شرکت است و زمانی که این علامت ها غیرعادی باشند، اختلاف در باور سرمایه گذاران بیشتر می شود. هنگامی که افشا اطلاعات دارای تفسیر مبهم است؛ به طوری که سیگنال مشابه و یکسان می تواند بسته به سایر عوامل و شرایط مرتبط، به صورت مثبت یا منفی تفسیر شود، این شرایط می تواند به معامله

¹ Karaa

² Bushee

گران آگاه اجازه دهد با استفاده از ترکیب اطلاعاتی در معاملات، به هزینه سرمایه گذاران ناآگاه سواستفاده نمایند (ادویچ و کارولین^۱، ۲۰۲۰: ۷۸). پردازش لحن زبانی توسط سرمایه گذاران دشوار است و یافته‌های مبتنی بر محیط آزمایشگاهی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران با مهارت کمتر، بیشتر از روش‌های اکتشافی در تفسیر لحن استفاده می‌نمایند و با سوگیری‌ها دارای خطا بیشتری در تصمیم‌گیری هستند. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که لحن زبانی استفاده شده توسط مدیران به طور متوسط با درآمدهای آتی مرتبط است و به طور فزاینده‌ای توسط بازار قیمت گذاری می‌شود. با این حال، همه لحن‌ها به یک اندازه به قیمت مرتبط نیستند و بخشی از لحن‌ها می‌تواند به طور منفی با ارزش بنیادی شرکت مرتبط باشد (باگینسکی و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۶).

۲.۱. لحن افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در بازار سرمایه

در دهه گذشته، تحلیل متنی در ادبیات حسابداری و مالی مورد توجه قرار گرفته است (لی^۲، ۲۰۱۰: ۱۰۵۸، لوگران و مک دونالد^۳، ۲۰۱۶: ۱۱۸۹). لحن زبان در افشا بیانگر حالت نسبتاً ساده‌ای از ابراز احساسات مدیران است. اگرچه این لحن زبانی بگونه‌ای «ترم» بسیاری از ویژگی‌های اطلاعات نامربوط را دارد، اما حجم رو به رشدی از ادبیات مالی حاکی از محتوای اطلاعاتی و آموزنده آن به طور فزاینده‌ای است و به طور متوسط برای پیش‌بینی درآمدها و جریان‌های نقدی آتی شرکت و توضیح قیمت سهام و پیش‌بینی‌های مدیریت (اطلاعات سخت) بکار می‌رود (دمرس و وگا، ۲۰۱۴: ۱۴، هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۰۸۹؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۴۹). درواقع، لحن افشا می‌تواند به عنوان پلی برای درک پیامدهای مبالغ‌شناسایی شده صورت‌های مالی عمل می‌کنند. از آنجایی که اعداد حسابداری و برآوردهای تحلیلگران ممکن است ناقص یا مغرضانه باشند، مدیران از لحن افشا برای انتقال اطلاعات استفاده می‌کنند (دیویس و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۵۰). با این وجود، لحن زبانی می‌تواند برای اهداف فرصت طلبانه توسط مدیران دستکاری شود، یعنی عمداً مغرضانه باشد یا صرفاً حاوی نویز باشد (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۱۰۹). از این رو، لحن زبان در افشا اطلاعات باید بیشتر در معرض پردازش معامله‌گران قرار گیرد تا اینکه به ارزش ظاهری آن تکیه کنند.

مدیران انگیزه‌هایی متفاوتی در لحن افشا اطلاعات دارند و نفوذ بالقوه لحن افشا به ویژگی‌های صورت‌های مالی مرتبط است. اگر لحن افشا، دید خاصی از شرکت ایجاد کند و یا مدیران لحن‌های مثبت و منفی را تشدید نمایند، این موضوع می‌تواند بر معیار شرکت‌کنندگان برای درک یک حساب تحریف شده تأثیر بگذارد. مطالعات نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌تواند تحت تأثیر لحن افشا قرار گیرد. تحلیل گران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در یک مجموعه پیچیده با عدم اطمینان محیطی، اغلب

¹ Edwige and Carolyn

² Li

³ Loughran and McDonald

تصمیمات دشوار و پرریسکی را اتخاذ می نمایند که شیوه افشا با زبان تهاجمی یا محافظه کارانه می تواند شرایط تصمیم گیری آنها را تحت تاثیر قرار دهد (دیویس و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۶۰).

انگلبِرگ^۱ (۲۰۰۸) بر اساس شواهد بدست آمده از بازار سرمایه، بیان می کند که پردازش اطلاعات مبتنی بر زبان شناسی (اطلاعات نرم) دشوارتر از اخبار اطلاعات عددی (اطلاعات سخت) است و سرمایه گذاران با سطوح مختلف پیچیدگی، اطلاعات زبانی افشا را تفسیر و با آنها معامله می کنند. همچنین تان و همکاران (۲۰۱۴) بر اساس شواهد تجربی دریافتند که اتکا به لحن افشا، تابعی از پیچیدگی سرمایه گذاران است. بر اساس نتایج آنها زمانی که لحن افشا برگرفته از عبارت متنی با درک دشوارتر باشد، سرمایه گذارانی با مهارت کمتر، آن را در یک چارچوب مثبت زبانی تفسیر می کنند و در مقابل، سرمایه گذاران ماهر و پیچیده در چنین شرایطی بیشتر شک دارند و زبان مثبت را کمتر معتبر می دانند. در مجموع، این یافته ها احتمال وجود اختلاف نظر اساسی در میان معامله گران در مورد پیامدهای لحن زبانی افشا را بیان می کند.

در ادبیات رفتاری مرتبط با نقش تخصص در قضاوت و تصمیم گیری در شرایط عدم قطعیت، یافته ها حاکی از آن است که معامله گران کوچک و با مهارت پایین به ویژه در برابر زبان آسیب پذیر هستند (لیبی و لوفت^۲؛ ۱۹۹۳: ۴۲۸). سرمایه گذاران خرد به طور کلی کمتر منطقی هستند، دسترسی بدتری به اطلاعات دارند و توانایی پردازش اطلاعات کمتری نسبت به سرمایه گذاران نهادی بزرگ دارند (به عنوان مثال، لی^۳؛ ۱۹۹۲؛ ۲۶۷، باربری^۴، شلیفر، و ویشنی^۵؛ ۱۹۹۸؛ ۳۱۰، بلومفیلد^۶ و همکاران، ۱۹۹۹؛ ۶۲۸، باتاچاریا^۷؛ ۲۰۰۱؛ ۲۲۳، باتالیو و مندنهال^۸؛ ۲۰۰۵؛ ۲۹۷، تان^۹ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۷۹). بنابراین، فقدان تخصص نسبی سرمایه گذاران کوچک می تواند پتانسیل واکنش های تجاری ناکارآمد به اطلاعات زبانی نرم را ایجاد نماید (باگینسکی و همکاران، ۲۰۱۸؛ ۲۸، تان و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۸۱).

لحن غیرعادی در گزارشگری مالی می تواند از طریق تغییر مثبت یا منفی در سطح زبان افشا، دیدگاههای جدیدی برای سرمایه گذاران درباره انگیزه های مدیران و اعتبار سود شرکت ها ایجاد نماید. برخی از پژوهش های مالی به بررسی این موضوع پرداختند که چگونه مدیران از لحن افشا برای تأثیرگذاری بر بازار سرمایه همچون تأثیر آن بر واکنش سرمایه گذاران، محیط اطلاعاتی و هزینه سرمایه استفاده می کنند (فلدمن^۹ و همکاران، ۲۰۱۰: ۹۱۷، لوگران و مک دونالد، ۲۰۱۱: ۳۸، لئو و ژو^{۱۰}؛ ۲۰۱۷: ۴۵۸). لحن هایی در افشا که با ارزش های ذاتی شرکت در

¹ Engelberg

² Libby and Luft

³ Lee

⁴ Barberis

⁵ Bloomfield

⁶ Bhattacharya

⁷ Battalio and Mendenhall

⁸ Tan

⁹ Feldman

¹⁰ Luo and Zhou

ارتباط نباشند، می تواند به انگیزه های سرمایه گذاران برای استفاده از اطلاعات محرمانه بیافزاید. لحن غیرعادی از طریق کاهش در همگنی باورهای معامله گران در شرایط عدم قطعیت منجر به واکنش های تجاری ناکارآمد توسط سرمایه گذارن خرد می گردد (باگینسکی و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۴). از اینرو، انتظار می رود لحن غیرعادی در گزارشگری مالی با توجه به توانایی سرمایه گذاران آگاه در پردازش مؤثر اطلاعات عمومی، تصمیمات تجاری برتری برای آنها ایجاد نماید. مدیران هنگام انتشار اطلاعات بیش از حد خوشبینانه و بدبینانه در مورد شرکت باعث گمراهی بیشتر سهامداران کوچک شده و آسیب بیشتری به آن ها می زنند (میرلا، ۲۰۱۵: ۱۷). با توجه به اختلاف نظر بین سرمایه گذاران آگاه و ناآگاه بر سر مفهوم لحن افشا مرتبط با ارزش واقعی شرکت، در حقیقت لحن غیرعادی، یک شرایط متفاوت برای معامله گران آگاه ایجاد و می تواند موقعیت های استفاده از اطلاعات محرمانه را افزایش دهد.

نظریه موزاییک^۱ به هم افزایی و ترکیبی از چند قطعه اطلاعات برای ایجاد یک تخمین برتر از ارزش شرکت ها اشاره دارد. مکمل بودن اطلاعات یک ویژگی اساسی نظریه موزاییک است که بر مبنای آن، اطلاعات برای ایجاد یک تصویر بزرگتر در کنار هم قرار می گیرند. در مدل معرفی شده توسط کایل^۲ (۱۹۸۵)، زمانی معامله گر آگاه با یک سیگنال واحد دارای مزیت برتر است که لزوماً با افشای عمومی داوطلبانه همراه باشد. بر مبنای این مدل، افشا داوطلبانه اطلاعات دارای اثر عدم تقارن اطلاعاتی است چرا که به معامله گر آگاه اجازه می دهد تا موزاییک اطلاعاتی را تشکیل دهد و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی تشدید شود.

ادویچ و کارولین (۲۰۲۰) با توسعه مدلی مبنی بر افشا دریافتند که سیاست های افشا عمومی می توانند اثر موزاییکی اطلاعات را تقویت کند و به معامله گران آگاه اجازه دهند تا دقت اطلاعات خصوصی خود را بهبود بخشند. آنها نشان دادند زمانی که قیمت ها، اطلاعات بیشتری دارند، معامله گران آگاه وضعیت بهتری دارند و در واقع توانایی تجارت آن ها بر روی اطلاعات افشا شده، بیشتر می شود. بر اساس مدل آن ها، زمانی که عدم اطمینان بیشتری در مورد مطلوب یا نامطلوب بودن خبر وجود دارد، فضای بیشتری برای ایجاد هم افزایی اطلاعات به وجود می آید و در این شرایط مدیران بیشتر تمایل به افشای رویدادهای غیرعادی هستند که تفسیر اطلاعات خصوصی را تغییر می دهد. با ایجاد این شرایط، معامله گران آگاه می توانند اطلاعاتی را بررسی و استخراج کنند که برای سرمایه گذار عادی رسیدن به این نتایج، اساسی و مهم نباشد و از این طریق اثر موزاییکی معامله گران آگاه تکمیل می گردد.

مطابق با نظریه موزاییک، لحن غیرعادی در افشا توسط مدیران می تواند بصورت سیگنالی مثبت یا منفی تفسیر شود. در شرایط لحن غیرعادی افشا، سرمایه گذاران آگاه می توانند یک تصمیم تجاری برتر ایجاد کنند و تصمیم بهتری در تفسیر اطلاعات نگهداری شده خود اخذ نمایند و در نتیجه یک اثر موزاییک اطلاعاتی به وجود

¹. Theory of the Mosaic

². Kyle

می آید. لحن غیرعادی افشا می تواند تفسیر معامله گر آگاه از سیگنال خود را تصحیح کند و مزیت اطلاعاتی آنها را در ارتباط با سیگنال های موجود افزایش دهد.

۲.۲. پیامدهای حسابرسی، لحن غیرعادی در افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام

استراتژی مرتبط با لحن افشا بعنوان یک عمل تصادفی در حسابداری تلقی نمی شود، بلکه بعنوان ابزاری سیاستی محسوب می شود که خط و مشی آن رسیدن به اهداف معین است. انتخاب هایی که درخصوص لحن افشا صورت می پذیرد به نوعی ارتباطات مالی و حسابداری را نیز شامل می شود. یعنی اختیار و فرصت های مدیران برای تصمیم گیری در خصوص لحن افشا، به کیفیت اطلاعات مالی بستگی دارد. اغلب واکنش سرمایه گذاران به لحن افشا می تواند نتیجه پردازش جامع اطلاعات باشد. علامت هایی از اعتبار فرستنده و نوع پیام برای سرمایه گذاران در فرآیند افشا به طور فزاینده ای آموزنده هستند، اما اطلاع رسانی و میزان تاثیرگذاری می تواند به سایر اطلاعات با کیفیت بالا بستگی داشته باشد. بر این اساس، یک محیط اطلاعاتی غنی باید اتکا به علامت های اعتبار درک شده از فرستنده پیام را تحت تاثیر قرار دهد. با این حال، در مورد اینکه علامت های مختلف دیگر از محیط اطلاعاتی بصورت تعاملی با لحن افشا چه تاثیری بر تفسیر سرمایه گذاران می گذارند؛ اطلاعات کمی وجود دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر این دامنه از موضوع را گسترش داده و جنبه های متعدد پیامدهای حسابرسی را در تعامل با اطلاعات نرم از لحن افشا را در محیط های ارتباطی بررسی می نماید. برخی از ویژگی های محیط اطلاعاتی همچون میزان پوشش تحلیل گر و مالکیت نهادی بر ارتباط بین انگیزه های افشای داوطلبانه بر نقدشوندگی سهام، هزینه سرمایه بررسی گردید که مطابق نتایج آن ها تأثیر افشای داوطلبانه بر این مزایا برای شرکت های با محیط اطلاعاتی ضعیف تر، بیشتر است (بروکمن و همکاران، ۲۰۱۷: ۶۶۸).

تشخیص تحریف ها توسط استفاده کنندگان در تلاش برای ارزیابی کیفیت شرکت دشوار است؛ چرا که تحریف ها می توانند توسط عواملی پنهان شوند. لحن افشاگری (زبان تهاجمی/محافظه کارانه استفاده شده در افشا) و شرایط سود (اثر سود) می تواند از عواملی برای کیفیت تصمیم گیری استفاده کنندگان از ارزش شرکت ها تلقی گردد (چن^۱ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۲۸). پیامدهای حسابرسی از طریق ارزش گذاری بازار از ارتباط بین حسابر و مشتری بر نحوه تفسیر اطلاعات توسط سرمایه گذاران اثرگذار است. برخی از ویژگی های حسابرسی بر درک سرمایه گذاران از کیفیت حسابرسی و اعتماد آن ها تأثیر می گذارد. ارزش حسابرسی مشتقی از اعتماد به نفس بیشتر در میان سرمایه گذاران عادی و کاهش واگرایی در ارزیابی سرمایه گذاران از ارزش شرکت می باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۳۴).

پیامدهای حسابرسی از طریق بهبود در کیفیت اطلاعات ارائه شده، به طور موثر برخی از اطلاعات خصوصی معامله گران آگاه را به حوزه عمومی می آورد و بنابراین عدم تعادل اطلاعاتی بین معامله گران را کاهش می دهد.

1 Chen

ویژگی های حسابرسی همچون میزان تداوم در انتخاب حسابرس و حق الزحمه های غیرعادی حسابرسان می تواند از طریق تغییر در کیفیت حسابرسی و شفافیت اطلاعات، میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در شرایط لحن غیرعادی افشا را تحت تاثیر قرار دهد. تمایل به حفظ شهرت و احتمال قرار گرفتن در معرض دعوی حقوقی برای حسابرسان منجر به انگیزه برای ارائه اطلاعات با کیفیت بالا و محدود نمودن فرصت طلبی مدیران می گردد. این موضوع سبب می شود تا حسابرسان گزارش مالی محافظه کارانه تری را از مشتریان خود مطالبه کنند (باسو^۱ و همکاران، ۲۰۰۱: ۸). انتظار می رود کیفیت بالا حسابرسی، انگیزه های بیشتری برای محدود کردن استفاده از لحن خوش بینانه در افشا اطلاعات توسط مدیران را در پی داشته باشند (چرنی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۲).

ایاتریدیس (۲۰۱۶) استراتژی های حسابداری را به عنوان عوامل تعیین کننده لحن افشا بررسی کرد و دریافت که شرکت هایی با دستکاری سود کمتر، هزینه سرمایه پایین و محافظه کاری بالا، لحن بدبینانه تری را در گزارش های متنی خود نشان می دهند. اگر استفاده کنندگان صورت های مالی تشخیص دهند که لحن افشا بیش از اندازه مثبت یا منفی است، ممکن است قضاوت آنها در مورد انگیزه های مدیران و اعتبار سود حسابداری تغییر نماید. (دیویس و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۵۶) استفاده کنندگان صورتهای مالی اعتبار و وزن اطلاعات را با توجه به لحن پیام و رابطه آن با انگیزه های مدیریتی ارزیابی می کنند. سطح مثبت و منفی در زبان افشا ارتباط قابل توجهی با کیفیت اطلاعات تهیه شده توسط مدیران دارد. در برخی از مواقعی که افشاها حاوی تحریف هستند، اما همزمان باورپذیری در خصوص گزارش های مدیران بالاست (به عنوان مثال، کاهش تحریف سود یا لحن محافظه کارانه در افشا)، احتمالاً بررسی دقیق از سوی استفاده کنندگان کاهش می یابد و در نتیجه شناسایی و کشف تحریفها کاهش می یابد.

به طور کلی کارکردهای شناختی در حسابداری مستلزم ایجاد تمایز و تشخیص یک علامت در یک محیط پیچیده و نامطمئن است. نظریه تشخیص علامت^۳ دو جز اساسی را در موقعیت های علامت یابی مطرح نموده است: جز ادراکی که به بررسی تاثیر ارائه علامت بر ادراک مشاهده گر می پردازد و جز تصمیم گیری که با نحوه پاسخ وی در ارتباط است. با استفاده از این نظریه، چگونگی پاسخ افراد به محرک های مبهم را می توان تحلیل کرد. با کاربرد این نظریه می توان تعیین کرد که فرد به چه میزان، با چه حساسیتی و با چه نوع سوگیری به محرک هدف (یا همان علامت) و محرک غیرهدف (یا همان نویز) پاسخ می دهد. تنوع در معیارها مورد نیاز برای گزارش یا عدم گزارش یک علامت در بین استفاده کنندگان صورت های مالی باعث ایجاد عدم قطعیت در تصمیم گیری می گردد (اسپرینکل و جابز^۴، ۱۹۹۸: ۴۸۷، رمزی و جابز^۵، ۲۰۰۵: ۱۶۵).

^۱ . Basu

^۲ Czerney

^۳ . Signal Detection Theory

^۴ . Sprinkle and Tubbs

^۵ Ramsay and Tubbs

با توجه به اینکه استفاده کنندگان صورت های مالی در معرض توانایی های شناختی محدودی هستند و نمی توانند همه نتایج احتمالی را ارزیابی کنند؛ در نتیجه بیشتر متکی به تصمیم گیری مبتنی بر میانبرهای اکتشافی و ذهنی می شوند. ویژگی های حسابرسی که منجر به شرایط متفاوت در گزارشگری مالی می گردد، در شرایط لحن غیرعادی افشا و از طریق تغییر عدم قطعیت در تصمیم گیری ها، پتانسیل ایجاد تصمیم گیری مبتنی بر میانبرهای اکتشافی و ذهنی را دارند (مک دونالد و لوگران، ۲۰۱۶: ۱۱۹۰).

۳.۲. پیامد تداوم انتخاب حسابرس، لحن غیرعادی افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام

با توجه به پیامد تداوم انتخاب حسابرس بر استقلال آن ها، نگرانی هایی برای حفاظت از منافع سرمایه گذاران ایجاد گردید. تداوم انتخاب حسابرس می تواند بصورت غیرمستقیم و از طریق نقش علامت دهی، ارزش گذاری سرمایه گذاران از اطلاعات شرکت ها را تحت تاثیر قرار دهد. چرنی و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند با تغییر به یک موسسه بزرگ حسابرسی در مقایسه با سایر موسسات حسابرسی، لحن افشا به طور قابل توجهی بیشتر منعکس کننده اخبار بد اقتصادی در مقایسه با زبان خوش بینانه است. دایر^۱ و همکاران (۲۰۱۷) و لانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۵) بر اساس تحلیل متنی افشا شرکت ها، تاثیر نوع حسابرس از جمله شاخص اندازه موسسات حسابرسی را به عنوان یک عامل تعیین کننده ویژگی های متنی گزارش های سالانه، مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن ها حاکی از همبستگی بین شاخص موسسات حسابرسی بزرگ و برخی ویژگی های متنی گزارش های سالانه، مانند طول و خوانایی است. برون و نیچل^۳ (۲۰۱۶) میزان سازش مشتریان و حسابرسان با استفاده از تطابق افشاهای مالی را بررسی کردند. آنها دریافتند که برای مشتریان با نمرات پایین در تطابق افشا، احتمال بیشتری مبنی بر تغییر حسابرسان وجود دارد و تغییر حسابرس با توجه به تأثیر بر کیفیت حسابرسی، تجدید ارائه صورت های مالی، در مواقعی که افشاهای متنی شبیه تر باشند، بیشتر محتمل است. در پژوهش انجام شده توسط دان و میهو^۴ (۲۰۰۵) شواهدی از انتخاب حسابرس به عنوان بخشی از استراتژی افشای کلی شرکت ها ارائه گردیده است. آن ها استدلال می کنند که استخدام حسابرسانی با تخصص در صنعت، به مشتریان در افزایش کیفیت افشا کمک می کند. موسسات حسابرسی متخصص در صنعت با توجه به دانش و تخصص خاص صنعت، می توانند به طور موثر به مشتریان خود را در بهبود استراتژی های افشای خاص صنعت کمک نمایند. انتخاب مشتری از یک مؤسسه حسابرسی متخصص در صنعت می تواند به عنوان یک علامت افزایش کیفیت افشا (اخبار خوب) عمل کند. میزان تداوم در انتخاب حسابرس می تواند از طریق تغییر در عامل ریسک اطلاعاتی شرکت ها، میزان ادراک و اعتماد

¹. Dyer

². Lang

³. Brown and Knechel

⁴. Dunn and Mayhew

سرمایه گذاران از لحن غیرعادی را تحت تاثیر قرار دهد. چرخش مؤسسه حسابرسی از طریق تغییر در استقلال و محیط حسابرسی می تواند عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران آگاه و ناآگاه و میزان باورهای معامله گران را تغییر دهد (سوکمین و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۵). استفاده کنندگان گزارش های مالی نیاز به رمزگذاری افشا برای پردازش آن دارند. پیامدهای تداوم انتخاب حسابرس از طریق تغییر در کیفیت حسابرسی، شرایط اطلاعات متفاوتی را منجر می شود و به عنوان علامتی از عدم قطعیت شناختی بر تصمیم گیری های ذهنی استفاده کنندگان از لحن افشاگری (زبان تهاجمی یا محافظه کارانه) تاثیرگذار است. مطابق تحقیق همتی و همکاران (۱۴۰۲) دوره تصدی حسابرسان بر توانایی آن ها در تشخیص شیوه های حساب آرایشی تاثیر افزایشی دارد. برزگر عباسپور و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که تداوم انتخاب حسابرس از طریق دانش خاص بیشتر منجر به افزایش کیفیت حسابرسی می شود؛ بطوریکه هزینه های نمایندگی و خطر اطلاعاتی را کاهش می دهد.

۴.۲. حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، لحن غیرعادی افشا و میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام

مطابق تئوری، حسابرسان حق الزحمه خود را در سطحی تعیین می کنند که هزینه های ارائه گزارش حسابرسی و هر گونه گرامت برای زیان دادرسی آتی ناشی از تعهدات را پوشش دهند (سیمونک^۱، ۱۹۸۰). کینی و لیبی^۲ (۲۰۰۲) دریافتند بخش «غیرنرمال» حق الزحمه حسابرسی یا هزینه های غیرعادی حسابرسی می تواند تأثیر شدیدی بر کیفیت حسابرسی داشته باشد. تعداد زیادی از مطالعات، تأثیر حق الزحمه حسابرسی غیرعادی را بر کیفیت حسابرسی بررسی کرده اند که در نتیجه دو جریان ادبیاتی متفاوتی در خصوص اثرات حق الزحمه غیرعادی حسابرسی شکل گرفت. در یک طرف از ادبیات تحقیق استدلال می کنند که هزینه های غیرعادی بالاتر حسابرسی با تحمل بیشتر حسابرس نسبت به مدیریت سود و کیفیت پایین اطلاعات مرتبط است و نشان می دهند که بخش غیرعادی حق الزحمه حسابرسی به منزله رابطه های اقتصادی است که استقلال حسابرس را مختل می کند و منجر به کیفیت پایین حسابرسی می شود (چوی^۳ و همکاران، ۱۲۷؛ آستانا و بون^۴، ۲۰۱۲: ۱۶). مطابق پژوهش رستمی و همکاران (۱۴۰۱) در شرایطی که اطلاعات مالی شرکت ها کیفیت مطلوبی نداشته باشد، یکی از راهکارهای جبران کاستی کیفیت گزارش های مذکور پرداخت مبلغ نامتعارف حق الزحمه به حسابرسان می باشد. بشیری منش و همکاران (۱۴۰۱) دریافتند که تمرکز مدیران بر اهداف کوتاه مدت، شهرت طلبی و درصد بالای مالکیت مدیران منجر به تلاش ودقت بیشتری در فرآیند حسابرسی و افزایش حق الزحمه حسابرسی می شود.

¹. Simunic

². Kinney and Libby

³. Choi

⁴. Asthana and Boone

جریان دوم از مطالعات مرتبط با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت بالاتر حسابرسی است. حق الزحمه غیرعادی حسابرسی ممکن است نشان دهنده رابطه های اقتصادی نباشد، بلکه منعکس کننده هزینه های تولید حسابرسی غیرقابل مشاهده یا تلاش حسابرسی است (بلنکلی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۶، لوبو و ژائو^۲، ۲۰۱۳: ۱۱۹۸، اشلمن و گائو^۳، ۲۰۱۴: ۱۱۹). بنابراین، ادبیات موجود در مورد ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی غیرعادی و کیفیت حسابرسی دوگانه است. یکی از دلایل عدم قطعیت در تحقیقات قبلی این است که محققان نمی توانند تلاش غیرقابل مشاهده حسابرسی و ریسک دادرسی مرتبط را در مدل های حق الزحمه حسابرسی خود مدل سازی کنند. در خصوص واکنش بازار به حق الزحمه غیرعادی حسابرسی دو فرضیه رقیب وجود دارد. از یک طرف، مطابق پژوهش ها ممکن است حق الزحمه غیرعادی حسابرسی به عنوان یک خبر خوب از سوی بازار تفسیر شود. اگر هزینه های حسابرسی بالاتر نشان دهنده حسابرسی های دقیق تر باشد، هزینه های غیرعادی حسابرسی را می توان به عنوان تلاش اضافی حسابرسی و افزایش کیفیت گزارش دهی تفسیر کرد. این دیدگاه با افزایش قابلیت اتکای صورتهای مالی در زمانی که حق الزحمه حسابرسی بالا است، سازگار است. بلنکلی و همکاران (۲۰۱۲) شواهد تجربی برای این دیدگاه ارائه می کنند. در مطالعه آنها، حق الزحمه حسابرسی غیرعادی بالاتر، احتمال تجدید ارائه سود در آینده را کاهش می دهد و بازار نسبت به انگیزه های مدیران دیدگاه بهتری پیدا می کند. از سوی دیگر، فعالان بازار ممکن است به دلایل مختلف حق الزحمه غیرعادی حسابرسی را به عنوان خبر بد تفسیر کنند. اولاً، حق الزحمه حسابرسی بالاتر می تواند نشان دهنده اختلاف نظر بین حسابرس و صاحبکار باشد. بدین صورت که حق الزحمه حسابرسی بالاتر نشان دهنده زمان بر بودن و با نظرات اصلاح شده حسابرسی مرتبط است (کارسلو^۴ و همکاران، ۱۳۸۵؛ ۱۹۹۵، گیگر و راما^۵، ۲۰۰۳: ۵۸). دوم، اگر حسابرسان به عدم قطعیت بالاتر در برآورد اقلام صورتهای مالی با کارمزدهای بالاتر واکنش نشان دهند (اتریج^۶ و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۸). حق الزحمه غیرعادی حسابرسی مثبت نشان دهنده خطر بیشتر در ارزش شرکت است. این موضوع با یافته های تجربی مربوط به حق الزحمه حسابرسی به عنوان شاخص اولیه ریسک تجاری مطابقت دارد (استنلی^۷، ۲۰۱۱: ۱۶۴). ثالثاً، حسابرسان می توانند برای دعوی حقوقی و خطر شهرت خود، حق بیمه ای برای ریسک دریافت کنند. از آنجایی که این کارمزدها کیفیت حسابرسی را افزایش نمی دهد، سرمایه گذاران ممکن است به آنها واکنش منفی نشان دهند. در نهایت، حق الزحمه حسابرسی غیرعادی نیز می تواند به عنوان شاخصی از کاهش استقلال حسابرس باشد که در واقع به دلیل پیوند اقتصادی محکم بین حسابرس و صاحبکار ایجاد می گردد (کاناگارتنام^۸ و

¹ Blankley

² Lobo and Zhao

³ Eshleman and Guo

⁴ Carcello

⁵ Geiger and Rama

⁶ Ettredge

⁷ Stanley

⁸ Kanagaretnam

همکاران، ۲۰۱۰؛ ۲۰۳۷ کینی. و لیبی، ۲۰۰۲؛ ۱۱۱). مطابق پژوهش مورومن^۱ و همکاران (۲۰۱۳) معامله گران در بازار سرمایه، حق الزحمه غیرعادی حسابرسی را به عنوان نشانه ای از خطر اضافی تفسیر می کنند. به عبارتی، حق الزحمه غیرمنتظره حسابرسی به عنوان علامتی برای حسابرسی قابل اعتمادتر تفسیر نمی شود، بلکه باعث تردید بیشتر بازار در خصوص افشا شرکت ها می گردد. بر این اساس می توان استنباط کرد که حق الزحمه غیرعادی حسابرسی با توجه به ایجاد شرکت متفاوت در کیفیت اطلاعات و تغییر در تفسیر علامت های اخبار خوب و بد، میزان استفاده از اطلاعات محرمانه را در شرایط لحن افشا غیرعادی تحت تاثیر قرار دهد.

۵.۲. پیشینه پژوهش

در پژوهشی چنگ و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که رابطه بین ویژگی های لحن افشا و معاملات داخلی با اشخاص وابسته، زمانی که محیط اطلاعاتی کلی شرکت مبهم تر است (زمانی که یک شرکت حاکمیت شرکتی بهتری دارد) بیشتر (کمتر) مشخص است. جاین (۲۰۲۳) نشان داد مدیران از لحن افشا به عنوان ابزاری استراتژیک برای مدیریت انتظارات و تقاضای سرمایه گذاران برای اطلاعات استفاده می کنند و اقدامات سرمایه گذاران می تواند به نوبه خود تأثیری انضباطی بر مدیریت لحن داشته باشد. بطوریکه فشار بیشتر فروش کوتاه سهام منجر به خوش بینی کمتر در لحن غیرمرتبط با اصول بنیادی در افشا می شود.

آریف^۲ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی ارتباط بین فرآیندهای حسابرسی، اطلاعات خصوصی و معاملات داخلی شرکت ها از پایگاه داده تامسون رویترز پرداختند. آنها دریافتند که فرآیند حسابرسی یک شکل خاص از فرصت طلبی بصورت معاملات آگاهانه توسط افراد داخلی شرکت را تسهیل می کند. مطابق نتایج آنها، افزایش معاملات در حوالی تاریخ گزارش حسابرسی توسط این معامله گران وجود دارد و این افزایش به طور غیرعادی برای شرکت هایی که متعاقباً نظرات اصلاح شده را گزارش می کنند، زیاد است. افزایش غیرعادی معاملات توسط افراد داخلی ناشی از اطلاعات خصوصی در مورد فرآیند حسابرسی، فرآیندی که ظاهراً برای محافظت از سهامداران طراحی شده است، برای منافع فرصت طلبانه سوء استفاده می شود.

هادرو^۳ (۲۰۲۱) به بررسی صداقت، تعصب و انگیزه انتخاب لحن مدیران در نامه به سهامداران با استفاده از داده های شرکت های بورس ورشو لهستان و وین اتریش پرداختند. مطابق نتایج پژوهش آن ها، وقتی مدیران متن را با تعصب انتخاب می کنند، توانایی انتقال اخبار مثبت در مورد شرکت خود را از دست می دهند. تحت انتظارات منطقی، سرمایه گذاران می توانند سوگیری را بر اساس انگیزه های موقعیتی شناخته شده تشخیص دهند و اطلاعات جانبدارانه را نادیده بگیرند. همچنین، نتایج نشان می دهد که مدیران نه بصورت ناخودآگاه، بلکه لحن را به طور استراتژیک دستکاری می کنند تا نیازهای گروه های سهامداران کلیدی را برآورده کنند.

^۱. Mohrmann

^۲. Arif

^۳. Hadro

مالکوس و بورخس^۱ (۲۰۲۱) به بررسی لحن مثبت در گزارش های مدیریت و نوسانات بازده سهام شرکت های بورسی کشور برزیل پرداختند. بر اساس پژوهش آنها شرکت هایی که امتیازات لحن افشای مثبت بالاتری دارند، لزوماً نوسانات بازده سهام کمتری را در دوره بعدی نشان نمی دهند.

چرنی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی نقش انتخاب ۴ موسسه بزرگ حسابرسی و ریسک دعوی حقوقی بر لحن افشا شرکت های پایگاه داده CRSP ۲۰۱۷ پرداختند. آنها دریافتند که لحن افشا اطلاعات به طور قابل توجهی بیشتر منعکس کننده اخبار بد اقتصادی در حضور یک موسسه حسابرسی بزرگ در مقایسه با سایر موسسات حسابرسی است. نتایج آنها با در معرض قرار گرفتن بیشتر دعوی حقوقی مطابقت دارد که باعث می شود حسابرسان بزرگ برای محدود کردن استفاده مدیران از زبان خوش بینانه در حین حسابرسی گزارش های مالی انگیزه دهند. تحقیق آنها شواهد جدیدی را برای بحث های نظارتی در مورد ارزش افشا و نقش حسابرسی فراهم می کند.

سوکمین و همکاران (۲۰۱۹) به تحلیل چگونگی ادراک سرمایه گذاران از چرخش اجباری حسابرسان در شرکت های بورسی کشور کره ۲۰۰۹ پرداختند. مطابق نتایج پژوهش آن ها تغییر اجباری حسابرسان با هزینه سرمایه شرکت ها ارتباط منفی دارد. چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی از طریق افزایش استقلال و شک و تردید حسابرسان توسط سرمایه گذاران درک می شود و محیطی را برای حسابرسی واجد شرایط فراهم می کند و در نتیجه هزینه سرمایه سهام را کاهش می دهد. مطالعه آنها با نشان دادن بهبود در درک و ارزیابی ریسک اطلاعات، تأثیر مزایای چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی را نمایان می کند.

باگینسکی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ارتباط بین لحن زبانی و معامله گران کوچک با استفاده از اطلاعات پایگاه CRSP پرداختند. آن ها به این نتیجه رسیدند که حجم معاملات غیرعادی با لحن باقی مانده پیش بینی های مدیریت ارتباط مثبت دارد. این موضوع حاکی از آن است که اختلاف نظر قابل توجهی بین سرمایه گذاران بر سر مفهوم لحن برای ارزش شرکت وجود دارد. بررسی های بیشتر نشان می دهد که رفتار خرید خالص سرمایه گذاران کوچک به طور مثبت با لحن باقیمانده مرتبط است، در حالی که سرمایه گذاران بزرگ تر تمایل به فروش بر اساس این سیگنال دارند. همچنین، نتایج رابطه منفی بین لحن باقیمانده و بازده سهام آتی را نشان می دهد که این موضوع نشان از رفتار متمایز خرید شامل انتقال ثروت از نظر اقتصادی مهم از سرمایه گذاران کوچک به بزرگ است.

پاولز و برام^۲ (۲۰۱۷) تأثیر حمایت از سرمایه گذار بر رابطه بین چرخش مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی از ۸ کشور اروپایی را ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار داد. نتیجه تحقیق وی حاکی از آن است که چرخش مؤسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی برای کشورهای با حمایت قوی و ضعیف از سرمایه گذار تأثیر نمی گذارد. علاوه بر این، حمایت از سرمایه گذار بر کیفیت حسابرسی بر اساس اقلام تعهدی فقط در کشورهایی با حمایت ضعیف از سرمایه گذار تأثیر منفی می گذارد و این اثر منفی زمانی ناپدید می شود که یک سطح قوی از حمایت از سرمایه

¹. Malaquias and Borges

². Pouwels and Braam

گذار به دست آید. در نهایت، بصورت ترکیبی چرخش مؤسسه حسابرسی و حمایت از سرمایه‌گذار اثر کاهشی بر کیفیت حسابرسی بر اساس اقلام تعهدی و حق‌الزحمه حسابرسی فقط برای شرکت‌هایی در کشورهای با حمایت ضعیف از سرمایه‌گذار دارد.

هوهنفلز^۱ (۲۰۱۶) به بررسی میزان تداوم انتخاب حسابرس بر کیفیت سود ادراک شده توسط بازار شرکت های بورسی کشور آلمان پرداخت. نتایج تحقیق وی بیانگر رابطه غیرخطی بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود درک‌شده بازار است و سرمایه‌گذاران کیفیت سود پایین‌تری را در طول سال‌های نخستین و سال‌های بعدی رابطه حسابرس و مشتری درک می‌کنند. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاکی از آن است که کیفیت سود زمانی که دوره تصدی حسابرس ۸ تا ۹ سال باشد به بالاترین حد تلقی می‌شود.

میرلا^۲ (۲۰۱۵) به بررسی انگیزه های معاملات توسط خودی ها و بازده با استفاده از لحن های خاص افشا در بورس ایالات متحده پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان می دهد که خالص لحن افشا مدیران، نسبت خرید در معاملات توسط خودی ها را پیش‌بینی می‌کند. همچنین آن‌ها نشان دادند هم لحن افشا و هم نسبت خرید داخلی می توانند بازده غیرعادی خرید و نگهداری را پیش‌بینی کند.

ثقفی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی کیفیت گزارشگری مالی، مدیریت لحن گزارش‌های سالانه و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با استفاده از ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران پرداختند. مطابق نتایج تحقیق آن‌ها کیفیت پایین گزارشگری مالی انگیزه مدیران را برای استفاده از لحن مثبت در گزارش های سالانه را افزایش می دهد. از طرفی لحن گزارش های توضیحی می تواند بر حق الزحمه غیر عادی حسابرسان تاثیر داشته و نقش میانجی بر ارتباط بین کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه غیرعادی ایفا نماید.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه باتوجه به نقش حفاظت از حقوق سهامداران با استفاده از ۱۰۵ شرکت بورسی تهران پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تاثیر منفی و معناداری دارد. همچنین، حفاظت از حقوق سهامداران باعث تشدید تاثیر منفی لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه می‌شود.

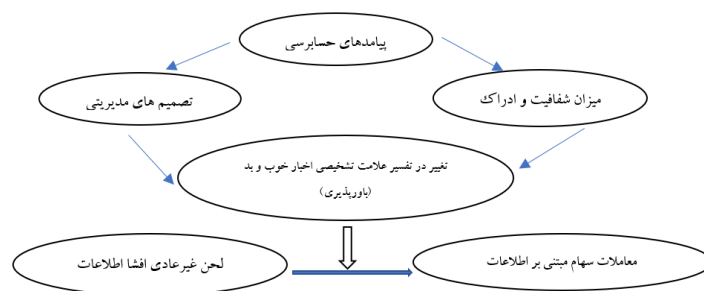
میرعلی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه لحن گزارشگری مالی با عملکرد آتی شرکت و بازده بازار با استفاده از ۱۴۰ شرکت بورسی پرداختند. مطابق نتایج پژوهش آن‌ها، لحن گزارش های مالی، انتظارات مدیران از عملکرد آتی شرکت را منعکس می‌کند. با این حال، بازار در روزهای حول انتشار گزارش‌های مالی، پاسخ معنی‌داری به لحن مورد استفاده در گزارش‌های مالی نمی‌دهد.

¹ Hohenfels

² Mirela

مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به نظریه های مطرح شده و روابط مفروض بین مفاهیم، مدل تحلیلی پژوهش به شرح ذیل طراحی می شود.



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش

فرضیه های پژوهش

با توجه به نظریه های مطرح شده در پژوهش، فرضیه های پژوهش بصورت زیر طراحی و مورد آزمون قرار می گیرد:

فرضیه اول: لحن غیرعادی در افشا اطلاعات بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام تاثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه دوم: تداوم انتخاب حسابرس، اثر لحن غیرعادی بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام را تعدیل می نماید.

فرضیه سوم: حق الزحمه های غیرعادی در حسابرسی، اثر لحن غیرعادی بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام تعدیل می شود.

۳- روش شناسی پژوهش

برای آزمون فرضیه های پژوهش از الگو رگرسیون و جهت تعیین الگوهای داده های ترکیبی از آزمون F لیمر استفاده می گردد. برای برآورد پارامترهای مدل رگرسیونی، آزمون فروض کلاسیک از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از جمله مهمترین این فروض، عدم خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس بین باقی مانده های مدل است. (افلاطونی، ۱۳۹۷)

جامعه آماری پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۱ است. برای تعیین نمونه آماری، برخی از شرایط بصورت زیر لحاظ گردید.

(۱) پایان سال مالی شرکت ها آخر اسفند ماه باشد تا اطلاعات قابلیت مقایسه داشته باشند.

(۲) بمنظور اطلاعات همگن، جز شرکت های مالی، هلدینگ و بانک ها نباشند.

(۳) بیش از یک ماه در بورس توقف فعالیت نداشته باشند.

(۴) اطلاعات آن ها در دسترس باشد.

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، مدل پژوهش از نوع رگرسیونی چند متغیره بر اساس سه الگو به منظور سه فرضیه پژوهش بصورت زیر برآورد می گردند:

مدل ۱: آزمون فرضیه اول

$$\text{Inf Trade}_{i,t} = a_0 + a_1 * \text{AB Tone}_{i,t} + a_2 * \text{Size}_{i,t} + a_3 * \text{Age}_{i,t} + a_4 * \text{Return Volatility}_{i,t} + a_5 * \text{MB}_{i,t} + a_6 * \text{Turnover}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۲: آزمون فرضیه دوم

$$\text{Inf Trade}_{i,t} = a_0 + a_1 * \text{AB Tone}_{i,t} + a_2 * \text{aud tenure}_{i,t} + a_3 * \text{AB Tone}_{i,t} * \text{aud tenure}_{i,t} + a_4 * \text{Size}_{i,t} + a_5 * \text{Age}_{i,t} + a_6 * \text{Return Volatility}_{i,t} + a_7 * \text{MB}_{i,t} + a_8 * \text{Turnover}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل ۳: آزمون فرضیه سوم

$$\text{Inf Trade}_{i,t} = a_0 + a_1 * \text{AB Tone}_{i,t} + a_2 * \text{ab fee}_{i,t} + a_3 * \text{AB Tone}_{i,t} * \text{ab fee}_{i,t} + a_4 * \text{Size}_{i,t} + a_5 * \text{Age}_{i,t} + a_6 * \text{Return Volatility}_{i,t} + a_7 * \text{MB}_{i,t} + a_8 * \text{Turnover}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول ۱- تعریف متغیرهای الگو

نماد	متغیر مورد بررسی	نحوه اندازه گیری
Inf Trade	معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه	بر اساس الگو شماره (۱) آکاتس و همکاران (۲۰۰۷)؛ برنیل و همکاران (۲۰۱۶) به صورت عدم تعادل در میانگین سفارش معاملات سهام
AB Tone	لحن غیرعادی افشا	میزان باقیمانده حاصل از الگو شماره (۴) هوآنگ و همکاران (۲۰۱۴)
aud tenure	تداوم انتخاب حسابرس	مدت تصدی تجمعی از حسابرسی نخستین تا سال مورد بررسی تقسیم بر ۴ (دستورالعمل سازمان بورس، بمنظور همگن نمودن شرکت ها)، (زلفی و همکاران، ۱۳۹۸)
ab fee	حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	میزان باقیمانده حاصل از مدل شماره (۵) آستانا و بون (۲۰۱۲)
Size	اندازه شرکت	برابر با لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت

نماد	متغیر مورد بررسی	نحوه اندازه گیری
Age	عمر شرکت	برابر با تعداد سال های پذیرفته شده در بورس
Return Volatility	نوسان پذیری بازده	انحراف استاندارد بازده سهام نسبت به چهار سال ماقبل
MB	فرصت رشد	برابر با نسبت جمع ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی ها
Turnover	نقد شوندگی	برابر با لگاریتم دفعات گردش سهام مبادله شده که از تقسیم حجم معاملات به کل سهام شرکت در یک سال بدست می آید.

منبع: یافته های پژوهشگر

متغیر وابسته

معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه

آکاتس^۱ و همکاران (۲۰۰۷) با ارائه مدلی و با استفاده از عدم تعادل در میانگین سفارش معاملات، مدلی برای اندازه گیری احتمال تراکنش مبتنی بر اطلاعات محرمانه ارائه گردید. تجارت آگاهانه به طور مستقیم قابل مشاهده نیست. با فرض اینکه معامله گران آگاه از سفارش های بازار، برای بهره برداری از مزیت اطلاعاتی خود استفاده می کنند، پیامد ضروری چنین جریان های سفارشی آگاهانه (روندها در جهت معاملات ناشی از مشارکت کنندگان آگاه تر)، عدم تعادل در معاملات است (برنیل^۲ و همکاران، ۲۰۱۶: ۵۱۲). مدل معرفی شده از طریق تفاوت ارزش معاملات خریدار محور یا فروشنده محور، پدیده های ورود اطلاعات را آشکار می کند. تعیین نوع معاملات خرید و فروش با استفاده از الگوی لی و رودی^۳ (۱۹۹۱) اندازه گیری می شود. مطابق این الگو و با استفاده از قیمت های روزانه سهام، در صورتی که قیمت سهام بالاتر از قیمت روز قبل باشد؛ نوع معامله خریدار محور و در صورتی که قیمت سهام کمتر از روز قبل باشد، نوع معامله را فروشنده محور تعیین کرده و سپس معادله عدم تعادل در سفارش شرح زیر محاسبه می گردد:

$$PIN = E(BV - SV) / E(BV + SV)$$

الگو شماره ۱

که در آن B معاملات خریدار محور و S نشان دهنده معاملات های فروشنده محور است. در مخرج کسر (B+S) نشان دهنده تعداد کل تراکنش های خریدار-فروشنده، (B-S) تفاوت تراکنش خریدار-فروشنده و V بیانگر حجم مبادلات است.

^۱ . Aktas

^۲ . BERNILE

^۳ . Lee and Ready

الگو شماره ۲

$$B.V = \sum_{t=1}^{19} (Bvol_{it} \cdot N_{it} \cdot P_{it})$$

Bvol: بیانگر حجم سفارش خرید، N: بیانگر تعداد سفارش های خرید و P: قیمت سهام می باشد. همینطور S.V ارزش سفارش های فروش نیز بصورت زیر محاسبه می گردد:

الگو شماره ۳

$$S.V = \sum_{t=1}^N (Svol_{it} \cdot N_{it} \cdot P_{it})$$

متغیر مستقل

لحن غیرعادی در افشا

لحن غیرعادی نشان دهنده آن بخش از لحن افشا است که با سود جاری و مورد انتظار آتی ارتباطی ندارد. برای شناسایی لحن غیرعادی، مطابق با مدل ارائه شده هوآنگ و همکاران (۲۰۱۴)، ابتدا امتیازهای لحن افشا را روی مجموعه ای از متغیرها که نمایانگر اخبار سود جاری و آتی و متغیرهای بازار شامل ریسک و بازده مورد انتظار است، برآورد می کنیم. از این رو، معیار ما برای لحن غیرعادی (RSD_TONE) باقیمانده (ϵ) از مدل زیر است:

$$TONE_{it} = \alpha + \beta_1 EARNING_{i,t} + \beta_2 RET_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 BTM_{i,t} + \beta_5 STD_RET_{i,t} + \beta_6 STD_EARN_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \beta_8 \Delta Sale_{i,t} + \beta_9 lev_{i,t} + \beta_{10} \Delta EARNINGS_{i,t} + \epsilon_{it}$$

الگو شماره ۴

TONE: بیانگر لحن افشا که از طریق نسبت تفاضل بین تعداد کلمات مثبت و منفی به کل کلمات مثبت و منفی بدست می آید؛ **EARNINGS**: سودآوری شرکت ها؛ **RET**: بازده؛ **SIZE**: اندازه شرکت که برابر با لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت؛ **BTM**: فرصت های رشد برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی های؛ **STD_RET**: انحراف استاندارد بازده (ریسک تجاری)؛ **STD_EARN**: انحراف استاندارد سود (ریسک عملیاتی)؛ **AGE**: عمر شرکت ها: برابر با تعداد سال های پذیرفته شده در بورس تهران؛ **ΔSale**: رشد فروش؛ **lev**: اهرم مالی؛ **ΔEARN**: تغییرات سود شرکت.

متغیر تعدیلگر

میزان تداوم انتخاب حسابرس: برای تعیین تداوم انتخاب حسابرس، مدت تصدی تجمعی از حسابرسی نخستین تا سال مورد بررسی بر عدد ۴ تقسیم می کنیم. عدد ۴ بعنوان حداکثر مدت تصدی مطابق دستورالعمل سازمان

بورس اوراق بهادار تهران است که به منظور هم مقیاس نمودن انتخاب حسابرس برای همه شرکت ها استفاده شده است (زلقی و همکاران، ۱۳۹۸).

حق الزحمه غیرعادی حسابرسان

مدل حق الزحمه حسابرسی با تفکیک حق الزحمه حسابرسی به اجزای عادی و غیرعادی از مطالعات قبلی همچون (چوی و همکاران ۲۰۱۰؛ آستانا و بون ۲۰۱۲؛ اشلیمان و گوئو ۲۰۱۴) ایجاد می گردد و بر اساس باقیمانده مدل بصورت زیر برآورد می گردد:

$$\text{LnAFEE}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{SIZE}_{it} + \alpha_2 \text{LIQ}_{it} + \alpha_3 \text{ROE}_{it} + \alpha_4 \text{LEV}_{it} + \alpha_5 \text{INVREC}_{it} + \alpha_6 \text{AUD}_{it} + \alpha_7 \text{AGE}_{it} + \alpha_8 \text{LOSS}_{it} + \alpha_9 \text{BIG}_{it} + \alpha_{10} \text{OPIN}_{it} + \varepsilon_{it}$$

الگو شماره ۵

LnAFEE: لگاریتم حق الزحمه پرداختی به حسابرسان؛ SIZE: اندازه شرکت ها؛ LIQ: نسبت جاری؛ ROE: بازده حقوق صاحبان سهام؛ LEV: اهرم مالی؛ INVREC: موجودی ها به کل دارایی ها؛ AUD: میزان تداوم حسابرس؛ AGE: عمر شرکت؛ LOSS: در صورت زیان ده بودن شرکت برابر با یک و در غیر این صورت صفر؛ BIG: اگر حسابرس، سازمان حسابرسی باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر؛ OPIN: برابر با یک در صورتی که حسابرس نظر غیرمقبول (اصلاح شده) صادر کرده باشد.

۴- یافته ها

یافته های توصیفی

برای بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن ها، آمار توصیفی از متغیرهای مربوط به ۹۱ شرکت در طی دوره زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۱ در جدول ۲ ارائه گردید. میانگین متغیرها بعنوان اصلی ترین شاخص مرکزی است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. برای متغیر معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه مقدار میانگین برابر با (۰.۲۱) می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. انحراف معیار این متغیر برابر با (۱.۰۰۱) می باشد که نشان دهنده میزان پراکندگی داده ها نسبت به میانگین است. میانگین کل لحن افشا در گزارش های مالی شرکت ها (۰.۲۰) می باشد که نشان می دهد گرایش اغلب شرکت ها بر لحن خوشبینانه و مثبت است. بیشترین مقادیر لحن برابر با (۰.۵۳) و کمترین آن (۰.۱۸-) است و میزان پراکندگی داده های لحن افشا نسبت به میانگین به مقدار (۰.۲۸) می باشد.

جدول ۲ - آمار توصیفی متغیرها

نماد	نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی
Inf Trade	معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه	۰.۲۱	۰.۲۳	۰.۹۹	-۰.۹۹	۱.۰۰۱	-۰.۷۹
tone	لحن افشا	۰.۲۰	۰.۱۹	۰.۵۳	-۰.۱۸	۰.۱۰	۰.۲۸
AB Tone	لحن غیرعادی افشا	۰.۰۰۲	۰.۰۰	۰.۲۷	-۰.۱۸	۰.۰۶	۰.۶۱
aud tenure	تداوم انتخاب حسابرس	۰.۷۹	۰.۸۰	۲.۵	۰.۰	۱.۵	۱.۵
ab fee	حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	۰.۰۰۰۳	-۰.۰۲۵	۱.۷۳	-۲.۰۱	۰.۴۴	-۰.۲۶
*AB Tone aud tenure	حاصل ضرب لحن غیرعادی و تداوم انتخاب حسابرس	۰.۰۰۰۰۴	۰.۰۰	۰.۴	-۰.۴	۰.۰۵	۱.۰۴
ab *AB Tone fee	حاصل ضرب لحن غیرعادی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	۰.۰۰۰۱۴	۰.۰	۰.۱۴	-۰.۱۶	۰.۰۲	۰.۹۲
Size	اندازه شرکت	۷.۱	۷.۱	۸.۸	۵.۸	۰.۵۴	۰.۰۶
Age	عمر شرکت	۴۱	۳۸	۷۱	۱۴	۱۳.۸	۰.۱۵
Return Volatility	نوسان پذیری بازده	-۰.۱۷	-۰.۰۵	۰.۷	-۱.۹	۰.۵	-۰.۹۴
MB	فرصت رشد	۰.۷	۰.۲۵	۱۱.۲	۰.۰	۱.۳	۳.۸
Log Turn	نقد شونددگی	-۳.۷	-۳.۹	۱.۷	-۹.۶	۲.۹	-۰.۰۹

منبع: یافته های پژوهشگر

آزمون مانایی متغیرها

برای بررسی وجود ریشه واحد در داده های پنل و ایستا بودن متغیرهای مدل رگرسیون از آزمون ایم، پسران و شیم و آزمون فیشر (pp) استفاده گردید که نتایج حاصل از آن در جدول ۳ نشان داده شده است. همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است سطح معناداری کلیه متغیرها کمتر از ۵٪ است و نمایان گر مانایی متغیرها می باشد.

جدول ۳ - آزمون مانایی متغیرها

متغیر مورد آزمون		آزمون ایم، پسران و شیم		آزمون PP-FISHER	
		آماره آزمون	معناداری	آماره آزمون	معناداری
معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه		-۲۵.۷	۰.۰۰	۶	۰.۰۰
لحن غیرعادی افشا		-۲۰.۷	۰.۰۰	۴۶	۰.۰۰
تداوم انتخاب حسابرس		-۹.۲۶	۰.۰۰	۵	۰.۰۰
حق الزحمه غیرعادی حسابرسی		-۱۱.۲۵	۰.۰۰	۸۶	۰.۰۰

متغیر مورد آزمون		آزمون ایم، پسران و شیم		آزمون PP-FISHER	
آماره آزمون	معناداری	آماره آزمون	معناداری	آماره آزمون	معناداری
حاصل ضرب لحن غیرعادی و تداوم انتخاب حسابر	۱۹۰۸-۰۰۰	۰۰۰	۲۶	۰۰۰	
حاصل ضرب لحن غیرعادی و حق الزحمه غیرعادی حسابر	۲۶۰۴۶-۰۰۰	۰۰۰	۹	۰۰۰	
اندازه شرکت	۶۰۲-۰۰۰	۰۰۰	۱۲۵	۰۰۰	
عمر شرکت	۶۰۴-۰۰۰	۰۰۰	۶	۰۰۰	
نوسان پذیری بازده	۶۰۷-۰۰۰	۰۰۰	۷۱۲	۰۰۰	
فرصت رشد	۱۲۰۹۷-۰۰۰	۰۰۰	۱۱	۰۰۰	
نقد شوندگی	۲۰۷۹-۰۰۰	۰۰۰۰۵	۲۵	۰۰۰	

منبع: یافته های پژوهشگر

آزمون نرمال بودن جزء باقیمانده مدل

برای بررسی نرمال بودن جملات خطا مدل برآورد شده جهت آزمون فرضیه ها از آزمون جارکو- برا استفاده شده است. اگر جملات خطا بصورت نرمال توزیع شده باشند، نمودار آنها تقریباً بصورت نرمال و آماره جارکو- برا معنادار نیست. (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۷) با توجه به میزان معناداری بدست آمده برای مدل های آزمون فرضیه که بزرگتر از ۵٪ است، فرضیه نرمال بودن جزء باقیمانده مدل تایید می شود.

جدول ۴- آزمون نرمال بودن جزء باقیمانده مدل

عنوان	آماره جارکو- برا	معناداری	نتیجه
جزء باقیمانده مدل اول	۰۰۷۶	۰۰۶۸	نرمال بودن جزء خطا
جزء باقیمانده مدل دوم	۰۰۷۳	۰۰۷۰	نرمال بودن جزء خطا
جزء باقیمانده مدل سوم	۰۰۹۲	۰۰۶۳	نرمال بودن جزء خطا

منبع: یافته های پژوهشگر

آزمون عدم خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در مقادیر خطا

در صورت وجود همبستگی در مقادیر خطا مدل، استفاده از روش OLS برای برآورد مدل مخدوش می گردد و اگر جمله خطا دارای واریانس ثابت بین زمان ها نباشد، تخمین زننده ها و نتایج آماره ها آزمون ناکارا می گردد. (افلاطونی، ۱۴۰۰) در این پژوهش از آزمون LM بروش گادفری برای بررسی خودهمبستگی بین خطاها و آزمون آرچ برای همسانی واریانس در مقادیر خطا استفاده گردید که نتایج این آزمون ها در جدول ۵ ارائه گردید.

جدول ۵- نتایج آزمون خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس

عنوان	معناداری آزمون LM بروش گادفری	نتیجه	معناداری آزمون آرچ	نتیجه
مدل اول	۰.۶۰	عدم خود همبستگی	۰.۱۱	همسانی واریانس
مدل دوم	۰.۶۴	عدم خود همبستگی	۰.۱۳	همسانی واریانس
مدل سوم	۰.۴۱	عدم خود همبستگی	۰.۲۷	همسانی واریانس

منبع: یافته های پژوهشگر

آزمون هم خطی

برای بررسی وجود هم خطی بین متغیرهای توضیحی از عامل تورم واریانس استفاده شده است که نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۶ ارائه گردید. با توجه به نتایج بدست آمده از مقادیر عامل تورم واریانس که کمتر از ۱۰ می باشد، وجود هم خطی در هیچ یک از متغیرها مشاهده نگردید.

جدول ۶- آزمون هم خطی

نام متغیر	عامل تورم واریانس (VIF)			ضریب واریانس		
	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
لحن غیرعادی افشا	۱.۰۲	۱.۹	۱.۰۸	۰.۴	۰.۷۶	۰.۴۴
تداوم انتخاب حسابرِس	-	۱.۰۹	-	-	۰.۰۲	-
حق الزحمه غیرعادی حسابرِس	-	-	۱.۲	-	-	۰.۰۲
حاصل ضرب لحن غیرعادی و تداوم انتخاب حسابرِس	-	۱.۹	-	-	۰.۸۵	-
حاصل ضرب لحن غیرعادی و حق الزحمه غیرعادی حسابرِس	-	-	۱.۰۸	-	-	۰.۰۰۳
اندازه شرکت	۲.۷	۲.۷	۲.۹۵	۰.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۳
عمر شرکت	۲.۶	۲.۶	۲.۹۴	۰.۰۰۷	۰.۰۰۷	۰.۰۰۰۸
نوسان پذیری بازده	۱.۲۴	۱.۲۵	۱.۳	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۰۹
فرصت رشد	۱.۶۴	۱.۷	۱.۷	۰.۰۴	۰.۰۴	۰.۰۰۴
نقد شوندگی	۱.۳	۱.۳	۱.۳	۰.۰۰۲	۰.۰۰۲	۰.۰۰۲

منبع: یافته های پژوهشگر

انتخاب الگوی مناسب برآورد

برای تعیین نوع مدل برآورد بصورت مدل اثرهای تابلویی (پانل دیتا) در مقابل انتخاب تلفیقی از کل داده ها از آزمون F لیمر استفاده شده است. در صورتی که داده های تابلویی تعیین شد، از طریق آزمون هاسمن نوع داده های تابلویی بصورت اثرات تصادفی و یا اثرات ثابت مشخص می گردد.

جدول ۷- نتایج آزمون تشخیصی لیمر و هاسمن

عنوان	معناداری آزمون F لیمر	نتیجه	معناداری آزمون هاسمن	نتیجه
مدل اول	۰.۰۱	داده های تابلویی	۰.۰۰	روش اثرات ثابت
مدل دوم	۰.۰۱۳	داده های تابلویی	۰.۰۰	روش اثرات ثابت
مدل سوم	۰.۰۰۱	داده های تابلویی	۰.۰۰	روش اثرات ثابت

منبع: یافته های پژوهشگر

تخمین مدل آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از برآورد مدل برای آزمون فرضیه اول پژوهش در جدول ۸ ارائه شده است. با توجه به معناداری آماره F که ۰.۰۰۰ است، می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون معنادار است. برای آزمون فرضیه های پژوهش از آماره t استفاده شده است. اگر مقادیر آماره t محاسبه شده خارج از بازه بحرانی (۱.۹۶- الی ۱.۹۶+) یا سطح معناداری متغیر مستقل زیر ۵٪ باشد، فرضیه صفر رد شود و فرضیه پژوهش مورد پذیرش قرار می گیرد. با توجه به مقدار خطا برای متغیر لحن غیر عادی به عنوان متغیر مستقل (۰.۰۴۳) و مقدار آماره t فرضیه اول پژوهش تایید می شود. با توجه به علامت مثبت ضریب متغیر مستقل (۱.۲۹) می توان استنباط کرد که با تغییر در میزان لحن غیرعادی افشا شرکت ها، معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه نیز تغییر می کند و جهت این تغییر نیز مستقیم است. عبارتی با افزایش لحن غیرعادی، میزان معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه افزایش می یابد و با کاهش لحن غیرعادی، معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه کاهش می یابد. ضریب تعیین در مدل برآوردی برابر با ۰.۲۴ است. بدین معنا که در دوره پژوهش، متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی ۲۴ درصد از تغییرات در میزان معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه را توضیح می دهند.

جدول ۸ - مدل آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه						
نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار	
لحن غیرعادی افشا	AB Tone	۱.۲۹	۰.۶۴	۲.۰۳	۰.۰۴۳	
اندازه شرکت	Size	۰.۵۰	۰.۱۵	۳.۲۶	۰.۰۰۱	

متغیر وابسته: معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه						
نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار	
عمر شرکت	Age	-۰.۱۲	۰.۰۳	-۴.۴۰	۰.۰۰۰	
نوسان پذیری بازده	Return Volatility	-۰.۱۶	۰.۰۹	-۱.۶۷	۰.۰۹۵	
فرصت رشد	MB	۰.۱۳	۰.۰۶	۲.۰۷	۰.۰۳۸	
نقد شوندگی	Log Turn	۰.۰۲	۰.۰۴	۰.۳۸	۰.۷۰۴	
عرض از مبدا	C	۱.۳۴	۰.۹۶۷	۱.۳۸	۰.۱۶۷	
ضریب تعیین	۰.۲۴۳		آماره F	۱.۷۰۸		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۱۱۰		احتمال آماره F	۰.۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۲.۱۹					

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تخمین مدل آزمون فرضیه دوم

در فرضیه دوم به دنبال بررسی اثر تعدیل کننده تداوم در انتخاب حسابرس بر میزان رابطه بین لحن غیرعادی افشا و میزان معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه شرکت‌ها هستیم. نتایج حاصل از برآورد مدل برای آزمون فرضیه دوم در جدول ۹ ارائه شده است. با توجه به معناداری آماره F که ۰.۰۰۰ است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون معنادار است. متغیر تداوم در انتخاب حسابرس با ضریب (-۰.۰۳۹) و سطح معنادار (۰.۷۴۱) رابطه معناداری با میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات ندارد و متغیر تداوم انتخاب حسابرس در لحن غیرعادی افشا نیز با ضریب (-۰.۶۹۴) و سطح معناداری (۰.۴۵۱) هیچ تأثیر معناداری بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات در طی دوره تحقیق ندارد. با توجه به نتایج بدست آمده، می‌توان استنباط کرد که تداوم در انتخاب حسابرس، اثر تعدیل کنندگی بر رابطه بین میزان لحن غیرعادی افشا شرکت‌ها و معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه ندارد.

جدول ۹- مدل آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه						
نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار	
لحن غیرعادی افشا	AB Tone	۱.۷۳	۰.۸۷	۱.۹۹	۰.۰۴۷	
تداوم انتخاب حسابرس	aud tenure	-۰.۰۳۹	۰.۱۲۰	-۰.۳۳	۰.۷۴۱	
حاصل ضرب لحن غیرعادی و تداوم انتخاب حسابرس	aud * AB Tone tenure	-۰.۶۹۴	۰.۹۲۲	-۰.۷۵۲	۰.۴۵۱	

متغیر وابسته: معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه						
نام متغیر	نماد متغیر		ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار
اندازه شرکت	Size		۰.۵۱	۰.۱۵	۳.۳۰	۰.۰۰۱
عمر شرکت	Age		-۰.۱۲	۰.۰۳	-۴.۳۱	۰.۰۰۰
نوسان پذیری بازده	Return Volatility		-۰.۱۶	۰.۰۹	-۱.۷۱	۰.۰۸۷
فرصت رشد	MB		۰.۱۳	۰.۰۶	۲.۱۴	۰.۰۳۲
نقد شوندگی	Log Turn		۰.۰۱	۰.۰۴	۰.۳۲	۰.۷۴۳
عرض از مبدا	C		۱.۲۴	۰.۹۷۵	۱.۲۷	۰.۲۰۱
ضریب تعیین		۰.۲۴۳		آماره F	۱.۶۷۵	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰.۱۰		احتمال آماره F	۰.۰۰۰	
آماره دوربین واتسون		۲.۱۹				

منبع: یافته های پژوهشگر

تخمین مدل آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم به دنبال بررسی اثر تعدیل کننده حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی بر میزان رابطه بین لحن غیرعادی افشا و میزان معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه شرکت ها هستیم. نتایج حاصل از برآورد مدل برای آزمون فرضیه سوم در جدول ۱۰ ارائه شده است. با توجه به معناداری آماره F که ۰.۰۰۰۰ است، می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون معنادار است. نتایج مربوط به متغیر حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی با ضریب (۰.۲۴۳) و سطح معنادار (۰.۰۱۱) نشان از رابطه مثبت و معناداری با میزان استفاده از است و متغیر حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی در لحن غیرعادی افشا با ضریب (۳.۴۹۱) و سطح معناداری (۰.۰۱۱) دارای تاثیر مثبت و معناداری بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات دارد. با توجه به علامت مثبت ضریب متغیر حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی در لحن غیرعادی افشا، می توان استنباط کرد که حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی دارای اثر تعدیل کنندگی افزایشی بر رابطه بین میزان لحن غیرعادی افشا شرکت ها و معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه دارد. به عبارتی، افزایش در حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی، اثر لحن غیرعادی افشا بر میزان معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه را بیشتر می کند. ضریب تعیین در مدل برآوردی برابر با ۰.۲۸ است. بدین معنا که در دوره پژوهش، متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی ۲۸ درصد از تغییرات در میزان معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه را توضیح می دهند.

جدول ۱۰ - مدل آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه					
نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنادار
لحن غیرعادی افشا	AB Tone	۰.۹۲۱	۰.۶۶	۱.۳۸	۰.۱۶۶
حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	ab fee	۰.۲۴۳	۰.۰۹۵	۲.۵۴	۰.۰۱۱
حاصل ضرب لحن غیرعادی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی	ab fee*AB Tone	۳.۴۹۱	۱.۷۵۹	۱.۹۸۳	۰.۰۴۷
اندازه شرکت	Size	۰.۵۶	۰.۱۶	۳.۵۵	۰.۰۰۰۴
عمر شرکت	Age	-۰.۱۴	۰.۰۳	-۵.۰۱	۰.۰۰۰
نوسان پذیری بازده	Return Volatility	-۰.۲۳	۰.۰۹	-۲.۳۲	۰.۰۲۱
فرصت رشد	MB	۰.۱۲	۰.۶۶	۱.۸۳	۰.۰۶۶
نقد شوندگی	Log Turn	۰.۰۰۳	۰.۰۴	۰.۰۹	۰.۹۲۷
عرض از مبدا	C	۱.۹۳	۰.۹۸	۱.۹۶	۰.۰۵۰۴
ضریب تعیین	۰.۲۷۶		آماره F	۱.۹۱۹	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۱۳۲		احتمال آماره F	۰.۰۰۰	
آماره دوربین واتسون	۲.۱۷				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- بحث و نتیجه گیری

نتیجه آزمون فرضیه اول نشان داد لحن غیرعادی افشا شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر میزان معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه دارد.

بعبارتی با افزایش لحن غیرعادی، میزان معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه افزایش می‌یابد و با کاهش لحن غیرعادی، معامله بر مبنای اطلاعات محرمانه کاهش می‌یابد. بنابر نتایج این فرضیه می‌توان استنباط کرد که سرمایه‌گذاران آگاه در مواقع تشدید لحن‌های غیرعادی، معاملات بیشتری مبتنی بر اطلاعات محرمانه انجام داده و این به هزینه سهامداران خرد منجر می‌شود. این نتیجه حاکی از آن است که ویژگی‌های لحن غیرعادی افشا در سطح شرکت بر میزان توانایی سرمایه‌گذاران آگاه برای ایجاد مزیت‌های تجاری سودآور تأثیر می‌گذارد. زمانی که لحن افشا مبتنی بر عملکرد و ارزش‌های بنیادی شرکت نباشد، معامله‌گران آگاه می‌توانند اطلاعاتی را بررسی و استخراج نمایند که برای سرمایه‌گذار عادی رسیدن به این نتایج اساسی و مهم نباشد. بر این اساس، مدیرانی که برای دستکاری ادراک استفاده‌کنندگان دارای انگیزه هستند، از لحن غیرعادی افشا به عنوان ابزاری برای دستکاری

در اطلاعات استفاده می نمایند. یافته های این فرضیه با نتایج پژوهش باگینسکی و همکاران (۲۰۱۸) و هادرو (۲۰۲۱) مطابقت دارد.

نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان داد تداوم در انتخاب حسابرِس، رابطه بین لحن غیرعادی و معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه را تعدیل نمی کند.

می توان استنباط کرد این ویژگی حسابرِس بر استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام در صورت وجود لحن غیرعادی افشا قادر نیست. عبارتی تداوم در انتخاب حسابرِس بر درک سرمایه گذاران از کیفیت حسابرِس و اعتماد آن ها تاثیر نمی گذارد و این ویژگی حسابرِس نمی تواند از طریق تغییر در استقلال و محیط حسابرِس، میزان باورهای معامله گران از کیفیت اطلاعات را تغییر دهد. کیفیت حسابرِس و سایر سازوکارهای نظارتی می تواند به عنوان عامل محدود کننده در مشکلات نمایندگی و فرصت طلبی مدیران بکار رود. ویژگی های آشکار و پنهان مدیرعامل و سازوکارهای حاکمیت شرکتی، محتوا لحن افشا را هدایت می کنند. انعطاف پذیری مدیران در چارچوب بندی لحن روایتی افشا و ارتباط آن ها با سهامداران و نفوذ بالقوه لحن افشا به ویژگی های صورت های مالی مرتبط است. نتیجه فرضیه دوم پژوهش حاکی از آن است که عامل تداوم در انتخاب حسابرِس نمی تواند به عنوان معیاری از کیفیت حسابرِس ارتباط بین لحن غیرعادی و معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه را تحت تاثیر قرار دهد. نتایج این فرضیه با پژوهش برون و نیچل (۲۰۱۶) مطابقت ندارد. مطابق نتیجه بدست آمده از این پژوهش می توان استدلال نمود که عامل تداوم در انتخاب حسابرِس در بازار بورس اوراق بهادار تهران نمی تواند نگرانی هایی از استقلال آن ها برای حفاظت از منافع سرمایه گذاران ایجاد کند. رابطه بلندمدت حسابرِس و صاحبکار می تواند دارای یک آثار مثبت و منفی باشد که می تواند افزایش و یا کاهش کیفیت حسابرِس را به دنبال داشته باشد که در نهایت این اثر می تواند یکدیگر را خنثی نمایند.

نتیجه آزمون فرضیه سوم نشان داد حق الزحمه غیرعادی حسابرِس، تاثیر میزان لحن غیرعادی افشا شرکت ها بر معامله بر مبنا اطلاعات محرمانه را تشدید می کند. بر مبنا این نتیجه می توان استنباط کرد که عامل حق الزحمه های غیرعادی حسابرِس به افزایش میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در شرایط وجود لحن های غیرعادی در افشا شرکت ها منجر می گردد. عبارتی، مدیران در این شرایط قابلیت بیشتری برای پنهان سازی اطلاعات دارند. در صورت وجود حق الزحمه های غیرعادی حسابرِس به عنوان معیاری کاهنده از کیفیت حسابرِس، استفاده از اطلاعات محرمانه با شرایط لحن های غیرعادی در افشا افزایش می یابد. در واقع، در شرایط حق الزحمه غیرعادی حسابرِس با توجه به انگیزه های مدیریت و اعتبار سود، قضاوت استفاده کنندگان از لحن افشا اطلاعات مالی شرکت ها تغییر می یابد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش مورمن (۲۰۱۳) همخوانی دارد. یافته ها حاکی از آن است می دهد که روابط تعاملی بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس شرکت و لحن غیرعادی افشا به طور قابل توجهی بر میزان معاملات مبتنی بر اطلاعات محرمانه تاثیر می گذارد. عبارتی، این ویژگی از محیط گزارشگری مالی در سطح شرکت به توانایی سرمایه گذاران آگاه برای ایجاد مزیت های تجاری سودآور می افزاید.

با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش پیشنهادهایی مبتنی بر نتایج پژوهش در زیر بیان می شود. نتایج حاصل از این پژوهش می تواند پیامدهایی برای قانون گذاران، سرمایه گذران و مدیران داشته باشد. از آنجایی که سرمایه گذاران نه تنها به اطلاعات کمی بلکه به نحوه لحن افشای اطلاعات نیز توجه می کنند، مدیران باید در لحن افشا اطلاعات مربوط به شرکت بسیار مراقب باشند. مدیران می توانند با انتخاب دقیق کلمات خود، ریسک های ارزش گذاری را به میزان قابل توجهی کاهش دهند. همچنین، بررسی و بهبود استانداردهای افشا کیفی در گزارشگری مالی می تواند به ثبات بازارهای سهام، کاهش نوسانات و حمایت بهتر از سرمایه گذاران کمک کند. از دیدگاه نظارت، با توجه به پیامد منفی حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، توجه بیشتر به این ویژگی از سوی قانون گذاران و اعمال سیاست های برای نظارت بر این عامل احساس می گردد. مطابق نتیجه بدست آمده از پژوهش، تداوم در انتخاب حسابرسی تاثیر معناداری بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در شرایط لحن غیرعادی شرکت ها نمی گذارد. بر این اساس پیشنهاد می گردد که دولت و سازمان حسابرسی هنگام تدوین مقررات و استانداردهایی برای افزایش کیفیت حسابرسی، با توجه به هزینه بالا تغییر حسابرسی بر شرکت ها، شاید کنترل و محدودیت های تداوم انتخاب حسابرسی راه مناسبی برای افزایش کیفیت حسابرسی نباشد. پیامدهای واکنش سرمایه گذار به مدیریت لحن افشا جنبه دیگری است که ممکن است برای دولت نگران کننده باشد. لذا پیشنهاد می گردد رویکردها یا روش هایی برای طراحی مقررات سیاست افشای مؤثر بکار گرفته شود و سرمایه گذاران خرد باید از استراتژی های افشای فرصت طلبانه آگاه باشند. درک بهتر انواع مختلف و اثرات مدیریت لحن در اسناد افشای شرکت به نفع سرمایه گذاران خرد است که تصمیمات سرمایه گذاری خود را بر اساس اطلاعات عمومی قرار می دهند.

پیشنهاد برای پژوهش های آتی

در حالی که این پژوهش به درک نوع واکنش سرمایه گذاران از جنبه های لحن افشا پرداخته شد، به پژوهش های آتی پیشنهاد می گردد که می توانند سایر جنبه های افشا شامل ویژگی های ساختاری، خوانایی و ... را در این زمینه بررسی نمایند. همچنین، برخی از ویژگی های محیط اطلاعاتی همچون تحلیل گران و ویژگی های شخصیتی مدیرعامل به عنوان اعتبار فرستنده پیام می تواند به عنوان متغیر تعدیل کننده در واکنش سرمایه گذار به لحن افشا شرکت ها مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش به دو پیامد تداوم در انتخاب حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر میزان استفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات سهام پرداخته شد که به پژوهش های آتی پیشنهاد می گردد می توانند سایر جنبه های حسابرسی شامل میزان تخصص، سبک کاری و سایر ویژگی های فردی را در این زمینه بررسی نمایند.

از سویی دیگر، قانون گذاران مالی می‌توانند از شواهدی در مورد عوامل مختلفی که بر انگیزه‌های شرکت‌ها برای مدیریت لحن افشا تأثیر می‌گذارند، بهره ببرند. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی در زمینه اینکه استراتژی‌های رایج مدیریت لحن افشا از چه عواملی نشأت می‌گیرد، صورت پذیرد.

فهرست منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۴۰۰). *اقتصادسنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم افزار Eviews*، تهران: ترمه.
- برزگر عباسپور، کسری؛ اسلامی مفیدآبادی، حسین؛ ابراهیمی شقاقی، مرضیه. (۱۴۰۲). تأثیر ویژگی‌های حسابرس و ساختار هیئت‌مدیره بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های تجاری. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*. ۷ (۲)، ۱۱۵-۱۴۵.
- بشیری منش، نازنین؛ مداح، احسان؛ گاهی، فهیمه. (۱۴۰۱). تأثیر سوگیری رفتاری مدیران بر استراتژیهای حسابرسان در مواجهه با ریسک حسابرس. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*. ۳ (۱)، ۲۵-۵۲.
- بنی مهد، بهمن؛ عربی، مهدی؛ حسن پور، شیوا. (۱۳۹۵). *پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری*. تهران: ترمه.
- ثقفی، مهدی؛ فغانی، مهدی؛ نونهال نهر، علی اکبر؛ بشیری منش، نازنین. (۱۴۰۱). کیفیت گزارشگری مالی، مدیریت لحن گزارش‌های سالانه و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*. ۱۱ (۴۴)، ۱۷۵-۱۵۹.
- رستمی، وهاب؛ کارگر، حامد؛ رضایی، لیلا. (۱۴۰۱). تأثیر حق‌الزحمه غیرمنتظره حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی. *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*. ۲ (۸)، ۱۴۶-۱۶۲. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴۰۲۲/jpar.۲۲۰۳۴۰۲۲/۱۱۰۸.۵۶۰۶۶۵.
- رمضان احمدی، محمد؛ واعظ، سید علی؛ آرمن، سید عزیز؛ درسه، سید صابر. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سبک حسابرس بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و آگاهی‌بخشی قیمت سهام. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*. ۲۹ (۲)، ۳۳۸-۳۱۱. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹۰۲۲/acctgrev.۲۲۰۵۹۰۲۲/۱۰۰۸۵۸۳.۳۲۸۰۰۹.
- مهرادی، رامین؛ بادآور نهندی، یونس؛ زینالی، مهدی؛ برادران حسن زاده، رسول. (۱۴۰۰). تأثیر لحن محافظه‌کارانه مدیریت در افشای ریسک بر ریزش قیمت سهام: رویکرد زبان شناختی مبتنی بر لحن افشای اخبار، *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*. ۱۴ (۵۰)، ۱۵۳-۱۶۸.
- میرزائی، سعیده؛ عبدلی، محمدرضا؛ کوشکی چهرمی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه: حفاظت از حقوق سهامداران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*. ۱۷ (۶۵)، ۱۰۹-۱۳۸. doi: ۱۰.۲۲۰۵۴۰۱۰/qjma.۲۲۰۵۴۰۱۰/۲۰۵۴.۴۶۵۶۸.
- میرعلی، مهدیه؛ غلامی مقدم، فایزه؛ حصارزاده، رضا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه لحن گزارشگری مالی با عملکرد آتی شرکت و بازده بازار. *دانش حسابداری مالی*. ۵ (۳)، ۹۸-۸۱. doi: ۱۰.۳۰۴۷۹۰۱۰/jfak.۳۰۴۷۹۰۱۰/۱۸۱۳۰۲۰۱۸.

- همتی، حسن؛ بیات مزلقانی، الهام؛ مرادی، مجید. (۱۴۰۲). تأثیر اخلاق و دوره تصدی بر توانایی حسابرس در تشخیص شیوه های حساب آرای. *قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری*، ۸ (۲)، ۱۶۹-۱۴۱.
- Aktas, Nihat, Eric de Bodt, Fany Declerck, and Hervé Van Oppens, ۲۰۰۷, The PIN anomaly around M&A announcements, *Journal of Financial Markets*, ۱۰(۲), ۱۶۹-۱۹۱
- Ali, A., Durtschi, C., Lev, B., Trombley, M., ۲۰۰۴. Changes in institutional ownership and subsequent earnings announcement abnormal returns. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*. ۱۹ (۳), ۲۲۱-۴۸
- Allredge, D. M., and D. C. Cicero, ۲۰۱۵, Attentive insider trading, *Journal of Financial Economics*, ۱۱۵ (۱), ۸۴-۱۰۱
- Arif, S. Kepler, J.D., Schroeder, J. Taylor, D. ۲۰۲۲. Audit process, private information, and insider trading, *Review of Accounting Studies*, Springer, ۲۷(۳), ۱۱۲۵-۱۱۵۶
- Aslan, H., Easley, D., Hvidkjaer, S., O'Hara, M., ۲۰۱۱. The characteristics of informed trading: implications for asset pricing. *J. Empir. Financ.* ۱۸ (۵), ۷۸۲-۸۰۱
- Asthana, S. and Boone, J.P. (۲۰۱۲). Abnormal audit fee and audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۳۱(۳): ۱-۲۲
- Baginski, S. P. Demers, Elizabeth, Kausar, Asad, Yu, Yingri Julia, ۲۰۱۸. Linguistic tone and the small trader, *Accounting, Organizations and Society*, Elsevier, ۶۸(۳), ۲۱-۳۷
- Barberis, N., A. Shleifer, and R. Vishny. ۱۹۹۸. A model of investor sentiment. *Journal of financial economics*, ۴۹ (۳): ۳۰۷-۳۴۳
- Basu, S., L. Hwang, and C. Jan. ۲۰۰۱. Differences in conservatism between Big-Eight and Non-Big Eight auditors. Working paper, Available at: https://papers.ssrn.com/sol۳/papers.cfm?abstract_id=۲۴۲۸۸۳۶
- Battalio, R., Mendenhall, R. ۲۰۰۵. Earnings expectations, investor trade size, and anomalous returns around earnings announcements. *Journal of Financial Economics*, ۷۷(۲): ۲۸۹-۳۱۹
- BERNILE, G., Jianfeng, H., Yuehua.T. ۲۰۱۶. Can information be locked up? Informed trading ahead of macro-news announcements. *Journal of Financial Economics*. ۱۲۱ (۳), ۴۹۶-۵۲۰
- Bhattacharya, N. ۲۰۰۱. Investors' trade size and trading responses around earnings announcements: An empirical investigation. *The Accounting Review*, ۷۶(۲): ۲۲۱-۲۴۴
- Blankley, A.I, D.N. Hurtt, and J.E. MacGregor. ۲۰۱۲. Abnormal Audit Fees and Restatement. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۳۱(۱): ۷۹-۹۶
- Bloomfield, R., R. Libby, and M. W. Nelson. ۱۹۹۹. Confidence and the welfare of less-informed investors. *Accounting, Organizations and Society*, ۲۴ (۸): ۶۲۳-۶۴۷
- Brockman, P., Chung, D.Y., ۲۰۰۰. Informed and uninformed trading in an electronic, order-driven environment. *Financial Review*, ۳۵(۲), ۱۲۵-۱۴۶
- Brockman, P., Subasi, M., & Uzmanoglu, C. (۲۰۱۷). Investor conferences, firm visibility, and stock liquidity. *Financial Review*, ۵۲(۴), ۶۶۱-۶۹۹.
- Brown, S. V., Knechel, W. R. ۲۰۱۶. Auditor-client compatibility and audit firm selection. *Journal of Accounting Research*, ۵۴ (۵): ۱۳۳۱-۱۳۶۴
- Brown, S., Hillegeist, A., ۲۰۰۷. How disclosure quality affects the level of information asymmetry. *Review of Accounting Studies*, ۱۲(۴), ۴۴۳-۴۷۷
- Bushee, B., Goodman, T., ۲۰۰۷. Which institutional investors trade based on private information about earnings and returns?, *Journal of Accounting Research*, ۴۵ (۲), ۲۸۹-۳۲۲
- Bushee, B., J. Core, W. Guay, and J. Wee. ۲۰۱۰. The role of the business press as an information intermediary. *J. Account. Res.* ۴۸(۲): ۱-۱۹

- Campbell, T.S. & Kracaw, W.A. ۱۹۸۰. Information production, market signalling, and the theory of financial intermediation, *The Journal of Finance*, ۳۵(۴): ۸۶۳-۸۸۲
- Carcello, J. V., Hermanson, D. R., and Huss, H. F. (۱۹۹۵): Temporal Changes in Bankruptcy Related Reporting, in: *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۱۴ (۲): ۱۳۳-۱۴۳
- Chen, J., Su, X., & Srinidhi, B. (۲۰۱۴). Effect of Auditing: Evidence from Variability of Stock Returns and Trading Volume. *China Journal of Accounting Research*, ۷(۴), ۲۲۳-۲۴۵. <https://doi.org/10.1016/j.cjar.2014.11.002>
- Cheng, L. Jin, Q. Ma, Hui. (2023). Tone emphasis and insider trading, *Journal of Corporate Finance*, Elsevier, vol. 80(C).
- Choi, J-H, C. Kim, J-B Kim, and Y. Zang. ۲۰۱۰. Do Abnormally High Audit Fees Impair Audit Quality? *A Journal of Practice & Theory*, ۲۹(۲): ۱۱۵-۱۴۰
- Czerney, K., Lisic, L. L., Wu, B., Zhang, I. (۲۰۲۰). Big ۴ Auditors, Litigation Risk, and Disclosure Tone. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3002048> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3002048>
- Davis, A. K., J. Piger, L. M. Sedor. ۲۰۱۲. Beyond the numbers: Managers' use of optimistic and pessimistic tone in earnings press releases. *Contemporary Accounting Research*, ۲۹(۳): ۸۴۵-۸۶۸
- Demers, E., Vega C. (۲۰۱۴). The impact of credibility on the pricing of managerial textual Content. Unpublished working paper, University of Virginia, SSRN eLibrary.
- Demers, E.A., Vega, C. (۲۰۱۴), Understanding the role of managerial optimism and uncertainty in the price formation process: Evidence from the textual content of earnings announcements, working paper, University of Virginia.
- Dunn, K.A. and B. W. Mayhew. ۲۰۰۴. Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies*, ۹ (۱): ۳۵-۵۸
- Dyer, T., Lang, M., Stice-Lawrence, L. ۲۰۱۷. The evolution of ۱۰-K textual disclosure: Evidence from Latent Dirichlet Allocation, *Journal of Accounting and Economics*, Elsevier, vol. ۶۵(۲-۳), ۲۲۱-۲۴۵
- Easley, D, Engle, R., O'Hara, M., Wu, L. ۲۰۰۸, Time-varying arrival rates of informed and uninformed trades, *Journal of Financial Econometrics*, ۶(۲), ۱۷۱-۲۰۷
- Easley, D., O'Hara, M. ۱۹۸۷, Price, trade size, and information in securities markets, *Journal of Financial Economics*, ۱۹(۲), ۶۹-۹۰
- Edwige, C. and Carolyn, L. ۲۰۲۰. Public Disclosures and Information Asymmetry: A Theory of the Mosaic, *The Accounting Review*, ۹۵ (۱): ۷۹-۹۹
- Engelberg, J. ۲۰۰۸. Costly information processing: Evidence from earnings announcements. Unpublished working paper, Northwestern University.
- Eshleman, J.D. and P. Guo. ۲۰۱۴. Abnormal Audit Fees and Audit Quality: The Importance of Considering Managerial Incentives in Tests of Earnings Management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۳۳(۱): ۱۱۷-۱۳۸
- Ettredge, M., Fuerherm, E.E., Li, C. ۲۰۱۴. Fee pressure and audit quality, *Accounting, Organizations and Society*, Elsevier, ۳۹(۴), ۲۴۷-۲۶۳
- Ettredge, M., Xu, Y., & Yi, H. (۲۰۱۴). Fair value measurements and audit fees: Evidence from the banking industry. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۳۳(۳), ۳۳-۵۸. <https://doi.org/10.2308/ajpt-50701>
- Feldman, R., S. Govindaraj, J. Livnat, and B. Segal. ۲۰۱۰. Management's tone change, post earnings announcement drift and accruals. *Review of Accounting Studies*, ۱۵(۲): ۹۱۵-۹۵۳



- Geiger, M. A., and Rama, D. V. ۲۰۰۳. Audit fees, non-audit fees, and auditor reporting on stressed companies. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, ۲۲ (۲): ۵۳-۶۹
- Goodchild, P.R. (۲۰۱۵). The Effect of Media Format, Disclosure Tone, and Earnings Condition on the Detection of Misstatement. Doctoral Dissertations, <https://opencommons.uconn.edu/dissertations/>. ۶۷۰
- Greg, C., Donald S., Tingting Z. (۲۰۱۲). Audit quality and information asymmetry between traders, *Accounting and Finance*, ۵۲ (۲): ۷۴۳-۷۶۵
- Hadro, D., Klimczak, K. M., Pauka, M. ۲۰۲۱. Management's choice of tone in letters to shareholders: sincerity, bias and incentives, *Revista de Contabilidad Spanish Accounting Review*, ۲۴ (۲): ۲۰۲-۲۱۹
- Hohenfels, D. ۲۰۱۶. Auditor tenure and perceived earnings quality, *International journal of auditing : IJA*, ۲۰(۳): ۲۲۴-۲۳۸
- Huang, X., Teoh S. H., Zhang, Y. ۲۰۱۴. Tone management. *The Accounting Review*, ۸۹ (۳): ۱۰۸۳-۱۱۱۳
- Jain, A. (2023). Disclosure tone and short-selling pressure: evidence from Regulation-SHO. *European Accounting Review*. 1-26. <https://doi.org/10.1080/09638180.2023.2270655>.
- Jensen, M. C., and W. H. Meckling. (۱۹۷۶). Agency costs and the theory of the firm. *Journal of Financial Economics*, ۳ (۴), ۳۰۵-۳۶۰
- Johnson, S., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (۲۰۰۰). "Tunneling", *American Economic Review*, ۹۰ (۲), ۲۲-۲۷. DOI: ۱۰.۱۲۵۷/aer.۹۰.۲..۲۲
- Kanagaretnam, K., Krishnan, G. V., and Lobo, G. J. (۲۰۱۰): An Empirical Analysis of Auditor Independence in the Banking Industry, *The Accounting Review*, ۸۵(۶): ۲۰۱۱-۲۰۴۶
- Kaniel, R., Shuming L., Gideon S., Titman, S. ۲۰۱۲. Individual investor trading and return patterns around earnings announcements, *Journal of Finance*, ۶۷(۲), ۶۳۹-۶۸۰
- Karaa, R., Slim, S., Dorra M.H., ۲۰۱۸. Trading intensity and the volume-volatility relationship on the Tunis Stock Exchange, *Research in International Business and Finance*, Elsevier, ۴۴(C), ۸۸-۹۹
- Kaul, G., Lei, Q., Stoffman, N. ۲۰۰۸, AIMing at PIN: Order flow, information, and liquidity, Working paper, Indiana University.
- Kim, J-B., & Yi, C.H. ۲۰۱۵. Foreign versus domestic institutional investors in emerging markets: who contributes more to firm-specific information flow? *China Journal of Accounting Research*, ۸(۱), ۱-۲۳
- Kinney, W.R. and R. Libby. ۲۰۰۲. Discussion of The Relation between Auditors' Fees for Nonaudit Services and Earnings Management. *The Accounting Review*, ۷۷(Supp): ۱۰۷-۱۱۴
- Kyle, A. ۱۹۸۵. Continuous auctions and insider trading. *Econometrica*, ۵۳ (۶): ۱۳۱۵-۱۳۳۵
- Lang, M. H. and L. Stice-Lawrence, ۲۰۱۵. Textual analysis and international financial reporting: Large sample evidence. *Journal of Accounting and Economics*, ۶۰(۲): ۱۱۰-۱۳۵
- Lee, C., ۱۹۹۲. Earnings news and small traders: An intra-day analysis. *Journal of Accounting and Economics*, ۱۵(۲): ۲۶۵-۳۰۲
- Lee, C., and M. Ready, ۱۹۹۱, Inferring trade direction from intraday data, *Journal of Finance*, ۴۶(۲), ۷۳۳-۷۴۶
- Levitt, A., ۱۹۹۸, The Importance of High Quality Accounting Standards, *Accounting Horizons*, ۱۲(۱), ۷۹-۸۲
- Li, F. (۲۰۱۰). The information content of forward-looking statements in corporate filings—A naive Bayesian machine learning approach. *Journal of Accounting Research*, ۵(۲), ۱۰۴۹-۱۱۰۲

- Libby, R. and J. Luft. ۱۹۹۳. Determinants of judgment performance in accounting settings: Ability, knowledge, motivation, and environment. *Accounting, Organizations and Society*, ۱۸(۴): ۴۲۵-۴۵۰.
- Lobo, G.J. and Y. Zhao. ۲۰۱۳. Relation between Audit Effort and Financial Report Misstatements: Evidence from Quarterly and Annual Restatements. *The Accounting Review*, ۸۸(۴): ۱۳۸۵-۱۴۱۲.
- Loughran T, McDonald B. (۲۰۱۶). Textual analysis in accounting and finance: a survey. *J Account Res*, ۵۴(۴): ۱۱۸۷-۱۲۳۰.
- Loughran, T. and McDonald, B. (۲۰۱۱). When is a liability not a liability? Textual analysis, dictionaries, and ۱۰-Ks, *The Journal of Finance*, ۶۶ (۱), ۳۵-۶۵.
- Luo, Y. and Zhou, L. (۲۰۱۷), Managerial ability, tone of earnings announcements, and market reaction, *Asian Review of Accounting*, ۲۵ (۴). ۴۵۴-۴۷۱. <https://doi.org/10.1108/ARA-07-2016-0078>
- Maffett, M. ۲۰۱۲. Financial reporting opacity and informed trading by international institutional investors, *Journal of Accounting and Economics*, Elsevier, ۵۴(۲), ۲۰۱-۲۲۰.
- Malaquias, F.R., Borges, M.D. ۲۰۲۱. Positive Tone in Management Reports and Volatility of Stock Returns, *Global Business Review*, <https://doi.org/10.1177/09721509211054279>
- Mirela, P. ۲۰۱۵. Insiders' incentives of using a specific disclosure tone when trading, *Studies in Communication Sciences*, ۱۵ (۲): ۱۲-۳۶.
- Mohrmann & Jan Riepe & Ulrike Stefani, ۲۰۱۳. "Are Extensive Audits 'Good News'? Market Perceptions of Abnormal Audit Fees and Fair Value Disclosures," Working Paper Series of the Department of Economics, University of Konstanz ۲۰۱۳-۰۸, Department of Economics, University of Konstanz.
- Pouwels, J., Braam, R.A. ۲۰۱۷. Audit firm rotation, investor protection and audit quality, MASTER THESIS, Master in Economics, specialization Accounting & Control, [http://theses.uibn.ru.nl/handle/123456789/4424](http://theses.uibn.ru.nl/handle/۱۲۳۴۵۶۷۸۹/۴۴۲۴)
- Ramsay, R. J., Tubbs, R. M. (۲۰۰۵). Analysis of diagnostic tasks in accounting research using signal detection theory. *Behavioral Research in Accounting*, ۱۷(۱), ۱۴۹-۱۷۳.
- Simunic, D. A. ۱۹۸۰. The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence. *Journal of Accounting Research*, ۱۸(۱): ۱۶۱-۱۹۰.
- Sook Min K., Seon Mi K., Dong Heun L., Seung Weon Y. ۲۰۱۹. "How Investors Perceive Mandatory Audit Firm Rotation in Korea, Sustainability, MDPI, ۱۱(۴), ۱-۱۷.
- Souza, P. V. S., Silva, P. B. (۲۰۲۰). Tone management of voluntary disclosures in Brazilian public companies' press releases. *Contextus Contemporary Journal of Economics and Management*, ۱۸(۴), ۳۹-۵۱. [https://doi.org/10.19۰۹۴/contextus.2020.43366](https://doi.org/10.19۰۹۴/contextus.۲۰۲۰.۴۳۳۶۶)
- Sprinkle, G. B., and Tubbs, R. M. (۱۹۹۸). The effects of audit risk and information importance on auditor memory during working paper review. *Accounting Review*, ۷۳-۵۰۲.
- Stanley, J. D. (۲۰۱۱): Is the Audit Fee Disclosure a Leading Indicator of Clients' Business Risk?, in: *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, ۳۰ (۳): ۱۵۷-۱۷۹.
- Tan, H. T., E. Y. Wang, B. Zhou. ۲۰۱۴. When the use of positive language backfires: The joint effect of tone, readability, and investor sophistication on earnings judgements. *Journal of Accounting Research*, ۵۲ (۱): ۲۷۳-۳۰۲.
- Zhang, X., Yang, X., Strange, R., Zhang, Q. (۲۰۱۷). Informed trading by foreign institutional investors as a constraint on tunneling: evidence from China. *Corporate Governance: An International Review*, ۲۵ (۴). ۲۲۲-۲۳۵.

**Tone management and amount of Private Information by
investors in stock trading: consequences of Auditor tenure
and Abnormal Audit Fees**

Mehdi bashiri jouibari¹

Yahya Kamyabi²

Received: 31/ December /2024 Accepted: 20/ February /2025

Abstract

Considering the heterogeneity between investors, the type of disclosure tone can create different signals to interpret the information. Also, the effect of voluntary disclosure in the capital market creates incentives for tone management by firms with a weaker information environment. Therefore, this research aims to investigate the moderating effect of Auditor tenure and Abnormal Audit Fees on the relationship between Tone management and the amount of Informed trading by investors in stock transactions. To achieve this goal, the research sample includes 91 companies listed in the Tehran Stock Exchange during the period from 1394 to 1401. The ordinary least squares regression method was used to test the hypotheses of the research model. The results of the hypothesis test show that the level of the abnormal tone of disclosure has a positive and significant effect on the amount of use of private Information by investors in stock transactions. In addition, the Auditor tenure does not have a moderating effect on the relationship between the tone management and Informed trading by investors, but the amount of the Abnormal audit fee has a moderating effect on the relationship between the tone management and amount of use of Informed trading by investors. The findings of the research indicate that the tone management increases the situations of using Informed trading by creating disagreements between investors and more confusion in small investors and abnormal audit fees exacerbate the relationship between tone management and the Informed trading by investors.

Keywords: abnormal tone of disclosure, Private Information in stock trading, Auditor tenure, Abnormal Audit Fees

¹. Department of Accounting, Faculty of Economics and Administration, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
@chmail.ir 66086608 bashiri

². Department of Accounting, Faculty of Economics and Administration, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
(Corresponding author) y.kamyabi@umz.ac.ir



بررسی رابطه بین نوآوری و ریسک ورشکستگی با تأکید بر نقش بیش‌اطمینانی و توانایی مدیران

مجید گرگی‌زاده^۱

سید علی واعظ^۲

بابک عابدی صدقیانی^۳

سید عزیز آرمن^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین نوآوری و ریسک ورشکستگی با متغیرهای تعدیل‌گر بیش‌اطمینانی و توانایی مدیران است. داده‌های شرکت‌های مورد بررسی از سامانه کدال و نیز نرم‌افزار داده‌پرداز نوین طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ استخراج و برای آماده‌سازی و تجزیه و تحلیل داده‌ها به ترتیب از نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز و الگوی رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نوآوری باعث کاهش احتمال ورشکستگی می‌شود. علاوه بر این وجود متغیر تعدیلی بیش‌اطمینانی مدیران تأثیر منفی و متغیر تعدیلی توانایی مدیران تأثیر مثبت بر این رابطه دارند و به ترتیب باعث تضعیف و تقویت این رابطه (افزایش و کاهش بیشتر احتمال ورشکستگی) می‌شود. همچنین وجود همزمان دو متغیر تعدیلی این رابطه را تقویت می‌کند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت هزینه نوآوری (تحقیق و توسعه) بهبود وضعیت شرکت‌ها را به دنبال داشته و بیش‌اطمینانی مدیران معمولاً وضعیت شرکت را به خطر انداخته و توانایی مدیران باعث افزایش ارزش شرکت و کاهش ورشکستگی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت در شرکت‌های بورسی تهران، احتمال ورشکستگی تابعی از هزینه تحقیق و توسعه، بیش‌اطمینانی مدیران و توانایی مدیران هم به صورت مجزا و هم به صورت توأم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ورشکستگی، نوآوری، تحقیق و توسعه، توانایی مدیران، بیش‌اطمینانی مدیران.

۱ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، Majid.gorgizadeh@pnu.ac.ir

۲ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، (نویسنده مسئول)، sa.vaez@scu.ac.ir

۳ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، b.abedi@scu.ac.ir

۴ گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، saarman@scu.ac.ir



۱- مقدمه

در چرخه عمر شرکت‌ها، مراحل مختلفی از تولد، رشد، بلوغ و در نهایت افول و ورشکستگی وجود دارد (ملکی، ابراهیمی و جلالی، ۱۳۹۸). در فضای کسب و کار امروز، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی شرکت‌ها ناشی از افزایش رقابت در دنیای کسب و کار است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۹). امروزه افزایش و درهم‌تنیدگی عوامل تعیین‌کننده در بازار و حضور رقبای متعدد، شرکت‌ها را با خطراتی از جمله عدم تداوم فعالیت روبه‌رو کرده است؛ زیرا فرض تداوم فعالیت برای سودمندی اطلاعات بر مبنای حسابداری تعهدی، ضروری است (فروغی ابری، فروغی و کاظمی، ۱۳۹۹). بنابراین توسعه بازارهای پولی و مالی و شدت گرفتن رقابت موجب ورشکسته شدن بسیاری از شرکت‌ها و خارج شدن آنها از گردونه رقابت گردیده است. این موضوع، نگرانی بستانکاران، مدیران، صاحبان سرمایه و به‌طور کلی جامعه را به دنبال داشته است (شاهسوند، قائمی و علوی، ۱۴۰۲). اهمیت این موضوع آن است که آثار منفی و عوارض آن، تنها دامن‌گیر شرکت یا تاجر ورشکسته نمی‌شود بلکه می‌تواند آبستن پیامدهای ناگواری برای اقتصاد کشور بوده و منجر به هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار بااهمیت و اساسی در سطح خرد و کلان شود؛ به همین دلیل تحلیل‌گران مالی، ورشکستگی را به عنوان مهم‌ترین ریسکی می‌دانند که بر سرمایه‌گذاران و شرکت وارد می‌شود. اگر اطلاعات مالی توانایی لازم را در مورد پیش‌بینی ورشکستگی داشته باشند می‌توان با استفاده از مدل‌های متعدد پیش‌بینی با ارائه هشدارهای لازم و به موقع، برنامه‌ریزی‌های لازم را جهت جلوگیری از ورشکستگی آنها انجام داد و ذینفعان را از ورشکستگی و هدررفت منابع شرکت، آگاه کرد (زمانی و دارابی، ۱۳۹۷) و امکان تخصیص بهینه منابع سرمایه‌گذاران را فراهم نمود (ماتانی و گارگ^۱، ۲۰۱۹). بنابراین اطلاعات حسابداری در یافتن روش‌هایی برای پیش‌بینی ورشکستگی که قبل از ورشکستگی روی می‌دهد و اهمیت بسیار زیادی دارد نقش بسزایی ایفا می‌کند که بررسی سیر تکاملی این مدل‌ها خود گویای اهمیت این موضوع است. همچنین ورشکستگی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر ارزش شرکت، شهرت نام تجاری، روابط مشتری و مالکیت معنوی، اعتماد و وفاداری مشتریان و تأمین‌کنندگان خود داشته باشد (آگوستینی^۲، ۲۰۱۹). از طرف دیگر امروزه رقابت‌پذیری، وسیله‌ای برای دستیابی به توسعه پایدار و رشد اقتصادی مطلوب است (برزگری خانقاه و قائدی، ۱۳۹۸). یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد مزیت رقابتی پایدار و در نتیجه توسعه اقتصادی، نوآوری و فناوری است (هان و ژانگ^۳، ۲۰۲۱) زیرا یک نظام مدیریتی است که تأکید آن بر رسالت سازمان بوده و به دنبال فرصت‌های جدید و استثنایی است (لی و یانگ^۴، ۲۰۱۹). در شرایط رقابتی، معیارهای موفقیت نیز تغییر کرده و برای رویارویی با این تغییرات، حسابداری مدیریت، ناگزیر به ابداع روش‌هایی شد که بتواند پاسخگوی نیازهای روز شرکت‌ها و تأمین رضایت مشتری باشد (که به عوامل اصلی موفقیت معروفند و عبارتند از کیفیت، زمان، بهای تمام شده و نوآوری) (رهنمای

¹ Mahtani and Garg² Agustini³ Han and Zhang⁴ Li and Yang

رودپشتی، جبارزاده کنگرلویی و اسپوکه، ۱۳۹۰). ادبیات نوین حسابداری بیان گر این است که دنیای امروز وارد اقتصاد مبتنی بر دانشی شده است که در آن تولید و بهره‌وری از طریق دانش، نقش اصلی را در عملکرد مطلوب و فرآیند ایجاد ثروت دارد و منابع نامحدودی ایجاد می‌کند که شامل اطلاعات، خلاقیت، نوآوری و رضایت مشتری است و در این میان، نقش نوآوری بسیار تأکید شده است. در یک تعریف، نوآوری، نخستین استفاده از دانش جدید عنوان شده است (نمازی و مقیمی، ۱۳۹۸). همان‌طور که نمازی و مقیمی (۱۳۹۷) بیان می‌کنند در دنیای رقابتی امروز، سازمان‌هایی که در تولید محصولات جدید ناموفق بوده و اقدام به نوآوری نمی‌کنند و در حسابداری مدیریت فاقد نوآوری هستند به ناچار از میان می‌روند. بنابراین پذیرش رویه‌های جدید نوآوری و کاربرد آن در سازمان، در روابط میان اعضای سازمان و موفقیت سازمان نقش دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل نشان‌دهنده نوآوری در شرکت‌ها و معیار آن هزینه تحقیق و توسعه شرکت می‌باشد. تحقیق و توسعه، به هرگونه فعالیتی خلاق و منسجم اطلاق می‌شود که در جهت افزایش میزان دانش مربوط به جامعه، انسان، فرهنگ و استفاده از آن برای کاربردهای جدید است (پورحیدری، کیانی چنده و باقری، ۱۳۹۹). چنان‌که یافته‌های بای و تیان^۱ (۲۰۲۰) ارتباط تعداد ثبت اختراع و بهره‌وری (درآمد به مخارج) تحقیق و توسعه را با عملکرد عملیاتی نشان دادند و آن را از عوامل تأثیرگذار در اهمیت پایداری (تداوم فعالیت) دانستند.

وجود استانداردهای بین‌المللی حسابداری، کیفیت اطلاعات حسابداری را برای پیش‌بینی ورشکستگی بهبود می‌بخشد زیرا یکی از مشکلات این پیش‌بینی، عدم شناخت عوامل اثرگذار بر آن است. در پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها، عوامل مختلف شرکت یا بازار (مانند نوسانات نرخ ارز یا نرخ تورم در ایران) منظور می‌شود (ستایش و رحیمی، ۱۴۰۲). یکی از این عوامل، ویژگی‌های شخصیتی و توانایی مدیران است. ابعاد و صفات شخصیتی مدیران در تصمیمات آنها و عملکرد شرکت نقش حیاتی دارد. برخی از ویژگی‌های مدیران، ذاتی و برخی دیگر اکتسابی است که بیش اطمینانی (بیش‌اعتمادی) مدیران یکی از ویژگی‌های اکتسابی آنها است (قانی دهکردی، جعفری دهکردی و پیک‌فلک، ۱۳۹۹). بیش اطمینانی به عنوان یکی از مفاهیم بین رشته‌ای با احتمال قضاوت و درجه‌بندی در روان‌شناسی همراه است که در زمینه مالی به عنوان یک تفسیر و یا برآورد از میزان آگاهی و با اطلاعات خصوصی تعریف شده است (جکوبای، لی و لیو^۲، ۲۰۱۹). از طرف دیگر، بخشی از اثربخشی شرکت توانایی مدیریت است که بعد اکتسابی آن از محیط پیرامون از طریق تحصیلات و تجربیات خود به دست می‌آید (رضایی، فیروزعلیزاده و نورمحمدی، ۱۳۹۹). کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد به عنوان توانایی مدیران تعریف شده و معتقدند که به طور مستقیم بر عملکرد شرکت اثرگذار است (یوگار^۳، ۲۰۱۸، محمدی نافچی و علیخانی، ۱۴۰۲). در نتیجه برای اجتناب از زیان‌های هنگفت و اتلاف منابع ناشی از ورشکستگی و همچنین بهره‌گیری مناسب از فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نیاز است مطالعه‌ای در این زمینه صورت گیرد. در مطالعات انجام گرفته در

¹ Bai and Tian

² Jacoby, Li and Liu

³ Uygun

زمینه‌ی ورشکستگی، نشان داده شده است عوامل متعددی بر ورشکستگی تأثیر دارند. بدین منظور هدف اصلی در این پژوهش، بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی و توانایی مدیران بر رابطه‌ی بین نوآوری و ریسک ورشکستگی است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- نوآوری و ورشکستگی

به خاطر تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ناشی از تئوری نمایندگی، شرکت‌ها تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری در نوآوری و تحقیق و توسعه دارند که برای افزایش این سرمایه‌گذاری، باید مکانیسم‌های قوی و منسجم جهت کسب مزیت رقابتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد کرد (رحمانیان کوشکی و مطاعی، ۱۴۰۲). اغلب، آینده-نگرها شرکت‌هایی نوآورانه هستند که در پی محصولات جدید بوده و تمایل دارند قسمتی از بودجه‌ی خود را به بازاریابی و پژوهش و توسعه تخصیص داده و ترکیب محصولات خود را سریعاً تغییر دهند تا بتوانند اولین قدرت را در بازار مربوطه داشته باشند. این استراتژی به آنها اجازه می‌دهد که انعطاف‌پذیری بالا و ریسک کمتری را تجربه کنند. نوآوری در تولید و ارائه‌ی محصول جدید، عامل تعیین‌کننده‌ای مهم برای شتاب در انتخاب مصرف‌کننده، موفقیت در تولید، لازمه‌ی حیات بلندمدت و به عنوان موتور رشد شناخته می‌شود زیرا مشارکت در این امر می‌تواند جریان نقد، بازدهی و سودآوری را افزایش و به بهبود عملکرد شرکت منجر شود. (چن و همکاران^۱، ۲۰۱۶) نظریه-های مربوط به نوآوری شامل نظریه‌ی نوین (سیستمی) و نظریه‌ی یادگیری سازمانی (سازمان یادگیرنده)، ناظر بر الگو یا سازمان ارگانیکی است که آن را طراحی موجود زنده یا طراحی ارگانیکی نامیدند. این الگو بر ابداع و نوآوری به منظور افزایش کیفیت کالاها و خدمات تأکید فراوان می‌کند. محور اصلی این نظریه، خلاقیت و نوآوری است که اگر سازمان‌ها و مدیران آنها قصد ادامه حیات و کامیابی بلندمدت داشته باشند باید خود را به طور پایدار و مستمر با شرایط جدید تطبیق داده و اقدام به نوآوری کنند. این نظریه‌ها اظهار می‌کنند نوآوری از طریق تأثیر مثبت بر جریان‌های نقد آینده، شرکت‌ها را برای پاسخ‌گویی بهتر به رقابت، تغییرات تکنولوژیکی و محیطی قادر می‌سازد و موجب کسب قابلیت‌های جدید، افزایش کیفیت کالاها و خدمات و عملکرد مالی مطلوب‌تری می‌شود (نمازی و مقیمی، ۱۳۹۸). یافته‌های پژوهش‌گران ارتباط عملکرد عملیاتی و ریسک کمتر آن با کیفیت ثبت اختراعات و نوآوری بیشتر و همچنین ارتباط سرمایه‌گذاری در هزینه پژوهش و توسعه با فروش و سوددهی را نشان دادند (پورحیدری، کیانی چنده و باقری، ۱۳۹۹). در طیف پایداری زیست‌محیطی نیز نوآوری از طریق کاهش مصرف انرژی و مواد اولیه باعث بهبود عملکرد و بازده و جذب سرمایه‌گذاران بیشتر و در نتیجه بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها می‌شود (نمازی و خرم‌دل ماسوله، ۱۴۰۱). به طور کلی، موفقیت بلندمدت یک شرکت به طور گسترده توسط رقابت‌پذیری آن مشخص می‌شود که نوآوری قادر است با افزایش بهره‌وری و یا افزایش قدرت بازار، آن را افزایش دهد. تحقیق و توسعه اغلب به عنوان یک عامل حیاتی برای عملکرد شرکت مشخص می‌شود. با توجه به اثرات

¹ Chen et al

تحقیق و توسعه، طبق دیدگاه مبتنی بر منابع شرکت (بارنی^۱، ۱۹۹۱)، شانس بقا به طور قابل توجهی توسط توانایی شرکت‌ها برای توسعه قابلیت‌های خاص تعیین می‌شود که با سرمایه‌گذاری در آن بهبود می‌یابد. این ایده مطابق با پیش‌بینی‌های مدل‌های یادگیری فعال (اریکسن و آبو^۲، ۲۰۱۶) است که بیان می‌کند با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، شرکت‌ها توانایی خود را برای بقا بهبود می‌بخشند و برآورد می‌شود که احتمال ورشکستگی برای این شرکت‌ها، به میزان قابل ملاحظه‌ای کمتر از سایرین باشد (بای و تیان، ۲۰۲۰). تئوری پردازان بیان می‌کنند پژوهش و توسعه از طریق افزایش در آگاهی مشتریان، آشنایی آنها با نام تجاری منحصر به فرد و در نتیجه متقاعد کردن مشتریان به خرید محصولات شرکت، علاوه بر تأثیر روی درآمد فروش و سودآوری، باعث ایجاد دارایی‌های نامشهودی می‌شود که جریان‌های نقدی مورد انتظار دوره‌های آتی را (از طریق تسریع در جریان‌های نقدی و کاهش آسیب‌پذیری و نوسانات آن) تحت تأثیر قرار می‌دهد و با افزایش جریان‌های نقدی، افزایش سهم بازار و ارزش سهام و در نتیجه کاهش ریسک ورشکستگی محقق خواهد شد (جیندال^۳، ۲۰۲۰).

۲-۲- بیش اطمینانی مدیران، ارزش شرکت و ریسک ورشکستگی

عدم شناخت بازار و خصوصیات مدیران از جمله بیش اطمینانی و ناتوانی مدیران از مهم‌ترین عوامل درون‌سازمانی ورشکستگی شرکت‌ها است (خواجوی و امیری، ۱۳۹۲). وجود بیش اعتمادی در مدیران باعث تخمین بیش از حد مهارت و دانش خود، بازده پروژه‌های سرمایه‌گذاری، ارزش دارایی‌ها و برآورد کمتر از حد ریسک‌ها، تأخیر در شناسایی زیان و بیش سرمایه‌گذاری می‌شود (رمضان احمدی، قلمبر و درسه، ۱۳۹۸)؛ زیرا روان‌شناسان بر این باورند افراد گاهی از کسب دانش غافل شده و گزینه‌های نامتعارف را انتخاب می‌کنند (شراند و زگمان^۴، ۲۰۱۹) و بنابراین کمتر از حسابداری محافظه‌کارانه پیروی کرده، باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی و احتمال ورشکستگی می‌شود و در نتیجه منجر به تصمیماتی می‌شود که ارزش شرکت را کاهش داده یا آن را از بین برد (تهرانی و همکاران، ۱۴۰۰) همچنان که لنگ، اوزکان و تریاکوویچ^۵ (۲۰۱۸) نشان دادند اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، افزایش احتمال آشفته‌نگی مالی شرکت‌ها را به دنبال دارد. شناسایی هزینه تحقیق و توسعه در دوره وقوع، نمونه‌ای از محافظه‌کاری (بیش اطمینانی کمتر) است که با افزایش جریان‌های نقدی ورودی و کاهش جریان‌های نقدی خروجی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران و افزایش دقت اطلاعات و در نتیجه افزایش کیفیت اطلاعات، نقش مؤثر اطلاعاتی نیز دارد. نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری همراه با نقش ایجادکننده‌ی نقدینگی آن سبب کاهش تحمیل خطر به سرمایه‌گذاران و هزینه‌ی سرمایه، افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌های انتخاب نامناسب، افزایش منابع نقدی برون‌سازمانی و افزایش ارزش دارایی‌های نقدی، افزایش ارزش شرکت و در

¹ Barney

² Eriksen and Aabo

³ Jindal

⁴ Schrand and Zechman

⁵ Leng, Ozkan and Trzeciakiewicz

نتیجه، کاهش خطر ورشکستگی می‌شود (بیدل و همکاران^۱، ۲۰۱۶). همچنین بیش اطمینانی مدیران می‌تواند بر ارائه‌ی اطلاعات مالی توسط آنها به بازار سرمایه تأثیر گذارد زیرا به افشای اطلاعات مجرمانه‌ی حاصل از بازخورد منفی سرمایه‌گذاری، تمایل نخواهند داشت؛ آنها برای گزارش سودهای بیشتر نسبت به دیگر مدیران و بهتر جلوه دادن عملکرد شرکت، شناسایی زیان و خاتمه‌ی پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی را به تأخیر می‌اندازند که منتج به انباشت اخبار منفی در شرکت و افزایش ریسک سقوط قیمت سهام در آینده خواهد شد (شراند و زگمان، ۲۰۱۹).

۲-۳- توانایی مدیران و ورشکستگی

در بازار تجاری امروز، شرکت‌ها برای جذب کارآمدترین مدیران کوشش می‌کنند زیرا چنین مدیرانی با آگاهی بیشتر نسبت به امور مالی و استانداردهای حسابداری، باعث کاهش هزینه‌های پذیرهنویسی، کاهش مشکلات نمایندگی، افزایش اعتماد به گزارشگری مالی و بهبود کارایی اطلاعاتی و کاهش تأخیر در تعدیل قیمت سهام میشود (فیل‌سرائی، ۱۴۰۲). در دیدگاه مبتنی بر منابع، توانایی مدیریت به عنوان منبعی با ارزش است که مدیریت می‌تواند از طریق ارتقای استفاده از منابع برای شرکت ارزش آفرینی داشته، به مزیت رقابتی پایدار دست یافته و در نتیجه عامل مهمی برای افزایش سودآوری، بهبود عملکرد مالی و کاهش احتمال ورشکستگی در بازار رقابتی امروزی باشد (خواجوی و قدیریان‌آرانی، ۱۳۹۷). بر مبنای پژوهش‌های انجام شده، مدیران توانا تر به خاطر فهم بهتر خود از شیوه‌های گزارشگری مالی و ناتوانی‌های موجود در کنترل داخلی و افزایش دقت و محتوای اطلاعاتی پیش‌بینی مدیران و برآورد دقیق اقلام تعهدی (ثقفی و عالی‌فامیان، ۱۳۹۸)، آگاهی و دانش بیشتر پیرامون مشتریان و شرایط اقتصادی کلان، درک بهتر نسبت به فناوری، روندهای صنعت و تقاضای مشتری (نیکبخت، جهان‌دوست مرغوب و ویسی حصار، ۱۳۹۹)، دانش بیشتر نسبت به شرایط اقتصادی آتی و نوسان در سودآوری (رشیدی، ۱۳۹۹)، آگاهی بیشتر نسبت به وضعیت شرکت و صنعت (یوگار، ۲۰۱۸)، قدرت درک و تحلیل بهتر از شرایط حال و آینده شرکت و تخمین‌های با کیفیت‌تر عملکرد و موقعیت شرکت (محمدی نافچی و علیخانی، ۱۴۰۲)، می‌توانند باعث ایجاد مزیت رقابتی، بهبود سیاست‌های شرکت، بهبود کیفیت گزارشگری مالی (بزرگ‌اصل و صالح‌زاده، ۱۳۹۳)، موسوی‌شیری، سبزی و قدردان، ۱۴۰۲)، مدیریت کارا تر عملیات، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی مثبت بالاتر (خواجوی و قدیریان‌آرانی، ۱۳۹۷)، ثبات درآمدی بیشتری، مزایای مدیریت نقدینگی بهتر و در نتیجه بهبود عملکرد، افزایش ارزش و جریان‌های نقد و کاهش ریسک (ورشکستگی) شوند (چالاک، منصورفر و کرمی، ۱۳۹۷).

¹ Biddle et al

۳- پیشینه پژوهش‌های تجربی

۳-۱- پژوهش‌های تجربی خارجی

دیوید، ایپولیتی و ون^۱ (۲۰۲۳) در پژوهش خود با عنوان نوآوری محصول و تهدید ورشکستگی، ۴۰۰ شرکت تولیدی ایتالیایی را در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در یک محیط بازار پویا، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه باعث توسعه محصول جدید با تقاضای نامشخص و به دنبال آن پویایی نقدینگی در شرکت‌ها و در نتیجه کاهش ریسک ورشکستگی می‌شود.

اگوستینو و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان پژوهش، نوآوری و ورشکستگی: شواهدی از شرکت‌های تولیدی اروپا به بررسی اثرات تحقیق و توسعه و فعالیت‌های نوآورانه شرکت‌ها بر ریسک ورشکستگی در شرکت‌های تولیدی اروپایی طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ پرداختند. شواهد تجربی آنها نشان داد تحقیق باعث نوآوری شده و استراتژی‌های نوآوری (محصول، فرآیند و ثبت اختراع) کمترین احتمال درماندگی و ورشکستگی را برای شرکت‌ها به دنبال دارد.

خو و چیونگ^۳ (۲۰۲۲) نشان دادند که مدیران توانا مهارت‌های برتری برای انتقال اطلاعات خصوصی و پیش‌بینی چشم‌انداز اقتصادی شرکت‌ها دارند و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهند.

جیندال (۲۰۲۰) در یک پژوهش با عنوان "تأثیر تبلیغات و تحقیق و توسعه بر ریسک ورشکستگی" در ۱۵۰۰ سال- شرکت آمریکایی در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۹ و با استفاده از روش آماری رگرسیون و مدل لاجیت برای اندازه‌گیری احتمال ورشکستگی، به این نتیجه رسید که تحقیق و توسعه با افزایش در درآمد فروش و سودآوری، موجب ایجاد دارایی‌های نامشهودی می‌شود که جریان‌های نقدی مورد انتظار دوره‌های آتی را از طریق تسریع و کاهش آسیب‌پذیری و نوسانات آن تحت تأثیر قرار داده و باعث کاهش ورشکستگی می‌شود.

چرکاسووا و کورلیانوا^۴ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "آیا مخارج تبلیغات و تحقیق و توسعه منجر به کاهش احتمال ورشکستگی در کشورهای آسیایی می‌شود؟" به بررسی رابطه این متغیرها در کشورهای هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ از طریق رگرسیون چند متغیره پرداختند. آنها پی بردند که مخارج بازاریابی (تبلیغات و تحقیق و توسعه) به صورت قابل توجهی احتمال ورشکستگی شرکت‌های درمانده و همچنین شرکت‌های با فناوری بالا را کاهش می‌دهد.

سوزوتسکی^۵ (۲۰۱۹) به بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت نوآوری بر بازدهی سهام ۱۲۱ شرکت خدماتی عضو اتحادیه اروپا در بازه زمانی فوریه ۲۰۱۱ تا دسامبر ۲۰۱۶ می‌پردازد. نتایج پژوهش وی بیانگر عکس‌العمل مثبت

¹ Dawid, Ippoliti and Wen

² Agostino et al

³ Khoo and Cheung

⁴ Cherkasova and Kurlyanova

⁵ Szutowski

بازار برای بنگاه‌های با پیشرفت تکنولوژی و نوآوری بالا نسبت به بنگاه‌های با نوآوری پایین است. افزون بر این، در مقایسه با تقلید یا توسعه نوآوری مشترک، عکس‌العمل مثبت بازار نسبت به نوآوری‌های داخلی بیشتر است. لی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) نیز رابطه توانایی مدیریت و فرصت سرمایه‌گذاری شرکت را بررسی نمودند. نتایج این پژوهش، رابطه مثبت و معنادار توانایی مدیران و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را نشان داد. آنان بیان نمودند که شرکت‌های با مدیران توانمند می‌توانند سود بیشتری را از طریق فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر، عاید شرکت نمایند. یوگار، تروشین و سالامون^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین تحقیق و توسعه و احتمال احیای شرکت؛ شواهدی از انگلستان" داده‌های مربوط به ۳۷۹۳۰ سال-شرکت را در بازه زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و دریافتند که تحقیق و توسعه با احتمال احیای شرکت‌های ورشکسته رابطه U معکوس دارد یعنی ابتدا رابطه مستقیم سپس رابطه عکس دارند.

سپوترا^۳ (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان "پیش‌بینی ورشکستگی شرکت بر اساس بیش اطمینانی مدیران با استفاده از سیستم عصبی- فازی" در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ با استفاده از الگوریتم ژنتیک و فازی شرکت‌های بورس اوراق بهادار اندونزی به این نتیجه رسید که تردید حسابرس نسبت به تداوم فعالیت شرکت رابطه مستقیمی با بیش اطمینانی و همچنین رابطه مستقیم با احتمال ورشکستگی دارد.

لنگ، اوزکان و تریاکوویچ (۲۰۱۸) در پژوهشی به "بررسی اعتماد به نفس بیش از اندازه و احتمال ورشکستگی شرکت، شواهدی از انگلستان" طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۷ در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار لندن و با استفاده از مدل لاجیت پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد مدیران با اعتماد به نفس بیش از اندازه، ریسک ورشکستگی شرکت را افزایش می‌دهند. همچنین نتایج تکمیلی پژوهش آنها نشان داد احتمال افزایش ریسک ناشی از اعتماد به نفس بیش از حد در محیط‌های نوآورانه و غیرمحافظه‌کار بیشتر از محیط‌های سنتی و غیرنوآورانه و محافظه‌کار است.

آندرو و همکاران^۴ (۲۰۱۷) نیز دریافتند که در طول دوره بحران، شرکت‌های با توانایی بالاتر کمتر از محدودیت‌های مالی آسیب پذیرند و سرمایه‌گذاری بیشتری انجام می‌دهند. این مدیران با کاهش مشکلات سرمایه‌گذاری در دوره بحران، باعث افزایش سودآوری و عملکرد بهتر شرکت، کاهش کم‌سرمایه‌گذاری، استفاده مناسب از منابع، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش ارزش شرکت می‌شوند.

¹ Lee et al

² Ugur, Trushin and Solomon

³ Seputra

⁴ Andreou et al

۳-۲- پژوهش‌های تجربی داخلی

قاسمی و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی ارائه الگوی تاب‌آوری مالی در راستای پیشگیری از ورشکستگی به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل تاب‌آوری مالی جهت پیشگیری از ورشکستگی پرداختند. آنها با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش فراترکیب و گروه‌های کانونی به این نتیجه دست یافتند که مؤلفه‌های همسویی با تغییرات محیطی، پاسخ به‌هنگام به ریسک‌های محیطی، سند استراتژیک در حوزه مالی، شناسایی ظرفیت‌ها و چالش‌های شرکت و رصد محیطی جز عوامل مهم و ضروری در تاب‌آوری و توانمندی مالی شرکت‌ها در راستای پیشگیری از ورشکستگی هستند.

نورانی آزاد و راسخ جهرمی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "آزمون نقش شدت پژوهش و توسعه در بازدهی سهام و رقابت خودمخرب شومپیتری بورس اوراق بهادار تهران (رهیافت رگرسیون انتقال ملایم پنلی)"، داده‌های ۱۵۳ شرکت را طی بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که رابطه U معکوس بین نوآوری و بازده سهام وجود دارد به گونه‌ای که قبل از آستانه تأثیر متغیر مستقل بر وابسته افزایشی و پس از آن کاهش است.

خلیفه سلطانی، شاداب شمس‌آباد و رهنما (۱۴۰۰) در "بررسی تأثیر نوآوری بر خطر سقوط قیمت سهام تحت شرایط عدم تقارن اطلاعاتی" با الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی و در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، برای سنجش نوآوری از شاخص سرمایه‌گذاری در پژوهش و توسعه استفاده نمودند. نتایج این آزمون، تأثیر منفی و معنی‌دار نوآوری بر خطر سقوط قیمت سهام را نشان می‌دهد بدین معنا که نوسانات شدید قیمتی با ایجاد نوآوری، کاهش می‌یابد.

زراعتی نوقایی و نخعی (۱۴۰۰) در پژوهشی به "رابطه ورشکستگی با بیش‌ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش‌اعتمادی مدیران" در شرکت‌های بورسی تهران بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ و با استفاده از الگوی رگرسیون حداقل مربعات معمولی با اثرات ثابت پرداختند که نتیجه پژوهش آنها رابطه مثبت و معنی‌دار ورشکستگی با بیش‌اعتمادی مدیران را نشان داد.

خواجوی و قدیریان‌آرانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "توانایی مدیران، عملکرد شرکت و خطر ورشکستگی" و در بررسی اطلاعات ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، توانایی مدیران را با معیار الگوی دمرجیان^۱ (۲۰۱۲) و خطر ورشکستگی را با معیار z آلتمن اندازه‌گیری کردند و به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیران با خطر ورشکستگی رابطه منفی داشته و عملکرد شرکت نقش متغیر میانجی کامل بر این رابطه دارد یعنی خطر ورشکستگی به دلیل توانایی مدیران از طریق بهبود عملکرد مالی آنها کاهش می‌یابد.

چالاک، منصورفر و کرمی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود با عنوان "بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر درماندگی مالی با تأکید بر انعطاف‌پذیری مالی"، اطلاعات ۱۰۴ شرکت بورسی تهران را در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ مورد

1 Demerjian

بررسی قرار داده و با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی و لاجستیک به رابطه منفی بین توانایی مدیران و انعطاف‌پذیری مالی با درماندگی مالی و همچنین عدم نقش میانجی انعطاف‌پذیری مالی در رابطه توانایی مدیران و درماندگی مالی پی بردند.

دستگیر، میرکی و کاظمی‌نوری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر آشفتگی مالی"، طی بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ اطلاعات و داده‌های ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده و با استفاده از روش رگرسیون لجستیک و آزمون مقایسه میانگین‌ها به نتیجه تأثیر مستقیم و معنادار اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر آشفتگی مالی شرکت‌ها رسیدند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: نرخ تحقیق و توسعه با ریسک ورشکستگی رابطه منفی معنادار دارد.

فرضیه دوم: بیش‌اطمینانی مدیران بر رابطه نرخ تحقیق و توسعه و ریسک ورشکستگی تأثیر منفی معنادار دارد.

فرضیه سوم: توانایی مدیران بر رابطه نرخ تحقیق و توسعه و ریسک ورشکستگی تأثیر مثبت معنادار دارد.

فرضیه چهارم: تأثیر توأم بیش‌اطمینانی و توانایی مدیران بر رابطه نرخ تحقیق و توسعه و ریسک ورشکستگی مثبت و معنادار است.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از جنبه رابطه بین متغیرها، توصیفی از نوع همبستگی است که با استفاده از اطلاعات تاریخی انجام شده است. داده‌های واقعی شرکت‌های مورد بررسی به صورت داده‌های سال-شرکت (ترکیبی) مورد مطالعه قرار گرفته و این عمل با استفاده از الگوی رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته انجام شده است. داده‌های مزبور از سامانه کدال و نیز نرم‌افزار داده‌پرداز نوین استخراج و برای آماده‌سازی و تجزیه و تحلیل داده‌ها به ترتیب از نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ و نمونه به صورت حذفی با توجه به معیارهای از پیش تعیین شده انتخاب شده است: به منظور افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی به پایان اسفندماه منتهی شود، دوره مالی خود را طی سال مورد نظر تغییر نداده باشند، تا ابتدای سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند، شرکت‌های مورد بررسی طی دوره زمانی مورد نظر به صورت مستمر فعالیت داشته و سهام آنها بدون وقفه بااهمیت (بیش از سه ماه) معامله شده باشد و از نوع شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، بانک‌ها، هلدینگ و لیزینگ نباشند. با توجه به معیارهای مذکور ابتدا ۷۷۴ شرکت که عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند انتخاب گردید. ۱۶۸ شرکت از جامعه آماری که سال مالی آنها غیر از پایان سال مالی بودند حذف گردیدند، ۱۴۳ شرکت به دلیل حضور در صنایع واسطه‌گری، بانکی و بیمه‌ای، تعداد ۳۵۴ شرکت به دلیل عدم وجود اطلاعات آنها طی بازه زمانی مورد پژوهش و ۴۶ شرکت به دلیل عدم تداوم فعالیت و یا تغییر سال مالی از

جامعه آماری مورد پژوهش حذف و در نهایت تعداد ۶۳ شرکت (۷۵۶ سال- شرکت) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد.

۵- الگوها و متغیرهای پژوهش

برای بررسی رابطه نوآوری (تحقیق و توسعه) و ریسک ورشکستگی از مدل رگرسیون چندمتغیره مورد استفاده جیندال (۲۰۲۰) استفاده می شود که در این مدل، ریسک ورشکستگی با معیار احتمال (میزان امکان) ورشکستگی سنجیده شده است.

برای آزمون فرضیه های پژوهش به ترتیب از الگوهای (۱) تا (۴) استفاده می شود.

الگوی ۱

$$MDA = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 LIQ_{i,t} + \beta_4 PRO_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 SALEGR_{i,t} + \beta_7 INF_{i,t} + \beta_8 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی ۲

$$MDA = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{i,t} + \beta_2 MOC_{i,t} + \beta_3 (R\&D \times MOC)_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 LIQ_{i,t} + \beta_6 PRO_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 SALEGR_{i,t} + \beta_9 INF_{i,t} + \beta_{10} PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی ۳

$$MDA = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{i,t} + \beta_2 MA_{i,t} + \beta_3 (R\&D \times MA)_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 LIQ_{i,t} + \beta_6 PRO_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 SALEGR_{i,t} + \beta_9 INF_{i,t} + \beta_{10} PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

الگوی ۴

$$MDA = \beta_0 + \beta_1 R\&D_{i,t} + \beta_2 MOC_{i,t} + \beta_3 (R\&D \times MOC)_{i,t} + \beta_4 MA_{i,t} + \beta_5 (R\&D \times MA)_{i,t} + \beta_6 (R\&D \times MOC \times MA)_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 LIQ_{i,t} + \beta_9 PRO_{i,t} + \beta_{10} SIZE_{i,t} + \beta_{11} SALEGR_{i,t} + \beta_{12} INF_{i,t} + \beta_{13} PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۵-۱- متغیر وابسته

MDA: شاخص ورشکستگی که بر اساس مدل بومی شده کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳) با استفاده از تحلیل ممیزی به شرح زیر محاسبه می شود:

رابطه ۱

$$MDA = 0.626 RE + 0.137 EBIT + 0.679 P - 0.583 L$$

RE: برابر است با سود انباشته تقسیم بر دارایی ها.

EBIT: برابر است با سود عملیاتی تقسیم بر دارایی ها.

P: برابر است با سود خالص تقسیم بر دارایی ها.

L: برابر است با بدهی ها تقسیم بر دارایی ها.

قابل ذکر است که مقدار محاسبه شده بر اساس این مدل، معیار معکوسی از ورشکستگی است.

۵-۲- متغیر مستقل

R&D: بیانگر نرخ نوآوری (نرخ تحقیق و توسعه) است. در این پژوهش از نسبت هزینه‌های پژوهش و توسعه به کل دارایی‌ها به عنوان نرخ هزینه‌های تحقیق و توسعه استفاده شده است (جیندال، ۲۰۲۰).

۵-۳- متغیرهای تعدیل‌گر

MOC: بیش‌اعتمادی (بیش‌اطمینانی) مدیران را نشان می‌دهد و طبق پژوهش وانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۸) و حساس یگانه، حسنی‌القار و مرفوع (۱۳۹۴) و از آنجایی که تصمیم‌های مربوط به سرمایه‌گذاری شرکت، شامل اطلاعاتی در مورد بیش‌اطمینانی مدیریت است از سنجۀ مازاد سرمایه‌گذاری به عنوان معیار محاسبۀ آن استفاده شده است. استفاده از این معیار سنجش بر این مبنا استوار است که هرگاه نرخ رشد دارایی‌ها بیشتر از نرخ رشد فروش است مدیران این گونه شرکت‌ها در مقایسه با سایر مدیران، تمایل دارند بیشتر سرمایه‌گذاری کنند (بیش‌اعتماد هستند). برای این منظور ابتدا یک مدل رگرسیونی و به صورت مقطعی برآورد شده و سپس در هر سال مقدار باقیمانده مدل محاسبه می‌گردد. سرانجام اگر باقیمانده مدل برای شرکتی بیشتر از صفر (مثبت) باشد به معنای این است که در چنین شرکتی بیش از حد سرمایه‌گذاری شده است؛ بنابراین، اعتماد (اطمینان) بیش از حد مدیریت، یک متغیر مجازی است که برای هر شرکت - سال، در صورت مثبت بودن باقیمانده مدل، برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر منظور می‌گردد.

$$ASSETGR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SALEGR_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه ۲}$$

$ASSETGR_{i,t}$: نرخ رشد دارایی‌های شرکت i در سال t است که از اختلاف تغییرات دارایی‌ها نسبت به اول دوره محاسبه می‌شود.

$SALEGR_{i,t}$: نرخ رشد فروش شرکت i در سال t است که از تفاوت تغییرات فروش نسبت به فروش دوره قبل محاسبه می‌شود.

MA: بیانگر توانایی مدیران است که بر اساس پژوهش خواجهی، ویسی‌حصار و غیوری‌مقدم (۱۴۰۱) از مدل دمرجیان، لو و مکوی^۲ (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این مدل، توانایی مدیریت از طریق اندازه‌گیری کارایی شرکت و وارد کردن آن در رگرسیون خطی چندمتغیره به عنوان متغیر وابسته و همچنین کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، محاسبه می‌شود. برای محاسبه کارایی شرکت از تحلیل پوششی داده‌ها استفاده شده است. فروش شرکت

^۱ Wang et al

^۲ Demerjian, Lev and Mcvay

به عنوان خروجی و بهای تمام شده و هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، دارایی‌های ثابت و دارایی‌های نامشهود به عنوان ورودی شرکت منظور شده است. بنابراین کارایی شرکت به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$Max_y^{\theta} = \frac{Sales_{i,t}}{V_1 COGS_{i,t} + V_2 SG\&A_{i,t} + V_3 PPE_{i,t-1} + V_4 Intan_{i,t-1}} \quad \text{رابطه ۳}$$

که در آن Max_y^{θ} کارایی شرکت، $Sales_{i,t}$ فروش شرکت i در سال t ، $COGS_{i,t}$ بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت i در سال t ، $SG\&A_{i,t}$ هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i در سال t ، $PPE_{i,t-1}$ خالص دارایی‌های ثابت شرکت i در ابتدای سال t و $Intan_{i,t-1}$ دارایی‌های نامشهود شرکت i در ابتدای سال t است. در این رابطه برای هر یک از متغیرهای ورودی ضریب اختصاصی v در نظر گرفته می‌شود زیرا اثر همه متغیرهای ورودی بر خروجی یکسان نیست. این روش، مرز کارایی بین صفر و یک را برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند. نمره کارایی یک، نشانگر کارایی بسیار بالای شرکت و نمره کارایی کمتر از یک، نشانگر زیر مرز کارایی است که می‌توان با افزایش درآمدها یا کاهش هزینه‌ها به مرز کارایی رسید. برای کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی مدیران، کارایی شرکت به دو قسمت کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی و توانایی مدیران تقسیم می‌شود. پس از حذف ویژگی‌های ذاتی، مقدار باقیمانده مدل، توانایی مدیران را نشان می‌دهد (دمرجیان، لو و مک‌وی، ۲۰۱۲).

$$Firm\ Efficiency = \beta_0 + \beta_1 \ln(Assets) + \beta_2 M\ Share + \beta_3 Positive\ Free\ Cash\ Flow + \beta_4 \ln(Age) + \beta_5 Foreign\ Currency\ Indicator + \varepsilon \quad \text{رابطه ۴}$$

$Firm\ Efficiency$ میزان کارایی شرکت به روش تحلیل پوششی داده‌ها؛ $\ln(Assets)$ لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها؛ $M\ Share$ سهم از بازار (مقدار فروش شرکت تقسیم بر فروش صنعت در همان سال)؛ $Positive\ Free\ Cash\ Flow$ جریان‌های نقدی آزاد مثبت که در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی شرکت، برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر منظور می‌شود. در این پژوهش جریان‌های نقدی آزاد بر اساس شاخص لن و پولسن^۱ (۱۹۸۹) اندازه‌گیری می‌شود:

سود سهام تقسیمی - هزینه بهره - مالیات بر درآمد - هزینه استهلاک + سود عملیاتی = جریان‌های نقدی آزاد
 $\ln(Age)$ لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تأسیس؛ $Foreign\ Currency\ Indicator$ متغیر مجازی است که اگر شرکت صادرات داشته باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر منظور می‌شود و در نهایت ε باقیمانده مدل و بیانگر توانایی مدیران است.

¹ Lehn and Poulsen

۴-۵- متغیرهای کنترل

متغیرهای کنترل عبارتند از:

LEV: اهرم مالی شرکت که برابر است با نسبت بدهی‌ها بر مجموع کل دارایی‌ها.
 LIQ: نقدینگی که برابر است با تقسیم سرمایه در گردش بر مجموع کل دارایی‌ها.
 PRO: سودآوری شرکت که به صورت تقسیم سود عملیاتی بر فروش به دست می‌آید.
 SIZE: اندازه شرکت که می‌توان آن را از لگاریتم طبیعی دارایی‌ها به دست آورد.
 INF: نرخ تورم که از اطلاعات مربوط به بانک مرکزی استخراج می‌شود.
 PPE: خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت مشهود بر مجموع دارایی‌ها.
 SALEGR_{it}: نرخ رشد فروش شرکت i در سال t که از تفاوت تغییرات فروش دوره جاری نسبت به فروش دوره قبل محاسبه می‌شود.

۶- یافته‌های پژوهش

۱-۶- آمار توصیفی

جدول ۱ بعضی از مفاهیم آمار توصیفی مشاهده‌ها را نشان داده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
شاخص ورشکستگی	۰/۵۶۱۵	۰/۵۲۹۲	۱/۰۰۰۰	-۱/۷۵۱	۰/۱۷۸۵
نرخ تحقیق و توسعه	۰/۰۱۴۲	۰/۰۰۶۳	۰/۲۰۷۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۴۷
بیش‌اعتمادی مدیران	۰/۳۳۷۷	۰/۰۰۰۲۸	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۶۵۵
توانایی مدیران	۰/۰۱۴۰	۰/۰۰۳۵	۰/۶۷۳۱	-۰/۴۲۲۸	۰/۱۱۱۴
اهرم مالی	۰/۶۰۰۲	۰/۵۷۵۶	۰/۸۸۱۴	۰/۰۲۳۹	۰/۲۶۰۳
نقدینگی	۰/۱۵۷۶	۰/۱۵۰۲	۰/۸۶۴۱	-۰/۷۷۶۷	۰/۲۳۸۸
نرخ سودآوری	۰/۲۳۰۹	۰/۱۸۶۵	۰/۸۳۷۹	-۰/۷۱۹۰	۰/۱۷۷۱
اندازه شرکت	۷/۱۰۹۴	۶/۴۳۰۰	۹/۳۷۸۱	۰/۸۰۰۳	۴/۷۱۳۰
نرخ تورم	۰/۲۹۶۹	۰/۲۵۱۴	۰/۴۹۰۰	۰/۰۱۱۵	۰/۱۴۷۵
نرخ دارایی‌های ثابت مشهود	۰/۲۴۷۴	۰/۲۰۴۴	۰/۹۲۱۳	۰/۰۰۰۱	۰/۲۱۱۷
نرخ رشد فروش	۲/۱۵۰۸	۰/۱۱۶۶	۲۲/۶۱۳۴	-۰/۹۸۱۲	۴/۵۵۷۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۶- آزمون پایایی متغیرها

اطمینان از مانایی (پایایی یا ایستایی) متغیرها در پژوهش‌های با ساختار داده‌های پانل، لازم است زیرا متغیرهای نامانا ممکن است باعث کسب نتایج کاذب از اجرای مدل رگرسیون شود. برای این آزمون از آزمون ریشه واحد استفاده می‌شود. جدول ۲ نتایج یکی از انواع آزمون ریشه واحد (لوین، لین و چو) است که نشان می‌دهد سطح اطمینان آزمون تمام متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و کلیه متغیرها مانا هستند.

جدول ۲- نتایج آزمون مانایی متغیرها

نام متغیر	آماره t آزمون	سطح اطمینان	نتیجه آزمون
شاخص ورشکستگی	-۲۳/۲۳۸۲	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
نرخ تحقیق و توسعه	-۷/۴۷۱۰	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
بیش اعتمادی مدیران	-۱۵/۱۳۴۱	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
توانایی مدیران	-۱۱/۶۵۵۰	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
اهرم مالی	-۲۵/۵۵۲۴	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
نقدینگی	-۲۰/۰۲۰۶	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
نرخ سودآوری	-۲۸/۳۰۰۱	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
اندازه شرکت	-۲۶/۱۳۴۴	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
نرخ تورم	-۹/۵۹۱۳	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
نرخ دارایی‌های ثابت مشهود	-۲۲/۰۹۹۶	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.
نرخ رشد فروش	-۲۵/۳۰۹۰	۰/۰۰۰۰	متغیر مانا است.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۶- آزمون فرضیه‌ها

قبل از برآزش مدل‌ها، جهت تعیین استفاده از روش داده‌های تلفیقی در برابر روش داده‌های پانلی (ترکیبی)، باید آزمون چاو (F لیمر) بر روی مدل‌های پژوهش انجام شود. با توجه به سطح خطای آزمون چاو (F لیمر) و آماره آن و رد فرضیه H_0 برای مدل‌های پژوهش، برای انتخاب مدل داده‌های ترکیبی با اثرهای تصادفی یا داده‌های ترکیبی با اثرهای ثابت، آزمون هاسمن نیز باید انجام شود. نتایج این آزمون بیانگر اولویت الگوی داده‌های تابلویی با اثرهای ثابت برای مدل‌های پژوهش است. بنابراین، جهت تخمین مدل‌های پژوهش از این روش استفاده شده است. همچنین برای تشخیص خودهمبستگی مدل‌ها از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که اگر مقدار این آماره نزدیک به عدد ۲ باشد، استقلال جمله خطای مدل را می‌توان پذیرفت (افلاطونی، ۱۳۹۷). همچنین آزمون فیشر نیز برای بررسی معناداری کل مدل انجام شده است.

۴-۶- نتایج آزمون فرضیه اول

با توجه به نتایج نشان داده شده در جدول ۳ و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰۰)، فرضیه اول پژوهش مبنی بر ارتباط بین نرخ تحقیق و توسعه و ریسک ورشکستگی، در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌شود. ضریب متغیر نرخ تحقیق و توسعه ۲/۳۱۴۶ است. با توجه به معناداری و مثبت بودن آن می‌توان نتیجه گرفت با افزایش نرخ تحقیق و توسعه مقدار MDA افزایش و با توجه به این که MDA معیار معکوسی از احتمال ورشکستگی است لذا می‌توان بیان کرد که با افزایش نرخ تحقیق و توسعه، احتمال ورشکستگی کاهش خواهد یافت.

جدول ۳- نتایج برآورد نهایی مدل اول پژوهش

متغیرها	نماد متغیر	ضرایب	آماره t	معناداری	عامل تورم واریانس (VIF)
ضریب ثابت	C	۳/۹۲۲۲	۴/۸۲۸۸	۰/۰۰۰۰	-
نرخ تحقیق و توسعه	R&D	۲/۳۱۴۶	۹/۱۱۹۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۲۷۷
اهرم مالی	LEV	۰/۲۸۸۲	۳/۷۰۰۲	۰/۰۰۰۳	۱/۸۱۳۱
نقدینگی	LIQ	۰/۰۶۰۳	۲/۰۹۴۹	۰/۰۴۰۱	۲/۹۱۱۱
نرخ سودآوری	PRO	۲/۲۹۹۶	۷/۱۸۵۶	۰/۰۰۰۰	۱/۰۸۵۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۵۳۳	۳/۰۱۴۶	۰/۰۰۶۲	۱/۲۰۰۲
نرخ رشد فروش	SALEGR	۰/۷۱۱۲	۱۱/۵۲۳۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۶۷۷
نرخ تورم	INF	-۰/۳۱۰۱	-۱/۱۴۹۰	۰/۲۰۷۹	۱/۱۲۱۰
نرخ دارایی‌های ثابت مشهود	PPE	-۰/۱۵۷۲	-۲/۶۹۰۰	۰/۰۱۰۳	۱/۷۰۳۶
احتمال آماره F	Prob(F-statistic)	۰/۰۰۰۰			
آماره F	F-statistic	۱۰/۹۳۴			
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared	۰/۴۱۸۸			
آماره دوربین واتسون	Durbin-Watson stat	۱/۹۷۴			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۵- نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر نرخ تحقیق و توسعه با ضریب ۲/۵۱۳۷ و سطح معناداری (۰/۰۰۰۰) و متغیر بیش‌اعتمادی مدیران با ضریب رگرسیونی ۰/۰۷۰۸- و سطح معناداری (۰/۰۲۴۶) به ترتیب رابطه منفی و مثبت معنادار و نرخ تحقیق و توسعه × بیش‌اعتمادی مدیران نیز با ضریب رگرسیونی ۱/۴۱۹- و سطح معناداری (۰/۰۰۰۰) رابطه مثبت و معناداری با احتمال ورشکستگی دارد (با توجه به این که MDA معیار معکوسی از شاخص ورشکستگی است) و نقش تعدیلی

بیش‌اطمینانی در پژوهش، معنادار و منفی است بدین معنی که بیش‌اعتمادی مدیران موجب شده است که رابطه منفی بین نرخ تحقیق و توسعه و احتمال ورشکستگی به رابطه‌ای مثبت تبدیل شود.

جدول ۴- نتایج برآورد نهایی مدل دوم پژوهش

متغیرها	نماد متغیر	ضرایب	آماره t	معناداری	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۴/۳۹۵	۵/۳۲۵	۰/۰۰۰۰	-
نرخ تحقیق و توسعه	R&D	۲/۵۱۳۷	۷/۱۳۲۲	۰/۰۰۰۰	۱/۴۰۲۸
بیش‌اعتمادی مدیران	MOC	-۰/۰۷۰۸	-۲/۵۱۱۳	۰/۰۲۴۶	۱/۶۲۵۱
نرخ تحقیق و توسعه * بیش‌اعتمادی	MOC * R&D	-۱/۴۱۹	-۵/۱۲۷	۰/۰۰۰۰	۱/۳۰۱۷
اهرم مالی	LEV	۲/۲۱۳	۵/۷۰۹	۰/۰۰۰۰	۱/۶۵۵۸
نقدینگی	LIQ	۰/۲۸۹	۳/۶۲۱۹	۰/۰۰۰۲	۲/۳۷۴۲
نرخ سودآوری	PRO	۱/۸۸۸	۱۱/۶۴۹۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۳۲۵
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۶۲۸	۲/۵۳۷۵	۰/۰۰۵۴	۱/۱۰۶۹
نرخ رشد فروش	SALEGR	۰/۰۳۷۲	۲/۹۳۱۲	۰/۰۰۲۷	۱/۰۳۶۴
نرخ تورم	INF	-۰/۸۰۱۶	-۱/۶۲۴۰	۰/۰۶۸۵	۱/۴۹۰۰
نرخ دارایی‌های ثابت مشهود	PPE	-۰/۴۱۵۲	-۲/۳۷۷۵	۰/۰۳۶۱	۱/۸۰۱۴
احتمال آماره F	Prob(F-statistic)	۰/۰۰۰۰			
آماره F	F-statistic	۱۱/۴۶۶			
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared	۰/۵۵۰۳			
آماره دوربین واتسون	Durbin-Watson stat	۱/۸۰۴۱			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۶- نتایج آزمون فرضیه سوم

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵، متغیر نرخ تحقیق و توسعه با ضریب ۳/۱۶۶۳ و سطح معناداری (۰/۰۰۰۰)، توانایی مدیران با ضریب ۱/۱۶۹۵ و سطح معناداری (۰/۰۰۰۰) و همچنین نرخ تحقیق و توسعه * توانایی مدیران با ضریب رگرسیونی ۲/۰۰۵۱ و سطح معناداری (۰/۰۰۰۰) رابطه منفی و معناداری با احتمال ورشکستگی دارند (با توجه به این که MDA معیار معکوسی از شاخص ورشکستگی است) و بنابراین نقش تعدیلی توانایی مدیران در پژوهش، معنادار و مثبت است بدین معنی که توانایی مدیران رابطه منفی بین نرخ تحقیق و توسعه و احتمال ورشکستگی را تقویت می‌کند.

جدول ۵- نتایج برآورد نهایی مدل سوم پژوهش

متغیرها	نماد متغیر	ضرایب	آماره t	معناداری	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۳/۰۶۵	۴/۷۰۲	۰/۰۲۲۰	-
نرخ تحقیق و توسعه	R&D	۳/۱۶۶۳	۶/۷۷۳۵	۰/۰۰۰۰	۱/۲۴۳۸
توانایی مدیران	MA	۱/۱۶۹۵	۶/۶۶۶۳	۰/۰۰۷۱	۱/۱۳۱۴
نرخ تحقیق و توسعه * توانایی	MA * R&D	۲/۰۰۵۱	۸/۷۴۴۲	۰/۰۰۰۰	۱/۲۰۰۷
اهرم مالی	LEV	۱/۹۹۳۴	۴/۸۱۹۷	۰/۰۰۰۱	۱/۷۱۳۲
نقدینگی	LIQ	۰/۴۵۵۵	۳/۹۸۳۶	۰/۰۰۰۰	۱/۸۳۳۷
نرخ سودآوری	PRO	۱/۲۸۰۲	۷/۱۹۲۱	۰/۰۰۴۵	۲/۰۰۰۴
اندازه شرکت	SIZE	۰/۸۴۴۹	۲/۷۹۳۵	۰/۰۰۰۶	۱/۲۳۳۳
نرخ رشد فروش	SALEGR	۰/۰۷۱۴	۳/۱۵۰۸	۰/۰۰۱۷	۱/۱۱۱۷
نرخ تورم	INF	-۰/۶۴۱۶	-۱/۴۳۱۷	۰/۰۰۸۹	۱/۳۶۴۱
نرخ دارایی‌های ثابت مشهود	PPE	۰/۲۳۷۲	۲/۷۸۳۹	۰/۰۱۱۲	۱/۷۰۴۰
احتمال آماره F	Prob(F-statistic)			۰/۰۰۰۰	
آماره F	F-statistic			۹/۷۳۷	
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared			۰/۴۹۳۳	
آماره دوربین واتسون	Durbin-Watson stat			۱/۹۳۷۸	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۷- نتایج آزمون فرضیه چهارم

با در نظر گرفتن نتایج جدول ۶، نرخ تحقیق و توسعه با ضریب رگرسیونی ۱/۳۱۱۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰۰ رابطه منفی و معنادار، بیش‌اعتمادی مدیران با ضریب ۰/۸۳۲۲- و سطح معناداری ۰/۰۰۱۲ رابطه مثبت و معنادار، نرخ تحقیق و توسعه × بیش‌اعتمادی مدیران با ضریب ۰/۴۸۷۹- و سطح معناداری ۰/۰۰۰۵ رابطه مثبت و معنادار، توانایی مدیران با ضریب ۳/۲۲۳۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰۰ رابطه منفی و معنادار، نرخ تحقیق و توسعه × توانایی مدیران با ضریب ۲/۴۱۲۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰۲ رابطه منفی و معنادار و نرخ تحقیق و توسعه × بیش‌اعتمادی × توانایی مدیران با ضریب ۳/۸۱۳۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۳۱ رابطه منفی و معناداری با احتمال ورشکستگی دارد (با توجه به این که MDA معیار معکوسی از احتمال ورشکستگی است). بنابراین نقش تعدیل‌گری همزمان بیش‌اطمینانی و توانایی مدیران، در مدل، مثبت و معنادار است بدین معنا که وجود همزمان دو متغیر تعدیلی بیش‌اطمینانی و توانایی مدیران موجب شده است که رابطه منفی بین نرخ تحقیق و توسعه و احتمال ورشکستگی تقویت شود.

جدول ۶- نتایج برآورد نهایی مدل چهارم پژوهش

متغیرها	نماد متغیر	ضرایب	آماره	معناداری	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۲/۰۶۷۶	۴/۶۸۰۳	۰/۰۰۴۶	-
نرخ تحقیق و توسعه	R&D	۱/۳۱۱۴	۵/۹۳۳۶	۰/۰۰۰۰	۲/۴۱۴۲
بیش اعتمادی مدیران	MOC	-۰/۸۳۲۲	-۳/۱۶۵۲	۰/۰۰۱۲	۱/۷۳۴۲
نرخ تحقیق و توسعه * بیش اعتمادی	R&D*MOC	-۰/۴۸۷۹	-۲/۳۱۱۸	۰/۰۰۰۵	۲/۰۰۳۵
توانایی مدیران	MA	۳/۲۲۳۲	۸/۰۰۶۵	۰/۰۰۰۰	۱/۷۰۰۴
نرخ تحقیق و توسعه * توانایی	R&D*MA	۲/۴۱۲۵	۶/۸۹۴۲	۰/۰۰۰۲	۰/۹۷۰۶
نرخ تحقیق و توسعه * بیش اعتمادی * توانایی	R&D*MOC*MA	۳/۸۱۳۲	۷/۰۴۵۲	۰/۰۰۳۱	۱/۱۰۱۳
اهرم مالی	LEV	۰/۸۶۱۹	۴/۷۰۶۱	۰/۰۰۰۰	۱/۱۳۱۱
نقدینگی	LIQ	۰/۱۶۷۳	۳/۵۵۷۳	۰/۰۰۹۴	۳/۰۰۵۱
نرخ سودآوری	PRO	۰/۰۷۶۶۶	۲/۴۴۲۹	۰/۰۰۰۰	۱/۲۲۲۴
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۸۹	۱/۰۵۰۴	۰/۰۳۳۱	۱/۵۵۴۶
نرخ رشد فروش	SALEGR	۰/۹۰۰۴	۳/۱۱۵۳	۰/۰۰۴۳	۱/۶۱۱۱
نرخ تورم	INF	-۰/۵۴۴۸	-۲/۰۰۰۷	۰/۰۰۲۳	۱/۳۷۹۰
نرخ دارایی‌های ثابت مشهود	PPE	-۰/۰۷۷۷	-۱/۱۳۱۴	۰/۰۰۰۸	۱/۰۳۸۳
احتمال آماره F	Prob(F-statistic)			۰/۰۰۰۰	
آماره F	F-statistic			۹/۸۱۳۵	
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R-squared			۰/۵۰۲۸	
آماره دوربین واتسون	Durbin-Watson stat			۱/۷۸۳۹	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اهمیت موضوع ورشکستگی و هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای که در صورت رخداد آن می‌تواند برای شرکت‌ها و ذی‌نفعان داشته باشد و همچنین با توجه به فعالیت شرکت‌ها در یک محیط رقابتی و اهمیت مخارج نوآوری و تحقیق و توسعه در این محیط و نقش آن در زنجیره ارزش محصولات، در این پژوهش، تأثیر نوآوری (تحقیق و توسعه) بر خطر ورشکستگی با متغیرهای تعدیلی بیش اطمینانی و توانایی مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی و چهار فرضیه در سطح ۹۵ درصد در مدل‌های رگرسیونی مورد آزمون قرار گرفته است. در آزمون فرضیه اول که به رابطه منفی بین نرخ تحقیق و توسعه با احتمال ورشکستگی اشاره دارد،

این فرضیه تأیید می‌شود. از آنجا که نوآوری از طریق توسعه و تنوع محصولات و انعطاف‌پذیری و همسویی با شرایط رقابتی بازار باعث بهبود عملکرد و جریان‌های نقدی و ایجاد دارایی‌های نامشهود می‌شود کاهش ریسک (احتمال) ورشکستگی را در پی دارد. نتیجه این آزمون به گونه‌ای با نتایج پژوهش‌های دیوید، ایبولیتی و ون (۲۰۲۳)، اگوستینو و همکاران (۲۰۲۲)، جیندال (۲۰۲۰)، چرکاسووا و کورلیانو (۲۰۱۹)، خلیفه‌سلطانی، شاداب شمس‌آباد و رهنما (۱۴۰۰) و نمازی و مقیمی (۱۳۹۸) همسو و با نتایج پژوهش شاهرضا، فغانی ماکرانی و فاضلی (۱۴۰۱) ناهمسو است. در فرضیه دوم، رابطه نرخ تحقیق و توسعه با احتمال ورشکستگی با متغیر تعدیلی بیش‌اطمینانی مدیران آزمون شده است که نتایج این آزمون نشان داد با وجود این متغیر تعدیلی، جهت رابطه نرخ تحقیق و توسعه و احتمال ورشکستگی تغییر کرده و رابطه بین آنها مثبت شده است؛ به عبارت دیگر گرچه تحقیق و توسعه خود باعث کاهش احتمال ورشکستگی می‌شود اما در صورت بیش‌اطمینان بودن مدیران، افزایش تحقیق و توسعه باعث افزایش ریسک ورشکستگی خواهد شد. از نتیجه این آزمون می‌توان اهمیت عامل بیش‌اطمینانی مدیران را دریافت. با توجه به این‌که بیش‌اطمینانی مدیران، عدول نسبی آنها از محافظه‌کاری را به دنبال دارد معمولاً وضعیت شرکت را به خطر انداخته و باعث افزایش احتمال ورشکستگی می‌شود که این نتایج نیز با نتایج پژوهش‌های آگنیوتریا و باتاچاریا^۱ (۲۰۲۱)، سپوترا (۲۰۱۸)، لنگ، اوزکان و تریاکوویچ (۲۰۱۸)، بون‌کیم، ونگ و ژنگ^۲ (۲۰۱۵)، قائم‌مقامی و همکاران (۱۴۰۰) و دستگیر، میرکی و کاظمی نوری (۱۳۹۳) همسو و با نتایج پژوهش تریانیتا و باسوکي^۳ (۲۰۲۰) و اولسن و همکاران^۴ (۲۰۱۴) ناهمسو است. در فرضیه سوم، رابطه نرخ تحقیق و توسعه با احتمال ورشکستگی با متغیر تعدیلی توانایی مدیران آزمون شده است که نتایج این آزمون نشان داد این متغیر تعدیلی، رابطه منفی نرخ تحقیق و توسعه و احتمال ورشکستگی را تقویت کرده است. بنابراین در صورت وجود عامل توانایی مدیران، افزایش هزینه تحقیق و توسعه، کاهش بیشتر ریسک ورشکستگی را در پی دارد. توانایی مدیران از طریق افزایش دقت و محتوای اطلاعاتی، برآورد دقیق اقلام تعهدی، انعطاف‌پذیری، ایجاد مزیت رقابتی و مدیریت نقدینگی باعث افزایش ارزش شرکت و کاهش ورشکستگی می‌شود که با نتایج پژوهش ماگراکيس و همکاران^۵ (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۱۸)، آندرو و همکاران (۲۰۱۷)، خواجوی و قدیریان‌آرانی (۱۳۹۷) و چالاکي، منصورفر و کرمی (۱۳۹۷) همسو است. سرانجام در فرضیه چهارم رابطه نرخ تحقیق و توسعه با احتمال ورشکستگی با تعدیل هم‌زمان بیش‌اطمینانی و توانایی مدیران آزمون شده است. نتایج آزمون این فرضیه نیز نشان داد با وجود این دو متغیر تعدیلی، افزایش نرخ تحقیق و توسعه باعث کاهش بیشتر احتمال ورشکستگی (نسبت به حالت بدون وجود متغیرهای تعدیلی) می‌شود. از نتایج این آزمون و از آنجا که بیش‌اطمینانی مدیران باعث

¹ Agnihotria and Bhattacharya

² BonKim, Wang and Zhang

³ Trianita and Basuki

⁴ Olsen et al

⁵ Magrakis et al

افزایش و توانایی آنها باعث کاهش ریسک ورشکستگی می شود می توان گفت که در رابطه بین نرخ تحقیق و توسعه با احتمال ورشکستگی، نقش توانایی مدیران، بااهمیت تر و پررنگ تر از بیش اطمینانی آنها است. با توجه به تأیید هر چهار فرضیه مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان به طور کلی نتیجه گرفت که همان طور که انتظار می رفت و مطابق با نتایج سایر پژوهش های انجام شده، صرف هزینه نوآوری (تحقیق و توسعه) باعث بهبود وضعیت شرکت ها از لحاظ عملکرد و نقدینگی شده و ریسک ورشکستگی آنها را در آینده کاهش می دهد؛ به عبارت دیگر و به صورت خلاصه، شرکت های آینده نگر به دلیل استفاده از فعالیت های نوین، نوآورانه و انعطاف پذیر باعث حفظ روابط و اعتماد مشتریان، شهرت نام تجاری و افزایش ارزش شرکت شده و بنابراین با احتمال کمتری دچار مشکل ورشکستگی می شوند. بنابراین می توان بیان کرد در شرکت های بورسی تهران، احتمال ورشکستگی تابعی از هزینه تحقیق و توسعه، بیش اطمینانی مدیران و توانایی مدیران هم به صورت مجزا و هم به صورت توأم می باشد.

با توجه به پژوهش انجام شده و نتیجه آن پیشنهاد های کاربردی زیر مطرح می شود:

(۱) به بانک ها، اعتبار دهندگان و سایر نهادهای تأمین مالی پیشنهاد می گردد برای ارزیابی ریسک شرکت ها، نتایج حاصل از این پژوهش را به عنوان یکی از شاخص های ارزیابی ریسک برای اعطای وام، مدنظر قرار دهند.

(۲) با توجه به نتایج حاصل از فرضیه های پژوهش، به شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می شود با توجه به نقش هزینه های نوآوری (تحقیق و توسعه) در ارزش آفرینی و جریان های نقدی شرکت و کاهش ریسک ورشکستگی، جهت تخصیص هزینه ها در کنار سایر متغیرهای حسابداری و اقتصادی با انجام مکانیسمی برای چنین مخارجی به اندازه کافی و ارتباط مناسب با مشتریان، احتمال ریسک ورشکستگی را کاهش دهند. همچنین بیش اطمینانی و توانایی مدیران به صورت مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد زیرا ممکن است با وجود انجام مخارج نوآوری جهت کاهش احتمال ورشکستگی، بیش اطمینانی مدیران، باعث رخداد آن شود و نوآوری، قادر به جلوگیری از آن نباشد.

(۳) به حسابرسان مستقل پیشنهاد می شود که در ارزیابی آنها از احتمال ورشکستگی و ابهام عدم تداوم فعالیت واحد مورد رسیدگی طبق استانداردهای حسابرسی، در رسیدگی های خود به بیش اعتمادی مدیران که این احتمال را افزایش می دهد توجه کنند.

(۴) در سازمان ها با ایجاد جلب توجه مدیران به نیازهای اساسی سازمان، شکل دهی و تقویت نظام حاکمیت شرکتی، نظارت بر عملکرد مدیران، ایجاد مکانیزم انتقادات و پیشنهادات، تقویت کار گروهی در سازمان، به کارگیری مدیران اخلاق گرا در سازمان و ترسیم هدف برای سازمان از جمله راه حل های افزایش توانایی و کاهش بیش اطمینانی مدیران می باشد تا این ویژگی های رفتاری مانع از کوتاه بینی و تصمیمات نادرست آنها بر عملکرد سازمان و در نتیجه مانع از وقوع بحران های مالی و ورشکستگی شود.



- ۵) به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه ایران پیشنهاد می‌شود با توجه به این که مدیران بیش اعتماد انگیزه خاصی برای نگهداشت اخبار بد درون شرکت دارند و تمایلی به افشای آنها ندارند هنگام ارزیابی شرکت‌ها این احتمال را هم در نظر گیرند که وضعیت واقعی شرکت‌ها (به دلیل احتمال بیش اطمینان بودن مدیران)، نامطلوب‌تر از وضعیت ظاهری و ارائه شده توسط مدیران باشد که استفاده از روش‌های متهورانه و استفاده کمتر از روش‌های محافظه کارانه می‌تواند نشانه‌ای از وجود چنین مدیرانی باشد.
- همچنین پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی بیان می‌شود:
- ۱) جهت تشخیص دقیق‌تر بین متغیرهای این پژوهش، موضوع را به تفکیک صنعت‌های مختلف، به کارگیری مدل‌ها و سنجه‌های متفاوت برای اندازه‌گیری احتمال ریسک ورشکستگی، توانایی و بیش اطمینانی مدیران انجام داده و نتایج با هم مقایسه شود.
- ۲) نقش تعدیلی توانایی و بیش اطمینانی مدیران در رابطه نوآوری بر ریسک ورشکستگی را در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت بررسی کنند.

فهرست منابع

- افلاطونی، عباس. ۱۳۹۷. اقتصادسنجی در پژوهش‌های مالی و حسابداری با نرم‌افزار Eviews. تهران: ترمه.
- برزگری خانقاه، جمال و قائدی، سلیمه، ۱۳۹۸. بررسی تأثیر پاداش و ساختار هیئت مدیره بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه. *دانش حسابداری مالی*، ۵ (۳)، صص. ۹۹-۱۱۶.
- بزرگ اصل، موسی و صالح‌زاده، بیستون، ۱۳۹۳. توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی. *دانش حسابداری*، ۵ (۱۷)، صص. ۱۳۹-۱۱۹.
- پورحیدری، امید، کیانی چنده، علی، و باقری، مژگان، ۱۳۹۹. بررسی تأثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر رابطه میان هزینه تحقیق و توسعه (R&D) و رشد شرکت. *دانش حسابداری مالی*، ۱۲ (۲)، صص. ۱۳۰-۱۱۵.
- تهرانی، رضا، علی‌پور، هوشنگ، علیرضایی، ابوتراب، و عباس‌پور اسفندین، قنبر، ۱۴۰۰. ارائه الگوی اثر عدم اطمینان از نرخ تورم و بیش اعتمادی مدیران بر افزایش در سرمایه‌گذاری (مورد کاوی: شرکت‌های دچار درماندگی مالی گذاری، ۱۰ (۳۸)، صص. ۲۴۲-۲۲۳. پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش سرمایه*
- ثقفی، علی و عالی‌فامیان، مجتبی، ۱۳۹۸. رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی با تأکید بر نقش درماندگی مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹ (۳۳)، صص. ۲۴۴-۲۲۱.
- چالاک، پری، منصورفر، غلامرضا، و کرمی، امیر، ۱۳۹۷. بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر درماندگی مالی با تأکید بر انعطاف‌پذیری مالی. *دانش حسابداری مالی*، ۵ (۱۶)، صص. ۱۸۰-۱۵۳.
- حساس یگانه، یحیی، حسنی‌القار، مسعود، و مرفوع، محمد، ۱۳۹۴. بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۳)، صص. ۳۶۳-۳۸۴.

خلیفه سلطانی، سید احمد، شاداب شمس آباد، نیلوفر، و رهنما، مریم، ۱۴۰۰. تأثیر نوآوری بر خطر سقوط قیمت سهام تحت شرایط عدم تقارن اطلاعاتی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۵۰، صص. ۴۲-۴۳.

خواجهی، شکراله و امیری، فاطمه السادات، ۱۳۹۲. شناسایی مهم ترین عوامل مؤثر در ورشکستگی شرکت ها با استفاده از تکنیک تاپسیس. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۱ (۳۸)، صص. ۹۰-۶۹.

خواجهی، شکراله و قدیریان آرانی، محمدحسین، ۱۳۹۷. توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی. *دانش حسابداری*، ۹ (۱)، صص. ۳۵-۶۱.

خواجهی، شکراله، ویسی حصار، ثریا، و غیوری مقدم، علی، ۱۴۰۱. تأثیر توانایی مدیران بر محافظه کاری با تأکید بر نقش اندازه شرکت و اهرم مالی. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹ (۴)، صص. ۶۴۹-۶۲۸.

دستگیر، محسن، میرکی، فؤاد، و کاظمی نوری، سپیده، ۱۳۹۳. تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر آشفتگی مالی. *بررسی های حسابداری*، ۱ (۲)، صص. ۳۷-۵۱.

رحمانیان کوشککی، عبدالرسول و مطاعی، سمیرا، ۱۴۰۲. نقش تأمین مالی مبتنی بر بدهی در رابطه بین حاکمیت شرکتی و سرمایه گذاری تحقیق و توسعه. *قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری*، ۲ (۸)، صص. ۱۰۹-۹۱.

رشیدی، محسن، ۱۳۹۹. نقش توانایی مدیران در تعدیل شرایط اعتباری و کاهش پراکندگی بازده سهام. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۸ (۳۰)، صص. ۱۳۹-۱۲۳.

رضایی، فرزین، فیروزعلیزاده، اکرم، و نورمحمدی، الهام، ۱۳۹۹. رابطه توانایی مدیریت با اجزا مدیریت ریسک یکپارچه. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲ (۴۸)، صص. ۴۱-۲۳.

رمضان احمدی، محمد، قلمبر، محمدحسین، و درسه، سیدصابر، ۱۳۹۸. بررسی تأثیر معیارهای اعتماد بیش از حد مدیران ارشد بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱ (۴۱)، صص. ۱۲۴-۹۳.

رهنمای رودپشتی، فریدون، جبارزاده کنگرلویی، سعید، و اسپوکه، جلال، ۱۳۹۰. توجه مدیران به عوامل موفقیت ساز، با تأکید بر فرآیندهای حسابداری مدیریت. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۱ (۲)، صص. ۲۶-۷.

زراعتی نوقابی، الهه و نخعی، حبیب الله، ۱۴۰۰. رابطه ورشکستگی با بیش ارزشیابی سهام و مدیریت سود و بیش اعتمادی مدیران. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۵ (۱۹)، صص. ۱۲۸۰-۱۲۶۱.

زمانی، محمد و دارابی، رؤیا، ۱۳۹۷. عوامل مؤثر بر آشفتگی مالی شرکت های بورسی با تأکید بر نقش متغیرهای بانکی (شواهد تجربی: شرکت های بورس اوراق بهادار تهران). *پژوهش های پولی - بانکی*، ۱۱ (۳۶)، صص. ۲۹۲-۲۷۱.

ستایش، محمدحسین و رحیمی، میلاد، ۱۴۰۲. تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و سیاست پولی بر پیش بینی ورشکستگی. *قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری*، ۲ (۵)، صص. ۳۸-۱.

- شاهرضا، علیرضا، فغانی‌ماکرانی، خسرو، و فاضلی، نقی، ۱۴۰۱. تأثیر مؤلفه‌های سرمایه‌فکری بر سودآوری بانک‌های تجاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل پالیک اصلاح شده و توسعه یافته. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۵۴، صص. ۱۶۴ - ۱۴۷.
- شاهسونند، منیره، قائمی، محمدحسین، و علوی، سیدمصطفی، ۱۴۰۲. الگوی مناسب برای تشخیص ورشکستگی توسط حسابداران و حسابرسان دادگاهی. *دانش حسابرسی*، ۲۳ (۹۰)، صص. ۲۹۹ - ۲۵۸.
- فروغی ابری، میثم، فروغی، داریوش، و کاظمی، ایرج، ۱۳۹۹. ارائه مدلی برای پیش‌بینی خطر ورشکستگی با استفاده از راهبرد بیزی. *حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۶)، صص. ۲۱ - ۱.
- فیل‌سرائی، مهدی، ۱۴۰۲. کارایی مدیریت، تأخیر در تعدیل قیمت سهام و کارایی اطلاعاتی قیمت سهام. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۲ (۷)، صص. ۶۶ - ۴۳.
- قائم مقامی، کامران، باقرپور ولاشانی، محمدعلی، صالحی، مهدی، و خلعت‌بری، حسن، ۱۴۰۰. رابطه بین بیش‌ارزشیابی سهام و بحران مالی شرکت‌ها. *دانش حسابداری*، ۱۲ (۴)، صص. ۴۱ - ۲۳.
- قاسمی، مریم، صراف، فاطمه، احدی سرکانی، سید یوسف و جعفری، سیده محبوبه، ۱۴۰۳. ارائه الگوی تاب‌آوری مالی در راستای پیشگیری از ورشکستگی. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۳ (۳)، صص. ۶۴۳ - ۶۲۳.
- قانی دهکردی، خدامراد، جعفری دهکردی، حمیدرضا، و پیک فلک، جمشید، ۱۳۹۹. بررسی نقش واسطه‌ای اعتماد به نفس بیش از حد بر میزان اثرگذاری ویژگی‌های شخصیتی مدیران ارشد بر درماندگی مالی شرکت‌های تولیدی در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۲ (۲)، صص. ۲۳۴ - ۲۱۱.
- کردستانی، غلامرضا و تاتلی، رشید، ۱۳۹۳. ارزیابی توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی (مقایسه مدل‌های اولیه و تعدیل شده). *دانش حسابرسی*، ۱۴ (۵۵)، صص. ۷۰ - ۵۱.
- محمدی نافچی، آرش و علیخانی، شهناز، ۱۴۰۲. بررسی تأثیر پیش‌بینی سود و درماندگی مالی با نقش میانجی‌گری توانایی مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *کنکاش مدیریت و حسابداری*، ۳ (۲)، صص. ۲۵ - ۱.
- مرادی، محمد، قضا، حسین، سوخکیان، ایمان، و حسین‌زاده، سهراب، ۱۳۹۹. تأثیر رفتار شرکت‌های رقیب بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۶)، صص. ۱۸ - ۱.
- ملکی، الهام‌السادات، ابراهیمی، سیدکاظم، و جلالی، فاطمه، ۱۳۹۸. تأثیر چرخه عمر شرکت‌ها بر سطح محافظه‌کاری. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱ (۴۴)، صص. ۷۸ - ۵۹.
- موسوی‌شیری، سیدمحمود، سبزی، صغری، و قدردان، احسان، ۱۴۰۲. بررسی رابطه بین استراتژی‌های تجاری شرکت و توانایی مدیریت در دوره بحران مالی با کیفیت سود. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۵، صص. ۵۷ - ۸۰.

- نمازی، محمد و خرم‌دل ماسوله، زهرا، ۱۴۰۱. تأثیر نوآوری سبز و نقش میانجی حسابداری مدیریت زیست‌محیطی بر عملکرد مالی، زیست‌محیطی و اقتصادی شرکت. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۹ (۷۴)، صص. ۴۰ - ۱.
- نمازی، محمد و مقیمی، فاطمه، ۱۳۹۸. بررسی نقش میانجی چالش‌های نوآوری در رابطه بین سازه‌های نوآوری و عملکرد مالی و اقتصادی شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۰ (۴)، صص. ۱۰۳ - ۷۹.
- نمازی، محمد و مقیمی، فاطمه، ۱۳۹۷. تأثیر نوآوری و نقش تعدیلی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در صنایع مختلف، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵ (۲)، صص. ۳۱۰ - ۲۸۹.
- نورانی آزاد، سمانه و راسخ جهرمی، عرفانه، ۱۴۰۱. آزمون نقش شدت پژوهش و توسعه در بازدهی سهام و رقابت خودمخرب شومپیتری بورس اوراق بهادار تهران (رهیافت رگرسیون انتقال ملایم پنلی PSTR). *فصلنامه بورس/اوراق بهادار*، ۱۵ (۵۷)، صص. ۱۹۶ - ۱۶۷.
- نیکبخت، محمدرضا، جهان‌دوست مرغوب، مهران، و ویسی حصار، ثریا، ۱۳۹۹. بررسی تأثیر پیچیدگی شرکت بر ارتباط بین توانایی مدیریت و عدم شفافیت اطلاعات. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۵)، صص. ۱۰۴ - ۸۳.
- Agnihotria, A. and Bhattacharya, S., 2021. CEO Narcissism and Myopic Management. *Industrial Marketing Management*, 7(3), pp.145-158.
- Agostino, M., Scalera, D., Succurro, M. and Trivieri, F., 2022. Research, innovation and bankruptcy: evidence from European manufacturing firms. *Industrial and Corporate Change*, 31(1), pp.137-160.
- Agustini, N. W. and Wirawati, N. G. P., 2019. Pengaruh Rasio Keuangan Pada Financial Distress Perusahaan Ritel Yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia (BEI). *E-Jurnal Akuntansi*, 26 (251), <https://doi.org/10.24843/eja.2019.v26.i01.p10>.
- Andreou, P. C., Karasamani, I., Louca, C. and Ehrlich, D., 2017. The impact of managerial ability on crisis-period corporate investment. *Journal of Business Research*, 79, pp. 107-122.
- Bai, Q. and Tian, S., 2020. Innovate or die: Corporate innovation and bankruptcy forecasts. *Journal of Empirical Finance*, 59, pp. 88-108.
- Biddle, G. C., Mary L. M. and Frank M. S., 2016. Accounting conservatism and Bankruptcy Risk. *Financial Accounting and Reporting Section*, pp. 1-20. Available at : www.ssrn.com.
- Bon-Kim, j. Wang, Z. and Zhang, L., 2015. CEO Overconfidence and Stock Price Crash Risk. <http://ssrn.com/abstract=2331189>.
- Chen, Y., Eshleman, J. D. and Soileau, J. S., 2016. Business strategy and auditor reporting. *Journal of Practice and Theory*, 36(2), pp.63-86.
- Cherkasova, V. and Kurlyanova, A., 2019. Does corporate R&D investment support to decrease of default probability of Asian firms?. *Borsa Istanbul Review*, 19 (4), pp.344 - 356.
- Dawid, H., Ippoliti, R. and Wen, X., 2023. Product Innovation Investment under Bankruptcy Threat. *Bielefeld Working Papers in Economics and Management, No 4*. ISSN 2196-2723. <https://hdl.handle.net/10419/299772>.
- Demerjian, P., Lev, B. and McVay, S., 2012. Quantifying managerial ability: A new measure and validity test. *Management Science*, 58 (7), pp.1229-1248. <https://www.jstor.org/stable/23525943>.
- Eriksen, N, B. and Aabo, T., 2016. CEO narcissism, corporate risk-taking and performance. <http://pure.au.dk/portal/asbstudent/da/studentprojects/ceo-narcissism-corporate-risktaking-and-performance> (1a7ea 363-0174-4a04-ae06-97fa295390cc).

- Han, CH. and Zhang, SH., 2021. Multiple strategic orientations and strategic flexibility in product innovation. *European Research on Management and Business Economics*, 27, pp.1-9.
- Jacoby, G., Li, J. and Liu, M., 2019. Financial Distress, Political Affiliation, and Earnings Management: The Case of Politically Affiliated Private Firms. *European Journal of Finance*, 25, pp.508-523. 10.1080/1351847X.2016.1233126.
- Jindal, N., 2020. The Impact of Advertising and R&D on Bankruptcy Survival: A Double-Edged Sword. *Journal of American Marketing*, 84 (5), pp.22-40.
- Khoo, J. and Cheung, A., 2022. Managerial ability and debt maturity. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 18(1), pp.10-29.
- Lee, C. C., Wang, C. W., Chiu, W. C. and Tien, T. S., 2018. Managerial ability and corporate investment opportunity. *International Review of Financial Analysis*, 57(3), pp.65-76.
- Leng, J., Ozkan, A., and Trzeciakiewicz, A., 2018. CEO overconfidence and the probability of corporate failure: Evidence from the UK. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3184199>.
- Li, M. and Yang, J., 2019. Effects of CEO Duality and Tenure on Innovation,: <https://www.researchgate.net/publication/336650882>.
- Mahtani, U. S. and Garg, C. P., 2019. An analysis of key factors of financial distress in airline companies in India using fuzzy AHP framework. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 117, pp.87-102.
- Olsen, K. J., Dworkis, K. and Young, S. M., 2014. CEO Narcissism and Accounting: A Picture of Profits. *Journal of Management Accounting Research*, 26, pp.243-267.
- Schrand, C.M. and Zechman, S. L., 2019. Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1), pp.311-329.
- Seputra, Y., 2018. Forecasting Corporate Bankruptcy Based on Managerial Overconfidence Using the Adaptive Neuro-Fuzzy Inference System. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 426, pp.245-255. <http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.
- Szutowski, D., 2019. Innovation source, advancement stage and company stock returns. *The Service Industries Journal*, 39(13-14), pp.925-942.
- Trianita, G. and Basuki., (2020). Relationship between Managerial Overconfidence and Firm Value. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 13 (8), pp.136 – 152. www.ijicc.net.
- Ugur, Mehmet, T., E. and Solomon, E., 2018. Inverted-U relationship between R&D intensity and survival: Evidence on scale and complementarity effects in UK data. *Research Policy*, 45, pp.1474–1492.
- Uygur, O., 2018. CEO Ability and Corporate Opacity. *Global Finance Journal*, 35, pp.72-81.
- Wang, D., Sutherland, D., Ning, L., Wang, Y. and Pan, X., 2018. Exploring the influence of political connections and managerial overconfidence on R&D intensity in China's large-scale private sector firms. *Technovation*, 69, pp.40-53.

Examining the Relationship between Innovation and Bankruptcy Risk with Emphasis on the Role of Managers Overconfidence and Ability

Majid Gorgizadeh¹
Seyed Ali Vaez²
Babak Abedi Sadaghiani³
Seyed Aziz Arman⁴

Received: 01/ January /2025 Accepted: 21/ February /2025

Abstract

The main goal of this research is to investigate the relationship between innovation and bankruptcy risk with the moderator variables of managers' overconfidence and ability. The data of the investigated was collected from Codal website and Novin data-processing software, and Excel and Eviews software during the years 2011 to 2023 were used for data preparation and analysis using the generalized least square regression model, respectively. Research findings show that innovation reduces the probability of bankruptcy. In addition, the existence of the adjustment variable of managers' overconfidence has a negative effect and the adjustment variable of managers' ability has a positive effect on this relationship and It weakens and strengthens this relationship (increasing and further decreasing the probability of bankruptcy), respectively. Also, the simultaneous presence of two adjusting variables strengthens this relationship. According to the findings of the research that the cost of innovation (research and development) will improve the condition of companies and managers' overconfidence usually endangers the company's situation and managers ability increases the value of the company and reduces bankruptcy. Therefore, it can be said that in Tehran stock companies, the probability of bankruptcy is a function of the cost of research and development, managers overconfidence and the managers ability both separately and together.

Keywords: Bankruptcy, Innovation, Research and Development, Managers ability, Managers overconfidence.

¹ Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, Majid.gorgizadeh@pnu.ac.ir

² Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, (Corresponding author), sa.vaez@scu.ac.ir

³ Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, b.abedi@scu.ac.ir

⁴ Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, saarman@scu.ac.ir



ارائه الگوی مؤلفه‌های مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی و سیستم گزارشگری مالی کارا و اثربخش در وزارت بهداشت و درمان: رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری

میثم مقصودی آشتیانی^۱

وحید آرائی^۲

محمدرضا ربیعی مندجین^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی مؤلفه‌های مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی در وزارت بهداشت و درمان است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی و پیمایشی است. با استفاده از روش تحلیل تم ۳۵ مفهوم انتزاعی شناسایی و در نهایت به ۶ مقوله تبدیل و الگوی مفهومی پژوهش طراحی شد. جامعه آماری پژوهش کلیه مدیران، کارشناسان و کارکنان ارشد وزارت بهداشت و درمان می باشد که با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب و داده‌های مورد نیاز با ابزار پرسشنامه جمع آوری شد. الگوی مفهومی با جمع آوری داده‌های تجربی و روش مدل سازی معادلات ساختاری اعتبارسنجی و مدل نهایی پژوهش ارائه شد. بررسی مدل‌های اندازه‌گیری و تحلیل مقادیر بارهای عاملی نشان می دهد که مؤلفه‌های تقویت خلاقیت و نوآوری دارای بیشترین تأثیر و مؤلفه‌های ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی دارای کمترین تأثیر بر ارتقای فرهنگ سازمانی می باشند. همچنین بررسی مدل ساختاری پژوهش و تحلیل‌های مسیر نشان می دهد که متغیرهای تقویت خلاقیت و نوآوری، بویژه راهبری سازمانی اثربخش مبتنی بر پیاده سازی سیستم گزارشگری مالی کارا و اثربخش، شایسته سالاری، مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی و ارتقای معنویت سازمانی تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای فرهنگ سازمانی دارند. در حالی که از لحاظ آماری، متغیر ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی تأثیر معناداری بر ارتقای فرهنگ سازمانی ندارد. نتایج مربوط به ضریب تعیین مدل تدوین شده نشان می دهد که توانایی پیش‌بینی کلی مدل ارائه شده ۷۶٫۸ درصد و حاکی از مناسب بودن برازش مدل ساختاری پژوهش می باشد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت رفتارهای انحرافی، فرهنگ‌سازمانی، وزارت بهداشت و درمان، سیستم گزارشگری مالی.

۱ گروه مدیریت دولتی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران. mmahgsoudiashtiyani@gmail.com

۲ گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) vah.araei@iauctb.ac.ir

۳ گروه مدیریت دولتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. moh.rabiee_mondin@iauctb.ac.ir



۱- مقدمه

یک بعد رفتار سازمانی که در دهه‌های اخیر مورد توجه صاحب‌نظران و کارشناسان رفتار سازمانی قرار گرفته، رفتارهای انحرافی در محل کار است. یک پدیده پیچیده که مشخصه زندگی در سازمان‌هاست، تجلی آن رفتارهایی است که به رابطه امانت‌داری بین کارمند و سازمان خیانت می‌کنند. در ادبیات سازمانی، دانشمندان از این وقایع به‌عنوان رفتارهای انحرافی در محل کار یاد می‌کنند (سیاوشی و عصمتی مقدم، ۱۳۹۸). رفتارهای انحرافی در محیط کار معمولاً به‌عنوان رفتارهایی در متن کار که به یک سازمان منافع قانونی آن آسیب می‌رساند تعریف می‌شود. طور کلی، رفتارهای کاری انحرافی به رفتارهایی اطلاق می‌شوند که هنجارها و نرم‌های سازمانی را نقض کرده، به نوعی سلامت سازمان، کارکنان شاغل در آن و یا هر دو را تهدید می‌کنند. رفتارهای کاری خارج از هنجارهای سازمان عواقب گسترده‌ای در همه سطوح سازمان از جمله فرایندهای تصمیم‌گیری، بهره‌وری و هزینه‌های مالی به دنبال خواهد داشت. طی سال‌های اخیر توجه زیادی به رفتارهای مختلف آسیب‌رسان و منفی در محیط‌های کار معطوف شده است. پژوهش‌گران، رفتارهای کاری انحرافی را سوء استفاده از قدرت عمومی یا دولتی، و یا تصرف در اموال دولتی برای مقاصد شخصی می‌دانند که به زیان منافع عمومی می‌باشد (مولوی و نوری، ۱۴۰۱).

این رفتارها که به طور کلی، بسیاری از پژوهشگران در مورد چند نوع اصلی آن اتفاق نظر دارند عبارتند از: (الف) انحرافات مالی، (ب) انحرافات اداری، (ج) تهاجم شخصی؛ که به معنای ابراز دشمنی و انجام رفتارهای تجاوزکارانه نسبت به دیگران و حقوق آنها می‌باشد و (د) انحراف سیاسی که به منظور حمایت از افراد یا گروه‌های خاصی است که ممکن است زندگی سایرین را در معرض زیان و ضرر قرار دهند (گاتلینگ و همکاران^۱، ۲۰۱۷). همچنین، براساس تحقیقات صورت گرفته در مورد پیش زمینه‌های انحراف کاری، مسائلی چون عوامل فردی، ادراکی، سازمانی و ... در انحرافات کاری، اثرگذار شناسایی شده‌اند. بر اساس اطلاعات منتشر شده آمریکا، به دلیل تخلفات اداری کارکنان، سالانه حدود ۵۰ میلیارد دلار خسارت به سیستم اداری وارد می‌شود. پژوهشگران پیامدهای برخاسته از این قبیل انحرافات و تخلفات را در سازمان‌های خدماتی، تولیدی و صنعتی به دو گروه اصلی تقسیم کرده‌اند: (الف) پیامدهای فردی مانند خدشه‌دار شدن امنیت شغلی فرد متخلف و بروز ناهنجاری‌های روحی و روانی برای وی، (ب) پیامدهای سازمانی مانند کاهش بهره‌وری سازمانی. سایر مطالعات پیامدهای رفتارهای کاری انحرافی و تخلفات اداری را به گونه‌ای دیگر بیان کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت‌ها، هدر رفتن منابع محدود و ارزشمند اقتصادی، عدم تحقق اهداف تعیین شده دولت در بخش‌های مختلف توسعه، تأثیر منفی نیروی کار بر رشد تولید ناخالص داخلی اشاره کرد (زینلی و همکاران، ۱۳۹۸).

¹ Gatling et al.

سازمان نقش مهمی در بروز رفتارهای درست یا نادرست (انحرافی) کارکنان دارد. از آنجاکه مهم‌ترین عوامل سازمانی تحت کنترل مدیر قرار دارد، می‌توان عوامل سازمانی را عوامل مدیریتی نیز دانست. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از قوانین و سیاست‌های غیرمنصفانه، فرهنگ‌سازمانی، بی‌عدالتی در ساختار جبران خدمات و پاداش‌ها، نگرش منفی و بدبینانه، بی‌اعتمادی کارکنان و ابهام در عملکرد شغل. کارکنان نسبت به سیاست‌ها و رویه‌های سازمانی بسیار پاسخ‌گر و واکنشی هستند. ادبیات تحقیقاتی به کرات اعلام داشته است که ادراک کارکنان از سیاست‌های سازمانی بر اعتماد/بی‌اعتمادی و فرایند تبادل اجتماعی بین کارکنان، سرپرستان و سازمان تأثیر می‌گذارد (چن و همکاران^۱، ۲۰۱۷). هنگامی که کارکنان تناقضاتی را در سیاست‌های مکتوب و آنچه در سازمان رایج است، ادراک می‌کنند، دچار تنش و ناامیدی می‌شوند. این کارکنان چنین ادراکی را به شکل رفتارهای مخربی مانند عدم تلاش برای سازمان، دزدی از سازمان، خراب‌کاری، غیبت از کار و اظهارات نادرست، تلافی می‌کنند (عباس پور و همکاران، ۱۴۰۱).

امروزه ارزش فرهنگ‌سازمانی به‌عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های عملکرد شغلی پذیرفته شده است. تئوروا و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند افراد با هویت اخلاقی بالاتر و فرهنگ درون سازمانی مثبت گرا، احتمال کمتری دارد که در محل کار رفتار انحرافی داشته باشند. همچنین، رامشیدا و مانیکندان (۲۰۱۳) یک اثر میانجی تعهد سازمانی را در رابطه بین فرهنگ‌سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار یافته‌اند، اما در مطالعه خود از معیاری از فرهنگ‌سازمانی استفاده کردند که به‌طور کلی به‌عنوان ابزاری طراحی شده برای کمک و درک سازمان‌ها، فرهنگ‌سازی و شناسایی راه‌های مقابله با مشکلات فرهنگ محور توصیف شده است (شاهوردی شهرکی و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این، روابط فرضی بین فرهنگ‌سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار جزئیات بیشتری ارائه نشده است.

همچنین، هنگام در نظر گرفتن نقش فرهنگ‌سازمانی در تعیین رفتارهای انحرافی در محیط کار، ادبیات عوامل منفی فرهنگ‌سازمانی (مثلاً ارزش‌های غیراخلاقی) یا موارد مثبت (مانند هنجارها و ارزش‌های حامی سودآوری، صداقت و تعهد به سازمان) را در نظر می‌گیرد. این امر دلالت بر این فرض دارد که فرهنگ‌سازمانی را می‌توان از نظر درست و غلط، بدون در نظر گرفتن هیچ ابهامی ارزیابی کرد (کونور و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، به نظر می‌رسد که نیاز به تحقیقی برای بررسی فرهنگ‌سازمانی در رابطه با رفتارهای انحرافی در محیط کار وجود دارد، با توجه به اینکه فرهنگ‌سازمانی نه خوب است و نه بد، بلکه ممکن است ارزش‌ها و رفتارهایی را تقویت کند که از برخی رفتارهای سازمانی حمایت می‌کند یا مانع آن می‌شود. اکثر محققین اذعان دارند که هم پیش‌بینی‌کننده‌های فردی و هم موقعیتی به رفتارهای انحرافی در محیط کار مرتبط هستند (خمشی‌آیا و همکاران، ۱۳۹۸). یک سازمان تمایل دارد از طریق فرهنگ خود رفتارهای انحرافی کارکنان خود را برانگیزد یا از آن جلوگیری کند. اینارسن و

¹ Chen et al.

اسکوگستاد^۱ (۱۹۹۶) نشان دادند که این‌که رفتار تفسیر شود، تحمل شود یا پذیرفته شود به فرهنگ‌سازمانی بستگی دارد. به این ترتیب، کارکنان بسته به محیط کاری که در آن هستند، صرف‌نظر از ویژگی‌های فردی خود، مرتکب اعمال انحرافی در محل کار خود می‌شوند. فرهنگ را می‌توان به عنوان سیستمی از ارزش‌های مشترک تعریف کرد که فشارهای هنجاری را بر اعضای سازمان ایجاد می‌کند و در نتیجه نقش مهمی در انگیزه و رفتار در کار ایفا می‌کند. به عنوان رفتار واقعی، الگوهای رفتارهای انحرافی ریشه در ارزش‌های سازمانی بویژه راهبری سازمانی اثربخش مبتنی بر پیاده سازی سیستم گزارشگری مالی کارآ و اثربخش دارند. مدیران با انتقال انتظارات و الگوبرداری، این ارزش‌ها را نه تنها از نظر رفتار مطلوب و قابل قبول، بلکه با توجه به انحراف نیز به کارکنان منتقل می‌کنند. با توجه به توضیحات فوق، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که ارائه الگوی مؤلفه‌های مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی چگونه است؟

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مدیریت رفتارهای انحرافی

پس از افول نظریه‌های علمی و شکل‌گیری مکتب روابط انسانی مطالعات گسترده‌ای روی رفتار افراد و پیامدهای آن در سازمان‌ها انجام گرفت. غالب این مطالعات بر نقش رفتار افراد در سودآوری سازمان و نیز شرایط شکل‌گیری این رفتارها تمرکز داشتند. به عنوان مثال بحث‌هایی مانند رضایت شغلی، انگیزش کارکنان، تعهد سازمانی، رفتار شهروندی مطرح شدند که همگی مثبت به نظر می‌رسند. فرض اساسی پژوهشگران در این مطالعات و مدل‌ها این بود که اگر رابطه علت-معلولی بین متغیرها کشف شود، مدیران و سازمان‌ها قادر خواهند بود با دست‌کاری علت، معلول (پیامد) را ارتقا دهند. بدین ترتیب تمامی این متغیرها برای رشد و پیشرفت سازمان و یا کاهش هزینه‌های آن (از طریق افزایش عملکرد و بهره‌وری) مدنظر قرار می‌گرفتند (آشنا و همکاران، ۱۴۰۱). اما رفته‌رفته متغیرهایی وارد مطالعات رفتار سازمانی شدند که نه تنها نتایج مثبتی در عملکرد سازمانی نداشتند بلکه هزینه‌هایی را نیز متوجه سازمان می‌کردند. متغیرهایی مانند خشونت در محیط کار، دزدی، بی‌تفاوتی به مقررات سازمانی و رفتارهای سیاسی. از این رفتارها غالباً به عنوان رفتار انحرافی یاد می‌شود. شایان توجه است که در مطالعات گذشته اصطلاحات متفاوتی مانند سوءرفتار سازمانی، رفتارهای ضدتولیدی، انحرافات سازمانی، رفتارهای ضداجتماعی، رفتارهای غیرکارکردی سازمانی، نیز برای توصیف رفتار انحرافی به کار رفته است.

رابینسون و بنت (۱۹۹۵) رفتار انحرافی در محیط کار را این گونه تعریف کردند: رفتار عمدی [اعضای سازمان] که هنجارهای سازمانی را به طور قابل توجهی نقض می‌کند و تأثیر منفی بر رفاه سازمان، اعضای آن یا حتی هر دو می‌گذارد. رفتار انحرافی از نظر رابینسون و بنت (۱۹۹۵) به دو نوع تقسیم شده‌اند. نوع اول، انحراف سازمانی است که هدف خود را متوجه سازمان می‌کند، مانند سرقت، خرابکاری، دیر آمدن کارکنان در محل کار، خروج

¹ Einarsen and Skogstad

زود هنگام و تلاش برای کناره‌گیری از شغل خود. نوع دوم رفتار انحرافی، انحراف بین فردی است که منجر به اعمال انحرافی می‌شود که همکاران، سرپرستان یا زیردستان در محیط کار با آن مواجه می‌شوند. این شامل رفتارهایی است که شامل تفریح در محل کار، انجام کارهای مخرب و پرخاشگری فیزیکی می‌شود. هر دوی آن رفتارهای انحرافی مخرب است و عواقب بد و ناخوشایندی به دنبال دارد (نارایانان^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). رفتارهای انحرافی می‌توانند هم سازنده و هم مخرب باشند. بیشتر تحقیقات در زمینه انحرافهای مخرب بوده است و با وجود اهمیت انحرافات سازنده (رفتار ارادی در جهت نقض هنجارها که منابع مهمی برای نوآوری و کارآفرینی باشد و به ایجاد مزیت رقابتی کمک نماید) در محیط کاری، تحقیقات کمی در این زمینه انجام شده است.

رفتارهای که به سازمان آسیب می‌رساند ممکن است دارای هزینه‌های خاص یا هزینه‌های عمومی باشد. وقتی تعاملات بین افراد به دلیل رفتارهای انحرافی قطع شود، منابع انسانی به صورت تیمی کار نکند و عدم همکاری وجود خواهد داشت. سپس فرهنگ سازمانی حاصل شامل بی‌احترامی و بی‌اعتمادی و نارضایتی است. رفتارهای منفی رایج در سازمان می‌تواند در گروه‌های مختلف از سرقت و خرابکاری و تخریب تا آزار و اذیت و تخریب اموال قرار گیرد. برجسته‌ترین مطالعات در مورد رفتار ضد اجتماعی، رفتار ضد تولید، رفتار ناکارآمد و سازمان انجام شده است. برمساته تارین پژوهش‌ها در مورد رفتار ضد امتیاع، رفتار ضد تولید، رفتار ناکارآمد و انحرافات سازمانی انجام شده است. پژوهشگران برای این رفتارها اسامی مختلفی ذکر کرده‌اند؛ از جمله: انحراف در محیط کار، رفتار ضد تولید، رفتارهای ضد اجتماع. در واقع رفتارهایی در محیط کار انحراف محسوب می‌شوند که دارای این سه ملاک اصلی باشند: (۱) عمدی و ارادی باشند؛ (۲) رسوم، قواعد، مقررات، و هنجارهای قابل قبول سازمانی در آنها نادیده گرفته و نقض شود و (۳) به خطر انداختن سلامت افراد و سازمان هزینه‌های آشکار و نهان قابل توجهی را به سازمان تحمیل کند و از این طریق اثربخشی و عملکرد فنی و سازمانی را به مخاطره بیندازد. پژوهش‌هایی دربار نقش عوامل فردی در بروز رفتارهای انحرافی کاری انجام گرفته است. دو عامل مهم، شخصیت و ادراک از شرایط کاری می‌باشند. هدف رفتار سازمانی و روانشناسی محل کار، درک و کشف دلایلی بود است که چرا افراد در انگیزه کاری متفاوت هستند. ویژگی شخصیتی باعث می‌شود که فرد تمایل داشته باشد که به شیوه‌ای خاص رفتار کند (سیلوا^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). ادراک، فرایندی است که به وسیله آن فرد به تفسیر احساس خود می‌پردازد تا بتواند به محیط پیرامون خود معنی دهد. افراد مختلف با دیدگاه‌های متفاوت به مسائل نگاه می‌کنند؛ در نتیجه رفتار انحرافی در محیط کار با شناخت شغلی کارکنان و قضاوت آنها در مورد شرایط کاری می‌تواند در ارتباط باشد. وقتی کارکنان معتقد باشند که مدیریت به اهداف و ارزش‌های آنها توجه می‌کند، این حمایت درک شد در افزایش حس وفاداری و تعهد انعکاس می‌یابد و همچنین، ادراک منفی از شرایط کاری باعث کاهش تلاش شغلی و یا درگیری در انحرافات کاری می‌شود (تیورل^۳، ۲۰۱۷).

¹ Narayanan

² Silva

³ Silva

۲-۲- فرهنگ‌سازمانی

مقصود از فرهنگ سازمانی، سیستمی از استنباط مشترک است که اعضاء نسبت به یک سازمان دارند و همین ویژگی موجب تفکیک دو سازمان از یکدیگر می‌شود. کریس آرجیس، فرهنگ سازمانی را نظامی زنده می‌خواند و آن را در قالب رفتاری که مردم در عمل از خود آشکار می‌سازند، راهی که بر آن پایه به‌طور واقعی می‌اندیشند و احساس می‌کنند و شیوه‌ای که به‌طور واقعی با هم رفتار می‌کنند تعریف می‌کند (دانش^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). می‌توان گفت که همه افرادی که در این زمینه مطالعه نموده‌اند همگی توافق دارند که فرهنگ؛

- کلی است که از مجموع اجزای آن بیشتر است.
- تاریخچه سازمان را منعکس می‌کند.
- به مطالعه انسان‌شناسی مانند رسوم و نهادها مربوط می‌شود.
- توسط گروهی از افراد که یک سازمان را تشکیل داده‌اند شکل گرفته است.
- حرکت آن کند و سخت است.
- تغییر آن به سختی صورت می‌گیرد (آدام^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

باتوجه به تعاریف یادشده می‌توان گفت که فرهنگ سازمان عبارتست از باورهای مشترک در یک سازمان؛ هر چه باورهای مشترک ژرفتر و منسجم‌تر باشند فرهنگ قویتر است، و هر چه باورها متفاوت و وجه اشتراک آنها کمتر باشد، فرهنگ سازمان ضعیف‌تر خواهد بود. با توجه به تعریفی که از فرهنگ سازمان ارائه گردید، صاحب نظران برای طبقه‌بندی فرهنگ سازمان‌ها و تشخیص نوع فرهنگ هر سازمان، شاخص‌هایی ارائه نموده‌اند که در این نگارش به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. یکی از تقسیم‌بندی‌های متداول که معمولاً در الگوهای اقتضایی از آن‌ها یاد می‌شود، فرهنگ مکانیکی و فرهنگ ارگانیکی است؛ که در سازمان‌های با فرهنگ مکانیکی باورهای مشترک بیشتر متوجه ساختارهای رسمی، قوانین و مقررات، دستورالعمل‌ها و روش‌های استاندارد است؛ در حالی که سازمان‌های با فرهنگ ارگانیکی باورهای مشترک عمدتاً بر ساختارهای غیررسمی و بیشتر تأکیدها بر نتیجه و عملکرد است نه بر وسیله و ابزار کار. در یک تقسیم‌بندی دیگر، سازمان‌ها از لحاظ فرهنگ به چهار دسته طبقه‌بندی، و ویژگی‌های سازمان‌ها با هر یک از فرهنگ‌های چهارگانه به شرح زیر توصیف شده‌اند (صیرفی‌ان و همکاران، ۱۴۰۱):

(۱) سازمان‌های با فرهنگ علمی: تأکید این نوع سازمان‌ها بر استخدام افراد جوان با تمایل به یادگیری، پرورش دادن آن‌ها و تقویت شخصیت علمی و تخصصی آن‌هاست.

(۲) سازمان‌های با فرهنگ باشگاهی: در این سازمان‌ها تأکید بر تناسب داشتن روحیه افراد به وفاداری و تعهد نسبت به سازمان است. در فرهنگ باشگاهی، ارشدیت، سن و سنوات خدمت در سازمان، معیار عمده

¹ Danish

² Adams, Martin, & Boom

اهمیت و ارزش افراد است. نمونه این گونه سازمان‌ها، یوپی‌اس، خطوط هوایی دلتا، بل، همچنین ادارات دولتی و سازمان‌های نظامی است.

۳) سازمان‌های با فرهنگ تیمی: در این نوع سازمان‌ها تأکید بر نوآوری، ریسک‌پذیری و آزادی عمل است. نمونه بارز این گونه سازمان‌ها، سازمان‌های حسابداری، مشاوران حقوقی، بانک‌ها، سازمان‌های مشاوره‌ای، سازمان‌های تبلیغاتی، سازمان‌های تولید نرم‌افزار و تحقیقات بیولوژیکی است.

۴) سازمان‌های با فرهنگ سنگری: بر عکس فرهنگ تیمی که به اختراع، نوآوری و اکتشاف ارج می‌نهد، فرهنگ سنگری بر حفظ و بقای سازمان تأکید دارد. در فرهنگ سنگری امنیت شغلی حائز اهمیت زیادی است. نمونه این گونه سازمان‌ها، عمده فروشی‌های بزرگ، هتل‌ها، سازمان‌های اکتشاف نفت و گاز و نظیر این‌ها می‌باشد. در هر سازمان یک فرهنگ غالب وجود دارد و بر حسب ماهیت کار نیز زیرمجموعه‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت شکل می‌گیرد که مبنای تفاوت آنها تخصص، تکنولوژی، منطقه جغرافیایی و نظیر این‌هاست. با این که بی‌گمان فرهنگ فرامحیطی بر فرهنگ سازمانی مسلط است، اما به استناد تحقیقات موجود حتی در یک محیط اجتماعی، سازمان‌های مختلف دارای فرهنگ‌های گوناگون می‌باشند (پولدنر^۱ و همکاران، ۲۰۱۷).

۳- پیشینه تجربی پژوهش

رحمتی پس ویشه (۱۴۰۱) به بررسی عوامل مؤثر بر تمایل کارمندان به رفتارهای شهروندی سازمانی و رفتارهای انحرافی پرداخت. نتایج نشان داد که جو ارائه خدمات (جوسازمانی) و ارزش‌های اخلاقی سازمان ۴۹ درصد از متغیر رفتارهای شهروندی سازمانی و ۴۱/۳ درصد از رفتارهای انحرافی در محل کار را تبیین می‌کند. همچنین تأثیر خصوصیات فردی نیز بر بروز رفتارهای شهروندی سازمانی و رفتارهای انحرافی در محل کار تأیید شد.

مولوی و نوری (۱۴۰۱) به شناسایی عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای انحرافی مثبت در میان کارکنان سازمان‌های دولتی استان قم پرداخت. بر اساس نتایج، در مجموع، ۲۹ عامل مؤثر بر مصرف‌گرایی در سازمان‌های دولتی شناسایی شد که در پنج دسته قرار گرفتند، که عبارت‌اند از عوامل فردی (شامل کسب اعتبار و تشخیص اجتماعی، رضایت شغلی، معنویت، وجدان کاری، مسئولیت‌پذیری، تواضع، نوع دوستی، خودکارآمدی، اخلاق کاری، ریسک‌پذیری، برون‌گرایی، سابقه کار، و تعهد به کار)، عوامل سازمانی (شامل ارزش‌های سازمانی، گروه‌های مرجع در سازمان، رسمیت در سازمان دولتی، سلامت سازمانی، پذیرش اجتماعی رفتار انحرافی مثبت، عدالت سازمانی، انعطاف‌پذیری ساختاری، اعتماد بین فردی)، عوامل قانونی (شامل قوانین و مقررات تشویقی، قوانین حمایتی، و انعطاف‌پذیری قوانین مقررات)، عوامل مدیریتی (شامل حمایت مدیریتی و سبک رهبری مدیر) و در نهایت، عوامل مربوط به شغل (شامل انعطاف‌پذیری در وظایف، جایگاه سازمانی شغل، و اهمیت شغل در سازمان). نعمتی و عبدالمالکی (۱۴۰۰)

¹ Poldner

در پژوهشی به بررسی رابطه فرهنگ‌سازمانی و جو اخلاقی در تعالی بخشیدن به سلامت سازمانی پرداخته‌اند. نتایج الگو یابی معادلات ساختاری نشان داد که فرهنگ‌سازمانی و جو اخلاقی در تعالی بخشیدن به سلامت سازمانی با نقش میانجی یگانگی فردی- و سازمانی اثر مثبت و معنی‌داری دارند.

اشکبوس و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی ارائه مدل فرهنگ‌سازمانی در دانشگاه علوم پزشکی لرستان پرداخته‌اند. این نتایج پژوهش نیز نشان داد بارهای عاملی مؤلفه‌های فرهنگ‌سازمانی به ترتیب برای نتیجه محوری برابر با ۰/۸۲، تیم‌گرایی برابر با ۰/۶۱، حاکمیت و رهبری برابر با ۰/۵۸، الگوی ارتباطی مطلوب برابر با ۰/۵۳، تأکید بر جزئیات برابر با ۰/۴۹، مسئولیت مشترک و ایده پردازی برابر با ۰/۴۱ و برای وفق‌پذیری برابر با ۰/۳۸ حاصل شد.

لطفی‌کیا و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر فرهنگ‌سازمانی بر توسعه مدیریت دانش پرداخته‌اند. جامعه آماری این تحقیق را روسای واحدهای سازمانی، مدیران میانی و پایه جهاد دانشگاهی تشکیل داده‌اند که بر اساس جدول مورگان، نمونه‌ای ۲۱۰ نفری از آنان با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. نتایج پژوهش نشان داد بین فرهنگ‌سازمانی و توسعه مدیریت دانش رابطه‌ی مستقیم، معنادار و مثبتی وجود دارد. هم‌چنین، بین چهار بعد فرهنگ‌سازمانی (درگیر شدن در کار، سازگاری، انطباق‌پذیری و مأموریت) و توسعه مدیریت دانش رابطه مستقیم، معنادار و مثبتی وجود دارد، ولی رابطه و تأثیر ویژگی سازگاری با توسعه مدیریت دانش قوی‌تر است. فرهنگ‌سازمانی عاملی مؤثر در استقرار سیستم مدیریت دانش بوده و تقویت ابعاد فرهنگ‌سازمانی به توسعه مدیریت دانش در سازمان جهاد دانشگاهی کمک می‌کند.

کاظمی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی رهبری ماکیاولی و رفتار انحرافی کارکنان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که رهبری ماکیاولی با بروز رهبری خودکامه، بدبینی سازمانی و رفتار انحرافی رابطه مثبت و معنادار دارد. هم‌چنین رهبری خودکامه رابطه مثبت و معنادار با بدبینی سازمانی دارد ولی رابطه آن با بروز رفتار انحرافی تأیید نشد.

زاهید و نومن^۱ (۲۰۲۳) در تحقیقی به بررسی رابطه بین بی‌ادبی در محل کار و رفتارهای انحرافی با توجه به نقش تعارض بین‌فردی و جوسازمانی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که تعارض درون فردی تا حدی میانجی رابطه بی‌ادبی و رفتار کاری انحرافی در محل کار است. علاوه بر این، نتایج گواه این مطلب بود که اثرات مضر بی‌ادبی در محل کار بر رفتار انحرافی کاری کارکنان در حضور جوسازمانی به‌عنوان یک منبع کاهش می‌یابد.

توئیروا^۲ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی رفتار شهروندی سازمانی به‌عنوان ترمیم رفتار انحرافی پرداختند. نتایج نشان داد که مدیران به‌جای تمرکز بر تنبیه شدید اعمال انحرافی در یک سازمان، نیاز به ایجاد یک سیستم مناسب دارند که به افراد امکان می‌دهد پیامدهای اعمال انحرافی خود را درک کنند و به رفتار جبرانی بپردازند.

جیانگ^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان مقابله با استرس‌گرایی در محیط کار: نقش‌های فرسودگی عاطفی و تاب‌آوری در رفتار انحرافی؛ در چهار شرکت تولیدی در چین و با نمونه آماری ۴۰۹ نفر و با روش توصیفی

¹ Zahid, & Nauman

² Toirova

³ Jiang

از نوع همبستگی به این نتیجه رسیدند که فرسودگی عاطفی واسطه‌ای بین ارتباط استرس در محیط کار و رفتار انحرافی است. علاوه بر این، نتایج حاصل از تحلیل واسطه‌گری تعدیل‌شده نشان داد که نقش میانجی خستگی هیجانی ازسوی تاب‌آوری تعدیل شده است. به گونه‌ای که با سطح انعطاف‌پذیری بیشتر، اثر میانجی‌گری فرسودگی عاطفی ضعیف‌تر می‌شود.

مالک و لنکا^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان بررسی مداخلات برای مهار انحراف محیط کار: درس‌هایی از شرکت‌های هواپیمایی هندوستان؛ با روش کیفی به این نتیجه رسیدند که چهار مداخله اصلی، یعنی استراتژی‌های مدیریت استعداد، تاب‌آوری، معنویت در محیط کار و ذهن‌آگاهی برای غلبه بر رفتارهای انحرافی مخرب و ترویج رفتار سازنده در بین کارکنان شرکت هواپیمایی ایر هندوستان لازم است.

۴- مدل مفهومی پژوهش

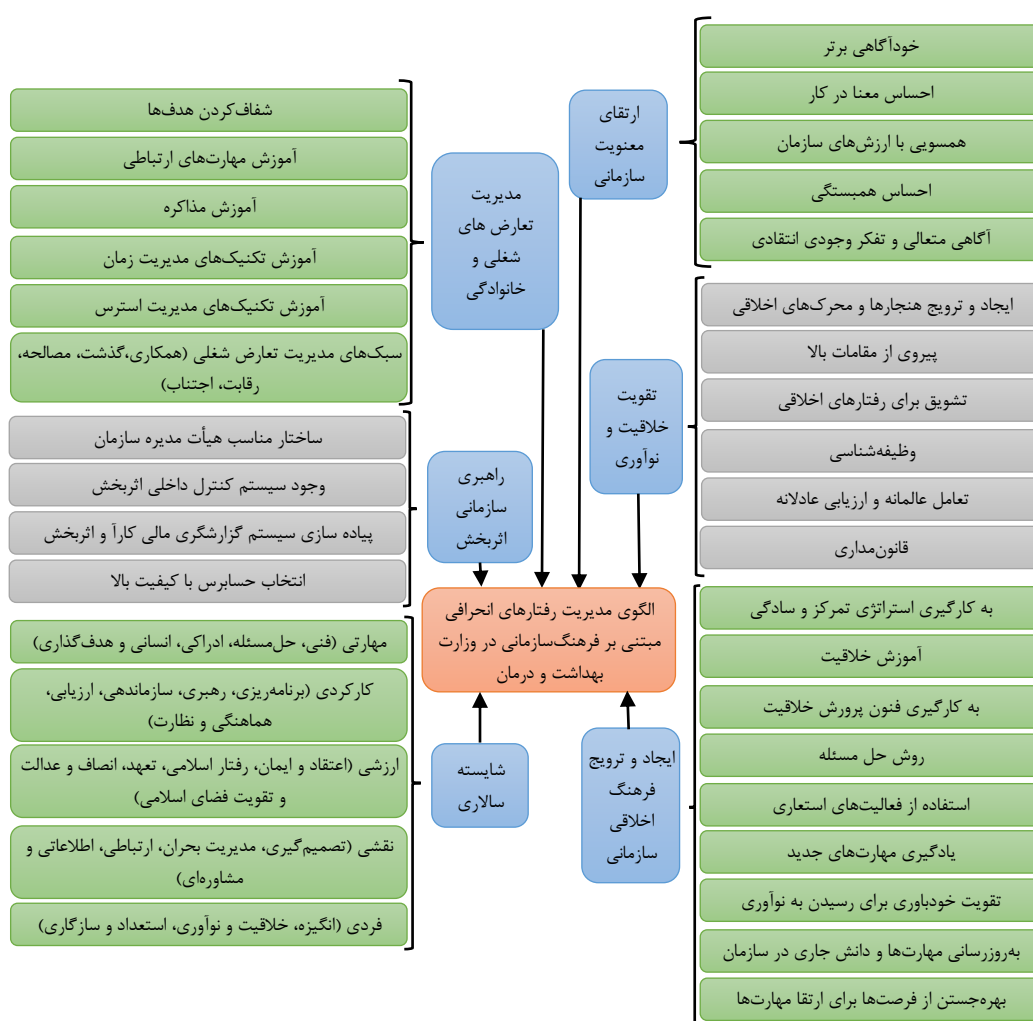
الگوی مفهومی پژوهش حاضر، ترسیمی از راهکارهای مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی در وزارت بهداشت و درمان است که با تحلیل مصاحبه‌هایی که با خبرگان انجام شد و تجزیه و تحلیل آن به کمک روش تحلیل تم به دست آمده است که به شرح شکل ۱ تدوین و ارائه شده است.

۵- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه مدیران، کارشناسان و کارکنان ارشد وزارت بهداشت و درمان است که تعداد آنها در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ حدود ۲۹۴ نفر است. با توجه به محدود بودن اندازه جامعه آماری و نیز مشخص بودن چارچوب نمونه‌گیری، با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۷ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین شده است. اطلاعات این پژوهش در بخش مبانی نظری، ادبیات و پیشینه پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه کتب و مقالات داخلی و خارجی جمع‌آوری و نیز داده‌های موردنیاز برای اعتبارسنجی و برازش مدل پژوهش نیز با روش میدانی و از طریق پیمایش با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شد. داده‌های مربوط به متغیرهای ارتقای معنویت سازمانی، ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی، تقویت خلاقیت و نوآوری، مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی، شایسته سالاری و راهبری سازمانی اثربخش شامل: ساختار مناسب هیأت مدیره سازمان، وجود سیستم کنترل داخلی اثربخش، پیاده سازی سیستم گزارشگری مالی کارآ و اثربخش، انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا از طریق پرسشنامه محقق ساخته و داده‌های مورد نیاز برای سنجش متغیر فرهنگ سازمانی با استفاده از پرسشنامه فرهنگ سازمانی ادگار شاین (۱۹۸۰) با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای استفاده شد.

¹ Malik & Lenka

برای آزمون الگوی مفهومی پژوهش، از الگوریتم تحلیل مدل‌ها با روش Smart-PLS-SEM استفاده شده است. ابتدا، با انجام برازش مدل‌های اندازه‌گیری از طریق معیارهای پایایی و روایی از صحت روابط موجود در مدلها اطمینان حاصل کرده و سپس برازش مدل ساختاری و روابط موجود بین متغیرهای مکنون بررسی و در مرحله پایانی، برازش کلی مدل انجام شد.



شکل ۱. الگوی مفهومی مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آزمون کفایت نمونه برداری

از آنجا که هدف پژوهش طراحی مدل با روش مدل سازی معادلات ساختاری بوده است، ملاحظات مربوط به روش مذکور نیز در انتخاب حجم نمونه مورد توجه قرار گرفت. برای اطمینان از کفایت حجم نمونه در استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری، پیشنهاد شده حجم نمونه حداقل ۲ تا ۳ برابر تعداد پارامترهای مکنون در مدل باشد (علوی، ۱۳۹۵). تعداد متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر ۷ متغیر ارتقای معنویت سازمانی، ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی، تقویت خلاقیت و نوآوری، مدیریت تعارض های شغلی و خانوادگی، شایسته سالاری، راهبری سازمانی اثربخش و فرهنگ سازمانی است. همچنین، به جهت استفاده از تحلیل عاملی در برازش مدل های اندازه گیری پژوهش و اطمینان از تناسب حجم نمونه از شاخص کایزر مایرز (KMO) و آزمون بارتلت استفاده شد. دامنه مقدار شاخص مذکور بین ۰ تا ۱ است؛ به طوری که هرچه این مقدار به عدد ۱ نزدیک تر است داده ها برای تحلیل عاملی مناسب قلمداد می شود. حداقل مقدار قابل برای این شاخص ۰/۶ توصیه شده است. آزمون بارتلت نیز یک روش دیگر برای تشخیص مناسب بودن داده ها است. اگر sig آزمون کوچک تر از ۵ درصد باشد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار یا مدل عاملی مناسب است (مؤمنی، فعال قیسومی، ۱۳۸۷). نتایج حاصل از محاسبه آزمون های کفایت نمونه برداری در جدول ۱ ارائه شده است.

براساس نتایج به دست آمده، از آنجا که مقادیر KMO برای تمامی متغیرها بالای ۰/۶ بوده و سطح معنی داری آزمون بارتلت زیر ۰/۰۵ است، لذا، می توان از مناسب بودن داده های مورد نظر برای تحلیل عاملی اطمینان حاصل کرد.

جدول ۱. نتایج حاصل از آزمون کفایت نمونه برداری

متغیر	شاخص KMO	آزمون بارتلت	
		مربع کای تقریبی	درجه آزادی
ارتقای معنویت سازمانی	0.873	215.814	120
ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی	0.864	182.641	115
تقویت خلاقیت و نوآوری	0.810	194.233	136
مدیریت تعارض های شغلی و خانوادگی	0.833	178.904	106
شایسته سالاری	0.793	153.652	92
راهبری سازمانی اثربخش	0.835	140.945	86
فرهنگ سازمانی	0.889	610.764	210
کل	0.786	2868.530	1540

منبع: یافته های پژوهشگر

۲-۶- یافته‌های مربوط به ویژگی‌های نمونه آماری پژوهش و پاسخ‌دهندگان

نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که ۹ درصد پرسشنامه‌ها از طریق حضوری، ۳۸ درصد از طریق ایمیل و ۵۳ درصد از طریق صفحات تحت وب تکمیل شده است. از بین پاسخ‌دهندگان ۴۱ درصد زن و ۵۹ درصد مرد هستند و اکثر پاسخ‌دهندگان با ۴۳ درصد در بازه سنی ۴۵ تا ۵۵ سال قرار دارند. از کل نمونه آماری ۱۷ درصد بین ۱ تا ۱۰ سال، ۶۲ درصد بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۲۰ درصد بیشتر از ۲۰ سال سابقه کاری دارند.

جدول ۲. نتایج حاصل از ویژگی‌های نمونه آماری پژوهش و پاسخ‌دهندگان

نام متغیر	طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
نحوه توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه	از طریق حضوری	15	9
	از طریق ایمیل	64	38
	تکمیل شده تحت وب	88	53
	کل	167	100
جنسیت	زن	69	41
	مرد	98	59
	کل	167	100
سن	بین ۲۵ تا ۳۵ سال	19	11
	بین ۳۵ تا ۴۵ سال	41	25
	بین ۴۵ تا ۵۵ سال	71	43
	بالتر از ۵۵ سال	36	22
	کل	167	100
سابقه کاری	بین ۱ تا ۱۰ سال	29	17
	۱۱ تا ۲۰ سال	104	62
	بیشتر از ۲۰ سال	34	20
	کل	167	100

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۶- ارزیابی روایی و پایایی متغیرهای پژوهش

روایی به ارتباط منطقی، بین پرسش‌های آزمون و مطلب مورد سنجش اشاره دارد. وقتی گفته می‌شود آزمون روایی دارد به این معنا است که پرسش‌های آزمون به طور دقیق آنچه را که مورد نظر می‌باشد را می‌سنجد. از آنجایی که در این تحقیق، مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات و اندازه‌گیری متغیرها، پرسشنامه است، روایی پرسشنامه از

اهمیت خاصی برخوردار است. برای سنجش روایی محتوای پرسشنامه، از نظرات متخصصان، اساتید دانشگاه و کارشناسان خبره استفاده گردید. و بدین ترتیب اطمینان حاصل گردید که پرسشنامه همان خصیصه مورد نظر محقق را می‌سنجد.

به منظور بررسی پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون ضریب آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که میزان پایایی پرسشنامه برای هر یک از بخش‌های پرسشنامه قابل قبول بوده است. گفته می‌شود اگر ضریب آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است (فعال قیومی، مؤمنی، ۱۳۸۶).

جدول ۳. نتایج حاصل از ضرایب آلفای کرونباخ برای پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد سؤال	آلفای کرونباخ
ارتقای معنویت سازمانی	5	0.825
ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی	6	0.791
تقویت خلاقیت و نوآوری	9	0.808
مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی	6	0.810
شایسته سالاری	5	0.799
راهبری سازمانی اثربخش	4	0.814
فرهنگ سازمانی	21	0.842
کل	56	0.875

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۶- برازش مدل‌های اندازه‌گیری

برازش مدل‌های اندازه‌گیری شامل بررسی پایایی و روایی سازه‌های پژوهش است. پایایی آزمون به دقت اندازه‌گیری و ثبات آن مربوط است. یعنی اگر یک آزمون چند بار در مورد یک پاسخگو اجرا شود، نمره آن در همه موارد یکسان است. همچنین، پایایی به همسانی گویه‌ها اشاره دارد، یعنی سؤالات آزمون تا چه اندازه با یکدیگر همبستگی دارند. مطابق الگوریتم تحلیل مدل، برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده و نتایج زیر حاصل شد.

الف) پایایی: برای بررسی پایایی مدل‌های اندازه‌گیری از معیارهای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده است.

آلفای کرونباخ: معیار کلاسیک برای سنجش پایایی و شاخصی برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) محسوب می‌شود. پایداری درونی نشانگر میزان همبستگی بین یک سازه و شاخص‌های مربوط به آن است. در مورد متغیرهای با تعداد سؤالات اندک، مقدار ضریب آلفای ۰/۶ به‌عنوان سر حد ضریب معرفی و بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل‌قبول است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵). در مدل پژوهش حاضر، با توجه به جدول ۴ مقدار آلفا برای کلیه سازه‌ها محاسبه و نتایج نشانگر مناسب بودن پایایی سازه‌های پژوهش می‌باشد.

پایایی ترکیبی: برای تعیین پایایی هر یک از سازه‌ها علاوه بر معیار سنتی آلفای کرونباخ از معیار مدرن‌تر پایایی ترکیبی استفاده می‌کنند. برتری این معیار نسبت به ضریب آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌شود. معمولاً، برای سنجش بهتر پایایی هر دو معیار به کار برده می‌شود. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ است نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد (همان منبع). با توجه به جدول ۴ مقادیر پایایی ترکیبی برای سازه‌های پژوهش بالاتر از ۰/۸ می‌باشد.

جدول ۴. نتایج حاصل از معیارهای کلی کیفیت مدل

متغیرهای مکنون	میانگین واریانس استخراجی (AVE) بالاتر از 0.4	پایایی ترکیبی بالاتر از 0.7	آلفای کرونباخ بالاتر از 0.7	ضریب تعیین (R2) تعین	مقادیر اشتراکی Communnality > 0	نتیجه
ارتقای معنویت سازمانی	0.748	0.792	0.832	---	0.56	قابل قبول
ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی	0.637	0.749	0.814	---	0.61	قابل قبول
تقویت خلاقیت و نوآوری	0.814	0.741	0.845	---	0.64	قابل قبول
مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی	0.595	0.839	0.894	---	0.72	قابل قبول
شایسته‌سالاری	0.729	0.813	0.831	---	0.59	قابل قبول
راهبری سازمانی اثربخش	0.752	0.842	0.865	---	0.67	قابل قبول
فرهنگ سازمانی	0.648	0.864	0.899	0.768	0.73	قابل قبول

منبع: یافته‌های پژوهشگر

ب) روایی همگرا: پس از بررسی معیار پایایی، دومین معیار برازش مدل‌های اندازه‌گیری روایی همگرا است. داوری و رضازاده (۱۳۹۵)، معیار میانگین واریانس استخراج شده^۱ (AVE) را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده‌اند که از طریق آن میزان همبستگی هر سازه با سؤالات (شاخص‌ها) خود بررسی می‌شود. این معیار نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است و مقدار آن، ۰/۴ به بالا کافی دانسته شده است. پس از حصول نتایج مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE از طریق تحلیل‌های خروجی نرم افزار و از آنجا که مقادیر هریک از معیارهای مذکور برای هر کدام از متغیرهای مکنون بیشتر از حدنصاب و آستانه تعریف شده می‌باشند، لذا، می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرایی مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را تأیید کرد.

ج) روایی واگرا: سومین معیار سنجش برازش مدل‌های اندازه‌گیری در تحلیل‌های PLS، روایی واگراست که با روش فورنل لارکر بررسی شده است. در این روش، میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌هاست. به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر. بررسی این موضوع به وسیله یک ماتریس صورت می‌گیرد که خانه‌های آن حاوی مقادیر ضریب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر AVE مربوط به هر سازه است.

جدول ۵. نتایج حاصل از ماتریس سنجش روایی واگرای فورنل لارکر

ردیف	متغیر	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
(۱)	ارتقای معنویت سازمانی	0.865						
(۲)	ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی	0.745	0.798					
(۳)	تقویت خلاقیت و نوآوری	0.721	0.705	0.902				
(۴)	مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی	0.684	0.742	0.759	0.771			
(۵)	شایسته سالاری	0.801	0.698	0.854	0.635	0.854		
(۶)	راهبری سازمانی اثربخش	0.744	0.755	0.757	0.691	0.744	0.867	
(۷)	فرهنگ سازمانی	0.785	0.683	0.816	0.708	0.790	0.775	0.805

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول ۵، از آنجا که مقدار جذر AVE مربوط به هر سازه (متغیرهای مکنون) در پژوهش حاضر که

¹ Average Variance Extracted (AVE)

در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی قرار دارند، بیشتر است. از این‌رو، می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، سازه‌های مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر، به عبارت دیگر، روایی واگرایی مدل در حد مناسبی است.

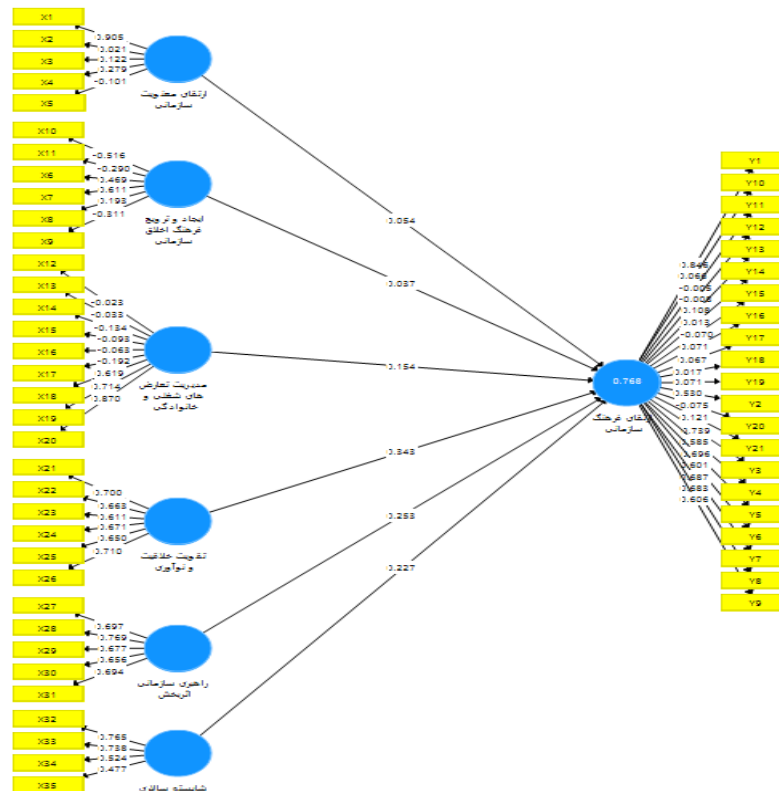
۵-۶- برازش مدل ساختاری

مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS، پس از برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مدل‌های اندازه‌گیری که روابط بین متغیر مکنون با متغیرهای آشکار مورد توجه است. در بررسی مدل ساختاری نیز روابط بین متغیرهای مکنون با همدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. برای این منظور از معیارهای ضرایب تعیین (R^2)، اندازه تأثیر و معیار افزونگی استفاده شده است.

ضریب تعیین. معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا می‌گذارد. مقدار ضریب تعیین (R^2) بین ۰ تا ۱ است و مقادیر آن در داخل دایره‌های مدل نشان داده شده می‌شود. هرچه مقدار ضریب تعیین مربوط به سازه‌های درونزای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. به عبارتی، بیانگر خوب بودن متغیرهای برونزا در تبیین متغیر درونزا است. مقدار ضریب تعیین تنها برای سازه‌های درونزای (وابسته) مدل محاسبه شده و در مورد سازه‌های برونزا مقدار این معیار صفر است. داوری و رضازاده (۱۳۹۵)، سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان ملاکی برای ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی و زیاد بودن مقدار آن را نشان از برازش بهتر مدل می‌داند. مقدار ضریب تعیین (۰.۷۶۸) در جدول ۴ و شکل ۲ قابل مشاهده است.

مطابق شکل ۲ و با توجه به اینکه مقدار R^2 برای سازه فرهنگ سازمانی ۰/۷۶۸ از مقدار متوسط این معیار یعنی ۰/۳۳ بیشتر است، مناسب بودن برازش مدل ساختاری مورد تأیید قرار می‌گیرد.





شکل ۲. ضریب تعیین (R^2) الگوی مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی

اندازه تأثیر. اندازه تأثیر به بررسی اثر یک متغیر برونزا بر ضریب تعیین یک متغیر درونزا دارد. به عبارت دیگر، اندازه اثر مشخص‌کننده سهم متغیر برونزا در مقدار ضریب تعیین متغیر درونزا است. براساس یک اصل قراردادی، حداقل مقدار قابل قبول برای اندازه اثر یک متغیر برونزا ۰/۰۲ است. مقادیر ۰/۱۵ و ۰/۳۵ نیز به ترتیب متوسط و قوی تلقی می‌شود. نتایج حاصل از محاسبه اندازه اثر برای متغیرهای تحقیق در جدول ۶ آمده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، اندازه اثر تمامی متغیرهای برونزا بر متغیرهای درونزا بالاتر از حد قابل قبول است.

جدول ۶. نتایج حاصل از اندازه تأثیر متغیرهای پژوهش

متغیر	فرهنگ سازمانی
فرهنگ سازمانی	---
ارتقای معنویت سازمانی	0.28
ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی	0.21
تقویت خلاقیت و نوآوری	0.35
مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی	0.30
شایسته سالاری	0.32
راهبری سازمانی اثربخش	0.34

منبع: یافته‌های پژوهشگر

معیار افزونگی. افزونگی یک معیار کلی کیفیت مدل ساختاری و مشخص‌کننده میزان کیفیت پیش‌بینی‌کنندگی مدل است. این معیار برای متغیرهای درون‌زا به کار می‌رود و هدف از آن بررسی توان پیش‌بینی‌کنندگی مسیرهای مدل برای یک متغیر درون‌زا است (هیر و همکاران، ۲۰۱۳). در جدول ۷ نتایج حاصل از محاسبه معیار افزونگی ارائه شده است. ستون دوم جدول مذکور (SSO)، مربوط به مجموع مجذور مشاهدات و ستون سوم (SSE)، مربوط به مجموع مجذور خطای پیش‌بینی برای هر متغیر است. ستون چهارم نیز مقادیر معیار افزونگی (Q^2) را نشان می‌دهد. براساس یک اصل قراردادی حداقل مقدار قابل قبول برای افزونگی ۰/۰۲ است و مقادیر ۰/۲۷ و ۰/۳۳ نیز به ترتیب متوسط و قوی تلقی می‌شود. همچنان که در جدول زیر مشاهده می‌شود، معیار افزونگی برای متغیرها از حداقل مقدار قابل قبول بالاتر است. لذا، مدل پژوهش از توان پیش‌بینی‌کنندگی خوبی برای متغیرهای درون‌زا برخوردار است.

جدول ۷. نتایج حاصل از محاسبه معیار افزونگی

متغیر	SSO	SSE	$Q^2=(1-SSE/SSO)$
فرهنگ سازمانی	7985	5120	0.359
ارتقای معنویت سازمانی	6510	4545	----
ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی	9451	7160	----
تقویت خلاقیت و نوآوری	9456	7125	----
مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی	9876	7355	----
شایسته سالاری	8983	6440	----
راهبری سازمانی اثربخش	7980	6038	----

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶-۶- برازش مدل کلی

برای بررسی برازش مدل کلی که هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند، از معیار نیکویی برازش (GOF) استفاده و به ترتیب زیر محاسبه شد:

$$GOF = \sqrt{(R^2) \times (\text{Communality})}$$

با عنایت به رابطه فوق، ابتدا میانگین مقادیر اشتراکی ((Communality)) متغیرهای پنهان محاسبه شد.

با توجه به اطلاعات جدول ۴ میانگین مقادیر اشتراکی برابر است با: ۰/۶۴۶

برای محاسبه میانگین ضریب تعیین (t) نیز باید مقادیر مربوط به تمامی متغیرهای پنهان درون‌زای مدل (در این پژوهش فقط فرهنگ سازمانی) مدنظر قرار گرفته و مقادیر میانگین آن محاسبه شد. مقادیر ضریب تعیین مربوط به متغیر مذکور ۰/۷۶۸. بنابراین، میانگین این مقادیر ($\overline{R^2}$) عبارت است از: ۰/۷۶۸

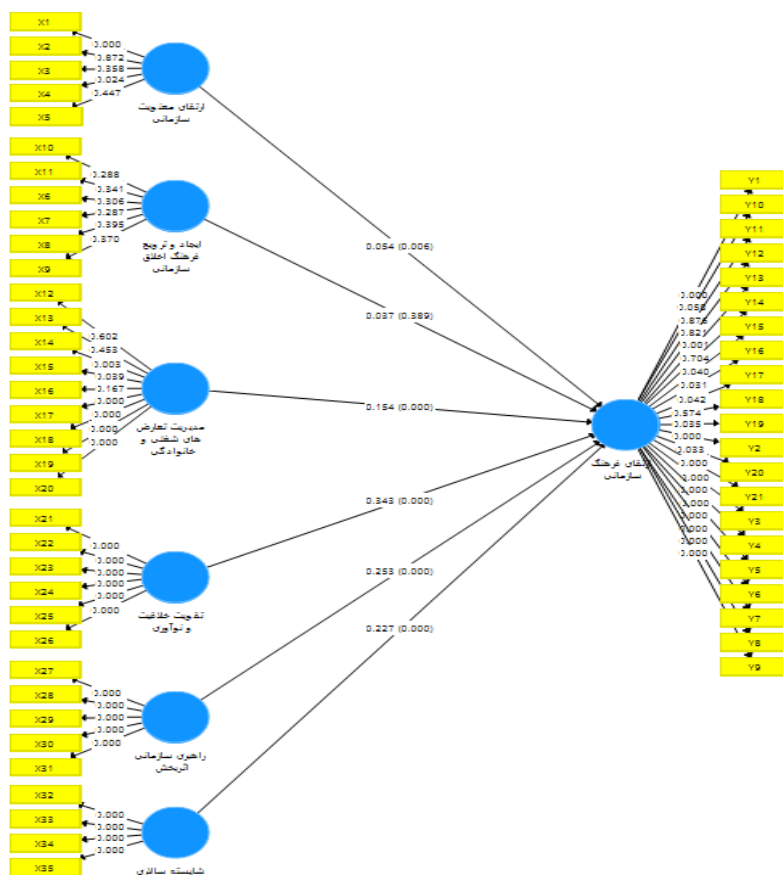
$$GOF = \sqrt{0.646 \times 0.768} = 0.704$$

در نتیجه مقدار معیار GOF برابر است با ۰/۷۰۴. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاصل شدن ۰/۷۰۴، نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

۶-۷- آزمون فرضیه‌ها

مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در روش PLS، پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، ساختاری و مدل کلی، با بررسی ضرایب معنی‌داری (مقادیر t) مربوط به هریک از مسیرها و نیز ضرایب استاندارد شده بار عاملی مربوط به مسیرها فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرند. در صورتی که مقدار ضریب معنی‌داری هریک از مسیرها بیش از عدد ۱/۹۶ است در سطح اطمینان ۹۵ درصد مسیر مربوطه معنی‌دار و فرضیه مرتبط با آن تأیید می‌شود.





شکل ۳. الگوی تجربی مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ سازمانی

در شکل ۳ به‌طور مستقیم با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و با نرم‌افزار اسمارت پی ال اس به پذیرش یا رد فرضیه‌ها پرداخته و خلاصه نتایج آن در جدول ۸ ارائه شده است. با توجه به جدول ۸ نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیرهای ارتقای معنویت سازمانی، تقویت خلاقیت و نوآوری، مدیریت تعارضات خانوادگی و شایسته سالاری و راهبری سازمانی اثربخش تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای فرهنگ سازمانی دارند. در حالی که از لحاظ آماری، در سطح اطمینان ۹۵٪ متغیر ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی تأثیر معناداری بر ارتقای فرهنگ سازمانی ندارد.

جدول ۸. نتایج حاصل از تحلیل مسیرها

فرضیه	متغیر	ضریب مسیر	مقدار بحرانی	سطح معنی داری	نتیجه
۱	ارتقای معنویت سازمانی- فرهنگ سازمانی	0.054	2.742	0.006	پذیرش فرضیه
۲	ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی- فرهنگ سازمانی	0.037	0.862	0.389	رد فرضیه
۳	تقویت خلاقیت و نوآوری- فرهنگ سازمانی	0.343	17.618	0.000	پذیرش فرضیه
۴	مدیریت تعارض های شغلی و خانوادگی- فرهنگ سازمانی	0.253	13.552	0.000	پذیرش فرضیه
۵	شایسته سالاری- فرهنگ سازمانی	0.227	11.458	0.000	پذیرش فرضیه
۶	راهبری سازمانی اثربخش- فرهنگ سازمانی	0.154	7.284	0.0000	پذیرش فرضیه

منبع: یافته های پژوهشگر

۷- بحث و نتیجه گیری

یکی از مباحث مهم مطرح شده در مدیریت سازمانی، بررسی الگوهای کنترل، نظارت و مصونیت بخشی کارکنان و سرمایه انسانی از بروز رفتارهای کاری انحرافی بوده که هنجارهای سازمانی را دستخوش تغییر قرار داده است و باعث تهدید سلامت سازمان و کارکنانش می شود. سازمان نقش مهمی در بروز رفتارهای درست یا نادرست (انحرافی) کارکنان دارد. از آنجا که مهم ترین عوامل سازمانی تحت کنترل مدیر قرار دارد، می توان عوامل سازمانی را عوامل مدیریتی نیز دانست. مهم ترین این عوامل عبارتند از قوانین و سیاست های غیرمنصفانه، فرهنگ سازمانی، بی عدالتی در ساختار جبران خدمات و پاداش ها، نگرش منفی و بدبینانه، بی اعتمادی کارکنان و ابهام در عملکرد شغل. کارکنان نسبت به سیاست ها و رویه های سازمانی بسیار پاسخ گر و واکنشی هستند. ادبیات تحقیقاتی به کرات اعلام داشته است که ادراک کارکنان از سیاست های سازمانی بر اعتماد/بی اعتمادی و فرایند تبادل اجتماعی بین کارکنان، سرپرستان و سازمان تأثیر می گذارد. هنگامی که کارکنان تناقضاتی را در سیاست های مکتوب و آنچه در سازمان رایج است، ادراک می کنند، دچار تنش و ناامیدی می شوند. این کارکنان چنین ادراکی را به شکل رفتارهای مخربی مانند عدم تلاش برای سازمان، دزدی از سازمان، خراب کاری، غیبت از کار و اظهارات نادرست، تلافی می کنند. امروزه ارزش فرهنگ سازمانی به عنوان یکی از پیش بینی کننده های عملکرد شغلی پذیرفته شده است. توثیروا و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند افراد با هویت اخلاقی بالاتر و فرهنگ درون سازمانی مثبت گرا، احتمال کمتری دارد که در محل کار رفتار انحرافی داشته باشند. همچنین، رامشیدا و مانیکندان (۲۰۱۳) یک اثر میانجی تعهد سازمانی را در رابطه بین فرهنگ سازمانی و رفتارهای انحرافی در محیط کار یافته اند، اما در مطالعه خود از معیاری از فرهنگ سازمانی استفاده کردند که به طور کلی به عنوان ابزاری طراحی شده برای کمک و درک سازمان ها، فرهنگ سازی و شناسایی راه های مقابله با مشکلات فرهنگ محور توصیف شده است. همچنین، هنگام در نظر گرفتن نقش فرهنگ سازمانی در تعیین رفتارهای انحرافی در محیط کار، ادبیات عوامل

منفی فرهنگ‌سازمانی (مثلاً ارزشهای غیراخلاقی) یا موارد مثبت (مانند هنجارها و ارزشهای حامی سودآوری، صداقت و تعهد به سازمان) را در نظر می‌گیرد. این امر دلالت بر این فرض دارد که فرهنگ سازمانی را می‌توان از نظر درست و غلط، بدون در نظر گرفتن هیچ ابهامی ارزیابی کرد. الگوهای رفتارهای انحرافی ریشه در ارزش‌های سازمانی دارند. مدیران با انتقال انتظارات و الگوبرداری، این ارزش‌ها را نه تنها از نظر رفتار مطلوب و قابل قبول، بلکه با توجه به انحراف نیز به کارکنان منتقل می‌کنند. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی مؤلفه‌های مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی در وزارت بهداشت و درمان است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی و پیمایشی است. با استفاده از روش تحلیل تم ۳۵ مفهوم انتزاعی شناسایی و در نهایت به ۶ مقوله تبدیل و الگوی مفهومی پژوهش طراحی شد. جامعه آماری پژوهش کلیه مدیران، کارشناسان و کارکنان ارشد وزارت بهداشت و درمان می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران ۱۶۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب و داده‌های مورد نیاز با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد. الگوی مفهومی با جمع‌آوری داده‌های تجربی و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری اعتبارسنجی و مدل‌نهایی پژوهش ارائه شد. بررسی مدل‌های اندازه‌گیری و تحلیل مقادیر بارهای عاملی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های تقویت خلاقیت و نوآوری دارای بیشترین تأثیر و مؤلفه‌های ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی دارای کمترین تأثیر بر ارتقای فرهنگ سازمانی می‌باشند. همچنین بررسی مدل ساختاری پژوهش و تحلیل‌های مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای تقویت خلاقیت و نوآوری، راهبری سازمانی اثربخش شامل: ساختار مناسب هیأت مدیره سازمان، وجود سیستم کنترل داخلی اثربخش، پیاده‌سازی سیستم گزارشگری مالی کارآ و اثربخش، انتخاب حسابرس با کیفیت بالا، شایسته‌سالاری، مدیریت تعارض‌های شغلی و خانوادگی و ارتقای معنویت سازمانی تأثیر مثبت و معناداری بر ارتقای فرهنگ سازمانی دارند. در حالی که از لحاظ آماری، متغیر ایجاد و ترویج فرهنگ اخلاقی سازمانی تأثیر معناداری بر ارتقای فرهنگ سازمانی ندارد. نتایج مربوط به ضریب تعیین مدل تدوین شده نشان می‌دهد که توانایی پیش‌بینی کلی مدل ارائه شده ۷۶.۸ درصد و حاکی از مناسب بودن برازش مدل ساختاری پژوهش می‌باشد.

مدیریت رفتارهای انحرافی در محیط کار، باعث افزایش شایسته‌سالاری در مراکز بهداشت و درمان می‌شود و این امر سبب کاهش پارتی‌بازی‌ها و لابی‌گری‌ها، رابطه کاری ناسالم در بین کارکنان، جایگزین شدن ضابطه به جای رابطه، فراموش‌نشدن هدف‌های مراکز بهداشت و درمان، سیستم صحیح ارتقا شغلی سالم، مکانیسم‌های صحیح پاداش و تنبیه و درنهایت، افزایش بهره‌وری و عملکرد کارکنان، آسیب‌نرساندن به سایر کارکنان، کاهش هزینه‌های ناشی از تخریب اموال و ورشکستگی و نابودی مراکز بهداشت و درمان می‌شود. کاهش رفتارهای انحرافی در محیط کار، باعث افزایش روابط مبتنی بر اعتماد بین کارمند و مدیر می‌شود. از دیگر پیامدهای مدیریت رفتارهای انحرافی در محیط کار، افزایش سلامت جسمی و روانی، کاهش اضطراب، افسردگی، استرس، شکایت از مشکلات جسمی، مانند افراد در سازمان و مدیریت رفتارهای انحرافی در محیط کار مراکز بهداشت و درمان است که سبب می‌شود نیروی انسانی در این مراکز که مهم‌ترین رکن هر سازمان است، تقویت شود و همین امر باعث کاهش هزینه‌های

زیادی برای این مراکز بهداشت و درمان می‌شود. مدیریت رفتارهای انحرافی در محیط کار در تیم‌های کاری، موجب افزایش عملکرد و بهبود فعالیت متقابل اعضا، افزایش نوآوری، خلاقیت و انعطاف‌پذیری شده است که این عوامل باتوجه به محیط پیچیده فعلی منجر به اثربخشی سازمانی می‌شود و به‌طور کلی، استفاده از تیم‌های کاری در سازمان منجر به دستیابی به هدف‌های سازمانی با اثربخشی و بازدهی زیاد که این خود باعث کاهش مکاتبات سازمانی و به‌عنوان ابزاری برای غلبه بر ضعف‌های سازماندهی رسمی تلقی می‌شود؛ بنابراین یافته‌های حاضر حاکی از آن است که مدیریت رفتارهای انحرافی در تیم‌های کاری باوجود رفتارهای انحرافی در محیط، به آنها امکان رشد فساد اداری نمی‌دهد. مدیریت رفتارهای انحرافی در محیط کار، باعث کاهش اختلاف قومی کارکنان، احترام به خرده‌فرهنگ‌ها، احترام به هویت دینی، افزایش فرهنگ مشارکت و ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب می‌شود. مدیریت اینگونه از رفتارها در مراکز بهداشت و درمان باعث می‌شود که کارکنان با کاهش اینگونه رفتارها و فشارهای ناشی از آن اعتقادات و باورهای خود را تقویت و ارزش‌های اخلاقی را جایگزین کنند و این امر سبب می‌شود فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی در مراکز بهداشت و درمان نهادینه شود و در نتیجه، کارکنان، مدیران و سازمان نیز گرفتار مشکلات کمتری در این زمینه می‌شوند. در نهایت مدیریت رفتارهای انحرافی با تاکید بر راهبری سازمانی اثربخش مبتنی بر ساختار مناسب هیأت مدیره سازمان، وجود سیستم کنترل داخلی اثربخش، پیاده سازی سیستم گزارشگری مالی کارآ و اثربخش، انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا باعث کاهش رفتارهای فرصت طلبانه دستکاری‌های سود، گزارشگری متقلبانه، بهبود شفافیت مالی و ایجاد محیط اطلاعاتی شفاف می‌شود. این نتایج، با یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته توسط آموس و ودینگتن (۲۰۰۸)، کریسمس (۲۰۰۸)؛ اراکاتال و چفرا (۲۰۱۳)؛ لی چن و بنجامین (۲۰۱۶)؛ گلیپور و همکاران (۱۳۹۱)؛ قدرتی پور و حسن مرادی (۱۳۹۳)، ارشدی و همکاران (۱۳۹۳)؛ لی چن و بنجامین (۲۰۱۶) همخوانی دارد.

در ادامه در راستای نتایج پژوهش پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

الف- پیشنهاد می‌شود که به منظور مدیریت رفتارهای انحرافی در محیط کار، شایسته‌سالاری در مراکز بهداشت و درمان به عنوان یک فرهنگ در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهادینه کنند زیرا این امر سبب کاهش پارتی‌بازی‌ها و لابی‌گری‌ها، رابطه کاری ناسالم در بین کارکنان، جایگزین شدن ضابطه به‌جای رابطه، فراموش‌نشدن هدف‌های مراکز بهداشت و درمان، سیستم صحیح ارتقا شغلی سالم، مکانیسم‌های صحیح پاداش و تنبیه و در نهایت، افزایش بهره‌وری و عملکرد کارکنان، آسیب نرساندن به سایر کارکنان، کاهش هزینه‌های ناشی از تخریب اموال و ورشکستگی و نابودی مراکز بهداشت و درمان می‌شود.

ب- پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت و همچنین فراهم کردن محیط کاری سالم، معنویت سازمانی و خلاقیت و نوآوری را در وزات بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارتقا و تقویت گردد. زیرا این عمل باعث کاهش رفتارهای انحرافی در محیط کار، افزایش سلامت جسمی و روانی، کاهش اضطراب، افسردگی، استرس، شکایت از مشکلات جسمی، ماندن افراد در سازمان و مدیریت رفتارهای انحرافی در محیط کار

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گردد که سبب می‌شود نیروی انسانی در این مراکز که مهم‌ترین رکن هر سازمان است، تقویت شود و همین امر باعث کاهش هزینه‌های زیادی برای این مراکز بهداشت و درمان می‌شود و همچنین موجب افزایش عملکرد و بهبود فعالیت متقابل اعضا، افزایش نوآوری، خلاقیت و انعطاف‌پذیری شده است که این عوامل باتوجه به محیط پیچیده فعلی منجر به اثربخشی سازمانی می‌شود.

ج- پیشنهاد می‌شود که سیستم راهبری سازمانی اثربخشی از طریق توجه به ساختار مناسب سازمانی، وجود سیستم کنترل داخلی اثربخش، پیاده سازی سیستم گزارشگری مالی کارآ و اثربخش، انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیاده سازی و اجرا گردد. زیرا این کار باعث کاهش رفتارهای فرصت طلبانه دستکاری های سود، گزارشگری متقلبان، بهبود شفافیت مالی و ایجاد محیط اطلاعاتی شفاف می‌شود.

در نهایت به منظور انجام پژوهش های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱) در بخش کیفی پژوهش حاضر از روش تحلیل تم به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی استفاده گردید پیشنهاد می‌شود از روش های دیگر نظیر تئوری زمینه بنیان و تحلیل محتوا استفاده و نتایج آن با یافته های پژوهش حاضر مقایسه گردد.

۲) پژوهش حاضر در محیط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام گرفته است پیشنهاد می‌شود تأثیر فرهنگ های متفاوت بر مدیریت رفتارهای انحرافی مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی مورد واکاوی قرار گیرد.

فهرست منابع

- اشکبوس، سمیرا، دارایی، مهری، پورحسینی، ابراهیم. (۱۴۰۰). ارائه مدل فرهنگ سازمانی در دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دو فصلنامه علمی جامعه شناسی آموزش و پرورش، ۱۱۵(۱)، ۶۷-۸۸.
- آشنا، مصطفی، عباس پور، عباس، دهقانان، حامد، حقیقی کفاش، مهدی. (۱۳۹۸). شناسایی رفتارهای منحرف سازمانی کارکنان و سازوکارهای کاهش آن در سازمانهای نظارتی: کاربردی از روش کیو سورت، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۱۰(۱)، ۳۹-۵۸.
- افشار، ابراهیم. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای، تهران: نشر نی.
- برزگر عباسپور، کسری و اسلامی مفیدآبادی، حسین و ابراهیمی شقاقی، مرضیه، ۱۴۰۲، تأثیر ویژگی های حسابرسان و ساختار هیئت مدیره بر احتمال وقوع تقلب در صورت های مالی شرکت های تجاری، فصلنامه قضاوت و تصمیم گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲(۷)، ۱۱۵ - ۱۴۵.

حسینی، محمد، (۱۴۰۱)، تأثیر محرک‌های بالقوه ریسک دادخواهی ناشی از اشتباه‌ها و تحریف‌ها در گزارشگری مالی صاحبکاران بر تعدیل اظهارنظر حسابرسی، فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، (۱۳)، ۱۲۵-۱۶۵.

خمش‌آیا، رخیده‌محمدرضا، دهقان، مانده، بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد سازمانی با تأکید بر نقش میانجی هوش فرهنگی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهر ایلام). (۱۳۹۸). فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، ۲۰(۶۲)، ۲۱۳-۲۴۴.

رحمتی پس ویشه. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل کارمندان به رفتارهای شهروندی سازمانی و رفتارهای انحرافی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

زینلی، سینا، منظری توکلی، علیرضا، سلاجقه، سنجر. (۱۳۹۸). تبیین عوامل مرتبط با رفتارهای انحرافی کارکنان با توجه به نقش سبک رهبری مدیران و ارائه الگوی مناسب، مجله دانشکده پزشکی، ۶۲(۴)، ۵۱۱-۵۲۵.

سیاوشی، ملیحه، عصمتی مقدم، محمدرضا. (۱۳۹۸). بررسی نقش عدم امنیت شغلی کمی و کیفی در بروز رفتارهای انحرافی کاری در یک سازمان نظامی، مدیریت منابع انسانی پایدار، ۱۱(۱)، ۷۵-۹۳.

شاهوردی شهرکی، آسیه، نیسی، عبدالکاظم، هاشمی شیخ‌شبان، اسماعیل. (۱۳۹۶). اثر فرهنگ سازمانی و ابعاد ساختار سازمانی بر عملکرد شغلی و نوآوری: نقش واسطه‌ای هوش سازمانی، مشاوره شغلی و سازمانی، ۹(۳۰)، ۱۱۶-۱۴۴.

صیرفی‌ان باب‌الدستی، مهران، نظری، رسول، مشکل‌گشا، الهام. (۱۴۰۱). ارائه مدل اثر فرهنگ سازمانی بر تسهیم دانش و ایجاد چابکی سازمانهای ورزشی در شرایط بحرانی با رویکرد پدافند غیرعامل، فصلنامه مدیریت در ورزش، ۲(۳)، ۴۸-۶۱.

عباس‌پور، عباس، نیک‌مراد، زهره، طاهری، مرتضی، رحیمیان، حمید. (۱۴۰۱). کنترل عوامل مؤثر بر رفتارهای انحرافی کاری کارکنان اداری دانشگاه‌ها، ۱۱(۴)، ۶۵-۹۲.

قائدامینی هارونی، عباس، ابراهیم‌زاده دستجردی، رضا، صادقی ده‌چشمه، مهرداد. (۱۴۰۱). شناسایی ابعاد رفتارهای انحرافی در محیط کار با استفاده از رویکرد فراترکیب، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۲۰(۳)، ۶۴۷-۶۷۶.

کاظمی، فضل‌اله، نظری، یونس، زارع، امین، و رمضان، مجید. (۱۳۹۹). رهبری ماکیاوولی و رفتار انحرافی کارکنان: تبیین نقش میانجی گر رهبری غیراخلاقی خودکامه و بدبینی سازمانی، اخلاق در علوم و فناوری، ۱۵(۲)، ۱۴۰-۱۴۹.

کرمی، غلامرضا، تاجیک، کامران. (۱۳۹۴). تدوین مدل گزارشگری حسابداری تورمی در ایران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۱)، ۱۰۵-۱۲۴.

مشایخ، شهناز و پارسایی، منا و عسکرزاده، پریا، (۱۴۰۲)، رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و سرمایه‌گذاری حقوقی بر کارایی سرمایه‌گذاری در بانک‌های عضو بازار سرمایه، فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲(۵)، ۵۹-۸۶.



- مولوی، زینب، نوری، لیلا. (۱۴۰۱). رفتارهای انحرافی مثبت و عوامل مؤثر در بروز آن در میان کارکنان سازمان‌های دولتی، مورد مطالعه: سازمان‌های دولتی استان قم، مدیریت سازمان‌های دولتی، ۱۰(۳)، ۷۵-۸۶.
- Adams, R., Martin, S., & Boom, K. (2018). University culture and sustainability: Designing and implementing an enabling framework. *Journal of cleaner production*, 171, 434-445.
- Anderson, R. (2007). *Thematic content analysis: descriptive presentation of qualitative data*. usa: scientific research publishing Inc.
- Braun, V.; Clarke, V., & Rance, N. (2014). *How to use thematic analysis with interview data. the counselling & psychotherapy research handbook*, london: sage publications.
- Chen, Y., Li, S., Xia, Q., & He, C. (2017). The relationship between job demands and employees counterproductive work behaviors: the mediating effect of psychological detachment and job anxiety, *Frontiers in Psychology*, 2 (8), 1890.
- Connor, P.J.O., Stone, Sh., Walker, B.R., & Jackson Chris, J. (2017). Deviant behavior in constrained environments: sensation-seeking predicts workplace deviance in shallow learners, *Personality and Individual Differences*, 108 (1), 20-25.
- Danish, R. Q., Holbrook, A., Latif, Y., & Shaheen, U. (2016). Impact of intellectual capital on organizational creativity through technical innovation in telecom sector sizes. *Journal of Statistics*, 23(1).
- Gatling, A., Shum, C., Book, L., & Bai, B. (2017). The influence of hospitality leaders relational transparency on followers trust and deviance behaviors: mediating role of behavioral integrity, *International Journal of Hospitality Management*, 62 (1), 11-20
- Jiang, H., Jiang, X., & Sun, P. Li, X. (2020). Coping with workplace ostracism: the roles of emotional exhaustion and resilience in deviant behavior, *Management Decision*, 59 (2), 358-371.
- Malik, P., & Lenka, U. (2019). Exploring interventions to curb workplace deviance: lessons from air india, *Tourism Review*, 74 (3), 563-585.
- Narayanan, K., & Murphy, S.E. (2017). Conceptual framework on workplace deviance behaviour: a review, *Journal of Human Values*, 23 (3), 218-233.
- Poldner, K., Dentoni, D., & Ivanova, O. (2017). Aesthetic mediation of creativity, sustainability and the organization. *Journal of cleaner production*, 140, 1936-1947.
- Silva, H.M.S., & Ranasinghe, R.M.I.D. (2017). The impact of job stress on deviant workplace behaviour: a study of operational level employees of comfort apparel solutions company in sri lanka, *International Journal of Human Resource Studies*, 7 (1), 74-85.
- Streubert Speziale H.J., Streubert Streubert, H.J. (2011). *Qualitative research in nursing: advancing the humanistic imperative*. (5th ed). New York.
- Toirova, Y., Sung, S. Y., Choi, J. N., Kim, M. S., (2022), Examining organizational citizenship behavior as a remedy for deviant behavior, *Journal of Business Ethics*, 129(1), 43-57.
- Turel, O. (2017). Organizational deviance via social networking site use: the roles of inhibition, stress and sex differences, *Personality and Individual Differences*, 29 (119), 311-316.
- Zahid, B. A. and Nauman, N. (2023) Examining the relationship between rudeness at work and deviant behaviors considering the role of interpersonal conflict and organizational climate. *South Asian Journal of Business Studies*, 8(3), 266-282.

Presenting the Model of Deviant Behavior Management Components Based on Organizational Culture and Efficient and Effective Financial Reporting System in the Ministry of Health and Medicine: Structural Equation Modeling Approach

Meysam Maghsoudi Ashtiyani¹

Vahid Araei²

Mohammadreza Rabiee Mandejin³

Received: 02/ January /2025 Accepted: 22/ February /2025

Abstract

The aim of the present research is to provide a model of the components of deviant behavior management based on organizational culture in the Ministry of Health and Medicine. This research is applied in terms of purpose and descriptive and survey in terms of method. Using the theme analysis method, 35 abstract concepts were identified and finally converted into 6 categories and the conceptual model of the research was designed. The statistical population of the research is all the managers, experts and senior employees of the Ministry of Health and Medicine. 167 people were selected as a statistical sample using Cochran's formula, and the required data were collected using a questionnaire. The conceptual model was presented with the collection of experimental data and the structural equation modeling method of validation and the final model of the research. Examining the measurement models and analysis of factor load values shows that the components of strengthening creativity and innovation have the greatest effect and the components of creating and promoting organizational ethical culture have the least effect on promoting organizational culture. Also, the investigation of the structural model of the research and the analysis of the path shows that the variables of strengthening creativity and innovation, especially effective organizational leadership based on the implementation of an efficient and effective financial reporting system, meritocracy, managing work and family conflicts and promoting organizational spirituality have a positive effect and They are significant for promoting organizational culture. While statistically, the variable of creating and promoting organizational ethical culture does not have a significant effect on the promotion of organizational culture. The results related to the coefficient of determination of the compiled model show that the overall prediction ability of the presented model is 76.8% and indicates the appropriateness of the fit of the structural model of the research.

Key Words: Management of Deviant Behaviors, Organizational Culture, Ministry of Health and Treatment, Financial Reporting System

¹ Department of Public Management- Organizational Behavior Management, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish, Iran. mmahagsoudiashtiyani@gmail.com

² Department of Public Management - Decision Making and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Corresponding Author. vah.arai@iauctb.ac.ir

³ Department of Public Management - Decision Making and Public Policy, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. moh.Rabiee_mondin@iauctb.ac.ir



آینده پژوهی کاربرد هوش مصنوعی در حسابرسی: از منظر علم و فناوری اطلاعات

فرهاد عزیزی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

چکیده

هوش مصنوعی و کاربرد آن در حسابرسی صورت‌های مالی، پیامدهای عمیقی بر اهداف حسابرسی و راه‌های دستیابی به آن‌ها اعمال کرده است. با این حال؛ در گذشته محدود به فناوری‌های موجود در این حرفه، اهداف حسابرسی صورت‌های مالی با انتطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری، از طریق مشاهده عینی و بازرسی گزارش‌های حسابداری به عنوان تنها رویکرد محدود به شمار می‌رفت. با ظهور فناوری‌های هوش مصنوعی، اهداف حسابرسی صورت‌های مالی باید بر اساس اطمینان از قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری باشد تا انطباق گزارش‌های حسابداری با اصول پذیرفته شده استانداردهای حسابداری. روش پژوهش بر مبنای هدف کاربردی، بر مبنای جمع‌آوری داده توصیفی-پیمایشی و بر مبنای نوع داده، ترکیبی است و پیشران‌های آینده‌ساز تاثیرگذار بر حسابرسی در حوزه علم و فناوری اطلاعات در ۱۵ سال آینده با استفاده از روش‌های پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز، مصاحبه و دلفی فازی در سال ۱۴۰۳ شناسایی شدند. برای انتخاب خبرگان از استادان و متخصصان دانشگاه در ایران، از روش نمونه‌گیری قضاوتی و گلوله برفی استفاده گردید و نمونه‌گیری تا اشباع نظری ادامه یافت. نتایج نشان داد وضعیت سیستم‌های حسابرسی در ایران وضعیت مطلوبی ندارد و مطابق با نظر خبرگان توسعه سیستم‌های خبره و سیستم‌های حسابرسی هوشمند مهمترین پیشران‌های تاثیرگذار خواهند بود و دلالت بر این موضوع دارد که در آینده، فناوری در سیستم‌های خبره حسابرسی نفوذ کرده و سیستم‌های حسابرسی و حسابداری هوشمند خواهند شد.

واژه‌های کلیدی: آینده حسابرسی، نیروی پیشران، فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی.

۱ گروه حسابداری، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) azizi.f7@gmail.com

۱- مقدمه

بدون شک حسابداری به عنوان اولین حوزه کسب و کار است که ابزارها و تکنیک‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ در آن به کار گرفته خواهد شد. اگرچه کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات برای اولین بار در سیستم‌های حسابداری مطرح و در جنبه‌های تحلیل مدل‌سازی‌های حسابداری مالی بسیار سودمند واقع شد. در همین راستا آل-هاتامی (۲۰۲۳) معتقد است که سرعت پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات در حرفه حسابداری به عنوان یک حرفه با رویکرد محافظه کارانه دست‌انداران آن بسیار پایین است. با این حال، در اواخر دهه ۱۹۹۰، این حرفه مجبور به کامپیوتری کردن عملیات خود به عنوان راهی برای ارتقای کارایی، مقاومت در برابر رقابت و کاهش هزینه‌ها شد (هاشد-عبداله و المقتاری، ۲۰۲۴؛ احمد و همکاران، ۲۰۲۴). ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات معمولاً در طیف وسیعی از وظایف، از تکالیف ساده مانند محاسبات گرفته تا موارد پیچیده مانند نمودار جریان و تجزیه و تحلیل آماری استفاده می‌شوند. چنین ابزارهایی عبارتند از ابزار حسابرسی (شامل بسته‌های نرم‌افزار استاندارد و نرم‌افزارهای هدفمند)، چک‌لیست‌ها، مدل‌های لاجیت، برنامه‌های استعلام حسابرسی (قابلیت تجزیه و تحلیل و آزمایش عمیق داده‌ها)، ماژول‌های نظارت حسابرسی یکپارچه (روال‌های برنامه‌ریزی شده که به طور مداوم داده‌های واقعی را پایش می‌کنند و شرایط پردازش)، سیستم‌های خبره و الگوهای کنترل داخلی که معمولاً برای شناسایی نقاط قوت و ضعف یک سیستم استفاده می‌شود (آگنسی و همکاران، ۲۰۲۴).

با توجه به پیشرفت مداوم در فناوری‌های کامپیوتری، اکثر شرکت‌های بزرگ استفاده از هوش مصنوعی را در قضاوت حسابرسی به عنوان بخشی از سیستم‌های اتوماسیون حسابرسی یکپارچه خود معرفی کرده‌اند. لذا استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مانند تبادل الکترونیکی داده^۲، انتقال الکترونیکی فایل^۳ و پردازش تصویر به تدریج جایگزین مسیرهای حسابرسی سنتی می‌شوند و در نتیجه کل فرآیند حسابرسی کاملاً تغییر می‌کند (هان و همکاران، ۲۰۲۳؛ آلانازی، ۲۰۲۳). علیرغم تغییرات که حرفه حسابرسی در یک و نیم قرن اخیر تجربه کرده است، موضوع اصلی حسابرسی ارائه اظهارنظر به صورت مستقل توسط شخصی ثالث و خارج از شرکت در مورد صحت و قابلیت اطمینان معقول در خصوص اطلاعات مالی ارائه شده توسط مدیریت و مطابقت این اطلاعات با سیستم حسابداری با استانداردهای حسابداری قابل اجرا و قوانین مربوطه است (آرموتکو و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین، حسابرسی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های فشرده اطلاعاتی است که شامل جمع‌آوری، سازمان‌دهی، پردازش، ارزیابی و ارائه داده‌ها با هدف ایجاد یک نظر حسابرسی قابل اعتماد (تصمیم) می‌شود. این اظهارنظر نهایی حسابرسی معمولاً تلفیقی از قضاوت‌های حسابرسی (بر اساس شواهد حسابرسی مرتبط، مناسب، کافی و

¹ Information and Communications Technology (ICT)

² Electronic Data Interchange (EDI)

³ Electronic File Transfer (EFT)

متقاعدکننده) در جنبه‌های مختلف صورت‌های مالی به عنوان کمک‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است.

از آنجایی که کمک‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، همزمان با افزایش فشار بر حساب‌رسان برای ایفای نقش مؤثرتر در حاکمیت و کنترل نهادهای شرکتی در دنیای کسب‌وکار مدرن ادامه می‌دهند، پژوهش حاضر با بررسی مطالعات صورت گرفته در این زمینه و ارائه نظرهای خبرگان در مورد استفاده بکارگیری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در حوزه حسابرسی، به فرآیند پیاده‌سازی تصمیم‌های کامپیوتری، سیستم‌های هوش مصنوعی کمک شایانی می‌کند که به عنوان پیشهادی برای پژوهش‌های آتی و پیشرفت‌های اخیر در این حوزه می‌باشد. باتوجه به توضیح مسئله‌ای حاضر، می‌بایست اذعان نمود هدف اصلی این مطالعه، آینده‌پژوهی ظرفیت‌های توسعه‌ای فناوری اطلاعات و ارتباطات تحت ظهور کارکردهای سیستم‌های هوش مصنوعی در حرفه حسابرسی می‌باشد که با طی فرآیندهای روش شناسی کیفی، تلاش می‌شود تا امکان دستیابی به آن در بستر مطالعه محقق گردد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

پیشرفت و بکارگیری فناوری‌های هوش مصنوعی، الگوهای کسب‌وکار را متحول ساخته و در نتیجه تغییراتی در محیط‌های اجتماعی ایجاد کرده است. برای انطباق بهتر با جامعه فعلی که در آن اطلاعات به سرعت در حال تکامل است، همه رشته‌ها و حرفه‌ها در حال بازسازی یا بهبود استراتژی‌ها، سازمان‌ها، محصولات و رویه‌های خود هستند. لذا؛ حوزه حسابرسی هم نیز از این قاعده مستثنی نیست. اکنون می‌تواند از حسابداری الکترونیکی، داده کاوی و تجزیه و تحلیل داده‌های چند بعدی استفاده کند (کینتامور، ۲۰۲۴؛ وارزارو، ۲۰۲۲). بر همین اساس، فن‌آوری‌ها و روش‌های حسابرسی صرفاً زیربخشی را تشکیل می‌دهند که هوش مصنوعی در حال تغییر آن است. توسعه هوش مصنوعی در زمینه حسابرسی می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر اهداف حسابرسی، به ویژه بر اهداف حساب‌رسان در هنگام اعمال صورت‌های مالی و روش‌های حسابرسی داشته باشد. باین‌حال، برخلاف بهبود سریع شیوه‌های حسابرسی که توسط فناوری اطلاعات پشتیبانی می‌شود، چارچوب تئوری‌های حسابرسی مدرن به خوبی تثبیت نشده است و نیازمند مطالعات گسترده توسط متخصصان بیشتر است (راجگورو، ۲۰۲۴).

حساب‌رسان باید هنگام حسابرسی صورت‌های مالی ابتدا اهداف حسابرسی را مشخص کرده و سپس آن‌ها را به دستورالعمل‌های حسابرسی تقسیم کنند تا در نهایت به اهداف حسابرسی دست یابند. دستورالعمل‌های حسابرسی باید دستورالعمل‌هایی را برای حساب‌رسان برای جمع‌آوری شواهد ترسیم کند تا بر اساس این اطلاعات بتوانند قضاوت حرفه‌ای را در فرایند حسابرسی انجام دهند که محصول نهایی قضاوت آن‌ها اظهارنظر حسابرسی در خصوص صورت‌های مالی است (بن-جاییئور، ۲۰۲۴). در همین راستا، راه‌های دستیابی به هوش مصنوعی می‌تواند بر کل فرآیند حسابرسی صورت‌های مالی تأثیرگذار باشد. پیشرفت در زمینه هوش مصنوعی برای حساب‌رسان بر هدف

نهایی حسابرسی و تقاضا برای حسابرسی صورت‌های مالی ممکن است تغییرات قابل توجهی نداشته باشد؛ اما در زمینه اهداف حسابرسی اثرگذار است (فاسیئولی و همکاران، ۲۰۲۳). با توجه به به پشتیبانی فنی و اقدامات امنیتی که هوش مصنوعی می‌تواند برای اطمینان از رعایت منصفانه بودن کلی صورت‌های مالی واحد تجاری ارائه کند، اهداف حسابرسی می‌تواند بر این اساس، به جای استنباط قابل اعتماد بودن اطلاعات حسابداری از طریق یک موقعیت روشن در خصوص قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری تعیین شود (ماناگی و همکاران، ۲۰۲۳). بکارگیری فناوری هوش مصنوعی به حسابرسان این کمک را می‌کند که به صورت منصفانه اطلاعات اولیه حسابداری^۱ را مشروعیت ببخشند.

فناوری‌های هوش مصنوعی دسترسی بیشتری به دامنه وسیع‌تری از داده‌ها همراه با اقدامات سریع و راحت برای تجزیه کردن اطلاعات ایجاد می‌کنند. داده‌های اولیه پس از تجزیه و تحلیل، تعداد زیادی از اطلاعات مفید از انواع مختلف را برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌کنند که می‌توانند مستقیماً اطلاعات ثانویه حسابداری را تأیید کند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۴). توانایی یافتن اطلاعات حسابداری غیرعادی در حسابرسی صورت‌های مالی به دلیل در دسترس بودن داده‌ها و تحلیل‌های گسترده همراه با مدل‌های داده‌کاوی بسیار افزایش یافته است. در نتیجه، با افزایش هم‌افزایی بین هوش مصنوعی و عملکرد حسابرسی، اهداف حسابرسی باید واقعاً برای اطمینان از قابلیت اتکاء و منصفانه بودن اطلاعات حسابداری، به جای انطباق رویه‌های تهیه اطلاعات حسابداری، به گونه‌ای باشد که شکاف انتظارات حسابرسی را کاهش دهد و شکاف بین حرفه حسابداری و حرفه حقوقی را پر کند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۳). رویه‌های فعلی موجود برای حسابرسان در راستای جمع‌آوری انواع مختلف اطلاعات شامل استعمال از بانک‌ها، مشاهده عینی، محاسبات دستی و تجزیه و تحلیل دستی است که در نتیجه حسابرسی بیشتر به حسابرسان و تیم حسابرسی بستگی دارد. هوش مصنوعی این فرصت را برای مشارکت تخصصی گسترده‌تر در حوزه حسابرسی ایجاد کرده است و راهی برای کشف راه‌های بیشتری برای جمع‌آوری شواهد حسابرسی فراهم کرده است (یو و همکاران، ۲۰۲۳؛ پاندی و همکاران، ۲۰۲۳). به‌طور نمونه؛ شواهد مربوط به دعاوی حقوقی عمدتاً حسابرسان از نتایج کارشناسی رویه‌های حقوقی استفاده می‌کنند. لذا؛ هوش مصنوعی با جمع‌آوری اطلاعات از کارشناسان متخصص در این زمینه و با استفاده از فن‌آوری‌های نوین در جهت تجزیه و تحلیل و قضاوت برخی موارد خاص ناشی از دعاوی حقوقی به فرایند تصمیم‌گیری حسابرسان کمک نماید.

هوش مصنوعی اطلاعات عظیمی از داده‌ها را برای متخصصان حسابداری مالی خارجی^۲، کارشناسان امور مالی و محاسباتی فراهم می‌کند که می‌توانند از دانش حرفه‌ای خود برای انجام تجزیه و تحلیل عمیق اطلاعات حسابداری

^۱ اطلاعات حسابداری به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم‌بندی می‌شوند که در دسته اولیه اطلاعات خام (شامل فاکتور، مستندات اولیه و ...) می‌باشد که برای ثبت این اطلاعات توسط حسابداران به دسته ثانویه که ثبت حسابداری بر اساس استانداردهای حسابداری است انجام خواهد شد. بنابراین؛ حسابرسان اطلاعات ثانویه را به صورت دستی و بر اساس شواهد حسابرسی مورد بررسی قرار می‌دهند. فرایند هوش مصنوعی می‌تواند در روش‌های حسابرسی برای کمک به رسیدن به اهداف حسابرسی بسیار مفید واقع شود (منبع: گانو و هان، ۲۰۲۱).

^۲ متخصصان حسابداری مالی خارجی افرادی هستند که در زمینه حسابداری مالی خبره هستند و نظرات کارشناسی و تخصصی خود را در حوزه‌های مختلف به صورت کارشناسانه مطرح می‌کنند که دانش و تخصص آن‌ها قابلیت استفاده برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات را داشته باشد.

از طریق داده‌کاوی و ارائه نظرات قطعی در مورد کیفیت کلی اطلاعات استفاده کنند. در ارتباط با اطلاعات حسابداری، حسابرسان ممکن است از نتایج کارشناسی به عنوان شواهد حسابرسی برای ادامه کار استفاده کنند، نه اینکه به ظرفیت فردی در جمع‌آوری موارد شواهد محدود شوند (گودل و همکاران، ۲۰۲۳؛ استیف و همکاران، ۲۰۲۳). این می‌تواند از گستردگی و عمق شیوه‌های حسابرسی فراتر از شیوه‌های حسابداری، با افزایش کیفیت حسابرسی و اطمینان از صحت و اعتبار اطلاعات حسابداری حفاظت کند. طبق مدل مرسوم حسابرسی، با توجه به محدودیت نظریه‌ها و روش‌های حسابرسی پس از جمع‌آوری و ارزیابی شواهد، حسابرسان باید برای قضاوت و اظهارنظر حسابرسی به دانش و تجربه فردی خود تکیه نمایند. هنگام استنباط، حسابرسان ممکن است دیدگاه‌های ذهنی، تفاوت‌های شخصی و تناقض‌های فکری خود را در اظهارنظر خود بکار ببرند که امکان ارائه نظرهای نادرست وجود دارد؛ اما استنتاج جامع با کمک هوش مصنوعی، به حسابرسان برای ارائه مدلی مبتنی بر عقل‌گرایی به عنوان هسته مرکزی قضاوت‌های خود و صحت اظهارنظر آن‌ها کمک می‌کند. از جمله مزایای دیگر بکارگیری سیستم هوش مصنوعی در حسابرسی، استقلال قضاوت حسابرسان است که از طریق استفاده از داده‌های الکترونیکی در دفاتر حسابداری، به سیستم مستقل خود انتقال و ایجاد نمایند و از چنین اطلاعاتی برای تایید داده‌های موجود در سیستم حسابداری استفاده نمایند. در همین راستا برخی محققان از جمله شفیعی (۱۴۰۱) معتقد است که هوش مصنوعی توانسته است بر روی کسب‌وکارهای موجود در حوزه سلامت تأثیرات متنوعی بگذارد و موجب تغییرات در ساختار آن‌ها گردد. نویدی و قیصری (۱۴۰۲) بر این باورند که هوش مصنوعی و کارکردهای آن شامل زیرساخت‌ها، توانایی گسترش کار و مواضع پیشگیرانه را در جامعه مورد تأثیر قرار می‌دهد که این امر در بهبود بهره‌وری سازمانی نقش بسزایی دارد. همچنین کریمی و همکاران (۱۴۰۱) استدلال کردند که هوش مصنوعی آنالیز بهتری را برای پیش‌بینی رتبه کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه می‌دهد. از سویی دیگر، شاملو و ناظم (۱۴۰۲) بیان کردند که علی‌رغم چالش‌های مرتبط با پیاده‌سازی هوش مصنوعی، تأثیر قابل توجهی بر بهبود پیش‌بینی تقاضا و عملکرد کسب‌وکارها می‌گذارد. به‌طور کلی در پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، تحقیقات اندکی در خصوص هوش مصنوعی و کاربردهای آن در حوزه‌های مالی انجام شده است و بالعکس در پژوهش‌های خارج از کشور موضوع هوش مصنوعی در حسابرسی و حسابداری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به‌طور نمونه؛ هاشد-عبدالله و الماقتاری (۲۰۲۴) بر این باورند که استفاده از هوش مصنوعی، تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ، رایانش ابری و پیشرفت‌های یادگیری عمیق ماشین بردار می‌تواند شیوه‌های حسابداری و حسابرسی را بهبود بخشد. فناوری‌های هوش مصنوعی به کسب‌وکارها در افزایش کارایی، دقت و توانایی‌های تصمیم‌گیری کمک می‌کند و در نتیجه فرایندهای گزارشگری مالی و حسابرسی را بهبود می‌بخشد. لیائو و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش هوش مصنوعی برای حسابرسان می‌تواند در سطح فردی از مهارت‌های تفکر منطقی کوتاه، فناوری‌های کاربردی و برنامه‌نویسی برای گزارش حسابرسی کاربرد داشته باشد و در نهایت منجر به به‌موقع بودن گزارش‌های حسابرسی شود.



۳- روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش بر مبنای نوع پژوهش نیز از انواع پژوهش‌های ترکیبی می‌باشد که بخشی از آن کیفی و بخشی نیز کمی است و بر مبنای هدف نیز از نوع کاربردی و بر مبنای روش جمع‌آوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی و اکتشافی محسوب می‌شود. جامعه‌آماري پژوهش شامل استادان و دانشجویان دوره دکتری حسابرسي، اعضای جامعه حسابداران رسمي در ایران می‌باشد. قلمرو موضوعی پژوهش حوزه حسابرسي و ارایه پیشران‌های آینده‌ساز برای حسابرسان در حوزه فناوری اطلاعات می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش ۱۵ سال آینده می‌باشد و نظرات مشارکت‌کنندگان از طریق پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز، مصاحبه و دلفی طی یک دوره زمانی در سال ۱۴۰۳ جمع‌آوری گردید.

در پژوهش حاضر، برای انتخاب خبرگان از روش‌های نمونه‌گیری قضاوتی و گلوله برفی استفاده شد و نمونه‌گیری تا اشباع نظری ادامه یافت. در این روش، مشارکت از افرادی که خبرگان این حوزه بوده و معیارهای لازم را برخوردار هستند، شروع و ضمن پاسخ به سوال‌های پژوهش، از آن‌ها خواسته شد تا سایر افراد صاحب‌نظر در این زمینه معرفی نمایند. از طرفی دیگر کفایت نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری نظری محقق گردید و نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا کرد که اشباع نظری حاصل شد و پیشران جدید اضافه نگردید. به منظور شناسایی نیروهای پیشران ابتدا جلساتی به صورت پانل با خبرگان برگزار و نظرات خبرگان دریافت گردید. این جلسات به صورت ۲، ۳ و بعضاً ۵ نفره بوده و در مجموع ۱۰ فرد خبره متفاوت بودند. همچنین به منظور دریافت نظرات افراد متخصص که دسترسی حضوری به آن‌ها دشوار بود، سوال‌های کاملاً باز از طریق فضای مجازی ارسال و نظرات دریافت گردید. در این مرحله نیز میزان مشارکت خبرگان ۸ نفر بود. در مرحله بعد با توجه به رویکرد اکتشافی پژوهش از مصاحبه نیمه ساختار یافته به عنوان اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و سوال‌ها تقریباً باز تنظیم شدند و با ۱۰ نفر از خبرگان در سطح کشور مصاحبه انجام شد. برای ورود به مصاحبه‌ها، فرایندی که پژوهشگر دنبال نموده شامل معرفی شخصی، بیان هدف پژوهش، اظهار رازداری در مورد اطلاعات و توضیح در این مورد که چرا مصاحبه‌شونده برای مصاحبه انتخاب شده است. اطلاعات دریافتی از مصاحبه‌شوندگان، در جلسه مصاحبه توسط مصاحبه‌گر ضبط و یادداشت‌برداری و طبقه‌بندی و تحلیل شد.

پس از شناسایی پیشران‌های آینده‌ساز حسابرسي در حوزه علم و فناوری اطلاعات طی مراحل یاد شده، پرسش‌نامه دلفی فازی بر مبنای آن تهیه و دوباره توسط استادان مورد بررسی قرار گرفت تا روایی پرسش‌نامه افزایش یابد و در نهایت با جمع‌بندی، تجمیع، تعدیل و اصلاح پیشران‌ها، پرسش‌نامه نهایی دلفی فازی تهیه گردید. در انتخاب خبرگان مرحله پرسش‌نامه دلفی فازی نیز بر اساس نظرات استادان دانشگاه، خبرگان از میان استادان با سابقه در حوزه حسابرسي و فناوری اطلاعات در ایران انتخاب گردید. این پرسش‌نامه بر مبنای طیف لیکرت ۵ تایی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم و در دو فرمت اینترنتی و ورد تهیه و به خبرگان از طریق فضای مجازی یا پست الکترونیکی ارسال و نظرات دریافت گردید. در مجموع در این مرحله ۳۴ پرسش‌نامه دریافت شد.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- نتایج پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز و مصاحبه

در این قسمت بخشی از نتایج حاصل از پانل خبرگان، پرسش‌نامه باز و مصاحبه، به صورت خلاصه ارائه گردید و در پایان نیز عناوین پیشران‌های اصلی و مهم بیان شدند. نتایج مصاحبه نشان داد صاحب‌نظران حرفه معتقدند هستند یک فرایند تصمیم‌گیری ساده باید لزوماً شامل سه مرحله اساسی هوش، طراحی و انتخاب باشد. آن‌ها استدلال کردند که مرحله هوش متشکل از جمع‌آوری داده‌ها، شناسایی اهداف، تشخیص مشکلات، داده‌های معتبر و ساختاربندی مشکلات است و مرحله طراحی شامل دستکاری داده‌ها، تعیین کمیت اهداف، تولید گزینه‌ها و تخصیص ریسک یا ارزش به گزینه‌ها می‌باشد و در نهایت مرحله انتخاب شامل تولید آمار و اطلاعات در مورد جایگزین‌ها، شبیه‌سازی نتایج جایگزین‌ها، توضیح گزینه‌ها، انتخاب از بین گزینه‌ها و توضیح انتخاب است. بنابراین، هوش مصنوعی بخش مهمی از کمک‌های مربوط به مرحله تصمیم‌گیری است که همچنان در عملیات فنی و مدیریتی کسب‌وکارها و حرفه‌های مدرن از جمله حسابرسی توسعه یافته و به کار گرفته می‌شود. بنا به مصاحبه‌شوندگان، در پذیرش هوش مصنوعی و بکارگیری آن در فرایند تصمیم‌های حسابرسان و کمک به اهداف آن‌ها در راستای گزارشگری حسابرسی بسیار حائز اهمیت است. وی باور دارد که:

"با افزایش احتمالی جمعیت در سطح جهان به سطوح غیرقابل تصور و به دلیل پیچیدگی ماهیت معاملات، اعمال روش‌های حسابرسی به طور قابل توجهی به نرم‌افزار وابسته خواهد شد. بنابراین، هوش مصنوعی و سیستم‌های خبره در انجام حسابرسی امروزی مفید و شاید اجتناب ناپذیر هستند."

در دو دهه گذشته، تلاش‌های مستمر در توسعه سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی بسیار پیچیده (در قالب سیستم‌های خبره و شبکه‌های عصبی) برای کمک به حسابرسان در قضاوت صورت گرفته است. هدف این سیستم‌ها کمک به حسابرسان برای تصمیم‌گیری بهتر با مراقبت از سوگیری‌ها و حذفیات احتمالی است که معمولاً در فرایندهای تصمیم‌گیری صرفاً دستی رخ می‌دهد. با این حال؛ صرف نظر از ماهیت ابزارها و تکنیک‌هایی که حسابرسان قبل از رسیدن به یک تصمیم خاص استفاده می‌کند، در نهایت مسئولیت قضاوت بر عهده حسابرسان است. همان‌طور که در مورد حسابرسانی که برای ایجاد شواهد حسابرسی به عنوان مبنایی برای اظهارنظر حسابرسی به کارشناسان ارزش‌گذاری دارایی‌ها متکی هستند، ابزارهای هوش مصنوعی که توسط حسابرسان استفاده می‌شوند صرفاً به عنوان کارشناس‌های استخدام شده برای انجام یک فعالیت خاص در نظر گرفته می‌شوند.

برخی از مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که مسئولیت اطمینان از ارتباط، قابلیت اطمینان و اثربخشی چنین ابزارهایی برای اهداف حسابرسان بر عهده حسابرسان است. علاوه‌براین، استفاده از سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای قضاوت همانند یک شمشیر دولبه است. بدین معنی که حسابرسان ممکن است مسئول عدم استفاده کافی از یک کمک‌کننده تصمیم‌گیری مدرن برای رسیدن به قضاوتی باشد که اشتباه می‌کند، همان‌طور که ممکن است مسئول استناد به قضاوت خود بر اساس یک سیستم خبره برای قضاوت نادرست باشد. آن‌ها استدلال کردند

که مزایای مختلفی برای حسابرسی از استفاده حسابرسان از سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای حسابرسی شناسایی شده است که شامل کارایی و اثربخشی، سازگاری، ساختار وظایف حسابرسی، بهبود تصمیم‌گیری و ارتباطات، آموزش کارکنان، توسعه تخصص برای افرادی که تازه استخدام شده‌اند و زمان تصمیم‌گیری کوتاه است می‌باشد. با این وجود، با مصاحبه از خبرگان چالش‌هایی از جمله هزینه‌های بالای ساخت، به‌روزرسانی و نگهداری سیستم‌ها، مهار پایگاه دانش مبتدیان، ممانعت از توسعه مهارت‌های قضاوت حرفه‌ای به عنوان مشکلات احتمالی اتخاذ سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی وجود دارد. خطر انتقال ابزارها به رقبا و امکان استفاده از آن‌ها علیه حسابرسان در دادگاه قانونی به دلیل اتکای بیش از حد به شواهد در راستای فرایند تصمیم‌گیری بر عهده حسابرسان است. بنابراین، پیشنهاد مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

"با نگاهی به توسعه و تاثیر هوش مصنوعی بر حسابرسی، با توجه به ادبیات نظری کنونی، از منظری کلی لازم است که پذیرش حسابرسان از اجزای خاص آن (سیستم‌های خبره و شبکه‌های عصبی) در جزئیات بیشتر مورد بررسی قرار گیرد."

در راستای بکارگیری از سیستم‌های خبره^۱ برخی از مصاحبه‌شوندگان بر این اعتقاد دارند که در راستای تبیین معنای سیستم‌های خبره باید گروهی از متخصصان به عنوان انجمن حسابرسان سیستم‌های خبره در کشور تشکیل شود که آن‌ها گروه سیستم خبره را به صورت زیر تعریف کردند.

"یک سیستم خبره به عنوان تجسم یک مؤلفه مبتنی بر دانش در رایانه از یک مهارت خبره در نظر گرفته می‌شود. به گونه‌ای که سیستم می‌تواند مشاوره هوشمندانه ارائه دهد یا تصمیمی هوشمندانه در مورد عملکرد پردازش‌ها ارائه کند. یک ویژگی اضافی مطلوب، که بسیاری آن را اساسی می‌دانند، توانایی سیستم، در صورت تقاضا، برای توجیه خط استدلال خود به گونه‌ای است که مستقیماً برای پرسش‌گر قابل درک باشد. سبکی که برای دستیابی به این ویژگی‌ها اتخاذ می‌شود، برنامه‌ریزی مبتنی بر قانون است."

برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در زمینه سیستم‌های خبره معتقدند که سیستم‌های خبره به عنوان یک نرم‌افزاری است که یک یا چند متخصص را در یک حوزه تصمیم‌گیری خاص ترکیب می‌کنند تا یک توصیه خاص برای مجموعه‌ای از مشکلات در هنگامی که کاربر در تصمیم‌گیری بهتر از زمانی که بدون کمک است ارائه دهند. سیستم خبره ترکیبی از سیستم و فرآیند طراحی شده برای تقلید از قضاوت کارشناسان است. این سیستم با سایر سیستم‌های کامپیوتری متفاوت است زیرا دارای ویژگی‌های خاص مانند تمرکز و کاربرد است. در نهایت؛ نظر کلی مصاحبه‌شوندگان بر این استدلال است که:

"سیستم‌های خبره از دو جنبه اساسی با استفاده از روش‌های کمک به حسابرسان بر اساس روش‌های سنتی در فرایند تصمیم‌گیری متفاوت‌تر هستند. اول، آن‌ها به جای راه‌حل‌های الگوریتمی، بر دانش، که نوعاً به عنوان قوانین تولید می‌شود، تأکید می‌کنند. دوم، دسترسی به این پایگاه دانش را برای استفاده کننده از کمک

¹ expert systems

تصمیم‌گیری فراهم می‌کنند. علاوه بر این، نرم‌افزار سیستم خبره پیچیده قابلیت‌های متعددی را برای تقویت تبادل نظر بین کاربر و سیستم می‌دهد."

بنابراین، انتظار می‌رود که یک سیستم خبره موثر چندین مزیت از جمله درک فرآیندهای وظیفه، افزایش دانش و قابلیت انتقال دانش را برای حرفه حسابرسی فراهم کند. سیستم‌های خبره مورد استفاده در حسابرسی به عنوان سیستم‌هایی در برگیرنده برنامه‌ریزی حسابرسی، آزمون انطباق، آزمون اساسی، فرمول‌بندی نظرات، گزارشگری و تصمیم‌های حسابرسی صاحبکار شناسایی شده است.

۵- مدل‌هایی برای ارزیابی تأثیر استفاده حسابرسان از سیستم‌های خبره

بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، یک چارچوب دوبعدی (مدل ماتریسی) برای پرداختن به تأثیرات چندگانه احتمالی سیستم‌های خبره بر شرکت‌های حسابداری پیشنهاد کردند. این ماتریس شامل سطوح تأثیر (صنعت، سازمان، فرد و وظیفه) از یک سو و از سویی دیگر، دسته‌های تأثیر (کارایی، اثربخشی، تخصص، آموزش و محیط‌زیست) است. دلیل انتخاب سطوح مختلف تأثیر این واقعیت بود که هر نوع کار یا صنعت ممکن است اثرات منحصر به فردی داشته باشد که توسط سیستم‌های خبره ایجاد می‌شود. بنابراین آن‌ها معتقد بودند که چارچوبی مفیدی را برای مطالعه تأثیر فناوری اطلاعات بر روی عملکرد حسابداری ارائه می‌دهد زیرا برخی از عوامل اقتضایی خاص ضروری (وظیفه، صنعت، محیط و اندازه) را در نظر می‌گیرد. این ماتریس از مدل می‌تواند تأثیرات بالقوه بر حسابرسی داشته باشد.

مصاحبه‌شوندگان با در نظر گرفتن مسائل اخلاقی ذاتی در کاربرد سیستم‌های خبره در عملکرد حسابرسی، دیدگاه کاملاً جدیدی را در مورد تأثیر استفاده از سیستم‌های خبره در حسابرسی معرفی کردند. آن‌ها؛ نظریه «خود مسئول» نیبور برای زیربنای دامنه آنچه که به عنوان یک موضوع اخلاقی است و چارچوبی برای شناسایی اقدام مسئولانه در جهت در نظر گرفتن تعاملات مداوم بین گروه‌های ذی‌نفع که تحت تأثیر اجرای سیستم‌های خبره است را در نظر گرفتند. لذا؛ این چارچوب باید برای ارزیابی اقدامات ذی‌نفعان قبل از توسعه سیستم در کنار پیامدهای بالقوه آن برای سیستم مورد استفاده قرار گیرد. همچنین مزایای استفاده از این سیستم‌ها، کمک به ارزیابی تصمیم‌های قضاوت کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان مبتدی است. همچنین ترکیب مناسب کاربر و سیستم‌های خبره منجر به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری می‌شود اما اگر سیستم‌های خبره هوشمند به عنوان یک کمک‌کننده به آن‌ها از کاربر متخصص‌تر باشد برای تصمیم‌گیرنده مبتدی ممکن است مستعد تصمیم‌گیری ضعیف‌تر باشد.

بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، استفاده از سیستم‌های خبره برای کمک در فرایند تصمیم‌گیری پیچیده و ارزیابی ریسک مدیریت کاربرد فراوان دارد. استفاده از سیستم‌های خبره توانایی حسابرسان را برای تمایز بهتر بین شرایط با سطوح مختلف خطر تقلب مدیریت افزایش می‌دهد. بنابراین، سیستم‌های خبره به نظر می‌رسد که از نظر فن‌آوری پیشرفته‌ترین هستند و دقت سطح بالاتری را در ارزیابی چنین خطری ارائه می‌دهند.

۶- دلفی فازی

پس از تهیه لیست پیشران‌های اولیه، با نظرات استادان و خبرگان، پیشران‌های یاد شده در مصاحبه‌شوندگان جمع و تعدیل شدند و در نهایت ۱۲ پیشران در حوزه حسابرسی و علم و فناوری اطلاعات انتخاب و پرسش‌نامه دلفی تهیه و به خبرگان ارسال و تعداد ۲۵ پرسش‌نامه قابل استفاده دریافت گردید. لازم به ذکر است پرسش‌نامه تهیه شده در چندین نوبت توسط خبرگان اصلاح و نظرات آن‌ها در مورد پرسش‌نامه دلفی دریافت و موارد موردنظر لحاظ شدند تا روایی پرسش‌نامه افزایش یابد.

۷- اطلاعات عمومی خبرگان- دلفی فازی

تمامی مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات دکتری حسابداری و حسابرسی و استادان دانشگاه بودند. بنابراین، این افراد هم به دلیل فعالیت در حسابرسی و هم دارا بودن تحصیلات دانشگاهی، از نظر تجربی و نظری افرادی آگاه هستند. همچنین تمامی مشارکت‌کنندگان در اکثر حوزه‌های حسابرسی، حسابداری، حسابداری مدیریت تجربه داشته‌اند.

۸- آزمون پایایی و آزمون دوجمله‌ای

نتایج آزمون آلفای کرونباخ نشان داد با توجه به تعداد سوال‌های بخش فناوری و تعداد ۲۶ نفر خبره مرحله دلفی، آلفای کرونباخ ۷۶ درصد است. همچنین نتایج آزمون نسبت یا دوجمله‌ای نشان داد برای تمامی پیشران‌ها تعداد نظر موافق و مخالف در سطح معناداری ۵٪ با هم برابر نیستند و این نابرابری به نفع نظرات موافق است. از این‌رو، به نظر پاسخ‌دهندگان تمامی پیشران‌های ارائه شده در حوزه حسابرسی و فناوری اطلاعات، هرچند با شدت متفاوت جزء پیشران‌های آینده‌ساز حسابرسی هستند و میانگین امتیازات تمامی پیشران‌ها بیشتر از ۳ است.

همچنین نتایج بر مبنای دلفی فازی بررسی گردید که مراحل آن شامل: گام اول: مشخص کردن کمترین مقدار از هر معیار به عنوان حداقل. گام دوم: مشخص کردن بیشترین مقدار هر معیار به عنوان حداکثر. گام سوم: محاسبه میانگین هندسی هر شاخص. گام چهارم: مشخص کردن عدد میانه (از آنجاکه در پرسش‌نامه از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شد) یعنی ۳ به عنوان آستانه. گام پنجم: محاسبه میانگین فازی با استفاده از روش میانگین فازی برای اعداد فازی ساخته شده در هر معیار. گام ششم: با مقایسه آستانه و میانگین فازی در وضعیتی که آستانه کوچکتر از میانگین فازی شاخص باشد، شاخص پذیرفته می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل دلفی فازی نشان داد تمام پیشران‌های حسابرسی، علم و فناوری اطلاعات به عنوان پیشران‌های آینده‌ساز تایید می‌گردند که در جدول ۱ ارائه شده است.



جدول ۱- آزمون دوجمله‌ای مبتنی بر نظر موافق یا مخالف

پیشران‌ها	تعداد موافق < ۳	تعداد مخالف >= ۳	درصد موافق	سطح معناداری	میانگین
اثرپذیری صنعت در پذیرش فناوری‌های اطلاعات هوش مصنوعی در کسب‌وکارها	۲۳	۳	٪۸۸	۰/۰۰۱	۴/۴۶
تاثیر سازمان در جهت استفاده از شبکه‌های عصبی، داده‌های بزرگ، تحلیل حساسیت	۲۴	۲	٪۹۲	۰/۰۰۰	۴/۸۸
نگرش افراد در استفاده و بکارگیری از فناوری‌های نوین هوش مصنوعی در سازمان‌ها	۲۱	۵	٪۸۱	۰/۰۰۲	۴/۳۸
اثرگذاری وظیفه حسابرسان در استفاده از سیستم‌های خبره هوش مصنوعی	۲۶	۰	٪۱۰۰	۰/۰۰۰	۴/۹۳
تاثیر کارایی	۲۴	۲	٪۹۲	۰/۰۰۰	۴/۷۱
اثر بخشی	۲۵	۱	٪۹۶	۰/۰۰۰	۴/۵۰
تخصص	۱۹	۷	٪۷۳	۰/۰۰۵	۴/۶۴
آموزش و محیط‌زیست	۲۳	۳	٪۸۸	۰/۰۰۱	۴/۰۲
عملکرد حسابداری	۲۵	۱	٪۹۶	۰/۰۰۰	۴/۸۴
وظیفه	۲۳	۳	٪۸۸	۰/۰۰۱	۴/۹۱
محیط شرکت	۲۶	۰	٪۱۰۰	۰/۰۰۰	۴/۹۷
اندازه شرکت	۲۴	۲	٪۹۲	۰/۰۰۰	۴/۹۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای تمامی پیشران‌های مورد بررسی میانگین به دست آمده در حالت فازی بالاتر از حد آستانه، که ۳ می‌باشد است، است بنابراین می‌توان این طور بیان نمود که روی تمامی پیشران‌های شناسایی شده در این پژوهش از دید خبرگان اجماع وجود دارد و هیچ معیاری از نظر خبره‌ها زائد یا ناکارآمد شناسایی نشده است. همچنین تمامی پیشران‌ها بر مبنای میانگین امتیازات رتبه‌بندی شدند که بیشترین مقدار امتیاز مربوط به توسعه نرم‌افزارها و سیستم‌های حسابرسی هوشمند است و دلالت بر این موضوع دارد که در آینده فناوری در سیستم‌های حسابرسی نفوذ خواهد کرد و سیستم‌های حسابداری و حسابرسی هوشمند خواهند شد.

جدول ۲- دلفی فازی و رتبه‌بندی

پیشران	میانگین ساده	رتبه	L	میانگین هندسی	U	آستانه	میانگین فازی	وضعیت
اثربخشی صنعت در پذیرش فناوری‌های اطلاعات هوش مصنوعی در کسب‌وکارها	۴/۴۶	۱	۳	۴/۴۲	۵	۳	۴/۱۹	تایید
تاثیر سازمان در جهت استفاده از شبکه‌های عصبی، داده‌های بزرگ، تحلیل حساسیت	۴/۸۸	۲	۳	۴/۸۴	۵	۳	۴/۶۱	تایید
نگرش افراد در استفاده و بکارگیری از فناوری‌های نوین هوش مصنوعی در سازمان‌ها	۴/۳۸	۳	۳	۴/۳۴	۵	۳	۴/۱۵	تایید
اثرگذاری وظیفه حسابرسان در استفاده از سیستم‌های خبره هوش مصنوعی	۴/۹۳	۳	۳	۴/۸۹	۵	۳	۴/۶۶	تایید
تاثیر کارایی	۴/۷۱	۵	۳	۴/۶۷	۵	۳	۴/۴۸	تایید
اثربخشی	۴/۵۰	۶	۳	۴/۴۶	۵	۳	۴/۲۳	تایید
تخصص	۴/۶۴	۸	۳	۴/۵۹	۵	۳	۴/۳۶	تایید
آموزش و محیط‌زیست	۴/۰۲	۴	۳	۳/۵۸	۵	۳	۴/۳۵	تایید
عملکرد حسابداری	۴/۸۴	۷	۴	۴/۸۰	۵	۳	۴/۵۷	تایید
وظیفه	۴/۹۱	۷	۳	۴/۸۷	۵	۳	۴/۶۴	تایید
محیط شرکت	۴/۹۷	۹	۳	۴/۹۳	۵	۳	۴/۷۰	تایید
اندازه شرکت	۴/۹۵	۹	۳	۴/۹۱	۵	۳	۴/۶۸	تایید

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۹- نتیجه‌گیری و بحث

در پژوهش حاضر روند توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی در حسابرسی با توجه به چالش‌های موجود و مزایای بی‌شمار آن‌ها توسط خبرگان مورد شناسایی و استفاده حسابرسان از سیستم‌های هوش مصنوعی در دستیابی به قضاوت حسابرسی مورد بحث قرار گرفت. به‌طورنمونه؛ مزایای بکارگیری سیستم‌های خبره هوش مصنوعی بر طراحی و نظارت بر سیستم‌های کنترل داخلی، اثربخشی کمیته‌های حسابرسی و پیامدهای استفاده از چنین سیستم‌هایی برای سیستم‌های کوچک، عملیات و بقای موسسات حسابرسی کوچک، آموزش حسابرسی، حسابرسی سازمان بخش دولتی، استقلال حسابرسان و شکاف انتظارات حسابرسی-عملکرد است. پیشرفت و بکارگیری فناوری‌های هوش مصنوعی، الگوهای زندگی و کسب‌وکار متعارف را متحول کرده است و در نتیجه تغییراتی در محیط‌های کسب‌وکار و اجتماعی ایجاد کرده است. بنابراین همه رشته‌ها، حرفه‌ها در حال

بازسازی یا بهبود استراتژی‌های سازمان، محصولات و رویه‌های خود هستند. لذا فناوری‌ها و روش‌های حسابرسی صرفاً زیربخشی را تشکیل می‌دهند که هوش مصنوعی در حال تغییر آن است که این امر می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر اهداف حسابرسی به ویژه در هنگام اظهارنظر صورت‌های مالی و اعمال روش‌های حسابرسی ایجاد کند. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، یک چارچوب دوبعدی (مدل ماتریسی) برای پرداختن به تأثیرات چندگانه احتمالی سیستم‌های خبره بر شرکت‌های حسابداری پیشنهاد کردند. این ماتریس شامل سطوح تأثیر (صنعت، سازمان، فرد و وظیفه) از یک سو و از سویی دیگر، دسته‌های تأثیر (کارایی، اثربخشی، تخصص، آموزش و محیط‌زیست) است. دلیل انتخاب سطوح مختلف تأثیر این واقعیت بود که هر نوع کار یا صنعت ممکن است اثرات منحصر به فردی داشته باشد که توسط سیستم‌های خبره ایجاد می‌شود. بنابراین آن‌ها معتقد بودند که چارچوبی مفیدی را برای مطالعه تأثیر فناوری اطلاعات بر روی عملکرد حسابداری ارائه می‌دهد زیرا برخی از عوامل اقتضایی خاص ضروری (وظیفه، صنعت، محیط و اندازه) را در نظر می‌گیرد. این ماتریس از مدل می‌تواند تأثیرات بالقوه بر حسابرسی داشته باشد.

بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان، بر خلاف بهبود سریع شیوه‌های حسابرسی که توسط فناوری‌های اطلاعات پشتیبانی می‌شود، چارچوب نظریه‌های حسابرسی مدرن هنوز به خوبی در سازمان‌ها تثبیت نشده است و نیازمند مطالعات گسترده توسط متخصصان است. در این راستا، حسابرسان باید هنگام حسابرسی صورت‌های مالی ابتدا اهداف حسابرسی را مشخص کرده و سپس آن‌ها را به دستورالعمل‌های حسابرسی تقسیم کنند تا در نهایت به اهداف حسابرسی دست یابند. دستورالعمل‌های حسابرسی باید برای حسابرسان شواهدی در جهت جمع‌آوری اطلاعات ترسیم نماید. بنابراین، پژوهش حاضر به محققان و دست‌اندرکاران حسابرسی دانش و ابزارهایی برای ایجاد برنامه‌های کاربردی هوش مصنوعی شفاف‌تر در حسابرسی را ارائه می‌دهد.

منابع

- شاملو، زهرا و ناظم، فتاح. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر توسعه سیستم‌های پیش‌بینی تقاضا برای کسب‌وکارهای خرده‌فروشی. تکنولوژی در کارآفرینی و مدیریت استراتژیک، ۲(۱)، ۵-۱۶
- شفیعی، مژگان. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر کسب‌وکارهای حوزه سلامت. مجله پژوهش‌های کارآفرینی، ۱(۱)، ۳۱-۴۶.
- کریمی، اکرم؛ دارابی، رویا؛ پورفخاران، محمدرضا و مقدم، حسین. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رتبه‌بندی کیفیت اطلاعات با رویکرد تحلیل عاملی و هوش مصنوعی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴ (۵۴)، ۱۴۰-۱۰۱.
- نویدی، امیر و قیصری، حمیدرضا. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر هوش مصنوعی (AI) در بهبود بهره‌وری سازمانی. مدیریت پویا و تحلیل کسب‌وکار، ۲(۲)، ۸-۱.

- Agnese, P., Arduino, F.R. and Di Prisco, D. (2024), "The era of artificial intelligence: what implications for the board of directors?", *Corporate Governance*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CG-06-2023-0259>.
- Ahmad, Z., AlWadi, B.M., Kumar, H., Ng, B.-K. and Nguyen, D.N. (2024), "Digital transformation of family-owned small businesses: a nexus of internet entrepreneurial self-efficacy, artificial intelligence usage and strategic agility", *Kybernetes*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/K-10-2023-2205>.
- Alanazi, F., 2023. Development of Smart Mobility Infrastructure in Saudi Arabia: A Benchmarking Approach. *Sustainability* 15 (4), 3158. <https://doi.org/10.3390/su15043158>.
- Al-Hattami, H.M., 2023. Understanding perceptions of academics toward technology acceptance in accounting education. *Heliyon* 9 (1). <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e13141>, 1-11.
- Armutcu, B., Tan, A., Ho, S.P.S., Chow, M.Y.C. and Gleason, K.C. (2024), "The effect of bank artificial intelligence on consumer purchase intentions", *Kybernetes*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/K-01-2024-0145>
- Cintamür, İ.G. (2024), "Acceptance of artificial intelligence devices in banking services: moderation role of technology anxiety and risk aversion", *International Journal of Bank Marketing*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IJBM-10-2023-0563>
- Faccioli, M., Zonneveld, S., Tyler, C.R., Day, B., 2023. Does local Natural Capital Accounting deliver useful policy and management information? A case study of Dartmoor and Exmoor National Parks. *J. Environ. Manag.* 327, 116272 <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2022.116272>.
- Gao, Yubin.; Han, Lirong. (2021). Implications of Artificial Intelligence on the Objectives of Auditing Financial Statements and Ways to Achieve Them. *Microprocessors and Microsystems*, doi: <https://doi.org/10.1016/j.micpro.2021.104036>
- Goodell, J.W., Jabeur, S.B., Sa'adaoui, F., Nasir, M.A., 2023. Explainable artificial intelligence modeling to forecast bitcoin prices. *Int. Rev. Financ. Anal.* 88, 102702 <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2023.102702>
- Han, H., Shiwakoti, R.K., Jarvis, R., Mordi, C., Botchie, D., 2023. Accounting and auditing with blockchain technology and artificial Intelligence: A literature review. *Int. J. Account. Inf. Syst.* 48 (March), 1–16
- Managi, S., Islam, M., Zhang, D., Zaid, Y.B., Saito, O., 2023. Natural capital accounting for sustainable cities. *Sustain. Sci.* 18, 2049–2051. <https://doi.org/10.1007/s11625-023-01356-7>
- Pandey, D.K., Hunjra, A.I., Bhaskar, R., Al-Faryan, M.A.S., 2023. Artificial intelligence, machine learning and big data in natural resources management: a comprehensive bibliometric review of literature spanning 1975–2022. *Resour. Pol.* 86, 104250 <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2023.104250>
- Rajguru, K. (2024), "Artificial Intelligence and the Perspective of Value Creation: Present Research Focus and Future Directions", Matosas-López, L. (Ed.) *The Impact of Digitalization on Current Marketing Strategies (Marketing & Technology: New Horizons and Challenges)*, Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 163-181.
- Stef, N., Basagaoğlu, H., Chakraborty, D., Jabeur, S.B., 2023. Does institutional quality affect CO2 emissions? Evidence from explainable artificial intelligence models. *Energy Econ.* 124, 106822 <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2023.106822>.
- Varzaru, A.A., 2022. Assessing Artificial Intelligence Technology Acceptance in Managerial Accounting. *Electronics* 11 (14), 1–22. <https://doi.org/10.3390/electronics11142256>.



- Wang, B., He, W., An, M., Fang, X., Ramsey, T.S., 2024. Natural capital accounting of land resources based on ecological footprint and ecosystem services value. *Sci. Total Environ.* 170051
- Yu, J., Wang, S., Yang, W., 2023. Natural resources governance and geopolitical risks: a literature review and bibliometric analysis. *Resour. Pol.* 86, 104299 <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2023.104299>.
- Zhang, R., Li, P., Xu, L., Zhong, S., 2023. Reconciling ecological footprint and ecosystem services in natural capital accounting: applying a novel framework to the Silk Road Economic Belt in China. *J. Environ. Manag.* 330, 117115 <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2022.117115>.
- Ben Jabeur, Sami. (2024). Natural capital accounting for sustainability: Bibliometric analysis and explainable artificial intelligence modeling for citation counts. *Journal of Cleaner Production*, <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2024.142138>
- Hashed Abdullah, Abdulwahid Ahmad.; Abdullah, Hashed.; Almaqtari, Faozi A. (2024). The impact of artificial intelligence and Industry 4.0 on transforming accounting and auditing practices. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, <https://doi.org/10.1016/j.joitmc.2024.100218>.

The Research Future of The Use of Artificial Intelligence in Auditing: From the Perspective of Science and Information Technology

Farhad Azizi¹

Received: 03/ January /2025 Accepted: 23/ February /2025

Abstract

Artificial intelligence and its application in the audit of financial statements have had profound consequences on the objectives of the audit and the ways to achieve them. However; In the past, limited to the technologies available in this profession, the objectives of auditing financial statements by conforming to accepted accounting principles, through objective observation and inspection of accounting reports were considered as the only limited approach. With the emergence of artificial intelligence technologies, the objectives of auditing financial statements should be based on ensuring the reliability of accounting information rather than the compliance of accounting reports with the accepted principles of accounting standards. The research method is based on the applied objective, based on descriptive-survey data collection and based on the data type, and the future-making drivers affecting auditing in the field of science and information technology in the next 15 years using expert panel methods, open questionnaire, interview and Delphi Fazi were identified in 2024. To select experts from university professors and specialists in Iran, judgmental and snowball sampling methods were used and sampling continued until theoretical saturation. The results showed that the status of audit systems in Iran is not favorable, and according to the experts, the development of expert systems and intelligent audit systems will be the most important driving forces, and it indicates that in the future, technology will penetrate expert audit systems and audit and accounting systems They will be smart.

Keyword: Future Auditing, Driving Force, Information Technology, Artificial Intelligence

¹ Accounting Department, Safadasht Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author) azizi.f7@gmail.com



واکاو نقش گزارشگری پایداری در کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران

یاسمن خلیلی^۱

محمد تقی کبیری^۲

کرامت الله حیدری رستمی^۳

ابوالفضل مؤمنی یانسری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیده

طی دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه پایدار که اشاره به روابط متقابل ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دارد، توجه بسیاری را به خود جلب نموده است. لذا، در پژوهش حاضر تاثیر گزارشگری پایداری بر کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، در این پژوهش برای سنجش گزارشگری پایداری شرکت‌ها از چک لیست سازمان گزارشگری جهانی و برای اندازه‌گیری کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران از مدل کارایی سرمایه‌گذاری بیدل و همکاران (۲۰۰۹) استفاده گردید.

فرضیه تحقیق نیز با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ و با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش بیانگر آن است که گزارشگری پایداری، کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران را بهبود می‌بخشد.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری پایداری، کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری، توسعه پایدار.

۱. گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران ایران. y_khalili@pnu.ac.ir

۲. گروه مدیریت، دانشکده علوم‌اداری و اقتصادی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. m-kabiri@araku.ac.ir

۳. گروه مدیریت، دانشکده علوم‌اداری و اقتصادی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. heydarirostami@araku.ac.ir

۴. گروه علوم اداری و اقتصادی، دانشکده علوم‌انسانی و علوم ورزشی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد، ایران. (نویسنده مسئول).
a.momeni83@yahoo.com



۱- مقدمه

در طی چند دهه گذشته و با افزایش سطح نگرانی‌ها و آگاهی نسبت به نیاز به توسعه پایدار و همچنین برآورده ساختن انتظارات ذینفعان، شرکت‌ها هدف خود را از به حداکثر رساندن سود به بهینه ساختن اهداف سه‌گانه، یعنی زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی تغییر داده‌اند (رضایی پیت‌نویی و صفری گرایلی، ۱۳۹۸). شرکت‌ها با بهره‌گیری از راهبرد پایداری زیست‌محیطی و انجام نوآوری‌های مختلف از جمله کاهش انتشار کربن و آلودگی، بازیافت منابع طبیعی و حفاظت از منابع انرژی، آب و دیگر منابع طبیعی اقدام به مشارکت در امر حفاظت از محیط زیست نموده و به این ترتیب اقدام به خلق ارزش زیست‌محیطی می‌نمایند. در بحث ایجاد ارزش اجتماعی نیز شرکت‌ها با اتخاذ راهبرد پایداری اجتماعی و انجام پروژه‌هایی در جهت کاهش فقر، عدالت و برابری اجتماعی و جنسیتی در توسعه و سلامت جامعه مشارکت می‌نمایند. این دو راهبرد در کنار راهبردهای اقتصادی زمینه تشکیل راهبرد پایداری شرکت و دستیابی به اهداف سه‌گانه گزارشگری پایداری را فراهم می‌سازند (رای و رای‌چادوری، ۲۰۱۸).

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در هر واحد تجاری باید با توجه به محدودیت منابع و کارایی آن صورت گیرد. توسعه سرمایه‌گذاری‌های کارا با فراهم نمودن رشد و توسعه پایدار، مشکلات اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه را برطرف نموده و از اتلاف منابع کمیاب اقتصادی جلوگیری می‌کند. اما انتخاب طرح‌ها و اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط مدیرانی صورت می‌گیرد که ممکن است براساس منافع شخصی‌شان باشد. به عبارتی دیگر، تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی، مانع انجام سرمایه‌گذاری بهینه و کارا می‌شود (کعیب، ۲۰۲۲). جدائی مالکیت از کنترل شرکت‌ها علاوه بر ایجاد مشکلات نمایندگی، شرایطی را برای مدیران فراهم می‌کند تا به جای تامین منافع سهامداران، در راستای منافع خود عمل کنند (زمیر و همکاران، ۲۰۲۲). مدیران، اطلاعاتی را که منفعی دارد به طور محرمانه نگهداری کرده و سایر اطلاعات را برای سهامداران و دیگران منتشر می‌کنند. از این‌رو، با توجه به این‌که، مدیران بر مبنای عملکرد کوتاه‌مدت خود پاداش می‌گیرند، ممکن است منافع بلندمدت را فدای منافع کوتاه‌مدت کرده و پروژه‌های سرمایه‌گذاری را انتخاب نمایند که کارایی سرمایه‌گذاری را برای شرکت در پی نداشته باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۱).

بر اساس ادبیات موجود، گزارشگری پایداری شرکت از طریق بهبود شفافیت اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، نظارت سرمایه‌گذاران بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران را تسهیل نموده و آنان را قادر می‌سازد که به‌طور کارآمد، پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارای خالص ارزش فعلی مثبت را با سایر پروژه‌های سرمایه‌گذاری مقایسه کنند و مانع از سرمایه‌گذاری مدیران در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی (بیش سرمایه‌گذاری) شوند که این به نوبه خود، میزان انحراف از تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه را کاهش داده و کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد (کعیب، ۲۰۲۲). با این‌حال در اغلب مطالعات داخلی صورت گرفته به این موضوع توجه نشده و یک خلاء تحقیقاتی در این حوزه وجود دارد.

لذا در این پژوهش سعی بر آن است تا تاثیر گزارشگری پایداری بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. پرسش اصلی تحقیق آن است که آیا بین گزارشگری پایداری و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع رابطه چگونه می‌باشد؟ یافته‌های پژوهش ضمن بسط ادبیات نظری موجود در حوزه گزارشگری پایداری شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند موجب درک بهتر سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری از پیامدهای گزارشگری پایداری گشته و در تصمیم‌گیری آنان راهگشا باشد.

۲- مبانی نظری و بسط فرضیه پژوهش

سرمایه‌گذاری عبارت است از ارزش فعلی پول در دوره زمانی، به منظور کسب عایداتی در آینده که به سرمایه‌گذار برای: زمان دریافت وجوه؛ نرخ مورد انتظار تورم؛ عدم اطمینان در پرداخت‌های آتی، پاداش می‌دهد. به‌طور معمول تصمیمات سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها تحت موضوع "بودجه بندی سرمایه‌ای" اتخاذ می‌گردد که عبارت است برنامه ریزی، ارزیابی و انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری که در دوره‌های بلندمدت دارای بازده اند، به عبارت دیگر بودجه بندی سرمایه‌ای، برنامه‌ریزی هزینه‌ای سرمایه‌است و هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌هایی است که صرف سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت می‌شود. ارزیابی مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری نیز، بر عهده مدیران است. مدیران باید به صورتی بهینه در طرح‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که برای شرکت ارزش آفرینی کند؛ به صورت مفهومی، کارایی سرمایه‌گذاری زمانی حاصل می‌شود که شرکت در تمامی طرح‌هایی با خالص ارزش فعلی مثبت سرمایه‌گذاری کند (چن و همکاران، ۲۰۱۱؛ بیدل و هیلاری، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر طرح‌هایی با خالص ارزش فعلی مثبت پذیرفته و طرح‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی رد شوند (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۹). مدیران برای دستیابی به سطح بهینه سرمایه‌گذاری، باید تلاش کنند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست ندهند و هم رضایت سهامداران را جلب نمایند. اما بازارهای ناکارا دارای نواقصی‌اند که سطح سرمایه‌گذاری بهینه شرکت را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت، پدیده "بیش سرمایه‌گذاری" و "یا کم سرمایه‌گذاری" به وجود می‌آید.

کارایی سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذاری در حد بهینه مستلزم آن است که از یک سو، از مصرف منابع در فعالیتهایی که سرمایه‌گذاری در آن به بیش از حد مطلوب انجام شده جلوگیری شود و از دیگر سو، منابع به سمت فعالیتهایی که نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری دارند هدایت شود. به‌طور کلی، به زعم استین (۲۰۰۳) دو معیار نظری برای تعیین کارایی سرمایه‌گذاری وجود دارد اول اینکه، اگر یک شرکت تصمیم به تأمین مالی بگیرد، هیچ تضمینی وجود ندارد که سرمایه‌گذاری کارا و صحیحی با آن انجام شود. مدیران ممکن است با انتخاب پروژه‌های نامناسب در جهت منافع خویش و جهت سوء استفاده از منابع موجود، اقدام به سرمایه‌گذاری ناکارا نمایند. معمولاً، انتخاب پروژه‌های نامناسب شرکت را به سمت بیش سرمایه‌گذاری سوق می‌دهد (جین و همکاران، ۲۰۲۰). دوم اینکه، یک شرکت نیاز دارد برای تأمین مالی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، منابع را جمع‌آوری کند. در یک بازار کارا، همه پروژه‌ها

با خالص ارزش فعلی مثبت باید تأمین مالی شوند. هر چند که محدودیت‌های مالی، توانایی مدیران را برای تأمین مالی محدود می‌سازد (چن و همکاران، ۲۰۱۳)، زیرا شرکت‌های مواجه با محدودیت مالی ممکن است به دلیل هزینه‌های زیاد تأمین مالی، از قبول و انجام پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی مثبت صرف نظر نمایند که چنین اقدامی به کم سرمایه‌گذاری منجر می‌شود.

سهامداران با انتخاب مدیران توانمند، پرداخت حقوق و مزایای انگیزشی، انتظار بازده مطلوب از سرمایه خود را دارند، بدین معنی سهامداران با انتخاب این مدیران انتظار دارند، آنها، در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران (مالکان) تأمین شود. ولی توانایی مدیریتی دارای دو جنبه مثبت و منفی می‌باشد. از جنبه مثبت و براساس دیدگاه قراردادهای کارا انتظار می‌رود هرچقدر مدیران از توانایی بیشتری برخوردار باشند، بهتر بتوانند بازده و ریسک پروژه‌های سرمایه‌گذاری را برآورد نمایند. علاوه بر این، چنین مدیرانی پیش‌بینی که از درآمد و هزینه پروژه‌ها دارند، دقیق‌تر می‌باشد. بطور کلی در چنین دیدگاهی پروژه‌های انتخابی آنها کارتر می‌باشد. ولی از جنبه منفی، بر اساس دیدگاه منفعت طلبی، مدیران توانا، تأکید زیادی بر جایگاه خود داشته و در نتیجه ممکن است پروژه‌هایی را انتخاب نمایند که در وهله اول منافع آنها را تأمین نماید؛ بنابراین ممکن است پروژه‌های سرمایه‌گذاری را انتخاب کنند که از کارایی لازم برخوردار نباشند.

باید توجه داشت تحت شرایط عدم اطمینان، مالکان نمی‌توانند به طور مستقیم تلاش‌ها و میزان ریسک نماینده را مشاهده نمایند؛ بنابراین، در تدوین ساختارهای پرداخت حقوق انگیزشی، مالک به جز توجه به علامت‌های ناشی از برخی شاخص‌های عملکرد، هیچ انتخاب دیگری ندارد. برای مثال، مالک می‌تواند برای استقرار پرداخت‌های انگیزشی از شاخص‌هایی مانند کارایی، سودآوری و صرفه‌جویی هزینه استفاده نماید. اگر چه این شاخص‌ها، فعالیت‌های نماینده را به صورت کاملاً تقریبی نشان می‌دهد و عوامل گوناگونی در وقوع آنها موثر می‌باشند، این همان چیزی است که عدم تقارن اطلاعاتی نامیده می‌شود (ویکراماسینگ و آلاواتاج، ۱۳۹۶). اینجاست که پژوهشگران تلاش می‌کنند با ارائه معیارهای سنجش متخلف، این عدم تقارن را کاهش دهند تا با افزایش امکان نظارت بر عملکرد مدیران، تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه‌تری نیز در شرکت‌ها اتخاذ گردد.

کارایی سرمایه‌گذاری دارای پیامدهای اقتصادی مهمی است. به طور مثال به عقیده ریچاردسون (۲۰۰۶)، بیدل و همکاران (۲۰۰۹) و گودمن و همکاران (۲۰۱۴) کارایی سرمایه‌گذاری از طریق کاهش نوسانات قیمت سهام و ثبات آن به افزایش ارزش شرکت کمک می‌کند. به عقیده وانگ و وانگ (۲۰۱۶) بهبود کارایی سرمایه‌گذاری پیامدهایی همچون افزایش ارزش افزوده اقتصادی و ارزش بازار را در پی دارد. کارایی سرمایه‌گذاری با توجه به اثری که بر رشد ارزش شرکت و عملکرد اقتصادی شرکت دارد، می‌تواند باعث افزایش رونق اقتصادی شرکت‌ها در بازار سرمایه شود (چین و همکاران، ۲۰۲۰). از این‌رو، شناسایی عوامل موثر بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌تواند اهمیت بسزایی داشته باشد.



از سوی دیگر مدیران به طور مداوم با تصمیم‌گیری در مورد چگونگی تخصیص منابع کمیاب شرکت در یک محیط، تأکید بیشتری بر موفقیت بلندمدت دارند. در این دیدگاه، شرکت زمانی ارزش آفرینی می‌کند که روش مدیریتی آن شامل ابعاد و خصوصیات مختلف به ویژه در ارتباط با یکپارچه سازی ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی باشد (بوریت و اسکالتگر، ۲۰۱۰). این موضوع سبب پیدایش مفهوم گزارشگری پایداری شد که خود از مفهوم وسیع‌تری تحت عنوان توسعه پایدار شکل گرفته است. شرکت‌ها شاهد افزایش فشار از سوی سهامداران خود برای افشای پایداری از لحاظ اقتصادی با دوام و سازگار با محیط زیست و اجتماع بوده‌اند. بسیاری از شرکت‌ها اهمیت ارائه اطلاعات غیرمالی مانند افشای پایداری در گزارش سالانه با گزارش جداگانه پایداری را درک کردند و بدین وسیله مشارکت خود را در پایداری نشان دادند (ستایش و مهتری، ۱۳۹۷).

اهمیت دادن سازمان‌ها به نسل‌های آینده در انجام فعالیت‌های خود و نیز مصرف منابع، گامی مثبت در جهت رسیدن به توسعه پایدار بوده و نشانگر تعهد سازمان به اقتصاد جهانی پایدار است. افراد جامعه همچنین از سازمان‌ها انتظار دارند که اثرات فعالیت‌های خود را بر جامعه در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به طور شفاف بیان کنند. یکی از راه‌های بیان فعالیت‌ها و اثرات سازمان می‌تواند ارائه گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت و به طور گسترده‌تر گزارش پایداری شرکت باشد. به طور کلی گزارش پایداری یک گزارش سازمانی است که دربردارنده اطلاعاتی در مورد اثرات مثبت و منفی عملکرد سازمان حول سه محور تشکیل‌دهنده مفهوم توسعه پایدار، یعنی اقتصاد، محیط زیست و اجتماع است و از این طریق سبب تقویت گفت‌وگو بین سازمان و ذی‌نفعان درونی و بیرونی تأثیرگذاری بر ادراک آنها از سازمان می‌شود. این گزارش‌ها در حال حاضر معمولاً به طور منظم (معمولاً سالانه) و داوطلبانه تهیه و منتشر می‌شوند. بر اساس ادبیات موجود، گزارشگری پایداری شرکت از طریق بهبود شفافیت اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، نظارت سرمایه‌گذاران بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران را تسهیل نموده و آنان را قادر می‌سازد که به‌طور کارآمد، پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارای خالص ارزش فعلی مثبت را با سایر پروژه‌های سرمایه‌گذاری مقایسه کنند و مانع از سرمایه‌گذاری مدیران در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی (بیش سرمایه‌گذاری) شوند که این به نوبه خود، میزان انحراف از تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه را کاهش داده و کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد (کعیب، ۲۰۲۲). یافته‌های مطالعه تجربی کعیب (۲۰۲۲) نیز از تاثیر مثبت و معنادار گزارشگری پایداری بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها حکایت دارد. از این رو با توجه به مطالب فوق، فرضیه پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه پژوهش

گزارشگری پایداری بر کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران تاثیر معناداری دارد.



۳- پیشینه تجربی پژوهش

در مطالعات خارجی صورت گرفته مرتبط با موضوع پژوهش گیتاگا (۲۰۲۴) در مطالعه خود با انتخاب نمونه ای متشکل از ۷۷ شرکت از شرکت های فعال در بازار سرمایه کنیا در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۱ دریافت که گزارشگری پایداری و تنوع جنسیتی هیات مدیره تاثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد. یافته های او همچنین نشان داد که تنوع جنسیتی هیات مدیره تاثیر منفی گزارشگری پایداری بر مدیریت سود را تقویت می کند. تیان و تیان (۲۰۲۲) تاثیر گزارشگری پایداری بر اعتبار تجاری شرکت های چینی را مورد مطالعه قرار دادند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۳۲۵۳۴ شرکت- سال مشاهده در بازار سرمایه چین، طی سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰ بوده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که گزارشگری پایداری شرکت ها باعث افزایش میزان اعتبار تجاری آن ها می گردد. کعب (۲۰۲۲) در تحقیق خود با انتخاب نمونه ای از شرکت های فعال در بازار سرمایه عربستان طی سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱، تاثیر سطح گزارشگری پایداری بر کارایی سرمایه گذاری شرکت ها را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق نشان داد که گزارشگری پایداری، کارایی سرمایه گذاری شرکت ها را بهبود می بخشد. محمد و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی تاثیر گزارشگری پایداری بر نگهداشت وجه نقد شرکت های حاضر در بورس سهام مالزی پرداختند. دوره زمانی این تحقیق طی سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ بوده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که گزارشگری پایداری، تاثیر معناداری بر میزان وجه نقد نگهداری شده شرکت ها ندارد. غلامی و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود با انتخاب نمونه ای از شرکت های حاضر در بورس سهام استرالیا طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷، تاثیر افشای گزارشگری پایداری بر هزینه سرمایه شرکت ها را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان داد که شرکت های با کیفیت گزارشگری پایداری بالاتر، هزینه سرمایه کمتری را تجربه می کنند. زمیر و همکاران (۲۰۲۲) تاثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر کارایی سرمایه گذاری شرکت های آسیایی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که افشای مسئولیت پذیری اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری بر کارایی سرمایه گذاری شرکت ها دارد. الیلی (۲۰۲۲) به بررسی تاثیر افشای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر کارایی سرمایه گذاری شرکت های حاضر در بورس سهام امارات، طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که افشای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر کارایی سرمایه گذاری شرکت ها، تاثیر مثبت و معناداری دارد. انگوین (۲۰۲۲) به بررسی گزارشگری پایداری بر مدیریت سود شرکت های شرق آسیا بین سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ پرداخت. با انتخاب نمونه ای مشتمل ۴۱۰ شرکت بورسی، یافته های این پژوهش نشان داد که بین گزارشگری پایداری و مدیریت سود اقلام تعهدی شرکت ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. الهادی و همکاران (۲۰۲۱) با انتخاب نمونه ای از شرکت های آمریکایی طی سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۳، تاثیر قابلیت مقایسه صورت های مالی بر کارایی سرمایه گذاری شرکت ها را بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که قابلیت مقایسه صورت های مالی، کارایی سرمایه گذاری شرکت ها را بهبود می بخشد. پارک و همکاران (۲۰۲۱) تاثیر تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر افشای گزارشگری پایداری شرکت های هندی را مورد مطالعه قرار دادند. نمونه آماری این پژوهش شامل

۲۱۲ شرکت فعال در بورس سهام هند طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ بوده است. با بکارگیری تحلیل رگرسیون چند متغیره، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حضور مدیران زن در ترکیب هیئت مدیره شرکت‌ها باعث بهبود سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها می‌گردد. کومار و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان "عوامل موثر بر افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها" و با انتخاب نمونه‌ای از شرکت‌های حاضر در بازار سرمایه هند طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ دریافتند که عوامی نظیر اندازه شرکت، اهرم مالی، سن شرکت و ساختار مالکیت تاثیر معناداری بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارد. کاشف شاد و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود با انتخاب نمونه‌ای شامل ۴۱ شرکت حاضر در بورس سهام مالزی طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷، تاثیر افشای گزارشگری پایداری بر هزینه بدهی شرکت‌ها را مورد آزمون قرار دادند. نتایج بدست آمده در این تحقیق بیانگر آن است که شرکت‌های با سطح افشای گزارشگری پایداری بالاتر، هزینه بدهی کمتری را تجربه می‌کنند. جین و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق خود با استفاده از اطلاعات نمونه‌ای متشکل از ۱۶۰۸۰ شرکت - سال مشاهده، تاثیر کیفیت کارکنان بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دادند. دوره زمانی تحقیق طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق نشان داد که کیفیت کارکنان، کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد. شهزاد و همکاران (۲۰۱۹) با انتخاب نمونه‌ای از شرکت‌های حاضر در بورس سهام پاکستان طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بکارگیری موسسات حسابرسی باکیفیت، کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد.

در پژوهش‌های داخلی صورت گرفته فتحه و حیدری نیا (۱۴۰۳) در مطالعه ای تأثیر عملکرد پایداری بر مدیریت سرمایه در گردش را بر روی نمونه ای مشتمل بر ۱۳۳ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار داده و دریافتند که عملکرد پایداری بر چرخه تبدیل نقدینگی، متوسط دوره وصول مطالبات و متوسط دوره پرداخت بدهی‌های شرکت‌ها تأثیر معکوس دارد. نتایج پژوهش مشایخ و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که بین کیفیت اقلام تعهدی و سرمایه‌گذاری حقوقی با کارایی سرمایه‌گذاری در بانک‌های عضو بازار سرمایه ایران رابطه معناداری وجود دارد؛ علاوه بر این یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که بیش سرمایه‌گذاری بر رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و سرمایه‌گذاری حقوقی با کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد. اشرفی و عباسی (۱۴۰۱) تاثیر بشردوستی شرکتی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را بررسی نمودند. در این تحقیق، ۱۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ برای نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین بشردوستی شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. حسینی سوره و مولایی قولنجی (۱۴۰۰) به بررسی رابطه اعتبار تجاری و سلامت مالی با کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بدین منظور، ۱۱۰ شرکت از طریق نمونه‌گیری به روش حذف سیستماتیک برای دوره زمانی ۷ ساله بین ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ انتخاب گردیدند.

نتایج تحقیق نشان داد که اعتبار تجاری با سرمایه‌گذاری بیش از حد، رابطه منفی و معنادار اما با سرمایه‌گذاری کمتر از حد، رابطه مثبت و معنادار دارد. یحیی‌زاده‌فر و همکاران (۱۳۹۹) رابطه بین نقدشوندگی سهام و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و کارایی سرمایه‌گذاری را برای نمونه‌ای متشکل از ۱۳۰ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که نقدشوندگی سهام رابطه مثبتی و معناداری با سرمایه‌گذاری شرکت دارد. علاوه بر این، نقدشوندگی می‌تواند از طریق کاهش هزینه‌ها و تسهیلات مالی بهتر از فرصت سرمایه‌گذاری استفاده کند و منجر به کارایی سرمایه‌گذاری شود. رضایی پیتته نوئی و صفری گرایلی (۱۳۹۸) طی پژوهشی تأثیر عضویت در گروه‌های تجاری بر گزارشگری پایداری شرکت‌ها را با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های ترکیبی بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که عضویت در گروه‌های تجاری موجب بهبود سطح گزارشگری پایداری شرکت‌ها می‌گردد. نیک کار (۱۳۹۸) تأثیر رقابت بازار محصول بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمود. بدین منظور، داده‌های مربوط به ۱۱۸ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که شاخص هرفیندال و هیرشمن، شاخص لرنر، شاخص موانع ورود به صنعت و شاخص کیوتوبین، تأثیر منفی معناداری بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت دارد. یبلویی خمسلویی و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر گزارشگری پایداری بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سطح افشای گزارشگری پایداری تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت سود دارد. معصومی و همکاران (۱۳۹۷) عوامل مؤثر بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۳۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق بیانگر آن است که متغیرهای اندازه شرکت، نقدینگی، سهامداران نهادی و دوگانگی وظایف مدیرعامل بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری دارند. همچنین عمر شرکت، دارایی نامشهود و استقلال هیات مدیره بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارند. فخاری و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را بررسی نمودند. قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۳ است که در مجموع ۹۰ شرکت فعال در صنایع مختلف، نمونه پژوهش را تشکیل داده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که افشای مسئولیت اجتماعی موجب بهبود کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌گردد.

۴- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر، پژوهشی کاربردی بوده و از نظر طبقه‌بندی بر مبنای روش، تحقیق توصیفی محسوب می‌شود و از میان پژوهش‌های توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را کلیه شرکت‌های



پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ تشکیل می‌دهد. نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

(۱) شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۷ بوده و تا پایان سال ۱۴۰۱ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.

(۲) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

(۳) طی دوره‌های مورد نظر تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداشته باشند.

(۴) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی نباشند

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۱۷ شرکت به‌عنوان نمونه آماری مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب گردید. جدول ۱ فرآیند انتخاب نمونه آماری پژوهش را به تصویر می‌کشد:

جدول ۱- فرآیند انتخاب نمونه آماری

ردیف	شرح	تعداد شرکت‌ها
۱	کل شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۴۰۱ عضو بورس بودند.	۴۵۳
۲	از ابتدای سال ۱۳۹۷ در بورس اوراق بهادار پذیرفته نشده باشد.	(۹۵)
۳	سال مالی آن منتهی به پایان اسفندماه نباشد.	(۸۱)
۴	تغییر سال مالی و یا تغییر فعالیت داده باشد.	(۷۲)
۵	جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی باشند.	(۸۸)
۶	تعداد نمونه آماری انتخاب شده	۱۱۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همچنین داده‌های موردنیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشتهای توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نیز از نرم‌افزار رهاورد نوین استخراج گردید. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای اقتصادسنجی Eviews و Stata استفاده شده است.

۵- متغیرها و مدل پژوهش

در این تحقیق، به منظور آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره زیر که برگرفته از پژوهش کعب (۲۰۲۲) می‌باشد، استفاده شده است:

(۱)

$$INV_EFF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SUSR_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 BIG_{i,t} + \beta_5 ROE_{i,t} + \varepsilon_i$$

که در مدل فوق:

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش کارایی سرمایه‌گذاری (INV_EFF) شرکت‌هاست. کارایی سرمایه‌گذاری، زمانی وجود دارد که انحرافی از سطح سرمایه‌گذاری مورد انتظار وجود نداشته باشد (بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). در پژوهش حاضر، کارایی سرمایه‌گذاری از طریق مدل زیر محاسبه شده است:

$$Inv_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta SaleGrowth_{i,t} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

در مدل فوق:

$Inv_{i,t}$: نسبت تغییر در خالص دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاری بلندمدت بر میانگین کل دارایی‌های شرکت i در سال t و $\Delta SaleGrowth_{i,t}$: تغییرات در فروش شرکت i در سال t نسبت به سال قبل می‌باشد. مبانی نظری مدل فوق بر این نکته استوار است که فرصت‌های رشد شرکت باید سرمایه‌گذاری‌های جدید شرکت را توجیه نماید. در صورتی که فرصت‌های رشد نتواند سرمایه‌گذاری‌ها را توضیح دهد، مقادیر خطای حاصل، ناکارایی سرمایه‌گذاری را نشان خواهد داد.

پس از برآورد مدل رگرسیونی فوق، مقادیر خطاهای مدل برای هر شرکت - سال ($\varepsilon_{i,t}$)، محاسبه و به عنوان معیار ناکارایی سرمایه‌گذاری به دست می‌آید. سپس مقادیر کارایی سرمایه‌گذاری (INV_EFF) بعد از طی مراحل فوق و به صورت منفی (قرینه) قدرمطلق مقادیر باقیمانده (خطاها) مدل فوق برای هر شرکت - سال، محاسبه می‌گردد. یعنی:

(۳)

$$INVEFF_{i,t} = -|\varepsilon_{i,t}|$$

متغیر مستقل

گزارشگری پایداری شرکت‌ها (SUSR) به عنوان متغیر مستقل این پژوهش در نظر گرفته شده است. برای محاسبه شاخص گزارشگری پایداری شرکت‌ها با توجه به ماهیت افشاگری در ایران، از چک لیست افشای گزارشگری پایداری سازمان گزارشگری جهانی (GRI)، بکار گرفته شده در پژوهش‌های معصومی و همکاران (۱۳۹۷) و یبلویی خمسلویی و همکاران (۱۳۹۷) که با توجه به محیط گزارشگری کشور تعدیل شده، استفاده گردید. به طوریکه ابتدا با مشاهده صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی و گزارش فعالیت هیئت مدیره شرکت‌های نمونه، وجود یا نبود اقلام موجود در چک لیست بررسی گردید. به طوری که، اگر اقلام پایداری طبق چک لیست افشا شده باشند، امتیاز

یک و اگر افشا نشده باشند، امتیاز صفر در نظر گرفته خواهد شد. در نهایت، امتیاز گزارشگری پایداری هر شرکت از تقسیم جمع امتیاز متعلق به هر شرکت بر کل موارد قابل افشاء بدست می‌آید. به‌طوری‌که:

$$CSU_{i,t} = \frac{\sum_{i=1}^n Y_i}{\sum_{i=1}^m T_i} \quad (4)$$

که در آن:

$CSU_{i,t}$ = امتیاز گزارشگری پایداری شرکت i در سال t ،

$\sum_{i=1}^n Y_i$ = کلیه موارد افشا که شرکت از آن امتیاز یک را گرفته و

$\sum_{i=1}^m T_i$ = کل موارد قابل افشاء می‌باشد.

عناوین کلی چک لیست گزارشگری پایداری بکار رفته در پژوهش به همراه تحلیل هر یک، در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲- چک لیست افشاء گزارشگری پایداری شرکت

عنوان کلی	تحلیل
زمینه فعالیت شرکت	ماهیت کسب و کار و فعالیت، محصولات و خدمات اصلی، بازارهای اصلی و نقش و موقعیت سازمان، محل و موقعیت کارخانه اصلی و انجام عملیات، شکل قانونی، نوع مالکیت و شعبات شرکت و ... ساختار سازمانی، گستردگی جغرافیایی و حوزه فعالیت‌ها، تغییرات احتمالی در زمینه فعالیت شرکت مانند تغییر اندازه، فعالیت‌ها، ادغام و مانند آنها، تاریخچه فعالیت شرکت.
اصول اساسی گزارشگری	دوره گزارش دهی، دامنه گزارش، شخصیت گزارشگر، مرزها و محدودیتها، مخاطبان هدف گزارش.
پوشش ویژگی‌های کیفی گزارشگری	مربوط بودن، قابلیت اتکا، شفافیت، قابل مقایسه بودن، به موقع بودن، قابلیت تایید.
طراحی یک ساختار اثر بخش گزارشگری	گزارش باید دارای یک ساختار منطقی باشد به طوریکه با پیام اصلی گزارش که قرار است به مخاطب برسد و با نیازهای اطلاعات آنها مرتبط باشد. ترتیب فصول به گونه‌ای باشد که در پایان یک داستان کامل از سازمان را بازگو نماید. ساختار گزارش باید به گونه ای باشد که موضوعات بیان شده و ترتیب آنها در خواننده این حس را به وجود آورد که گزارش دارای ساختار منظم و منطقی است.

عنوان کلی	تحلیل
خوانا بودن گزارش	زبان مورد استفاده در گزارش باید برای ذینفعان قابل درک و روان باشد. به همراه متن اصلی و هر جا لازم بود از نمودار، تصاویر گویا، نشانگرها با هدف قابل فهم سازی بیشتر گزارش و به صورت واقعی و مربوط استفاده شود.
امکانات خواندن سریع	گزارش باید دارای خلاصه ای موجز باشد و شامل مواردی بشود که به خواننده اجازه می دهد که در زمانی کوتاه و به طور اثربخش مهمترین پیام های گزارش را دریافت نماید. نشاگرهای کلیدی شامل اطلاعات کمی با بیشترین خاصیت مربوط بودن، که نشاندهنده روندهای گذشته فعالیت ها و جهت حرکت سازمان در آینده باشد.
ذینفعان اصلی و گزارش به مخاطبان هدف	گزارش شامل گروه های کلیدی ذینفعان سازمان و نگرانی ها و چالش های آنها باشد. ذینفعان موضوعات مختلف متفاوت است. برخی نگران محیط زیست و برخی نگران جامعه یا موضوعات اقتصادی هستند. ذینفعان ممکن است محلی، ملی و یا حتی بین المللی باشند. برخی ذینفعان کلیدی شامل کارکنان، اتحادیه های کارگری، مشتریان، مصرف کنندگان، عرضه کنندگان مواد اولیه، پیمانکاران، سرمایه-گذاران، تحلیل گران، نهادهای مالی و سرمایه گذاری، مراکز دولتی و قانون-گذاری، سازمان-های محلی، ملی و بین المللی، همسایگان، سازمانهای غیر دولتی، اتحادیه-های تجاری و اصناف و .. هستند.
موضوعات مربوط (جنبه‌های با اهمیت)	موضوعات مربوط می‌تواند ماهیت و اثراتی محلی، منطقه ای، ملی و جهانی داشته باشند، موضوعات مربوط می‌توانند کوتاه مدت و یا بلندمدت باشند. موضوعات مربوط در رابطه زنجیره عرضه و زنجیره ارزش شرکت و تولیدات و خدمات اصلی آن هستند. این موضوعات ممکن است به کل صنعتی که شرکت در آن فعالیت می کند نیز مربوط گردند. موضوعات مربوط به محیط زیست می تواند شامل انرژی، آب، مواد خام مورد استفاده، ضایعات و فاضلاب و تأثیرات آن، تولید گازهای گلخانه ای، تغییرات آب و هوا، جنگل ها و مراتع و ... باشد. موضوعات مربوط به جامعه می تواند شامل تأثیرات و موضوعات مربوط به حقوق بشر، فعالیت های کارگری، جنبه-های اجتماعی فعالیت های شرکت مانند نابرابری ها، فقر یا رفاه باشد. موضوعات مربوط به اقتصاد می-تواند شامل جریان وجوه نقد مربوط به ذینفعان مختلف و یا سرمایه-گذاری ها، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی و مالی گروه های مختلف ذینفع باشد. تأثیر سازمان بر آموزش و بیکاری جزء موضوعات مربوط است.
چشم‌انداز توسعه پایدار و استراتژی‌ها	اهداف و ارزش های سازمانی که در مورد اهداف و ارزش های اقتصادی، جامعه، محیط زیست و ... باشد باید به روشنی تدوین گردد. استراتژی کسب و کار سازمان شامل دیدگاه سازمان در قبال محیط زیست، جامعه و اقتصاد می باشد. در این استراتژی به چگونگی حل مشکلات پایداری اشاره شده است. در استراتژی های پایداری برنامه های



عنوان کلی	تحلیل
	تحقیق و توسعه برای تکنولوژی‌های جدید، نوآوری‌های اجتماعی و خدمات جدید و برنامه‌های پژوهشی مانند ارتباط با دانشگاه موجود است. استراتژی‌های بازاریابی و مشارکت با سایر گروه‌ها و شرکت‌ها و برنامه‌های اجتماعی شرکت ممکن است در استراتژی‌های سازمانی دیده شود.
تعهدات تدوین شده برای مدیران ارشد (اصول، ارزش‌ها و سیاست‌ها)	ارزش‌ها و اصول سازمانی، بیانیه‌های فراگیری هستند که مدیران ارشد آنها را به عنوان پایه‌ها و هسته اصلی برای حداکثرسازی و دستیابی به اهداف سازمان دنبال می‌نمایند. سیاست‌ها، مدیران را هدایت یا راهنمایی می‌کنند و نشان دهنده نحوه رفتار کارکنان با ذینفعان داخلی و خارجی در انجام فعالیت‌های مختلفشان هستند. سازمان‌ها ممکن است از یک سری آیین‌های رفتار حرفه‌ای پیروی نمایند. در این بیانیه‌ها تعهدات مدیران ارشد و مدیران سطوح مختلف در مقابل ذینفعانشان ذکر می‌گردد.
مسئولیت‌ها و ساختارهای سازمانی	ساختار سازمان در گزارش کمیته‌ها، تیم‌ها و قسمت‌های مختلف سطوح سازمانی و برای مسائل مختلف پایداری تشریح می‌شود.
اقدامات بهبودی	اهداف به صورت کمی یا کیفی بوده و شامل اهداف ۳، ۵ یا ۱۰ ساله خواهد بود. این اهداف با چشم‌انداز پایداری، استراتژی‌های کسب و کار، استراتژی‌های مالی و سایر موضوعات مربوط به آینده مرتبط است و الزامات قانونی را نیز در نظر می‌گیرد. برنامه عملیات شامل فعالیت‌هایی است که سازمان باید جهت دستیابی به بهبود و موضوعات مربوط انجام دهد. برنامه عملیات شامل تشریح برنامه‌ها و نحوه سازماندهی و نحوه حرکت و دستیابی اهداف و مدیریت و کنترل است. در برنامه‌ها چگونگی استفاده کارا از منابع، مأموریت و رسالت سازمان، راه‌های جلوگیری از اتلاف و ضایعات، عملیات در راستای زنجیره ارزش افزوده و چرخه حیات تجاری تولیدات و خدمات توضیح داده شده است.
سیستم‌های مدیریت و فرایندهای کسب و کار یکپارچه	سیستم‌های مدیریت در راستای مسائل پایداری و موضوعات مرتبط شرح داده شده و ویژگی‌های عناصر مختلف سیستم و چگونگی انجام وظایف شرح داده شده است. فرایند تجاری شامل بازاریابی، طراحی و توسعه، تدارکات، انبارداری، تولیدات، توزیع، فروش، خدمات پس از فروش و ... و همچنین مسائل مالی و تامین مالی، کنترل‌ها و مدیریت منابع انسانی هستند. بعلاوه چگونه یکپارچه سازی مسائل پایداری با فرایندهای تجاری و رویه‌ها در گزارشات پایداری توضیح داده می‌شود.
تشریح مدیریت ریسک‌ها و فرصت‌ها	موارد مربوط شامل ریسک‌ها و فرصت‌های کوتاه مدت و بلندمدت سازمان است.
نوآوری برای پایداری بیشتر	در گزارش نوآوری‌ها و تلاش‌های صورت گرفته برای بهبود و ابداع و معرفی تولیدات و خدمات جدید گزارش می‌گردد. این موارد به گونه‌ای است که حرکت به سمت

عنوان کلی	تحلیل
	بهبود محیط زیست و جامعه را تحقق می‌بخشد. نوآوریهای اجتماعی و تکنولوژیک در فرایند توسعه بسیار مهم هستند و منجر به توسعه پایداری سازمان می‌شوند. نوآوری شامل طراحی محصولات و خدمات، تحقیق و توسعه، فرایندهای تولیدی، فروش و بازاریابی می‌گردند. فرایندهایی مانند تولیدات پاک، کایزن، چرخه کنترل، S۵ و .. نمونه‌هایی از فرایندهای وآورانه هستند.
زنجیره عرضه/ارزش پایدار	گزارشات پایداری شامل مشارکت سازمان با مشتریان و ارتباط آنها با عرضه کنندگان و پیمانکاران برای اطمینان از حرکت به سمت پایداری در طول زنجیره عرضه و ارزش است. به طور نمونه استخراج مواد اولیه، فرایندهایی که توسط عرضه کنندگان مواد اولیه و پیمانکاران به کار گرفته می‌شود، در استفاده به وسیله مشتریان و استفاده کنندگان، در توزیع و ارزشگذاری. گزارش پایداری نحوه انتخاب و چگونگی تعامل با عرضه کنندگان و پیمانکاران و فرایندهای ارزیابی آنها و برنامه‌های زنجیره عرضه ارزش را نمایش می‌دهد. این گزارش نتیجه گفتگوهای صورت گرفته با شرکت های همکار و مشتریان در راستای پایداری را تشریح می‌کند. گزارش اثرات اجتماعی مانند حذف کار کودکان، ایمن سازی محیط کار، بهبود شرایط کار، رفع تبعیضات کاری و حقوقی میان کارکنان و توسعه آموزش را در سازمان تشریح می‌نماید
شاخص‌های مالی	گزارش پایداری مستلزم گزارش در مورد عملکرد مالی و جنبه های اقتصادی پایداری است. برخی موارد افشاء شامل هزینه ها و سرمایه گذاری های جاری، مزایای کسب شده یا هزینه های صرفه‌جویی شده در اثر بهبود اندازه گیری و برنامه های مدیریتی اجتماعی و محیطی، مسئولیت مالی در مقابل ریسک های اجتماعی و محیطی و سرمایه گذاری های احتمالی آتی، بازده اقتصادی و نحوه بازپرداخت بدهی ها و بازگشت سرمایه گذاری ها، مالیات و جرایم دولتی، جوایز دولتی، تأثیرات محیطی و اجتماعی سرمایه گذاری ها و مالیات، پرداخت های صورت گرفته به سازمان های خیریه، توضیح روندهای مهم و تأثیرات مالی و است.
ارتباطات و مشارکت کارکنان (مدیریت دانش)	مشارکت فعالانه و دخالت کارکنان در برنامه های پایداری در گزارش سازمان نشان داده می‌شود. گزارش چگونگی مشارکت کارکنان با برنامه های پایداری شامل تشریح فعالیت هایی از قبیل اقدامات انگیزشی، آموزش و ارتقاء سطح علمی، آگاهی و فنی کارکنان و ایجاد انگیزه های مالی است. میزان اثربخشی و چگونگی انجام این عملیات و به همان ترتیب سطح رضایتمندی کارکنان، جدیت و پایبندی آنها به برنامه‌های پایداری در گزارش قابل اشاره است. در گزارش نحوه مدیریت دانش در سازمان و فرهنگ سازمانی، کارگاه ها و دوره‌های آموزشی و ساعات آنها، تعداد کارکنان شرکت کننده در کارگاه ها و دوره های آموزشی و اثرات این برنامه ها تشریح می‌گردد.

عنوان کلی	تحلیل
مشارکت و ارتباطات با جامعه مدنی	منظور از جوامع مدنی کلیه گروه‌ها و جوامع غیر دولتی است که می‌توان به طور نمونه از بسیاری از مشتریان، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های ذینفع عمومی نام برد. این موارد شامل همکاری‌هایی با این گروه‌ها می‌گردد که منجر به بهبود شرایط اجتماعی، محیطی و اقتصادی گردد (مانند کاهش نقاط ضعف موجود از قبیل بذهکاری‌ها، نابرابری‌ها و تبعیضات) و افزایش مزایا (مانند بهبود شرایط زندگی، دستیابی به نیازهای اولیه و اطلاعات). برخی از موارد فوق شامل همکاری با انجمن‌های محلی مصرف‌کنندگان، گروه‌های ذینفع عمومی، مبارزه با فقر در قسمت‌های کمتر توسعه یافته محلی یا ملی، کاهش طبقاتی میان فقیر و غنی، کمک به تهیه داروهای مورد نیاز، تهیه امکانات و تسهیلات عمومی و گسترش آنها مانند آب و فاضلاب، برق، گاز و مانند آن است. شرکت در موقع بلایای طبیعی به کمک جامعه و محیط خود بیايد. شرکت با انجمن‌ها و عملیات داوطلبانه سبز همکاری کرده و در پاکسازی محیط زیست، جنگل‌ها و مراتع همکاری داشته باشد.
چارچوب شرایط و قوانین و سیاست‌های عمومی	گزارش شامل قوانین، دستورالعمل‌هایی است که توسط دولت، مقامات قانونگذاری و سازمان‌های ذیربط وضع می‌شوند و شرکت‌ها باید تحت آن قوانین فعالیت نمایند. قوانین تجاری و کسب و کار، استانداردهای مالی، مدیریتی و تکنیکی و دستورالعمل‌های حسابداری از آن جمله هستند.
استفاده اثربخش و بامعنی از واحدهای سنجش و شاخص‌ها	اطلاعات کمی و معنی‌دار عملکرد در مورد عملکرد و پیشرفت عملیاتی واحد تجاری به صورت مشخص و شفاف ارائه می‌گردد. این اقلام برای تصمیم‌گیری مفید بوده و مورد نیاز ذینفعان هستند. برخی از این آمار و ارقام شامل داده‌های مربوط به مواد اولیه و منابع مورد استفاده در فرایندها، محصولات ضایعاتی و معیوب، داده‌های مربوط به تولید گازهای گلخانه‌ای یا فاضلابها، موضوعات مربوط به برنامه‌های اجتماعی و محیط زیست، نسبت‌های مربوط به کارایی و بهره‌وری، شاخص‌های مربوط به چرخه عمر، آمار مربوط به نوسازی و تجدید منابع می‌باشد.
داده‌های کیفی و دقیق خاص	گزارشگری داده‌های با کیفیت و دقیق جزئی از ایجاد اطلاعات قابل اتکاتر است. گزارش عملکرد کمی همچنین شامل توضیحاتی در مورد سیستم جمع‌آوری، چگونگی انجام اندازه‌گیری‌ها و اداره اطلاعات ارائه شده در گزارش می‌باشد و نیز هرگونه ابهام در مورد اطلاعات نیز افشاء می‌شود. این موضوع همچنین قابلیت تفسیر و نتیجه‌گیری از اطلاعات را تعیین می‌نماید؛ به عنوان مثال تعداد اعشارهای با اهمیت ارائه شده برای ارقام، منعکس‌کننده دقت آنها است. تشریح فرایندها، رویه‌ها و سیستم جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های یکپارچه شده و منتقل شده شامل توضیحاتی



عنوان کلی	تحلیل
	در مورد قابلیت ساختاردهی به همه گزارشات شرکت برای اطمینان از یک شکل بود ایجاد داده و ارزیابی داده‌ها است.
نشان دادن روندها	گزارش شامل روندهایی است که حاکی از بهبود یا تضعیف عملکرد شرکت در طی چند دوره می‌باشد. روندها ممکن است سالیانه یا ماهیانه باشد. این ابزار نه فقط اطلاعاتی برای دوره مالی جاری را نشان می‌دهد بلکه اطلاعات مربوط به چند دوره مالی قبل را هم در بر می‌گیرد و به خواننده این امکان را می‌دهد عملکرد دوره‌های گزارشگری مختلف را با هم مقایسه نماید تا بفهمد چه تغییرات قابل توجهی رخ داده است. روندها از طریق جدول‌ها، نمودارها، شکل‌های گرافیکی برای نمایش آسان و قابل مقایسه توسعه عملکرد ارائه می‌گردد. معمولاً روندها و اطلاعات حداقل سه سال اخیر نمایش داده می‌شود. تغییرات در روندها و علت آنها توضیح داده می‌شود.
ایجاد اهداف	منظور از اهداف، عملکرد پیش‌بینی شده آتی واحد تجاری است، که مدیران خود را متعهد به دستیابی به آن می‌دانند. گزارش شامل اهداف تعیین شده و میزان دستیابی به آنها و انحرافات موجود و اهداف آتی است. اهداف آتی شامل اهدافی هستند که برای زمانی در آینده و برای بعد از دوره مورد گزارش تعیین شده‌اند. اهداف آتی در کنار عملکرد گذشته و سطحی از اهداف که در دوره جاری به آن دست پیدا کرده‌اند قرار داده می‌شود. اگر اهداف به صورت کمی و قابل دست‌یابی و بر پایه دلایل منطقی تعیین شوند در تصمیم‌گیری مدیران و سایر ذینفعان مهم خواهند بود.
تفسیرها و محک زنی (بنچ مارکینگ)	تفسیر شامل عملکرد دستیابی شده در زمینه فعالیت‌های شرکت و منطق پشتوانه آن است. بنچ مارکینگ در نظر گرفتن بهترین‌ها در هر زمینه‌ای است. تفسیر و بنچ مارکینگ عملکرد به رهبران این امکان را می‌دهد که بهتر متوجه عملکرد سازمان و نتایج بشوند.
افراد درگیر با ذینفعان (گفتگوها و پیامدهای آن)	مشارکت و درگیر شدن با ذینفعان به معنی تعامل با آنان با هدف اعطای نقش فعالانه‌تر به ذینفعان در فرایند گزارشگری است. روش‌های این تعامل از طریق پرسشنامه، نوشتن نظرات، مشورت، تمرکز روی گروه‌های خاص، بحث و گفتگو از طریق وب، سمینارها و ... است. تعاملات با ذینفعان شامل گفتگوها با یک یا چندین گروه ذینفعان برای دستیابی به تفاهم متقابل و آگاهی از نیازهای اطلاعاتی آنها است. ذینفعان بلقوه در میان مشتریان، عرضه‌کنندگان، کارکنان، سرمایه‌گذاران، مقامات قانونی، گروه‌های عمومی و سازمان‌های غیردولتی قرار دارند. روش‌ها تعاملات باید افشاء شوند.

عنوان کلی	تحلیل
تعادل میان موضوعات و پایداری (جنبه‌های مربوط و سومندی)	گزارش تصویری از سازمان و موضوعات کلیدی پایداری و چالش‌های پیش رو نشان می‌دهد. گزارش موضوعاتی را که با عملکرد سازمان مربوط است را پوشش می‌دهد. میان موضوعات پوشش داده شده در گزارش و ذینفعان کلیدی تناسب منطقی وجود دارد. حوزه‌های خاص، بنگاه اقتصادی و دوره گزارشگری نیز جزء موضوعات اصلی است. میان چالش‌ها و موضوعات حل نشده و داستان موفقیت باید توازن وجود داشته باشد.
نشان دادن ارتباط میان واقعیت	گزارش اهداف عملکردی و اهداف مبتنی بر واقعیت را نمایش داده و اهداف دستیابی شده با توجه به بهبودها و شکست‌ها را تشریح و کلیه واقعیت‌های موجود را نشان می‌دهد. ارتباط با واقعیت از طریق برخی ویژگی‌ها به شرح زیر صورت می‌گیرد: اهداف عملکرد، واقعیات و اهداف قابل دسترسی، پیشنهادات صادقانه و آزادانه، نتایج دستیابی شده واقعی (با توجه به بهبودها و ناکامی‌ها)، شرح اتفاقات به گونه‌ای صحیح و عینی و تشریح افراد واقعی، کسانی که روابط خاصی با سازمان و اطلاعات فراهم شده دارند. گزارش شامل پذیرش واقعیت‌ها و تلاش‌های صورت گرفته برای حل مشکلات است. اهداف دستیابی نشده و مشکلات حل نشده و مشکلات دائمی توضیح داده می‌شود. نقل قول‌هایی از کارکنان و ذینفعان در گزارش درج می‌گردد. از بحث‌های بدون محتوی اجتناب می‌شود.
تواناسازی دسترسی و تعامل برای ارتباط، بازخورد و اطلاعات بیشتر	مکانیسم‌هایی برای ارتباط و بازخورد شامل ویژگی‌هایی ارتباطی و مشوق‌هایی برای هر نوع بازخورد و استفاده از پرسشنامه در نظر گرفته می‌شود. هر چقدر ارتباطات مستقیم‌تر و موثرتر باشد، خوانندگان می‌توانند بازخورد موثرتری داشته باشند و حتی بر روی عملکرد و گزارش آتی واحد تجاری تاثیر داشته باشند. فرصت آفرینی برای اطلاعات به معنی ایجاد امکاناتی برای دسترسی بیشتر خوانندگان به اطلاعات خاص و اطلاعات بیشتر است. هر چقدر اطلاعات خاص‌تری برای استفاده‌کنندگان فراهم گردد، نیازهای اطلاعات به شکل بهتری ارضاء شده و اعتبار بیشتری از گزارشگری حاصل می‌شود.
استفاده از خدمات اطمینان بخشی (تاییدکنندگی)	گزارش و اطلاعات آن به تایید شخص ثالث مستقل برای ایجاد اطمینان میرسد. گزارش پیرامون اعتباردهی به گزارش پایداری افزوده شده و موارد زیر برای آن در نظر گرفته می‌شود: تاییدکنندگان دارای دانش و مهارت کافی در مورد موضوعات مطرح شده در گزارش هستند. گزارش تاییدکنندگی باید شامل حوزه مورد گزارش و رویه‌های مورد استفاده باشد. آیا گزارش تاییدیه به شکلی غیرمبهم و شفاف، واضح و قابل فهم ارائه شده یا خیر.

عنوان کلی	تحلیل
	در مورد چگونگی استفاده از تفسیر و بیانیه اعتباردهی توضیحاتی ارائه شود. در گزارش اعتباردهی نام، مشخصات و آدرس اعتباردهنده، رویه‌های مورد استفاده، دوره مورد گزارش، موضوعات و سایر داده‌های مورد نیاز و لازم ارائه می‌شود.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش برخی از مهم‌ترین متغیرهایی که بر مبنای مطالعات قبلی (کعیب، ۲۰۲۲؛ زمیر و همکاران، ۲۰۲۲؛ جین و همکاران، ۲۰۲۰ و اشرفی و عباسی، ۱۴۰۱) به عنوان عوامل موثر بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها شناخته شده‌اند، به عنوان متغیرهای کنترلی مد نظر قرار می‌گیرند که عبارتند از: اندازه شرکت (SIZE): معادل لگاریتم فروش خالص سالیانه شرکت؛ اهرم مالی (LEV): معادل نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت؛ اندازه حسابرِس (BIG): یک متغیر مجازی بوده که چنانچه حسابرِس شرکت، سازمان حسابرسی باشد؛ مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود. و سودآوری شرکت (ROE): برابر با نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

۶- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۳، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. این آمار توصیفی، در خصوص ۱۱۷ شرکت نمونه طی سال‌های (۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱) است که نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه نمود:

همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، مقادیر میانگین و میانه امتیاز گزارشگری پایداری شرکت‌ها به ترتیب ۰/۴۴۱ و ۰/۴۴۹ می‌باشد. این موضوع مبین این مطلب است که شرکت‌های نمونه از تعداد کل اقلام قابل افشاء گزارشگری پایداری، به‌طور متوسط حدود ۴۴ درصد آن را افشاء می‌کنند.

ملاحظه مقدار میانگین متغیر اهرم مالی نیز حکایت از آن دارد که به‌طور متوسط حدود ۵۷ درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه از محل استقراض، تامین مالی شده‌اند. همچنین، به‌طور متوسط حدود ۴۷ درصد از شرکت‌های نمونه توسط موسسات حسابرسی بزرگ (سازمان حسابرسی)، حسابرسی شده‌اند. علاوه بر این، سود خالص شرکت‌های نمونه به‌طور متوسط، حدود ۱۶ درصد ارزش حقوق صاحبان سهام آن‌هاست.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	کمترین	بیشترین	میانگین	میانه	انحراف معیار
کارایی سرمایه‌گذاری	INVEFF	-۰/۱۸۳	-۰/۰۵۲	-۰/۰۷۹	-۰/۰۷۶	۰/۱۲۵
امتیاز گزارشگری پایداری	SUSR	۰/۳۱۶	۰/۶۲۷	۰/۴۴۱	۰/۴۴۹	۰/۳۰۵
اندازه شرکت	SIZE	۹/۸۱۹	۱۴/۷۰۳	۱۲/۶۴۹	۱۲/۶۳۶	۰/۵۷۴
اهرم مالی	LEV	۰/۲۹۲	۰/۸۰۶	۰/۵۷۱	۰/۵۶۸	۰/۲۱۳
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۴۷۳	۰/۰۰۰	۰/۴۹۹
سودآوری	ROE	-۰/۲۹۷	۰/۴۱۲	۰/۱۶۲	۰/۱۵۷	۰/۲۱۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه

داده‌های این پژوهش به صورت داده‌های ترکیبی می‌باشند، در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص گردد و در صورت استفاده از روش داده‌های تابلویی، به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) برای برآورد مدل مناسب‌تر است، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. همچنین برای تشخیص ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در مدل، به ترتیب از آزمون نسبت درستنمایی (LR) و وولدریج استفاده گردید که نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴- نتایج آزمون‌های مورد استفاده برای مدل پژوهش

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۱۱/۴۱۴	۰/۰۰۰	کارایی روش تابلویی
آزمون هاسمن	۱۸/۹۰۵	۰/۰۰۰	کارایی روش اثرات ثابت
آزمون نسبت درست نمایی	۳۶۶/۰۲	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
آزمون وولدریج	۲/۰۹۷	۰/۱۴۲	عدم وجود خودهمبستگی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول فوق، آزمون F لیمر و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ بوده لذا فرضیه صفر آزمون رد شده و بیانگر آن است که باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. همچنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) لازم است که مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد گردد. نتایج آزمون نسبت درست نمایی و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس است که به منظور رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) برای برآورد مدل استفاده می‌شود. همچنین، سطح معناداری

آزمون وولدریج (۰/۱۴۲) حاکی از عدم وجود خودهمبستگی سریالی در مدل است. علاوه بر این، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل هم خطی بین متغیرهای توضیحی، آزمون هم خطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) موردبررسی قرار گرفت که نتایج این آزمون در جدول ۵ ارائه شده است. زمانی که عامل تورم واریانس کوچک‌تر از ۵ و تلورانس نزدیک به ۱ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی بین متغیرهای مدل است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌گردد، میزان عامل تورم واریانس در کلیه موارد کمتر از ۵ و میزان تلورانس نزدیک به یک است. بنابراین می‌توان دریافت که مشکل هم خطی چندگانه تهدیدی جدی برای مدل محسوب نمی‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش در جدول ۶ نشان داده شده است:

جدول ۵- نتایج آزمون هم خطی برای مدل پژوهش

متغیر	نماد متغیر	عامل تورم واریانس	تلورانس
امتیاز گزارشگری پایداری	SUSR	۱/۳۱	۰/۷۶۳
اندازه شرکت	SIZE	۱/۳۵	۰/۷۴۱
اهرم مالی	LEV	۱/۳۳	۰/۷۵۲
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۱/۳۲	۰/۷۵۸
سودآوری	ROE	۱/۳۷	۰/۷۲۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه تحقیق

متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
عرض از مبدأ	B ₀	۰/۲۱۳	۰/۰۳۹	۵/۳۶۶	۰/۰۰۰
امتیاز گزارشگری پایداری	SUSR	۰/۱۷۱	۰/۰۵۱	۳/۴۱۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۲۷	۰/۰۵۱	۲/۵۱۴	۰/۰۱۲
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۶۲	۰/۰۴۷	-۱/۳۱۶	۰/۱۹۱
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۰/۱۰۲	۰/۰۹۵	۱/۰۶۶	۰/۲۸۹
سودآوری	ROE	۰/۱۴۵	۰/۰۴۸	۳/۰۲۶	۰/۰۰۳
آماره F فیشر		۱۵/۷۱۹			
معناداری آماره F		۰/۰۰۰			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۱۱			
آماره دوربین واتسون		۱/۹۹۲			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

ملاحظه مقدار آماره F در این جدول و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد است. با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل می‌توان ادعا نمود که حدود ۶۱ درصد از تغییرات کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توضیح داده می‌شود. همچنین، بررسی مقدار آماره دوربین‌واتسن (۱/۹۹۲) نیز موید عدم وجود خود همبستگی بین اجزای اخلال مدل رگرسیون می‌باشد.

همان‌گونه که از نتایج جدول نیز مشهود است، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر گزارشگری پایداری (SUSR) مثبت و در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده که حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین گزارشگری پایداری و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌باشد. بر مبنای این شواهد، فرضیه H_0 رد شده و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود.

در خصوص متغیرهای کنترلی مدل نیز همان‌طور که در نگاره فوق نشان داده شده است، متغیرهای اندازه شرکت و سودآوری، با کارایی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت و معناداری دارند.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اصطلاح پایداری، از مفهوم وسیع‌تری با نام توسعه پایدار گرفته شده است. طبق تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل فعلی را برآورده می‌کند؛ بدون آنکه توانایی و حق نسل آینده را در تأمین نیازهایش از محیط زیست و منابع طبیعی به مخاطره اندازد. اهمیت دادن سازمان‌ها به نسل‌های آینده در انجام فعالیت‌های خود و نیز مصرف منابع، گامی مثبت در جهت رسیدن به توسعه پایدار بوده و نشانگر تعهد سازمان به اقتصاد جهانی پایدار است. افراد جامعه همچنین از سازمان‌ها انتظار دارند که اثرات فعالیت‌های خود را بر جامعه در جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیستمحیطی به طور شفاف بیان کنند. یکی از راه‌های بیان فعالیت‌ها و اثرات سازمان می‌تواند ارائه گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت و به طور گسترده تر گزارش پایداری شرکت باشد. به طور کلی گزارش پایداری یک گزارش سازمانی است که دربردارنده اطلاعاتی در مورد اثرات مثبت و منفی عملکرد سازمان حول سه محور تشکیل دهنده مفهوم توسعه پایدار، یعنی اقتصاد، محیط زیست و اجتماع است و از این طریق سبب تقویت گفت‌وگو بین سازمان و ذی‌نفعان درونی و بیرونی تأثیرگذاری بر ادراک آنها از سازمان می‌شود.

بر این اساس در پژوهش حاضر، ارتباط بین گزارشگری پایداری و کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران مورد آزمون تجربی قرار گرفت. برای آزمون فرضیه تحقیق از اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ استفاده شده است، به‌طوری‌که پس از اعمال محدودیت‌های مورد نظر در این تحقیق، نمونه نهایی متشکل از ۱۱۷ شرکت انتخاب شدند. پس از اندازه‌گیری



متغیرهای تحقیق، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر تخمین داده‌های تابلویی برای آزمون فرضیه تحقیق استفاده گردید.

فرضیه پژوهش حاضر، رابطه بین گزارشگری پایداری و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را بررسی نموده است. نتایج آزمون این فرضیه بیانگر آن است که بین گزارشگری پایداری و کارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تایید فرضیه مذکور مبین این مطلب است که گزارشگری پایداری که روش گزارشگری سازمان با تمرکز بر مسائل اقتصادی، زیست محیطی و مسئولیت اجتماعی است، از طریق بهبود شفافیت اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، نظارت سرمایه‌گذاران بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران را تسهیل نموده و آنان را قادر می‌سازد که به‌طورکارآمد، پروژه‌های سرمایه‌گذاری دارای خالص ارزش فعلی مثبت را با سایر پروژه‌های سرمایه‌گذاری مقایسه کنند و مانع از سرمایه‌گذاری مدیران در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی (بیش سرمایه‌گذاری) شوند که این به نوبه خود، میزان انحراف از تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه را کاهش داده و کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد. این یافته، با نتایج بدست آمده از مطالعات قبلی نظیر پژوهش کعب (۲۰۲۲) مبنی بر تاثیر مثبت گزارشگری پایداری بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها، مطابقت دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد که هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری علاوه بر متغیرهای مالی، به گزارشگری پایداری شرکت‌ها نیز توجه نموده و آن را به عنوان عاملی موثر بر بهبود کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند. علاوه بر این به هیات مدیره شرکت‌ها توصیه می‌گردد که با افزایش افشاء اطلاعات مرتبط با ابعاد مختلف گزارشگری پایداری به ذینفعان، ضمن مشروعیت بخشی به عملکرد سازمان، ناکارایی تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را کاهش دهند. درنهایت به سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نهاد نظارتی بازار سرمایه نیز پیشنهاد می‌گردد که با اعمال برخی سیاست‌های تشویقی در خصوص افشاء و گزارشگری اطلاعات مرتبط با پایداری شرکت‌های بورسی، بسترهای لازم برای بهبود شفافیت اطلاعاتی و متعاقباً، بهبود کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را فراهم آورد.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر آن است که علی‌رغم این که بعضی شرکت‌ها ممکن است ابعاد موجود در چک لیست گزارشگری پایداری را به طور مفصل در گزارشات سالیانه خود شرح داده باشند و یا برخی دیگر از شرکت‌ها فقط خلاصه‌ای از آن را افشا کرده باشند، در این تحقیق برای اندازه‌گیری امتیاز گزارشگری پایداری شرکت‌ها از روش کدگذاری استفاده شد که این روش امتیازدهی، بدون در نظر گرفتن کیفیت افشای آن ممکن است مناسب نبوده و بر نتایج تحقیق اثرگذار باشد. همچنین اگرچه در این پژوهش برخی متغیرهای کنترلی که بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها اثرگذار بودند، در نظر گرفته شده و در برآورد مدل لحاظ گردیدند. با این حال، همچنان امکان وجود متغیرهای مرتبط حذف شده وجود دارد که می‌تواند در تعمیم نتایج تحقیق اثرگذار باشد.



باتوجه به نتایج تحقیق و سؤالاتی که طی انجام آن برای محقق مطرح گردید، جهت تکمیل این تحقیق و انجام تحقیقات بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی تاثیر گزارشگری پایداری بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها.
- بررسی تاثیر گزارشگری پایداری بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها.
- بررسی تاثیر گزارشگری پایداری بر نقدشوندگی سهام شرکت‌ها.
- بررسی واکنش بازار سرمایه به کیفیت گزارشگری پایداری شرکت‌ها.

فهرست منابع

- اشرفی، مجید و عباسی، ابراهیم، ۱۴۰۱. رفتار بشردوستانه شرکت و کارایی سرمایه‌گذاری، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۴(۵۵)، صص. ۷۶-۵۵.
- تقی‌زاده خانقاه، وحید، بادآور نهندي، یونس، متقی، علی اصغر و تقی زاده، هوشنگ، ۱۳۹۸. ارائه مدل سنجش کارایی سرمایه‌گذاری شرکت در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی، ۲(۲۱)، صص. ۲۳۷-۲۶۴.
- ثقفی، علی و معتمدی، مجید، ۱۳۹۰. رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری بالا، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴(۱۰)، صص. ۱-۱۴.
- حسینی، محمد و اکبری، محسن، ۱۳۹۷. تصمیمات ناکارای سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های مالی، مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷(۲۷)، صص. ۷۹-۵۵.
- حسینی سوره، میرکاظم و مولایی قولنجی، ایرج، ۱۴۰۰. رابطه اعتبار تجاری و سلامت مالی با کارایی سرمایه گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۵(۱۹)، صص. ۶۶۲-۶۴۲.
- دستگیر، محسن، و ساعدی، رحمان، ۱۳۹۶. تاثیر ضعف کنترل‌های داخلی و شکاف سهامداران کنترلی بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷(۳۴)، صص. ۳۸-۱۷.
- رایلی، فرانک کی و سی برون، کیت، ۱۳۹۶. تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری و مدیریت سبد اوراق بهادار و مهندسی مالی. چاپ سوم. با ترجمه فریدون رهنمای رودپشتی، فرشاد هبیتی و غلامرضا اسلامی بیدگلی. تهران: انتشارات ترمه.
- رضایی پیتة نوئی، یاسر و صفری گرایلی، مهدی، ۱۳۹۸. عضویت در گروه‌های تجاری و گزارشگری پایداری شرکت، دانش حسابداری، ۳۸(۱)، صص. ۱۹۷-۱۶۹.

- ستایش، محمدحسین و مهتری، زینب، ۱۳۹۷. چارچوبی برای کلیات مبانی نظری گزارشگری یکپارچه در ایران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۳۶)، صص. ۸۵-۱۰۶.
- عباسی استمال، محمدرضا، زینالی، مهدی، برادران حسن زاده، رسول و بادآور نهندي، یونس، ۱۴۰۰. تحلیل شکاف فازی عوامل افشاء اطلاعات مربوط به حسابداری توسعه پایدار با رویکرد آمیخته در ایران، دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۸(۱)، صص. ۲۹-۵۲.
- عبدی، مصطفی. کردستانی، غلامرضا و رضازاده، جواد، ۱۳۹۸. طراحی الگوی منسجم گزارشگری پایداری شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۴)، صص. ۲۳-۴۴.
- فتحی، محمد حسین و حیدری نیا، خدیجه، ۱۴۰۳، تأثیر عملکرد پایداری بر مدیریت سرمایه در گردش (شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران)، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۱۰(۳)، صص. ۴۹-۶۸.
- فخاری، حسین. رضائی پشته نوئی، یاسر و نوروزی، محمد، ۱۳۹۵. تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری، راهبرد مدیریت مالی، ۴(۴)، صص. ۸۵-۱۰۶.
- مدرس، احمد و حضارزاده، رضا، ۱۳۸۷. کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۲۱(۲)، صص. ۸۵-۱۱۶.
- مشایخی، بیتا و محمدپور، فرشاد، ۱۳۹۳. کیفیت گزارشگری مالی، سررسید بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری، راهبرد مدیریت مالی، ۲(۷)، صص. ۱-۱۴.
- مشایخ، شهناز، پارسایی، منا و عسکرزاده، پریا، ۱۴۰۲، رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و سرمایه‌گذاری حقوقی بر کارایی سرمایه‌گذاری در بانک‌های عضو بازار سرمایه ایران، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۵(۲)، صص. ۵۹-۸۶.
- معصومی، سید رسول، صالح نژاد، سید حسن و ذبیحی زرین کلایی، علی، ۱۳۹۷. شناسایی متغیرهای مؤثر بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسي، ۱۸(۷۰)، ۱۹۵-۲۲۱.
- یبلویی خمسلویی، مالک، ایزدی نیا، ناصر و عربصالحی، مهدی، ۱۳۹۷. تأثیر میزان شاخص‌های پایداری افشاء شده بر کیفیت سود، دانش حسابداری، ۹(۱)، صص. ۷-۳۴.
- یحیی زاده فر، محمود، علیقلی، منصوره و ذبیحی، فاطمه، ۱۳۹۹. بررسی رابطه بین نقدشوندگی و کارایی سرمایه‌گذاری با توجه به محدودیت مالی و ریسک عملیاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرسي، ۱۲(۴۵)، صص. ۵-۲۲.
- Alhadi, A., Habib, A., Taylor, G., Hasan, M. and Al-Yahyaee, K., 2021. Financial statement comparability and corporate investment efficiency. *Meditari Accountancy Research*, 29(6), pp. 1283-1313.
- Bansal, P., Jiang, G.F. and Jung, J.C., 2015. Managing responsibly in tough economic times: Strategic and tactical CSR during the 2008–2009 global recession. *Long Range Planning*, 48, pp. 69–79.



- Biddle, G., Hilary, G. and Verdi, R. S., 2009. How does financial reporting quality relate to investment efficiency?. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), pp. 112-131.
- [Cancela, B.L., Neves, M.E.D., Rodrigues, L.L., and Gomes Dias, A.C., 2020.](#) The influence of corporate governance on corporate sustainability: new evidence using panel data in the Iberian macroeconomic environment. *International Journal of Accounting & Information Management*, 28(4), pp. 785-806.
- Chen, F., Hope, O.K., Li, Q. and Wang, X., 2011. Financial reporting quality and investment efficiency of private firms in emerging markets. *The Accounting Review*, 2 (48), pp. 112-131.
- Chen, L., Chunlei, L. and Guanyu, W., 2013. Financial constraints, investment efficiency and corporate governance. Empirical evidence from China. *Service Systems and Service Management (ICSSSM)*, 10th International conference.
- [Ellili, N.O.D., 2022.](#) Impact of ESG disclosure and financial reporting quality on investment efficiency. *Corporate Governance*, 22(5), pp. 1094-111.
- Frost, C. A., 2007, Credit rating agencies in capital markets: A review of research evidence on selected criticisms of the agencies. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 22 (3), pp. 469-492.
- [Gholami, A., Sands, J. and Shams, S., 2022.](#) Corporates' sustainability disclosures impact on cost of capital and idiosyncratic risk. *Meditari Accountancy Research*, Vol. ahead-of-print.
- Githaiga, P.N., 2024. Sustainability reporting, board gender diversity and earnings management: evidence from East Africa community. *Journal of Business and Socio-economic Development*, 4(2), pp. 142-160. <https://doi.org/10.1108/JBSED-09-2022-0099>.
- Goodman, T.H., Shroff, N., Neamtiu, M. and White, H.D., 2014. Management Forecast Quality and Capital Investment Decisions. *The Accounting Review*, 89, pp. 331-365.
- Jin, Y., Xing, L. and Gaoliang, T., 2020. Employee Quality, Internal Information and Corporate Investment Efficiency: Firm Level Evidence. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3729988>.
- [Kashif Shad, M., Lai, E., Shamim, A. and McShane, M., 2020.](#) The efficacy of sustainability reporting towards cost of debt and equity reduction. *Environmental Science and Pollution Research*, 27, pp. 22511 -22522.
- Kouaib, A., 2022. Corporate Sustainability Disclosure and Investment Efficiency: The Saudi Arabian Context, *Sustainability*, 14, pp.139- 161.
- [Kumar, K., Kumari, R., Poonia, A. and Kumar, R., 2021.](#) Factors influencing corporate sustainability disclosure practices: empirical evidence from Indian National Stock Exchange. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- Kuzey, C. and Uyar, A., 2017. Determinants of sustainability reporting and its impact on firm value: evidence from the emerging market of Turkey. *Journal of Cleaner Production*, 143, pp. 27-39.
- Linck, J. S., Jeffry, N. and Tao, Sh., 2013. Can Managers Use Discretionary Accruals to Ease Financial Constraints? Evidence from Discretionary Accruals Prior to Investment. *Accounting Review* , 88 (6), pp.256-289.
- [Muhmad, S.N., Mohamad Ariff, A., Abd Majid, N. and Muhamad, R., 2022.](#) Corporate sustainability commitment and cash holding: evidence from Islamic banks in Malaysia. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- Odit, M. P. and Chitto, H. B., 2008., Dose Financial Leverage Influence Investment Decisions?. *Journal of Business Case Studies*, 25(9), pp. 49-60.
- [Pareek, R., Sahu, T.N. and Gupta, A., 2021.](#) Gender diversity and corporate sustainability performance: empirical evidence from India. *Vilakshan - XIMB Journal of Management*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.



- Ray, S. and Ray Chaudhuri, B., 2018. Business group affiliation and corporate sustainability strategies of firms: an investigation of firms in India. *Journal of Business Ethics*, 153(4), pp. 955-976.
- Richardson, S., 2006. Over-investment of free cash flow, *Review of Accounting Studies*, 54(3), pp.159-188.
- [Shahzad, F.](#), [Rehman, I.U.](#), [Hanif, W.](#), [Asim, G.A.](#) and [Baig, M.H.](#), 2019. The influence of financial reporting quality and audit quality on investment efficiency: Evidence from Pakistan, [*International Journal of Accounting & Information Management*](#), 27(4), pp. 600-614.
- Tian, H. and Tian, G., 2022. Corporate sustainability and trade credit financing: Evidence from environmental, social, and governance ratings. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 29 (5), pp. 1896– 1908.
- Zamir, F., Shailer, G. and Saeed, A., 2022. Do corporate social responsibility disclosures influence investment efficiency in the emerging markets of Asia?. *International Journal of Managerial Finance*, 18(1), pp. 28-48.

The Analysis of the role of Sustainability Reporting in CEOs' Investment Decisions Efficiency

Yasman Khalili¹

Mohammadtaghi Kabiri²

Keramat Allah Heydari Rostami³

Abolfazl Momeni Yanesari⁴

Received: 04/ January /2025 Accepted: 24/ February /2025

Abstract

In recent decades, the concept of sustainable development, which refers to the interrelationship of economic, social and environmental considerations, has attracted a lot of attention. Therefore, present study investigates the impact of sustainability reporting on the CEOs' investment decisions efficiency. For this purpose, in order to measure the sustainability reporting, the checklist of the Global Reporting Organization is used, and the model of Biddle et al. (2009) is used to measure the investment decisions efficiency.

The research hypothesis is investigated using a sample consisting of 117 firms listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2019 to 2023 and multivariable regression model based on the panel data technique. The findings indicate that sustainability reporting has a positive and significant effect on the CEOs' investment decisions efficiency.

Keywords: Sustainability Reporting, Investment Decisions Efficiency, Sustainable Development.

¹ Department of Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran. y_khalili@pnu.ac.ir

² Department of Management, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Arak University, Arak, Iran. m-kabiri@araku.ac.ir

³ Department of Management, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Arak University, Arak, Iran. heydarirostami@araku.ac.ir

⁴ Department of Administrative and Economic Sciences, Faculty of Humanities and Sports Sciences, Gonbad-Kavos University, Gonbad, Iran. (Corresponding author). a.momeni83@yahoo.com



تأثیر کمایش ایگو بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان

زهره نظیفی^۱

علی‌رضا مهرآذین^۲

احمد زنده دل^۳

ابوالقاسم مسیح‌آبادی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

چکیده

حسابرسی فرآیندی است که همواره با قضاوت و تصمیم‌گیری همراه است و از آنجا که کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری مرتبط با ویژگی‌های فردی حسابرس می‌باشد، نیاز مبرمی به بررسی بیشتر عوامل رفتاری و حوزه روانشناختی حسابرس وجود دارد؛ کمایش ایگو یکی از ناشناخته‌ترین پیشرفت‌ها در تحقیقات اخیر روانشناختی را نشان می‌دهد. بر این اساس در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر کمایش ایگو بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان پرداخته می‌شود. پژوهش از نظر روش گردآوری داده‌ها، تجربی بوده و در حوزه تحقیقات رفتاری و روانشناختی قرار می‌گیرد. داده‌های مربوط به حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی طی سال ۱۴۰۱ جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های مربوط به کمایش ایگو طی انجام آزمایشات و سناریوهای طراحی شده و آزمون استروپ محقق گردید. نتایج حاکی از این بود که کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی آنها می‌شود. نتایج پژوهش می‌تواند در بسط تئوری‌های هنجاری و توصیفی رفتاری در حسابرسی مدنظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: کمایش ایگو، حسابرس، کمایش، کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری.

۱ گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. accountt.zn@gmail.com

۲ گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول) (a.r.mehrazeen@iau-neyshabur.ac.ir)

۳ گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (ah.zendedel@gmail.com)

۴ گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (massihabadi@gmail.com)



۱- مقدمه

قضاوت و تصمیم‌گیری یکی از موضوعات بااهمیت در تحقیقات رفتاری حسابداری و حسابرسی می‌باشد (بنی‌مهد و مهرانی، ۱۴۰۰). در حال حاضر نیاز مبرمی به شناخت بهتر عوامل تعیین کننده کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری^۱ حسابرسان وجود دارد. چرچ و شفچیک^۲ (۲۰۱۲) گزارش‌های هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت‌های دولتی^۳ را از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ برای هشت شرکت حسابرسی بزرگ در ایالات متحده مطالعه کردند و دریافتند که بااینکه کیفیت حسابرسی به مرور زمان در حال بهبود است، ولی گزارشات مذکور، ۶۴۴ نقص حسابرسی را برای این شرکت‌ها در این دوره زمانی شناسایی و اعلان کرده است. علاوه بر این، کنچال^۴ و همکاران (۲۰۱۳) هم خاطر نشان می‌کنند که "تقریباً هر شکست حسابرسی" را می‌توان به بروز یک خطای در قضاوت منتسب کرد که توسط تیم حسابرسی در طول دوره انجام کار حسابرسی صورت گرفته است. حسابرسی با مواردی مانند خطر، کنترل‌ها، اندازه‌گیری عملیات و مدارک حسابرسی روبرو است که همگی با قضاوت و برآورد همراه هستند (کنچال و همکاران، ۲۰۱۳).

با توجه به ماهیت حسابرسی و این موضوع که قضاوت و تصمیم‌گیری تحت تأثیر ویژگی‌های فردی است (فخاری و فضل‌اله‌پور نقارچی، ۱۴۰۱) انتظار می‌رود حسابرس در فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت خود دچار سوگیری‌های شناختی گردد (خدامی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). ویژگی‌های روانشناختی حسابرسان می‌تواند بر نحوه عملکرد آنها اثر بگذارد. قضاوت حرفه‌ای، پاسخ‌گویی و انگیزش به عنوان ویژگی‌های روانشناختی بااهمیت حسابرسان، از جنبه‌های مهم عمل مبتنی بر شواهد است (مهدوی و سروستانی، ۱۳۹۶). در واقع، مراحل قضاوت حرفه‌ای شامل جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و سرانجام تصمیم‌گیری برای حفظ، تأیید و یا رد گزارش‌های مالی است. دانش کلی نسبت به مسائل حسابرسی، قدرت قضاوت حرفه‌ای حسابرس را افزایش و دیدگاه وی را توسعه می‌دهد (دریائی و خلوصی‌مشفق، ۱۳۹۸). کمایش ایگو^۵ یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در تحقیقات اخیر روان‌شناختی است که براساس نظریه خودکنترلی مطرح شده است و طی آن مغز به علت انجام کارهای ذهنی مختلف از جمله تصمیم‌گیری و خودکنترلی برای جلوگیری از بروز برخی احساسات و اعمال، با کاهش منبع انرژی روبرو می‌شود و خودکنترلی فرد کاهش می‌یابد (هارلی^۶، ۲۰۱۹). براساس این نظریه یک عمل اولیه خودکنترلی می‌تواند خودکنترلی فرد را برای مدتی تخلیه کند، به طوری که بلافاصله بازسازی نمی‌شود. این بازه زمانی را کمایش یا تقلیل ایگو می‌نامند و پس از آن اقدامات خودکنترلی نمی‌توانند مانند قبل در اجرای عملکرد موثر باشند

¹ Judgement & Decision Making (JDM) Quality

² Church, B. K., & Shefchik, L. B

³ Public Company Audit Oversight Board (PCAOB)

⁴ Knechel, W. R

⁵ Ego depletion : در سایر تحقیقات از معادل فرسایش خود(دریائی و همکاران، ۱۳۹۸)، تقلیل من(پوراآقای اردکانی و همکاران، ۱۳۹۴) استفاده شده است.

⁶ Hurley

و عملکرد با اختلال مواجه می‌شود (بامیستر^۱ و همکاران، ۱۹۹۸)؛ لذا انرژی شناختی می‌تواند با استفاده از فرآیند کمایش ایگو کاسته شود (هاگر^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

حسابرسان در محیطی فرسایشی کار می‌کنند، محیطی که نیاز به حجم زیادی از منابع شناختی دارد. محیط حسابرسی مستلزم ویژگی‌های خاصی در منابع شناختی حسابرس است (خواجه‌وی و صالحی، ۱۳۹۸)؛ این وظایف حرفه‌ای حسابرسی، نیازمند تفکر پیچیده و همچنین تصمیم‌گیری‌های دشوار در طول ساعات طولانی و غالباً تحت فشارهای مختلف مثل بودجه، حجم کاری، پاسخگویی و غیره است. همچنین ماهیت کار حسابرسی همچون تغییر بین ذهنیت‌های مختلف برای انجام انواع وظایف حسابرسی (خواجه‌وی و صالحی، ۱۳۹۸)، مشارکت در تعاملات دشوار با مراجعین (بینت و هاتفیلد^۳، ۲۰۱۳)، چندوظیفه‌ای بودن (مالیز و هاتفیلد^۴، ۲۰۱۸) و مقاومت در برابر وسوسه ترک کار و انجام آن با دورکاری نیز مستلزم منابع شناختی بالای حسابرس است. لذا مبانی نظری پیشین از این موضوع حمایت می‌کند که فرآیند حسابرسی می‌تواند باعث کمایش ایگو در حسابرسان شوند (هارلی، ۲۰۱۵). در مراحل مختلف کار حسابرسی، حسابرس باید به هر نوع نشانه‌ای که دلالت بر تحریفی دارد، هوشیار باشد، خواه یک اشتباه مشخص و یا یک خطای غیرمعمول. به عنوان مثال، این واقعیت که مبلغ فروش در بهمن ماه سال مورد حسابرسی به میزان قابل توجهی کمتر از مبلغ فروش در ماه مشابه سال قبل است، باید دلالت بر مسئله و مشکلی داشته باشد که می‌بایست حسابرس به این موضوع هوشیار باشد. مطابق استانداردهای حسابرسی، حسابرسان باید در جریان رسیدگی‌ها و جمع‌آوری شواهد حسابرسی همواره درجه‌ای از مراقبت حرفه‌ای را مدنظر قرار دهند (بنی‌مهد و مهرانی، ۱۴۰۰). حسابرسی یکی از حرفه‌های آسیب‌پذیر در برابر کمایش ایگو است که یک حالت موقتی کمبود منابع شناختی برای خودکنترلی ناشی از خستگی جسمی یا روانی است (مورسیتا^۵ و همکاران، ۲۰۲۰) و با توجه به اینکه حسابرسی شغلی بسیار حساس و با ظرافت محسوب می‌شود که از یک طرف حسابرس باید در انجام وظایف خود دقت بیشتری کند و از طرف دیگر نشانه‌های تقلب را در صورت‌های مالی کشف نماید؛ چنین فشار کاری ممکن است با کاهش قدرت ذهن، به کمایش ایگوی حسابرسان بیانجامد (رجبعلی‌زاده، ۱۳۹۵) و در نتیجه این مسئله ممکن است بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس تأثیر بگذارد (هارلی، ۲۰۱۹).

با توجه به توضیحات، مطالعه کمایش ایگو در رفتار حسابرسان جزء تحقیقات حسابرسی رفتاری است که کمایش ایگو می‌تواند توانایی حسابرسان را در شناسایی حساب‌های تحریف‌شده دچار مشکل کند (کرمین^۶، ۲۰۱۵)، دقت آن‌ها در ارزیابی ریسک را کاهش دهد و حساسیت آن‌ها به توضیحات تقلبی را افزایش دهد (هارلی، ۲۰۱۵) که بروز این پدیده در حسابرسی صورت‌های مالی (یعنی پذیرش اظهارات صاحبکار بدون کسب شواهد کافی)

¹ Baumeister, R. F

² Hagger, M. S

³ Bennett, G. B., & Hatfield, R. C

⁴ Mullis, C. E., & R.C. Hatfield

⁵ Mursita, L. Y

⁶ Kremin, J

می‌تواند تبعات خطرناکی داشته باشد و از آنجا که در ایران ارائه خدمات از قبیل حسابرسی، با حق‌الزحمه نسبت به تورم و وسعت کار خواسته شده تناسب ندارد، تبعات خطرناکتری در بلندمدت برای حرفه خواهد داشت. از این رو پژوهش حاضر به بررسی تأثیر کمایش ایگو بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان یعنی بررسی پیامدهای کمایش ایگو بر حسابرسی می‌پردازد؛ انتظار می‌رود نتایج این پژوهش، اهمیت مشکلات و پدیده‌های روان‌شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته شده در حرفه حسابرسی را بیش از پیش نشان دهد که می‌تواند هشدار قابل توجهی به قانونگذاران باشد.

۲) مبانی نظری پژوهش

۲-۱) کمایش ایگو: مدل خودکنترلی

شخصیت انسان دارای سه ساختار شامل اید^۱، ایگو^۲ و سوپرایگو^۳ است. من یا ایگو به دومین ساختار شخصیت در نظریه فرید^۴ اطلاق می‌شود (لورتو^۵ و همکاران، ۲۰۰۲). عملکردهای ایگو شامل ارتباط با واقعیت، تنظیم و کنترل نیروهای غریزی، روابط موضوعی، پردازش تفکر، عملکردهای دفاعی و عملکردهای ترکیبی و قضاوت است (پرویز و همکاران، ۱۳۹۵). کمایش ایگو یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در تحقیقات اخیر روان‌شناختی است. در اصل این تئوری براساس نظریه خودکنترلی مطرح شده است (هارلی، ۲۰۱۹). خودکنترلی، توانایی کنترل احساسات و رفتار فرد در مقابل وسوسه‌ها و انگیزه‌ها است (دلوسی^۶، ۲۰۱۴). کارکردهای اجرایی خودکنترلی فرآیندهایی شناختی است که به منظور تنظیم رفتار فرد برای دستیابی به اهداف موردنیاز است. خودکنترلی، تحت عنوان کاربرد صحیح هیجان‌ها معرفی می‌شود. نظریه خودکنترلی اذعان می‌کند که تمام اعمال خودکنترلی از یک منبع یکسان با ظرفیت مشخص انرژی می‌گیرند. طبق متون روانشناسی احساسات و عواطف اشخاص در تصمیم‌گیری‌های آنها نقش بالاهمیتی را ایفا می‌نماید. این مهم تا آنجا است که تحقیقات در حوزه روانشناسی نشان دادند که قضاوت و تصمیم‌گیری افراد تحت تأثیر ویژگی‌های فردی - رفتاری افراد بوده و این ویژگی‌ها بر تصمیمات مالی آنها اثرگذار است (چانگ^۷ و همکاران، ۲۰۰۸). از ویژگی‌های شخصیتی، فرآیند خودکنترلی است. در روانشناسی، خودکنترلی، درجه‌ای از باور افراد به کنترل بر اتفاق‌های زندگی است و نقش بسیار مهمی در رفتار افراد دارد (هچ^۸ و همکاران، ۲۰۰۶)؛ به گونه‌ای که حتی اگر فرد نگرش‌های مثبت در مورد یک رفتار داشته و انتظار تایید آن را نیز داشته باشد، در صورتی که احساس کند اجرای آن رفتار فراتر از توانایی و کنترل او است، آن عمل را انجام نمی‌دهد.

¹Id

²Ego

³SuperEgo

⁴Freud

⁵Lavertue NE

⁶Delisi, M

⁷Chung

⁸Hewig

(دولان^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). خودکنترلی به عنوان کاربرد درست هیجان‌ها معرفی شده و اعتقاد بر این است که قدرت تنظیم احساسات موجب افزایش ظرفیت شخصی برای تسکین دادن خود، درک کردن اضطراب‌ها، افسردگی‌ها یا بی‌حوصلگی‌های متداول می‌شود (برمن^۲، ۲۰۱۵). افرادی که معتقد به خودکنترلی قدرتمند هستند، باور دارند که رویدادها در زندگیشان ناشی از اقدامات خود آنها است؛ به‌عنوان نمونه، زمانی که نتایج آزمونی را دریافت می‌کنند، تمایل دارند خود را موردتحسین قرار دهند. در صورتی که بین این رخدادها، پاسخ‌ها و پیامدها فاصله‌ای نباشد یا فاصله کمی باشد (یعنی بین رخدادها، محیطی و رفتاری که فرد انجام می‌دهد) احتیاجی به خودکنترلی نخواهد بود (مرکز مطالعات توانبخشی)؛ بنابراین سازماندهی بر اساس زمان، یکی از ویژگی‌های مهم تعریف خودکنترلی است. تدوین برنامه زمانبندی شده به عنوان پیامدی از مفهوم خودکنترلی به فرد کمک می‌کند تا رفتار آینده را مشخص و سپس برای انجام عمل، مدت زمان لازم را تعیین و برآورد کند و برای مسائل و رویدادهای پیش‌بینی نشده هم مقداری وقت در نظر بگیرد. در واقع، کنترل پیش از عمل، رفتار یا روشی در آموزش و یادگیری است که نشانگر یا تعیین‌کننده رفتار مطلوبی در آینده برای رسیدن به یک هدف است؛ از این رو خودکنترلی و تأثیر آن بر عملکرد شغلی در سطوح فردی و بین‌فردی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. در نتیجه، کمایش ایگو، موضوع مهمی در روانشناسی تجربی به ویژه روانشناسی اجتماعی است و در پژوهش‌های زیادی از نظریه کمایش ایگو براساس مدل قدرت خودکنترلی پشتیبانی شده است (اینگری^۳، ۲۰۱۶).

۲-۲) قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان

سارا بونر^۴ (۱۹۹۸) در کتاب خود با عنوان قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری بیان می‌کند: واژه قضاوت به معنی شکل دادن به دیدگاه درباره یک شی، یک رویداد یا پدیده دیگری است؛ در حسابداری، قضاوت در قالب پیش‌بینی وضع شرایط یا رویداد آینده مانند ورشکستگی یا ارزیابی وضع کنونی است که درباره آن آگاهی کامل وجود ندارد مانند میزان تحریف در صورت‌های مالی؛ به بیان دیگر در حسابداری مانند هر حوزه دیگری باید در جوی آینده از عدم اطمینان اقدام به قضاوت کرد. مقصود از تصمیم این است: آهنگ یا قصد انجام دادن کاری را کردن، ارائه کردن راه حل یک مسئله، مطرح و دست به اقدام زدن. معمولاً فرد پس از قضاوت درباره گزینه‌های پیش رو از نظر اولویت برای عواملی مانند ریسک و پول درباره یک گزینه تصمیم می‌گیرد؛ به بیانی دیگر، قضاوت بازتابی است از باورها، در حالی که تصمیم، باورها و اولویت‌ها را منعکس می‌کند؛ برای مثال یک حسابرس بر اساس باورهای خود درباره تحریف‌های موجود در صورت‌های مالی درباره منصفانه بودن گزارش‌های مالی ارائه شده، قضاوت می‌نماید، آنگاه او درباره نوع اظهارنظر (مربوط به از دست ندادن شرکت صاحب‌کار و شکایت‌های مطرح در دادگاه یا

¹ Dolan

² Berman

³ Engber

⁴ Sarah E. Bonner

دادخواهی‌ها) تصمیم می‌گیرد (پارسائیان، ۱۳۹۵). قضاوت حرفه‌ای در رشته حسابداری به معنای کاربرد دانش و تجربه در چارچوب استانداردهای حسابداری و آیین رفتار حرفه‌ای برای تصمیم‌گیری درباره انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های مختلف است (انجمن حسابداران رسمی کانادا، ۱۹۹۵؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۵). تصمیم‌گیری معمولاً شامل فرآیندی است که در بهترین حالت نیز برای افراد چالش دارد. زیرا بسیاری از تصمیماتی که یک فرد در کار خود با آنها روبه‌رو است دارای پیامدهای اخلاقی هستند (موسباح^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). تصمیم‌گیری یا اقدام احتمالی می‌تواند بر رفاه، منافع و انتظارات شخص دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر بگذارد، به گونه‌ای که ممکن است با یک یا چند اصول اخلاقی در تعارض باشد (پورزمانی و همکاران، ۱۴۰۰). جایگاه اخلاق هر حرفه، امری حیاتی برای پذیرش آن در جامعه است. محققین معتقدند که رفتار و رعایت معیارهای اخلاقی را می‌توان به عنوان هسته علت وجودی هر حرفه در نظر گرفت. این امر برای حرفه حسابرسی نیز مصداق خواهد داشت؛ در جایی که شکست اخلاقی می‌تواند عواقب اقتصادی قابل توجهی داشته باشد و موجب درماندگی مالی گسترده‌ای گردد. لذا اخلاق حرفه‌ای قصد ارائه اصولی حرفه‌ای و ضروری برای مقابله با چنین موقعیتی دارد که فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی یکی از این اصول است (گراسیا مارزا^۲، ۲۰۰۵). امروزه انتظارات جامعه از حرفه حسابداری و حسابرسی افزایش یافته است؛ افزایش انتظارات، این گروه را ملزم می‌نماید که خدمات حرفه‌ای خود را در قالب فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی ارائه دهند (پورزمانی و همکاران، ۱۴۰۰). تصمیم‌گیری اخلاقی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن افراد از قوانین اخلاقی شخصی خود برای تشخیص درست یا نادرست بودن یک عمل خاص استفاده می‌کنند. یک مسئله اخلاقی زمانی به وجود می‌آید که رفتار یک فرد به دیگران کمک کند یا به آنها آسیب برساند. عامل اخلاقی - فردی است که وجود یک موضوع اخلاقی را تصدیق می‌کند و بر اساس قوانین اخلاقی شخصی خود عمل می‌کند. عواملی که یک تصمیم اخلاقی یا غیراخلاقی را تشکیل می‌دهند بین افراد، جوامع و محیط‌ها متفاوت است. در بحث حسابرسی با توجه به پیچیدگی تصمیمات حرفه‌ای و توقعات ذینفعان و استفاده‌کنندگان خدمات حسابرسی، حساب‌رسان در بسیاری از موارد، میان وظایف اخلاقی، در تعارض قرار می‌گیرند. به عبارتی یک تصمیم‌گیری حرفه‌ای، همواره بر مبنای وظیفه اخلاقی نخواهد بود و ممکن است حساب‌رسان، در موقعیت‌هایی قرار گیرند، که هیچ گزینه‌ای یافت نشود مگر اینکه یک وظیفه حرفه‌ای نقض گردد (احمدزاده و یعقوب‌نژاد، ۱۴۰۱). تصمیم‌گیری اخلاقی یک فرآیند درونی بسیار پیچیده است که از میان سایر عوامل شناخته و ناشناخته، تا حدی برانگیخته از باورهای اخلاقی تصمیم‌گیرنده است و همیشه خارج از قواعد برون‌سازمانی تجویزی قرار دارند، بنابراین بسترسازی اخلاقی بر پایه رویکرد وظیفه‌شناسی صرف، نمی‌تواند بایسته‌های ظهور و بروز رفتار اخلاقی را فراهم کنند. در حوزه سیستم‌های مدیریت، حسابداری و حسابرسی، تصمیم‌گیری اخلاقی فرد تحت تأثیر یک‌سری شرایط علی (شرایط اقتصادی و اجتماعی، تورش‌های ذهنی و شناختی، تحصیلات دانشگاهی، خصوصیات

¹ Musbah, A² García-Marzá, D

فردی و اجتماعی و فرهنگ‌سازمانی) قرار دارد و به واسطه راهبردهایی همچون (ابزارهای نظارتی، اصلاح فرهنگی، تدوین آیین‌نامه‌های اخلاقی و برگزاری کارگاه‌های آموزش اخلاق حرفه‌ای) می‌تواند منجر به ایجاد افزایش اعتماد اجتماعی، رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در محیط کار و رشد و توسعه مالی شود. در این جریان برخی مؤلفه‌های زمینه‌ای از جمله (فرهنگ اخلاقی جامعه و محیط) و برخی متغیرهای مداخله‌گر همانند (ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و نوع سازمان) نقش ایفا می‌کنند (رستمی و آذرسعید، ۱۴۰۲).

۳-۲) کمایش ایگو در حوزه حسابرسی

مطالعه کمایش ایگو در حوزه حسابرسی الزامی است. سعیدی‌گراغانی و ناصری (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر تیپ شخصیتی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس در تخصیص بودجه زمانی به حساب‌های حاوی برآورد پرداختند. یافته‌ها نشان داد از بین ابعاد شخصیتی تنها روان‌رنجوری با قضاوت حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌دار داشت. سایر ابعاد شخصیتی همچون برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن رابطه معنی‌داری با قضاوت حرفه‌ای نداشت. یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر ابعاد شخصیتی حسابرسان بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار داد که یافته‌ها نشان داد بعد شخصیتی روان‌رنجوری، انعطاف‌پذیری و توافق‌پذیری اثر معناداری بر مدیریت سود نداشتند، حسابرسان مسئولیت‌پذیر، بهترین نوع حسابرسان برای کاهش مدیریت سود بودند و حسابرسان برون‌گرا، مدیریت سود را افزایش می‌دادند. حسابرسان باید هنگام بررسی توضیحات مشتری و بررسی شواهد ارائه شده توسط مشتری، اطلاعات منحرف‌کننده را نادیده بگیرند تا به شکل موثری به نتایج حسابرسی مناسب برسند؛ چندین پیامد کمایش می‌تواند مانع از توانایی حسابرسان برای ارزیابی مؤثر شواهد شود که عبارتند از: کاهش توانایی نادیده گرفتن اطلاعات حشو و اضافی، کاهش حافظه و هوشیاری و افزایش بار منفی ذهنی حسابرس، کاهش توجه و تمرکز و افزایش استفاده از پردازش اطلاعات تاییدی. ناتوانی حسابرسان در نادیده گرفتن این اطلاعات منحرف‌کننده می‌تواند به طور بالقوه باعث سوگیری کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری آنها شود. حسابرسان ممکن است با توجه به اثرات کمایش بر حافظه مجموعه اطلاعات ناقص یا نادرستی را به دلیل اتکای لازم بر حافظه، به دلیل نگرانی‌های مربوط به کارایی تولید کنند؛ علاوه بر این، نشان داده شده که سوگیری‌های حافظه و ذهن نیز منجر به تولید اسناد جهت‌داری می‌شود که این نیز به نوبه خود باعث سوگیری کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری می‌شود (هارلی، ۲۰۱۹).

مرور یافته‌ها نشان از شکاف تحقیقاتی علوم بین‌رشته‌ای و مطالعه عوامل و پدیده‌های درونی نامشهود روانشناختی در حوزه حسابرسی به خصوص کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری دارد که به لحاظ ماهیت حرفه از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجا که پژوهش حاضر در پی بررسی علل پیدایش پدیده‌های روانشناختی و پیامدهای وارده بر حرفه و کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری می‌باشد، بهره‌وری بیشتری از نتایج خواهد داشت که

اطلاعات سودمندی را برای سیاست‌گذاران حرفه حسابرسی به همراه دارد؛ این ارزش افزوده پژوهش حاضر با بررسی مبانی نظری پژوهش قابل مشاهده است.

همچنین تحقیقات قبلی به جنبه‌هایی مانند کیفیت قضاوت، تأثیر محیط بر روی تصمیم‌گیری‌ها (دولت‌زاعی و همکاران، ۱۴۰۱) و غیره توجه می‌شود و ویژگی‌های مهم اکولوژیکی وظایف حرفه‌ای و محیط حسابرسی را که ممکن است بر اثرات کمایش ایگو تأثیر بگذارد، نادیده گرفته‌اند. به عنوان مثال، تحقیقات روانشناسی قبلی از وظایف پیش پا افتاده‌ای استفاده می‌کنند که بر بازداری تکانه‌ای تمرکز دارند و برای انجام‌دهندگان کار آشنا یا معنی‌دار نیستند. پس ویژگی‌های حسابرسان حرفه‌ای و محیط حسابرسی از جمله واقع‌گرایی در انجام وظیفه، آشنایی و معناداری می‌توانند انگیزه افراد برای انجام کارها را بیشتر کنند و مطالعات قبلی هم نشان می‌دهد که انگیزه می‌تواند با تأثیرات کمایش ایگو مقابله کند (موراوون^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). لذا درک اینکه آیا ویژگی‌های اکولوژیکی می‌توانند (و تحت چه شرایطی)، کاهش یا تشدید عواقب کمایش ایگو را سبب می‌شود نیز مهم است؛ این مهم مستلزم بررسی کمایش ایگو حسابرسان در یک محیط واقعی حسابرسی است که تاکنون تحقیقی با روش شبیه‌سازی زنده در ایران صورت نگرفته است، در پژوهش حاضر با انجام آزمایشات و طراحی سناریوهای واقعی حرفه به بررسی تأثیر کمایش ایگو بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان یعنی بررسی پیامدهای کمایش ایگو در حسابرسی پرداخته می‌شود؛ بررسی عوامل روانشناختی در حرفه حسابرسی می‌تواند موجب بسط تحقیقات رفتاری در این حرفه شود. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی درباره تحقیقات رفتاری در حسابرسی روشن نماید و اطلاعات سودمندی را در اختیار قانونگذاران حرفه حسابرسی قرار دهد.

۴-۲) توسعه فرضیه‌ها براساس مبانی نظری پژوهش

تحقیقات نشان داده است که حسابرسان در طی فرآیند حسابرسی، واکنش‌های احساسی گوناگونی نسبت به صاحبکار (به عنوان مثال حس خوش‌بینی نسبت به صاحبکار) یا هر یک از عناصر مربوط به محیط کاری نشان می‌دهند که این امر، در ادامه سبب خطا در قضاوت حرفه‌ای وی می‌شود (رجبعلی زاده، ۱۳۹۵). سرچشمه ارزش حسابرسی صورت‌های مالی، قضاوت حرفه‌ای است. قضاوت حرفه‌ای در حسابرسی به معنای اظهارنظر معقول و حکم کردن مستدل درباره موضوعات حسابداری و حسابرسی به وسیله شخصی است که هم تحصیلات و تجربه ارزشمندی دارد و هم ویژگی‌های لازم برای اظهارنظرهای بی‌طرفانه را دارا است (رهنمای‌رودپشتی و پزیشک، ۱۴۰۰). پردازش اطلاعات در حسابرسی امری ضروری است؛ حسابرسان باید براساس پردازش اطلاعات، قضاوت و تصمیم‌گیری کنند. هرچه سطح ارزیابی و پردازش اطلاعات بیشتر و باکیفیت‌تر باشد، تصمیمات و قضاوت حسابرس نیز کیفیت بیشتری خواهند داشت. در این راستا، تحقیقات رفتاری در حسابرسی بر این نکته تأکید دارند که ویژگی‌های فردی و عوامل روانشناختی حسابرس می‌تواند بر قضاوت و تصمیم‌گیری آنها تأثیرگذار باشد (حیدر و

¹ Muraven, M, D

نیکومرام، ۱۳۹۸). نقش حسابرسان در ارزیابی کیفیت صورت‌های مالی، به عنوان مهمترین مجموعه اطلاعات مالی مورد استناد عموم ذینفعان بسیار حیاتی و تأثیرگذار است. ویژگی‌های فردی حسابرسان می‌تواند در کیفیت این تأثیرگذاری مؤثر باشد (رهنمای‌رودپشتی و پزشک، ۱۴۰۰). ویژگی‌های روانشناختی حسابرسان یکی از عواملی است که می‌تواند بر نحوه عملکرد آنها اثر بگذارد. قضاوت حرفه‌ای، پاسخگویی و انگیزش به عنوان ویژگی‌های روانشناختی بااهمیت حسابرسان، از جنبه‌های مهم عمل مبتنی بر شواهد است (مهدوی و سروستانی، ۱۳۹۶). در واقع، مراحل قضاوت حرفه‌ای شامل جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و سرانجام تصمیم‌گیری برای حفظ، تأیید و یا رد گزارش‌های مالی است. دانش کلی نسبت به مسائل حسابرسی، قدرت قضاوت حرفه‌ای حسابرس را افزایش و دیدگاه وی را توسعه می‌دهد (دریائی و خلوصی‌مشفق، ۱۳۹۸). کارل یونگ "ایگو" را خودآگاه محض می‌داند. ایگو، ساختاری از شخصیت است که شامل عملکردهای دفاعی، ادراکی و اجرایی می‌شود. هر آنچه فرد از خود می‌داند را ایگو می‌نامند. ایگو طیفی از فعالیت‌های روانی از جمله قضاوت، تحمل‌کردن، سنجیدن واقعیت، کنترل کردن، برنامه‌ریزی، دفاع، کارکرد عقلانی و حافظه است. ایگو تشخیص می‌دهد چه چیزی واقعیت دارد. ایگو به افراد کمک می‌کند به افکارشان انسجام دهند و معنای آن و جهان اطراف را درک کنند. کمایش ایگو، پدیده شناخته شده در حوزه روانشناختی است که طی آن مغز به علت انجام کارهای ذهنی مختلف از جمله تصمیم‌گیری و خودکنترلی برای جلوگیری از بروز برخی احساسات و اعمال، با کاهش منبع انرژی روبرو می‌شود و خودکنترلی فرد کاهش می‌یابد (هارلی، ۲۰۱۹). مدل خودکنترلی اذعان می‌کند که تمام اعمال خودکنترلی از یک منبع یکسان با ظرفیت مشخص انرژی می‌گیرند. بر اساس مدل خودکنترلی یک عمل اولیه خودکنترلی می‌تواند خودکنترلی فرد را برای مدتی کاهش داده و کم کند، به طوری که بلافاصله بازسازی نمی‌شود، این بازه زمانی را "کمایش ایگو" می‌نامند؛ تخلیه منابع خودکنترلی را کمایش ایگو می‌نامند (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۷)؛ پس از وقوع پدیده کمایش ایگو، اقدامات خودکنترلی نمی‌تواند مانند قبل در اجرای عملکرد مؤثر باشد و عملکرد با اختلال مواجه می‌شود (خواجوی و صالحی، ۱۳۹۸). لذا وظایفی که نیازمند خودکنترلی است، می‌تواند اثری بازدارنده بر وظایف خودکنترلی بعدی داشته باشند، حتی اگر وظایف ظاهراً با هم نامرتبط باشند. با توجه به توضیحات، حسابرسی می‌تواند یکی از حرفه‌های آسیب‌پذیر در برابر فرسایش خودکنترلی و در نتیجه کمایش ایگو است که یک حالت موقتی کمبود منابع شناختی برای خودکنترلی ناشی از خستگی جسمی یا روانی است (مورسینا و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به تئوری خودکنترلی، انرژی همیشه مورد تقاضای انسان بوده است و در صورت استفاده مداوم برای انجام کار، تمام می‌شود (بامیستر و همکاران، ۲۰۱۸). حسابرسان در محیطی فرسایشی کار می‌کنند (خواجوی و صالحی، ۱۳۹۸). با توجه به توضیحات ارائه شده چنین فشار کاری ممکن است با کاهش قدرت ذهن، به کمایش ایگوی حسابرس بیانجامد و بالتبع ممکن است بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر بگذارد (هارلی، ۲۰۱۹). نتایج تحقیقات قبلی نشان داد که فرسایش، موجب کاهش پردازش پرزحمت و کنترل شده می‌شود و کاهش پردازش کنترل شده، افراد را

مجبور می‌کند که بیشتر بر پردازش ضمنی و خودکار اتکا کنند (ماسیکامپو و بامیستر^۱، ۲۰۰۸). کاهش پردازش کنترل شده، می‌تواند موجب کاهش ارزیابی شواهد کلی و شناخت شواهد (هامرسل^۲، ۲۰۰۶) و توانایی ارزیابی شواهد شود. ارزیابی و پردازش توسط حسابرس، تأثیر قابل توجهی بر عملکرد بعدی آنها در شناسایی خطاهای واقعی دارد؛ به این ترتیب، کمایش ایگو می‌تواند موجب کاهش کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس شود (هارلی، ۲۰۱۹)؛ به این ترتیب فرضیه اول به شرح ذیل تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت قضاوت حسابرسان می‌شود.

از آنجا که حسابرسان به سهامداران، اعتباردهندگان، کارمندان، تأمین‌کنندگان، دولت، حرفه و عموم مردم تعهد دارند (رجب‌دري و همکاران، ۱۴۰۱)، حسابرسی شغلی بسیار حساس و با ظرافت محسوب می‌شود. از یک طرف حسابرس باید در انجام وظایف خود دقت بیشتری کند و از طرف دیگر نشانه‌های تقلب را در صورت‌های مالی کشف نماید (رجب‌علی‌زاده، ۱۳۹۵). همچنین، آئین‌نامه رفتار حرفه‌ای، حسابرسان را ملزم به رعایت مراقبت حرفه‌ای نموده که مراقبت را به عنوان فرآیندی شناسایی می‌کند که حسابرسان در زمان اجرای کار حسابرسی باید از آن پیروی کنند. از این‌رو حسابرسی از حرفه‌های اعتباردهنده و حساس می‌باشد که عملکرد آن موجبات اعتبار حرفه را دینفعان فراهم می‌سازد. ویژگی‌های روانشناختی حسابرسان یکی از عواملی است که می‌تواند بر نحوه عملکرد آنها اثر بگذارد (مهدوی و سروستانی، ۱۳۹۶). حسابرسی یکی از حرفه‌های آسیب‌پذیر در برابر کمایش ایگو می‌باشد که یک حالت موقتی کمبود منابع شناختی برای خودکنترلی ناشی از خستگی جسمی یا روانی است (مورسیتا و همکاران، ۲۰۲۰). نتایج ادبیات قبلی نشان داد کمایش ایگو موجب افزایش پردازش تاییدی اطلاعات و متقاعد شدن فرد می‌شود (بارکلی^۳، ۲۰۰۸). در نتیجه، کمایش ایگو می‌تواند کیفیت تصمیم‌گیری حسابرسان را با ایجاد تفاوت در توجه به شواهد تغییر دهد (هافمن^۴ و همکاران، ۲۰۰۳). در بحث حسابرسی با توجه به پیچیدگی تصمیمات حرفه‌ای و توقعات دینفعان و استفاده‌کنندگان خدمات حسابرسی، حسابرسان در بسیاری از موارد، میان وظایف اخلاقی، در تعارض قرار می‌گیرند. به عبارتی یک تصمیم‌گیری حرفه‌ای، همواره بر مبنای وظیفه اخلاقی نخواهد بود و ممکن است حسابرسان، در موقعیت‌هایی قرار گیرند، که هیچ گزینه‌ای یافت نشود مگر اینکه یک وظیفه حرفه‌ای نقض گردد (احمدزاده و یعقوب‌نژاد، ۱۴۰۱). تصمیم‌گیری اخلاقی یک فرآیند درونی بسیار پیچیده است که از میان سایر عوامل شناخته و ناشناخته، تا حدی برانگیخته از باورهای اخلاقی تصمیم‌گیرنده است و همیشه خارج از قواعد برون‌سازمانی تجویزی قرار دارند، بنابراین بسترسازی اخلاقی بر پایه رویکرد وظیفه‌شناسی صرف، نمی‌تواند بایسته‌های ظهور و بروز رفتار اخلاقی را فراهم کنند (رستمی و آذرسعید، ۱۴۰۲). به این ترتیب، فرضیه دوم به شرح زیر مطرح می‌شود:

¹ Masicampo, E. J., & R.F. Baumeister

² Hammersley, J. S

³ Burkley, E

⁴ Hoffman, V. B

فرضیه دوم: کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان می‌شود.

۳) پیشینه پژوهش

هارلی (۲۰۱۷) نشان داد که حسابرسان، انباشت فرسایش ایگو را تجربه می‌کردند؛ لذا عملکرد آنها در زمان بالا بودن حجم کار حسابرسی (باعث فرسایش می‌شد) کاهش می‌یافت. هارلی (۲۰۱۹) نشان داد که وظایف حسابرسی باعث فرسایش ایگوی ایشان شده و کارایی حسابرسان را در انجام کارهایی که نیازمند قضاوت درست (در مورد گفته‌های صاحبکار و تشخیص توضیح‌های جعلی) بود کاهش می‌داد؛ همچنین فرسایش ایگو باعث کاهش تصمیم‌گیری صحیح در حسابرسی می‌شد. مورسیتا و همکاران (۲۰۲۰)، نشان دادند که تعارض بین فردی تأثیر مثبتی بر فرسایش قدرت خودکنترلی و ایگو داشت. همچنین نشان داد فرسایش قدرت خودکنترلی بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان تأثیر منفی می‌گذاشت. جالب توجه بود، این تحقیق همچنین نشان داد که سطح تجربه خاص صنعت در تأثیر فرسایش قدرت خودکنترلی بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری کاهش می‌یافت. کاپلان^۱ و همکاران (۲۰۲۱) بررسی کردند که آیا کمایش ایگو، فرسودگی منابع خودکنترلی افراد که توانایی فرد را برای پردازش هوشیارانه اطلاعات و به کارگیری تفکر انتقادی محدود می‌کند، رابطه بین ویژگی تردیدگرایی و قضاوت حسابرس را تعدیل می‌کند یا خیر؟ نتایج حاصل از آزمایشی که شامل یک کار ارزیابی ریسک بود، نشان داد زمانی که در قضاوت‌های حسابرسان، کمایش اتفاق نیفتد، مطابق با ویژگی تردیدگرایی آنها است اما زمانی که تحلیل فرسایش ایگو اتفاق بیفتد، حسابرسان بدون در نظر گرفتن ویژگی تردیدگرایی، قضاوت‌های آمیخته با شک بیشتری انجام می‌دهند. دانسیسا و یوسریانتی^۲ (۲۰۲۳) تأثیر جهت‌گیری هدف یادگیری و اجتناب از جهت‌گیری هدف عملکرد و کمایش ایگو بر قضاوت حسابرسی و پیچیدگی کار به عنوان متغیر تعدیلگر مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که جهت‌گیری هدف یادگیری و کمایش ایگو تأثیر معناداری بر قضاوت حسابرسی ندارند، در حالی که اجتناب از جهت‌گیری هدف عملکرد تأثیر منفی بر قضاوت حسابرسی دارد. همچنین نشان دادند پیچیدگی کار تأثیر جهت‌گیری هدف یادگیری، اجتناب از جهت‌گیری هدف عملکرد و کمایش ایگو بر قضاوت حسابرسی را تعدیل می‌کند. پورزمانی و صفاجو (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر تردید حرفه‌ای بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان با توجه به نقش میانجی خلاقیت فردی پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن بود که تردید حرفه‌ای و خلاقیت فردی بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری داشت. همچنین تردید حرفه‌ای بر خلاقیت فردی حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری داشت و خلاقیت فردی در تأثیر تردید حرفه‌ای بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان نقش میانجی داشت. یعقوب‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان "ارزیابی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی" انجام

¹ Kaplan, S.E. A.M

² Danessa, F and H.Yusrianti

دادند. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که سوگیری‌ها اثر قابل‌توجهی بر کیفیت حسابرسی می‌گذاشت اما ابعاد شخصیتی اثر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی نداشت. فخاری و فضل‌اله‌پورنقارچی (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی تأثیر سرمایه روانشناختی بر انگیزه پیشرفت، قضاوت حسابرسان و عملکرد مؤسسه‌های حسابرسی پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش سرمایه روانشناختی منجر به افزایش انگیزه پیشرفت و بهبود قضاوت حسابرسان شده و همچنین در نهایت منجر به بهبود عملکرد مؤسسات حسابرسی می‌شود. رستمی و آذرسعید (۱۴۰۲) به بررسی و تحلیل چالش‌های مرتبط با هوش مصنوعی و تصمیم‌گیری اخلاقی در حسابداری و حسابرسی پرداختند؛ بدین جهت، موضوع مورد بحث در بین ۱۳۸ مقاله از ۴۳ مجله معتبر بین‌المللی حسابداری بررسی و کدگذاری شد. در کدگذاری موضوعی مقالات انتخاب شده، پنج چالش اخلاقی عمده تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی در حسابداری شناسایی گردید و با استفاده از مؤلفه‌های مدل رست^۱ برای تصمیم‌گیری اخلاقی به عنوان چارچوبی پایدار برای ساختار مورد بحث، چالش‌ها و ارتباط آنها را برای همکاری آینده انسان و ماشین در دفاتر مختلف بین انسان‌ها و هوش مصنوعی، مورد بحث قرار داد.

۴) روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر با توجه به هدف آن، مبتنی بر تحقیقات تجربی است؛ چراکه آزمودنی‌ها توسط محقق مورد آزمون قرار می‌گیرد و متغیر مستقل وظایف حسابرسان تحت کنترل طی سناریوها و آزمایشاتی به محیط آزمون و آزمودنی‌ها وارد می‌شود و از آنجا که از داده‌های بایگانی شده تحت آزمون استروپ جهت سنجش رویداد طبیعی کمایش ایگو ناشی از وظایف حسابرسان قبل و بعد از انجام آزمایشات و سناریوهای طراحی شده‌ای بهره می‌گیرد، جزو تحقیقات پیمایشی و رفتاری حسابرسی محسوب می‌شود. بر حسب زمان اجرای پژوهش نیز، این تحقیق مقطعی و بر حسب نوع داده، تحقیق مزبور کمی است؛ از آنجا که کمایش ایگو، یکی از تأثیرگذارترین و گسترده‌ترین پدیده‌های روانشناسی اجتماعی در مورد ایگو، انگیزه و مبانی نظری را برای چندین مطالعه حسابرسی اخیر فراهم کرده است و به عنوان توضیحی برای اثرات منفی بالقوه متعدد بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان مطرح شده است (هارلی، ۲۰۱۵)، پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های حسابداری مبتنی بر تئوری‌های روانشناختی و علوم رفتاری است. جهت آزمون فرضیه‌ها بعد از جمع‌آوری داده‌های موردنظر از آزمون تی با نمونه‌های جفت وابسته^۲ بهره گرفته شد؛ چرایی استفاده از این آزمون این بود: که اینجا درصددیم کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان را در دو زمان قبل و بعد از آزمون و پیدایش پدیده "کمایش ایگو" سنجش کنیم و داده‌های بدست آمده از یک نمونه و یک حسابرس مورد آزمایش قرار گرفته، حاصل شده بود؛ لذا داده‌های حاصله کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان، مستقل از یکدیگر نبودند. از اینرو فرضیه‌ها توسط آزمون تی با نمونه جفت

¹Rest

² T Test Paired-Sample

وابسته بررسی گردید. روش اجرای پژوهش در ادامه به تفصیل تشریح می‌گردد.

۴-۱) جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه حسابرسان شاغل در ۲۵ مؤسسه حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران واقع در محدوده جغرافیای استان خراسان رضوی به طور متوسط تعداد ۱۰۰ حسابرس است که با توجه به عدم دسترسی به آن‌ها از نمونه‌گیری در دسترس برای حجم نمونه آماری استفاده شد؛ با توجه به لزوم برگزایی آزمایش و سناریوها به صورت تجربی و دشواری ایجاد شرایط انجام آن و از طرفی وقت‌گیر بودن انجام آزمایش‌های تجربی موردنظر در طی زمان انجام پژوهش و عدم رغبت آزمودنی‌ها به این امر، ۳۵ حسابرس مشغول در مؤسسات حسابرسی به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند که در آزمایش و سناریوهای از پیش طراحی شده مورد آزمون تجربی قرار گیرند.

۴-۲) متغیرهای پژوهش

در این پژوهش "کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان" به عنوان متغیرهای وابسته است که برای اندازه‌گیری کیفیت قضاوت از پرسش‌نامه محقق‌ساخته بهره گرفته شده است؛ در این پرسش‌نامه، گزینه‌های صحیح برای محقق از قبل مشخص است و مجموع انتخاب و قضاوت‌های صحیح حسابرس، نمره مربوط به کیفیت قضاوت حسابرسان می‌باشد. از این‌رو دو دسته نمرات قبل و بعد از انجام آزمایش و سناریوها جهت سنجش کیفیت قضاوت حسابرسان جمع‌آوری شدند. برای بررسی روایی محتوایی از نظر خبرگان و حسابرسان رده بالا شاغل در مؤسسات گرید الف حسابرسی در زمینه محتوای آزمون مورد نظر استفاده شد. به این صورت که هدف‌های پژوهش و تعاریف عملیاتی مربوط به محتوای سؤال‌ها تشریح شد و از آنها خواسته شد تا هر یک از سؤال‌ها را براساس ضروری بودن اصلاح نمایند و بدین ترتیب سؤالات پرسشنامه کیفیت قضاوت حسابرسان طبقه‌بندی گردید و در نتیجه روایی محتوایی برای پرسشنامه تأیید شد.

همچنین جهت سنجش تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان از پرسشنامه رکرز و ساموئلسون^۱ (۲۰۱۶) که به صورت درصد انتخاب می‌گردد، استفاده شده است؛ درصدها به نحوی است که هر چه درصد کمتر انتخاب گردد، موافقت و تصمیم‌گیری حسابرس در موضوع خواسته شده کمتر خواهد بود؛ با توجه به توضیحات بروز پدیده کمایش ایگو انتظار می‌رود میانگین نمرات قبل از آزمایشات، کمتر از میانگین نمرات بعد از آزمایشات باشد که در نتایج بررسی خواهد شد. مجموع انتخاب‌های حسابرس، نمره مربوط به کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی وی قرار می‌گیرد، لذا باز هم دو دسته نمره قبل و بعد از آزمایش و انجام سناریوها وجود خواهد داشت که در آزمون فرضیه‌ها مدنظر قرار خواهد گرفت. در پژوهش انجام شده توسط حسین‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در ایران و رکرز و

¹ Reckers, P. M. Samuelson

ساموئلسون (۲۰۱۶)، ضریب پایایی آزمون را برای پرسشنامه، بالای ۰/۷ گزارش کردند که نشان می‌دهد اعتبار پرسش‌نامه در حد قابل قبول است. همچنین آنها از طریق روایی سازه و روایی همگرا روایی پرسشنامه را مورد تایید قرار دادند. از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسش‌نامه‌های پژوهش استفاده شد که نتایج در جدول ۱ به صورت تجمیع با سایر متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۱- نتایج آلفای کرونباخ به تفکیک پرسشنامه‌های پژوهش حاضر

عنوان	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
کیفیت قضاوت حسابرسان	۴	۰/۷۲۳
تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان	۶	۰/۹۲۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج حاصل از جدول ۱ نشان می‌دهد که ضریب آلفای پرسشنامه محقق‌ساخته کیفیت قضاوت حسابرسان و پرسشنامه تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان بالاتر از ۰/۷ است که نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه‌های پژوهش می‌باشد.

کمایش ایگو متغیر مستقل پژوهش حاضر است و برابر است با زمانی که صرف انجام تست استروپ از سوی آزمودنی‌ها یا همان حسابرسان برای هر سناریو به عمل آمده که براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری می‌شود. تست استروپ برای ارزیابی مهارت‌های شناختی از جمله نحوه پردازش اطلاعات، سرعت آن و توجه انتخابی مورد استفاده روانشناسان و پژوهشگران قرار می‌گیرد. آزمون استروپ، به طور مکرر در پژوهش‌های روانشناسی شناختی برای اندازه‌گیری اینکه افراد چه قدر می‌توانند کاری را انجام دهند که با الگوی پاسخ معمولی آنها در تضاد است، استفاده می‌شود. این کار مستلزم سطح معینی از «کنترل ذهنی» است. در ادامه به تشریح روش اجرای پژوهش بر آزمودنی‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۴) روش اجرای پژوهش

هدف در پژوهش‌های تجربی، بررسی تأثیر محرک‌ها، روش‌ها و یا شرایط خاص محیطی بر روی یک گروه آزمودنی می‌باشد و ضمن دستکاری یا مداخله در متغیرها و کنترل شرایط، نتایج به دست آمده را در مورد گروهی که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، مورد مشاهده قرار می‌دهند. پژوهش حاضر، تجربی است؛ چراکه آزمودنی‌ها توسط محقق مورد آزمون قرار می‌گیرد و متغیر مستقل تحت کنترل طی سناریوها و آزمایشاتی به محیط آزمون و آزمودنی‌ها وارد می‌شود. در ادامه به تفصیل روش کار تبیین می‌گردد. با تعیین وقت قبلی و ارائه توضیحات لازم به مدیران مؤسسات حسابرسی بعد از هماهنگی‌های لازم، جلسه حضوری

بدین شکل شروع می‌شد:

در اتفاقی به صورت خصوصی و دور از همکاران، حسابرس را در شرایط آزمایش قرار داده تا بتواند بیشترین تمرکز بر روند آزمایش‌ها داشته باشد، سپس پرسشنامه محقق ساخته جهت سنجش "کیفیت قضاوت حسابرسان" و پرسشنامه استاندارد رکرز و ساموئلسون (۲۰۱۶) جهت سنجش "تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان" در اختیار آنها قرار می‌گرفت و از آنان درخواست می‌شد پرسشنامه‌ها را با دقت تکمیل نمایند. بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، در ادامه سناریوها و آزمایش‌های طراحی شده تخصصی حرفه و پژوهش مدنظر قرار می‌گرفت تا پدیده کمایش ایگو در آزمودنی‌ها نمود پیدا کند. سناریوها براساس مقاله هارلی (۲۰۱۹) طراحی شد. بعد از اتمام سناریوها تست استروپ جهت سنجش کمایش ایگو به کار گرفته می‌شد. صفحه نخست تست استروپ در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: صفحه نخست تست استروپ

این تست، از آزمودنی‌ها می‌خواهد فهرستی از کلماتی را که با رنگی متفاوت از معنای کلمه چاپ شده‌اند، مشاهده کنند. شرکت‌کنندگان موظفند تا جایی که می‌توانند رنگ فونت یا جوهر کلمه را نامگذاری کنند، نه خود کلمه را؛ آزمودنی، رنگ فونت یا جوهر کلمه را با کلیدهای چپ، راست و پایین صفحه کلید سیستم گزارش می‌کرد که از قبل همان طور که در شکل ۱ به وی اعلام شده بود. نمونه‌ای از کلمات نشان داده شده بر روی سیستم حاصل از اجرای تست استروپ در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: نمونه‌هایی از کلیدواژه‌های تست استروپ

همانطور که در شکل ۲ ملاحظه می‌گردد، با مشاهده کلیدواژه آبی، سبز با جوهر قرمز و سبز با جوهر آبی به ترتیب باید کلید جهت پایین، راست و چپ از سوی حسابرس زده شود تا رنگ فونت مطلوب گزارش گردد؛ نتایج تست به صورت مدت زمان اجرای آزمون در فایل اکسل پیوست شده تست استروپ قابل مشاهده بود که این داده برای آزمون فرضیه‌ها و سنجش کمایش ایگو مدنظر قرار گرفت. با انجام آزمایش‌ها طی سناریوهای مرتبط، مشاهدات مبنی بر بروز کمایش ایگو برای محقق نمایان شد و حال آنکه این پدیده بروز پیدا کرد، مجدداً پرسشنامه‌های کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان را با طراحی متفاوت و جابجایی سؤالات به آنها داده شد تا آنها را تکمیل نمایند. لذا با طی کردن این روند قبل و بعد از آزمایش کمایش ایگو، مشاهدات مبنی بر پیامدهای پدیده کمایش ایگو بر کیفیت کار حسابرسان یعنی کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی آنها مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به بیانی، یک حسابرس قبل از انجام آزمایش و سناریوهای طراحی شده، در مرحله شروع کار حسابرسی روزمره می‌باشد یعنی دنیای حقیقی با قوانین هنجاری؛ در تئوری‌های دستوری و هنجاری^۱، "آنچه که باید باشد" مدنظر قرار می‌گیرد، ولی طی روز زمانی که مجبور است حین حسابرسی، اطلاعات و گزارشات حسابداری صاحبکار را پردازش نماید، با صحبت‌ها و گزارشات وی تطبیق و در نهایت زمان گزارش مراقب دستورالعمل‌های اجرایی مصوب شده جدید یا هر نوع مفادی که قبلاً در کار حسابرسی نبوده ولی اکنون بایستی به آنها توجه نماید (این امور زمانی بیشتر تأثیر خود را نشان می‌دهند که حسابرس ممکن است در حین کارش تماسی داشته باشد که جزو امور زندگی‌اش است و در پیشرفت یا پسرفت کار حرفه‌ای وی دخیل است) یعنی دنیای واقعی با قوانین توصیفی و مشاهدات؛ در تئوری‌های توصیفی^۲، "آنچه که هست" مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از این رو روش کار ما در این پژوهش، تجربی و به صورت انجام مشاهدات و آزمایشاتی در راستای تحقق اهداف بود. در نهایت حسابرس طی امور حسابرسی به یک حالت کمبود منابع شناختی برای خودکنترلی ناشی از خستگی جسمی یا روانی و

^۱ normative Theory

^۲ Positive Theory

کاهش خودآگاهی‌اش افول می‌کرد که ما بروز این پدیده را کمایش ایگو می‌نامیم؛ به بیان ملموس‌تر، کاهش سطح انرژی و شارژ حسابرس و نیاز به دشارژ شدن وی؛ از این‌رو در روش انجام پژوهش حاضر سعی شد که اهمیت و حساسیت حرفه حسابرسی و برخی از عوامل روانشناختی گریبان‌گیر در این حرفه را به صورت آزمایشی و سناریویی قابل مشاهده و سنجش نموده تا به توسعه تئوری‌های علمی مرتبط بینجامد.

۵) یافته‌های پژوهش

۱- ۵) آمار توصیفی

جمعیت‌شناختی و دموگرافیک نمونه آماری پژوهش حاضر در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲- مشخصات دموگرافیک برای نمونه مورد بررسی

شرح ویژگی	عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۱۳	٪۳۷/۱
	مرد	۲۲	٪۶۲/۹
سمت	کمک حسابرس	۲	٪۵/۷
	حسابرس	۱۱	٪۳۱/۴
	حسابرس ارشد	۱۱	٪۳۱/۴
	سرپرست حسابرسی	۱	٪۲/۹
	مدیر حسابرسی	۴	٪۱۱/۴
	شریک حسابرسی	۶	٪۱۷/۱
	کارشناسی	۱۷	٪۴۸/۶
سطح تحصیلات	کارشناسی ارشد	۱۵	٪۴۲/۹
	دکتر	۳	٪۸/۶
	حسابداری	۲۸	٪۸۰
رشته تحصیلی	حسابرسی	۴	٪۱۱/۴
	سایر گرایش‌ها	۳	٪۸/۶
	کمتر از ۵ سال	۲۱	٪۶۰
سابقه کاری	بین ۵ تا ۱۰ سال	۳	٪۸/۶
	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۴	٪۱۱/۴
	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۴	٪۱۱/۴
	بالاتر از ۲۰ سال	۳	٪۸/۶

شرح ویژگی	عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
نوع فعالیت	حسابرسی مستقل	۳۲	۹۱/۴٪
	حسابرسی واحدهای دولتی	۱	۲/۹٪
	سایر	۲	۵/۷٪
عضو جامعه	عضو جامعه حسابداران رسمی است	۱۳	۳۷/۱٪
	عضو جامعه حسابداران رسمی نیست	۲۲	۶۲/۹٪
جمع کل		۳۵	۱۰۰٪

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، توصیف داده‌های دموگرافیک تحقیق نشان می‌دهد که از بین تعداد نمونه پژوهش، غالب حسابرسان، مرد هستند؛ به دلیل آن‌که حرفه حسابرسی با توجه به ماهیت کار، حرفه‌ای مردسالار است، لذا چنین توزیعی منطقی به نظر می‌رسد.

۲-۵) آزمون فرضیه اول

فرضیه اول "کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت قضاوت حسابرسان می‌شود". جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش بعد از جمع‌آوری داده‌های موردنظر از آزمون تی با نمونه‌های جفت وابسته بهره گرفته شد؛ چرایی استفاده از این آزمون این بود که اینجا درصددیم کیفیت قضاوت و کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان را در دو زمان قبل و بعد از آزمون و پیدایش پدیده "کمایش ایگو" سنجش کنیم و داده‌های بدست آمده از یک نمونه و یک حسابرس مورد آزمایش قرار گرفته، حاصل شده بود؛ لذا داده‌های حاصله کیفیت قضاوت و کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان، مستقل از یکدیگر نبودند. از اینرو بایستی فرضیه توسط آزمون تی با نمونه جفت وابسته مدنظر قرار گیرد و از آنجا که در مقاله بیس لاتین از نرم افزار spss جهت آزمون فرضیه‌ها بهره گرفته شده است، آزمون تی با نمونه جفت وابسته در نرم‌افزار spss مدنظر قرار می‌گیرد. کماینکه بررسی تفاوت در فرضیه‌ها، نرم‌افزار spss را می‌طلبد و با نرم‌افزار Smart-pls که همبستگی فرضیه‌ها را آزمون می‌کند و برای فرضیه‌های رابطه‌ای مناسب است، امکان‌پذیر نمی‌باشد و به نتایج نادرستی منجر خواهد شد. لازم به ذکر است که آزمون‌ها در نرم‌افزار spss نسخه ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که پرسشنامه‌های کیفیت قضاوت و کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی قبل و بعد از انجام سناریوهای مرتبط با کمایش ایگو به حسابرسان داده شده و حسابرسان به صورت ۱۰۰ درصدی مشارکت داشته‌اند. قبل از آزمون فرضیه‌ها، نرمال بودن متغیرهای پژوهش با بهره‌گیری از آزمون چولگی - کشیدگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج نرمال بودن در جدول ۳ گزارش شده است؛ چنانچه از یافته‌های جدول ۳ برمی‌آید نتایج بین بازه ۲ و ۲- می‌باشند، لذا متغیرهای پژوهش نرمال هستند.



جدول ۳: پیش‌فرض نرمال بودن

متغیر	شاخص‌های نرمال بودن	
	چولگی	کشیدگی
کمایش ایگو	-۰/۷۱۸	-۰/۲۰۷
کیفیت قضاوت	-۰/۱۰۱	-۱/۳۰۳
تصمیم‌گیری اخلاقی	۰/۳۷۵	-۰/۹۶۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بعد از بررسی نرمال‌یته بودن متغیرها، فرضیه‌ها آزمون می‌گردند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴ - آزمون تی با نمونه‌های جفت وابسته

میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۲/۴۸	۱/۱۷	-۲/۷	۳۴	۰/۰۱
۱/۹۱	۱/۴۲			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همچنان که از نتایج جدول ۴ برمی‌آید میانگین کیفیت قضاوت حسابرسان قبل از آزمون و انجام سناریوهای مرتبط با کمایش ایگو بیشتر از میانگین بعد از آزمون می‌باشد که همسو با مبانی نظری است چراکه قبل از به چالش کشیدن حسابرس و کاهش انرژی و خودآگاهی حسابرس و به عبارت بهتر قبل از پیدایش کمایش ایگو در حسابرسان، ایشان، قضاوت‌های صحیح بیشتری داشته‌اند که این اقضاوت‌های صحیح بعد از بروز پدیده کمایش ایگو کاهش یافته است. همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ نشان از تفاوت معناداری در کیفیت قضاوت حسابرسان دارد؛ از این رو فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۳-۵) آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: "کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان می‌شود".
با توجه به توضیحات در فرضیه اول، نتایج حاصل از آزمون تی با نمونه‌های جفت وابسته در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- آزمون تی با نمونه‌های جفت وابسته

میانگین	انحراف معیار	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری
۱۸/۰۳	۹/۷	-۳/۴	۳۴	۰/۰۰۲
۲۶/۴۶	۱۵/۹			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همچنان که از نتایج جدول ۵ برمی‌آید میانگین کیفیت تصمیم‌گیری حسابرسان بعد از آزمون و انجام سناریوهای مرتبط با کمایش ایگو بیشتر از میانگین قبل از آزمون می‌باشد که همسو با مبانی نظری است چراکه بعد از به چالش کشیدن حسابرس و کاهش انرژی وی و به عبارت بهتر بعد از پیدایش کمایش ایگو در حسابرسان، انتظار می‌رود از بررسی و واریسی زیاد گزارش‌ها صاحبکار صرف‌نظر کرده و تصمیمات همسوتری با گزارش‌ها صاحبکار داشته باشند، به عبارتی موافقت بیشتری را اعلام می‌کنند و لذا درصد موافقت به ۱۰۰٪ نزدیک‌تر شده و میانگین نمرات حاصله بعد از آزمون بیشتر خواهد شد. همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ نشان از تفاوت معناداری در کیفیت تصمیم‌گیری حسابرسان قبل و بعد از آزمون دارد؛ از این رو فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد و کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش، بررسی تأثیر کمایش ایگو بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان است؛ به عبارتی پیامدهای کمایش ایگو در حرفه حسابرسی از حیث کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی ایشان مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، اهداف پژوهش در قالب دو فرضیه تدوین گردید و پرسشنامه‌های کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی قبل و بعد از سناریوهای طراحی شده‌ای به حسابرسان جهت تکمیل داده شد تا از داده‌های حاصل، فرضیه‌ها آزمون گردند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت قضاوت حسابرسان می‌شود. می‌توان دریافت ماهیت کمایشی حرفه حسابرسی موجب تفاوت کیفیت قضاوت در بازه‌های مختلف زمان می‌گردد؛ چرا که از طرفی حسابرس باید به لحاظ اعتباردهی در انجام وظایف خود دقت بیشتری داشته باشد و از طرف دیگر نشانه‌های تحریف را در صورت‌های مالی کشف نماید؛ چنین فشار کاری ممکن است با کاهش قدرت ذهن، به کمایش ایگوی حسابرس بیانجامد که این مسئله بر کیفیت قضاوت حسابرس تأثیر می‌گذارد.

فرضیه دوم نشان داد که کمایش ایگو موجب تفاوت در کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان می‌شود. می‌توان استنباط کرد از بین رفتن انرژی و خودکنترلی حسابرس و بروز پدیده فرسایش ایگو در ایشان موجب کاهش پردازش کنترل شده می‌شود که کاهش پردازش کنترل شده، حسابرسان را مجبور می‌کند بیشتر بر پردازش

ضمنی اتکا کنند؛ اتکا بر پردازش ضمنی موجب کاهش ارزیابی شواهد کلی و شناخت شواهد و توانایی ارزیابی شواهد می‌شود. ارزیابی و پردازش توسط حسابرس، تأثیر قابل توجهی بر عملکرد بعدی آنها در شناسایی خطاهای واقعی دارد؛ عملکرد نهایی حسابرس تصمیم‌گیری در مورد صورت‌های مالی شرکت و اظهارنظر در این مورد می‌باشد که چنانچه اظهارنظر نامطلوبی ارائه نماید، سهامداران یا شرکت‌ها دچار خسران و ضرر خواهند شد و لذا از اخلاق حرفه‌ای به دور است و مراقبت کاملی را می‌طلبد. به این ترتیب، کمایش ایگو می‌تواند موجب کاهش کیفیت تصمیم‌گیری اخلاقی حسابرسان شود.

اگرچه پژوهشی به گونه کامل مشابهی برای مقایسه یافته‌ها مشاهده نشد، اما یافته‌های کلی پژوهش که به اهمیت پدیده‌های روانشناختی مانند کمایش ایگو بر حسابرسی و کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی تأکید دارد همسو با نتایج تحقیقات هارلی (۲۰۱۹؛ ۲۰۱۷)، مورسیتا و همکاران (۲۰۲۰) است. هارلی (۲۰۱۷) نشان داد که عملکرد حسابرسان، در زمان بالا بودن حجم کار حسابرسی کاهش می‌یافت، حجم بالای کار حسابرسی باعث فرسایش ایگوی حسابرسان می‌شد که به کاهش عملکرد در حسابرسی منجر می‌گشت. هارلی (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان داد که فرسایش ایگو، کارایی حسابرسان را در انجام کارهایی که نیازمند قضاوت درست (در مورد گفته‌های صاحبکار و تشخیص توضیح‌های جعلی) بود کاهش می‌داد؛ همچنین فرسایش ایگو باعث کاهش تصمیم‌گیری صحیح در حسابرسی می‌شد. همچنین مورسیتا و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهش خود نشان دادند که فرسایش قدرت خودکنترلی بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان تأثیر منفی می‌گذاشت.

پیشنهاد می‌شود با آموزش از طریق برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی برای حسابرسان، ایشان را با پدیده کمایش ایگو آشنا نمایند تا با اثر آن را بر روی قضاوت‌ها و تصمیمات خود آگاه شده و پیامدهای آن را بر حرفه در نظر داشته باشند. همچنین به نهادها و انجمن‌های حرفه‌ای قانونگذار پیشنهاد می‌شود به موضوع کمایش ایگو و پدیده‌های روانشناختی توجه نموده و در دستورالعمل‌ها مدنظر قرار دهند. شرحی از عناوین تحقیقاتی برای تحقیقات آتی به محققان توصیه می‌شود: بررسی نقش سایر عوامل روانشناختی تأثیرگذار از قبیل اثر پیشگویی کامبخش و هوش هیجانی، هوش معنوی و ... بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان؛ مطالعه نقش کمایش ایگو بر سایر ابعاد حسابرسان از قبیل رضایتمندی صاحبکار، اعتماد به صاحبکار، تردید حرفه‌ای حسابرسان، تقلب و ...؛ ارزیابی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان؛ بررسی سایر علل کمایش ایگو در حسابرسان از قبیل عوامل ژنتیکی، شخصیتی. دشواری هماهنگی با حسابرسان و بعضاً عدم همکاری آنها و مشکلات ذاتی پرسشنامه و عدم رغبت حسابرسان به پاسخگویی و شرکت در مطالعات تحقیقاتی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود.

"هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است."



تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمامی حسابرسان شرکت‌کننده در مراحل مختلف انجام آزمون تجربی که با مشارکت و صرف وقت و دقت بالا و نیز راهنمایی علمی خود در این پژوهش همکاری نمودند، مراتب تشکر و قدردانی خود را اعلام می‌دارند.

فهرست منابع

- احمدزاده، زاهد و احمد یعقوب نژاد، (۱۴۰۱)، "تأثیر درک حسابرسان از فرهنگ اخلاقی حاکم در مؤسسات بر ارزشهای حرفه ای در مؤسسات حسابرسي"، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسي، ۱۴(۵۵)، صص ۲۳ - ۴۰.
- بنی‌مهد، بهمن و نیوشا مهرانی، (۱۴۰۰)، "تأثیر سبک‌های شناخت نوگرا و نوگريز بر تردید حرفه‌ای حسابرس"، پژوهشهای حسابرسي حرفه‌ای، ۲(۵)، صص ۵۶ - ۶۹.
- بونر، سارا (۱۹۹۸)، "قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری"، ترجمه علی پارسائیان، تهران، انتشارات اتحاد، (۱۳۹۵).
- پرویز، کورش، حمیدرضا آقامحمدیان شریاف، بهرام‌علی قنبری هاشم آبادی و محمود دهقانی، (۱۳۹۵)، "رابطه توانمندی ایگو و فراشناخت در دانشجویان دختر و پسر"، راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۹(۲)، صص ۱۱۸ - ۱۲۶.
- پورزمانی، زهرا و محسن صفاجو، (۱۴۰۰)، "تأثیر تردید حرفه‌ای بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان با توجه به نقش میانجی خلاقیت فردی"، دانش حسابداری و حسابرسي مدیریت، ۱۰(۳۹)، صص ۳۳۷ - ۳۴۹.
- حسین‌پور، سعید، سینا خردیار، علی خوزین و فاضل محمدی نوده، (۱۴۰۰)، "بررسی اثر سلامت روانی و کمال‌گرایی بر تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران با نقش میانجی اهمال‌کاری"، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۶(۱۱)، صص ۹۳ - ۱۲۱.
- حیدر، مجتبی و هاشم نیکومرام، (۱۳۹۸)، "سبک‌های تفکر و تردید حرفه ای در حسابرسي (آزمون نظریه خودحکومتی ذهن)"، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۵)، صص ۱۵۱ - ۱۸۵.
- خدای پور، احمد، عیسی اکبری نفت چالی و امید پورحیدری، (۱۳۹۸)، "تأثیر تجربه بر رفتارهای غیرارادی حسابرسان"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسي (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسي)، ۱۱(۴۱)، صص ۱۹۷ - ۲۲۷.
- خواجوی، شکراله و تابنده صالحی، (۱۳۹۸)، "تأثیر فرسایش شغلی بر عملکرد در انجام وظایف پیچیده حسابرسي"، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۴(۸)، صص ۲۷۹ - ۲۴۳.



- دریائی، عباسعلی و لیلا خلوصی‌مشفق، (۱۳۹۸)، "اثر فرسایش قدرت خودکنترلی بر کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری حساب‌برسان (آزمون نظریه فرسایش قدرت خودکنترلی)"، حسابداری سلامت، ۸(۲)، صص ۲۰ - ۳۸.
- دولت زارعی، احسان، غلامرضا کرمی و امید فرجی، (۱۴۰۱)، "بیست‌ویک سال تحقیقات رفتاری حسابداری: تجزیه و تحلیل کتاب‌شناختی"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۹(۷۵)، صص ۱۶۵-۲۰۱.
- رجب دری، حسین، حمیدرضا وکیلی فرد، حجت‌اله سالاری و علی امیری، (۱۴۰۱)، "رابطه نظریه‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی در قضاوت حساب‌برسان"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۱)، صص ۱۱۳ - ۱۴۱. 10.30495/jdaa.2022.691739.
- رجبعلی‌زاده، جواد، (۱۳۹۵)، "تأثیر احساسات و حالات روانی حساب‌برسان بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسی: بررسی مطالعات و ارائه چکیده‌ای از مفاهیم و رویکردهای پیشنهادی"، همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران، <https://sid.ir/paper/fa/885259>.
- رحمانی نیا، احسان، زهرا پورزمانی و آیدا گلپایگانی، (۱۴۰۰)، "بررسی تأثیرپذیری تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداران حرفه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاریشان"، پژوهش‌های حسابرسی (پژوهشهای حسابرسی حرفه‌ای، ۱(۲)، صص ۵۷-۸۵. <https://sid.ir/paper/fa/411117> SID.
- رستمی، شعیب و یاشار آذرسعید، (۱۴۰۲)، "هوش مصنوعی و تصمیم‌گیری اخلاقی در حسابداری و حسابرسی: تحلیل چالش‌های مرتبط"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲(۳)، صص ۸۷ - ۱۱۴. <https://doi.org/10.30495/jdaa.2023.1976918.1068>.
- رهنمای رودپشتی، فریدون و یاسمن پزشک، (۱۴۰۰)، "پارادایم‌های حسابرسی نوین"، پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای، ۱(۴)، صص ۹۶ - ۱۱۸.
- سعیدی گراغانی، مسلم و احمد ناصری، (۱۳۹۶)، "تفاوت‌های فردی و قضاوت حرفه‌ای حسابرس"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۲(۳)، صص ۱۶۹ - ۱۸۴. URL: <http://aapc.khu.ac.ir/article-۲۶۶-۱> fa.html
- فخاری، حسین و مهران فضل‌اله پورنقارچی، (۱۴۰۱)، "تأثیر سرمایه روانشناختی بر انگیزه پیشرفت، قضاوت حساب‌برسان و عملکرد موسسه‌های حسابرسی"، دوفصلنامه علمی حسابداری ارزشی و رفتاری، ۷(۱۳)، صص ۱۵۴-۱۹۹.
- مرادی، مهدی، محمدابراهیم گرگانی و پگاه وهاب‌آهاری، (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر تردید حرفه‌ای ناشی از ویژگی‌های شخصی و ویژگی‌های مشتری بر قضاوت حرفه‌ای حساب‌برسان"، اولین همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران، <https://civilica.com/doc/848257>.
- مهدوی، غلامحسین و امیر سروستانی، (۱۳۹۶)، "نقش رویکردهای تدوین استانداردهای حسابداری در ویژگی‌های روان‌شناختی حساب‌برسان"، دانش حسابداری، ۸(۳۱)، صص ۶۵ - ۹۲.

یعقوب نژاد، احمد، زهرا کریمی، محمود صمدی لرگانی و محمدرضا پورعلی، (۱۴۰۲)، "تأثیر مولفه‌های پنج‌گانه شخصیت حسابرسان بر مدیریت سود"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲(۲)، صص ۹۵-۱۱۴.

یعقوب نژاد، احمد، زهرا کریمی، محمود صمدی لرگانی و محمدرضا پورعلی، (۱۴۰۰)، "ارزیابی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۵۲)، صص ۲۳-۵۲.

- Baumeister, R. F., B. R. Wright, and D. Carreon. (2018), "Self-Control In The Wild: Experience Sampling Study of Trait and State Self-Regulation", *Self And Identit*, pp 1-35.
- Baumeister, R. F., Bratslavsky, E., Muraven, M., and Tice, D. M. (1998), "Ego depletion: Is the active self a limited resource?", *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(5):pp 1252-1265.
- Baumeister, R. F., K. D. Vohs, and D. M. Tice, (2007), "The strength model of self-control", *Current Directions in Psychological Science*, 16(6), pp 351-355.
- Bennett, G. B., & R. C. Hatfield, 2013. The effect of the social mismatch between staff auditors and client management on the collection of audit evidence. *The Accounting Review*, 88(1), pp 31-50.
- Berman, M. G. (2015). "Stable LongRange Intermispheric Coordination is Supported by Direct Anatomical Projections", *Proceedings of the National Academy of Sciences of the Unitedstates of America*, Vol. 112, No. 20, pp 6473-6478.
- Burkley, E. (2008), "The role of self-control in resistance to persuasion", *Personality and Social Psychology Bulletin* 34 (3), pp 419-431.
- Chung, J., J. Cohen, and G. S. Monroe. (2008). "The effect of moods on auditors' inventory valuation decisions", *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 27 (2), pp 137-159.
- Church, B. K, and Shefchik, L. B. (2012). "PCAOB inspections and large accounting firms", *Accounting Horizons*, 26(1), pp 43-63.
- Danessa, F and H. Yusrianti, (2023), "The effect of goal orientation and ego depletion on audit judgment with task complexity as moderating variable", Undergraduate thesis, Sriwijaya University.
- Delisi, M. (2014). "Low SelfControl Is a BrainBased Disorder", SAGE Publications Ltd.
- Dolan, S. L.; Rosemarie, A.; Martinb J.; and T. Rohsenow, (2008). "Self Efficacy for Cocaine Abstinence: Pretreatment Correlates and Relationship to Outcomes", *Addictive Behaviors*, Vol. 33, No. 5, pp. 675-688.
- Earley, C. E, V.B. Hoffman, and J.R. Joe, (2008), "Reducing management's influence on auditors' judgments: An experimental investigation of SOX 404 assessments", *The Accounting Review*, 83(6): pp 1461-1485.
- Engber, D. (2016). "Everything is Crumbling", Available at: www.slatecom/articles/health_and_science/cover_story/2016/03/ego_depletion_aninfluential_theory_in_psychology_may_hav_e_just_been_debunked.html [Online][17 June 2018].
- García-Marzá, D. (2005). Trust and dialogue: Theoretical approaches to ethics auditing. *Journal of Business Ethics*, 57(3), pp 209-219.
- Hagger, M. S., C. Wood, C. Stiff, and N.L.D, Chatzisarantis, (2010), "Ego depletion and the strength model of self-control: A metaanalysis", *Psychological Bulletin*, 136(4), pp 495-525.
- Hammersley, J. S. (2006), "Pattern identification and industry-specialist auditors", *The Accounting Review*, 81(2), pp 309-336.



- Heiman-Hoffman, V. B., D.V. Moser, and J.A. Joseph, (1995), "The impact of an auditor's initial hypothesis on subsequent performance at identifying actual errors", *Contemporary Accounting Research*, 11(2), pp 763-779.
- Hewig, J.; Hagemann, D.; Seifert, J.; Naumann, E.; and D. Bartussek (2006), "The Relation of Cortical Activity and BIS/BAS on the Trait Level," *Biological Psychology*, Vol. 71. No. 1 pp. 42-53
- Hoffman, V. B., J.R. Joe, and D.V. Moser, (2003), "The effect of constrained processing on auditors' judgments", *Accounting, Organizations and Society*, 28, pp 699-714.
[https://doi.org/10.1016/s0361-3682\(02\)00068-5](https://doi.org/10.1016/s0361-3682(02)00068-5).
- Hurley, P, (2017), "Ego Depletion and Auditors' Busy Season", *Behavioral Research in Accounting*, Available at: <https://doi.org/10.2139/ssrn.2629337>
- Hurley, P. J, (2019), "Ego Depletion and Auditors' JDM Quality", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 77, pp. 1-12.
- Hurley, P.J, (2015), "Ego depletion: Applications and implications for auditing research", *Journal of Accounting Literature* 35:pp. 47-76.
- Kaplan, S.E. A.M, Donnelly and J.M. Vinson, (2021), "The Impact of Trait Skepticism and Ego Depletion on Auditor Judgment", *Behavioral Research in Accounting*, 33 (1): pp 107-122 .
<https://doi.org/10.2308/BRIA-2020-011>
- Knechel, W. R. Krishnan, G. V., Pevzner, M., Shefchik, L. B., and Velury, U. K, (2013), "Audit quality: Insights from the academic literature", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(Supplement 1), pp 385-421.
- Kremin, J, (2015), "Control yourself! The impact of self-control on auditors' ability to practice professional skepticism", Working Paper. Portland State University Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2382823>
- Lavertue NE, V.K.Kumar, and R.J. Pekala, (2002), "The effectiveness of a hypnotic ego strengthening procedure for improving self-esteem and depression", *Aust J Clin Exp Hypn* ;30(1), pp 1-23.
- Masicampo, E. J., and R.F. Baumeister, (2008), "Toward a physiology of dual-process reasoning and judgment: Lemonade, willpower, and expensive rule-based analysis", *Psychological Science*, 19(3), pp. 255-260.
- Mullis, C. E., and R.C. Hatfield, (2018), "The effects of multi-tasking on auditors' judgment quality", *Contemporary Accounting Research*, 35(1):pp. 314-333.
- Muraven, M, D. Shmueli, & E. Burkley, (۲۰۰۶), "Conserving self-control strength", *Journal of Personality and Social Psychology*, 91(3): 524-537.
- Mursita, L. Y, N.Mustafida, R. Rachmadia, (2020), "Ego depletion and its effect on auditors' judgment and decision-making quality", *Jurnal Akuntansi dan Keuangan Indonesia*, Vol. 16, No. 2:pp 225-245.
- Musbah, A., Cowton, C.J. and Tyfa, D. (2016), "The role of individual variables, organizational variables, and moral intensity dimensions in Libyan management accountants' ethical decisionmaking", *Journal of Business Ethics*, Vol. 134 No. 3, pp. 335-358.
- Reckers, P. M. Samuelson. (2016), "Toward resolving the debate surrounding slippery slope versus licensing behavior: The importance of individual differences in accounting ethical decision making", *Advances in accounting*, 34:pp 1-16.

Effect Ego depletion on quality of judgment and decision-making auditors

Zahra Nazifi¹

AliReza MehrAzeen²

Ahmad Zendedel³

Abolghasem MassihAbadi⁴

Received: 05/ January /2025 Accepted: 25/ February /2025

Abstract

Auditing is a process that is always accompanied by judgment and decision-making, and since the quality of judgment and decision-making is related to the auditor's individual characteristics, there is an urgent need to further investigate the auditor's behavioral and psychological factors; Ego depletion represents one of the most under-recognized developments in recent psychological research. Based on this, in the current research, the effect of ego reduction on the quality of judgment and decision making of auditors is investigated. The research is experimental in terms of the data collection method and is placed in the field of behavioral and psychological research. The data related to the auditors working in audit institutions were collected during 2023 and analyzed using SPSS software. The data related to the reduction of the ego was realized during the experiments and designed scenarios and the Stroop test. The results indicated that the reduction of ego causes a difference in the quality of their moral judgment and decision making. The research results can be considered in the development of normative and descriptive behavioral theories in auditing.

Keywords: Ego depletion , auditor, test, quality of judgment and decision making.

¹ Department of accounting, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. accountt.zn@gmail.com

² Department of accounting, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. (Responsible author)a.r.mehrzaeen@iau-neyshabur.ac.ir

³ Department of accounting, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. Ah.zendedel@gmail.com

Content

• Investigating the impact of strategic intelligence on audit quality Mohammad Hosein Setayesh , Mina Sadeghi , Younes Masoudi & Elyas Dehdari	26
• Tone management and amount of Private Information by investors in stock trading: consequences ... Mehdi bashiri jouibari & Yahya Kamyabi	62
• Examining the Relationship between Innovation and Bankruptcy Risk with Emphasis on the Role ... Majid Gorgizadeh , Seyed Ali Vaez , Babak Abedi Sadaghiani & Seyed Aziz Arman	90
• Presenting the Model of Deviant Behavior Management Components Based on Organizational ... Meysam Maghsoudi Ashtiyani , Vahid Araei & Mohammadreza Rabiee Mandejin	118
• The Research Future of The Use of Artificial Intelligence in Auditing: From the Perspective of ... Farhad Azizi	134
• The Analysis of the role of Sustainability Reporting in CEOs' Investment Decisions Efficiency Yasman Khalili Mohammadtaghi Kabiri , Keramat Allah Heydari Rostami & Abolfazl Momeni Yanesari	162
• Effect Ego depletion on quality of judgment and decision-making auditors Zahra Nazifi , AliReza MehrAzeen , Ahmad Zendedel & Abolghasem MassihAbadi	188



In the Name of God



Judgment and Decision Making in Accounting

License Holder: Islamic Azad University-Central Tehran Branch

Executive Director: Dr. Farzaneh Heidarpour

Editor-in-Chief: Dr. Zahra Pourzamani

Managing Director: Dr. Amir Reza Keyghobadi

Editors: Dr. Zohreh Hajiha & Dr. Amir Reza Keyghobadi

April 2025

Volume 4. No. 13

ISSN: 2821-1707

Editorial Board:

Dr. S. Mehrani

Professor of Accounting, Tehran University.

Dr. Z. Pourzamani

Professor of Accounting, Islamic Azad University-Central Tehran Branch

Dr. Y. Kamyabi

Professor of Accounting, Mazandaran University.

Dr. F. Heidarpour

Professor of Financial Management, Islamic Azad University-Central Tehran Branch.

Dr. A. Jahanshad

Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University-Central Tehran Branch.

Dr. Gh. Mahdavi

Professor of Accounting, Shiraz University.

Dr. M. Salehi

Professor of Accounting, Ferdosi University of Mashhad.

- **Postal Coad:** 1955847881
- **Tel& Fax:** (+9821)73681452
- **Web:** jdaa.iauctb.ac.ir
- **E-mail:** jdaa@iauctb.ac.ir & jdaa.iau@gmail.com
- Opinions Expressed in this quarterly do not necessarily reflect the views of The Journal and University

Address:

Tehran- End of Artesh Blvd- Shahid
Sohani Street- above Sohanak Square-
Velayat University Complex- Azad
University- Central Tehran Branch
Tehran, Iran.